…ته و بیشتر شده است

…و نسطاق ندیم بعلاوه

…از جلدها نمه‌اش

...تة وبیشتر ثبت

...ق قدیم بجلد

...ز جلدهای نمائی

...در لدکان ... جلدساز معروف ...

دوره (شرف) از محرم ۱۳۰۰ هجری قمری تا [illegible] ۱۳۰۹ [illegible]

در این ۹ سال هشتاد و هفت شماره (۸۷) بخط کلهر نوشته و منتشر شده است

و بنده آنچه دوره شرف دیدم این کامل و منظم ندیدم بعلاوه

[illegible] این مجلد جلد [illegible] از جلدهای [illegible]

[illegible] جلدساز معروف [illegible]

[illegible] نظیر است

[illegible]

۳۱

DS
۳۱۶
/آ۲
۴ش
۱۲۶۱

شرف. [بمد یریت محمد حسن خان اعتماد السلطنه] نمره اول — نمره ۸۷، غره محرم ۱۳۰۰ق — ۱۳۰۹ق.
۸۷ نمره در یك مجلد. ماهیانه.
چاپ سنگی بخط کلهر

در هر نمره صور اعاظم این مملکت و شبیه اعیان ممالك دیگر هم ترسیم یافته و در ذیل هر صورت شرح حال صاحب صورت مرقوم شده.
"تصاویر بقلم ابوتراب غفاری برادر بزرگ کمال الملك و خط از کلهراست." صدر هاشمی. تاریخ جراید.
۱. ایران — تاریخ — قاجاریان — سرگذشت نامه.
۲. نقاشی ایرانی. الف. اعتماد السلطنه، محمد حسن، ۱۲۵۹؟— ۱۳۱۳ق. ب. غفاری، ابوتراب، نقاش.
DS۳۱۶/آ۲ش۴ ۱۲۶۱

مجلس سنا

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

اداره ....

شرف

محتویات این مجلد شماره ثبت ۱۳۸۷

از شماره اول غره محرم سال ۱۳۰۰ ه.ق تا شماره ۸۷ سال ۱۳۰۸ ه.ق

این روزنامه بمدیریت محمد حسن خان اعتماد السلطنه در طهران بسال ۱۳۰۰ ه.ق در غره محرم در چهار صفحه بقطع متوسط تأسیس و طبع و بطور ماهیانه منتشر میشد. و در هر شماره از روزنامه تصویر یکی از بزرگان مملکتی در عصر، بانضمام شرح حال او طبع گردیده. تصاویر بقلم ابوتراب غفاری برادر بزرگ کمال الملک نقاش معروف ایرانیست و خط روزنامه نستعلیق و از کلهراست.

(نقل و اقتباس از صفحه ۶۰ جلد ۳ تاریخ جرائد صدر هاشمی)

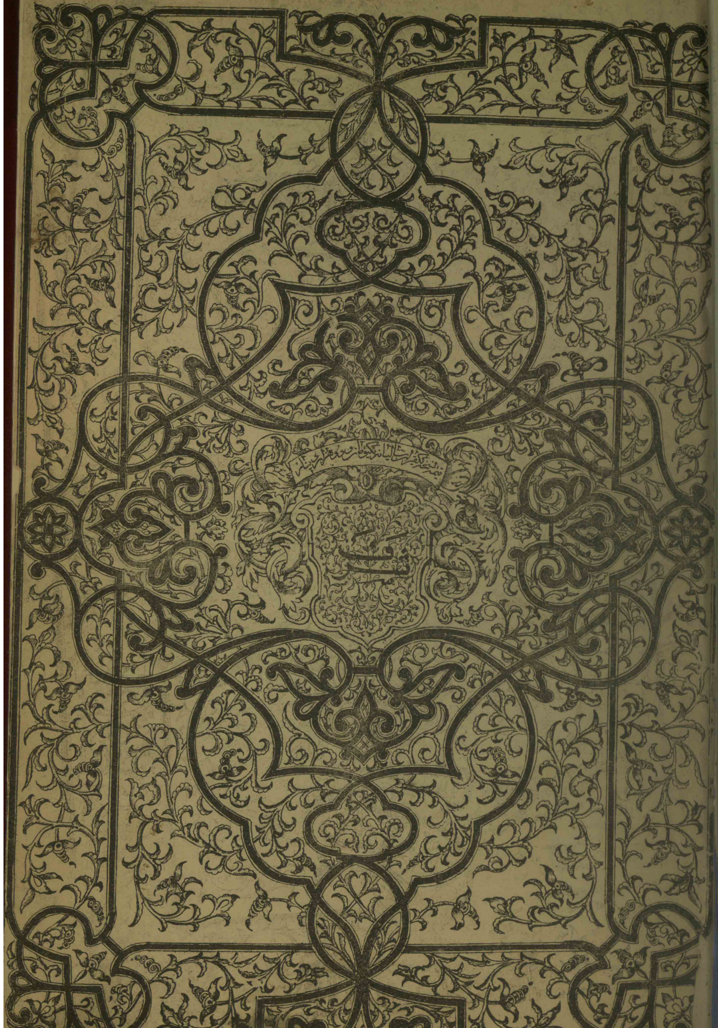

۶۱
د-۲

شرف

نمرهٔ اول
غرّهٔ محرم ۱۳۰۰

این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دوهزار دینار

اعلان

روزنامهٔ مصور که در اغلب دول فرنگ معمول و سابق هم چندی در دولت علیهٔ جلیله طبع میشد و بواسطهٔ بعضی عوایق متروک شد این مدت که ادارهٔ کل مطبوعات ممالک محروسهٔ ایران مفوض باین بنده است و چندین روزنامهٔ رسمی و پلتیکی و علمی و تجارتی و غیر رسمی در طهران و سایر بلاد طبع و منتشر میشود همیشه در خاطر داشت که بتجدید آن رسم پردازد و مجدداً ادارهٔ روزنامهٔ مصوری را برپا سازد که اقلاً ماهی یک نمره طبع شود و مخصوص باشد برسم صور اعاظم این مملکت و اگر موقع مقتضی شد شبیه اعیان ممالک دیگر از اروپا و آسیا و امریک بلکه افریقا و استرالی هم ترسیم یابد و در ذیل هر صورت شرح حال صاحب صورت مرقوم شود اگر چه روزنامهٔ مصور سابق دولتی بود و اینکه حالا بطبع آن اقدام مینمائیم غیر دولتیست ولی من البدو الی الختم سمت رسمیت دارد و از قید آزادی خارج و مشتملست بر چهار صفحه که دارای دو تصویر میباشد و از آنجا که مخصوص نگارش شرح حال بزرگان عالمست آنرا موسوم بشرف مینمائیم رجای واثق آنکه مطبوع و مقبول رجال دولت علیه و دانشمندان مملکت گردد

ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه

السلطان ابن السلطان ابن السلطان والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان

شرف و زینت این قرن و عصر بر سایر قرون و اعصار بآثار جلیله و مآثر کریمهٔ شهریاریست که ذات اقدسش بصفات عدل و داد متصف و آراسته و نهال اقبال برومندش را دست تائید بلطیفهٔ عنایت از هرگونه شوایب پیراسته آنچه اخلاق حمیده است خاصه علم و حلم از ملکات راسخهٔ این شاهنشاه کار آگاه است و حل و عقد امور کشور و قبض و بسط مهام مملکت و لشکر مخصوص شخص کامکار و نفس نفیس معالی آثار حضرت ظل اللهی و چون وضع این روزنامه برای نگارش احوال اشخاصی است که در عرصهٔ عالم بسمت تفرد و برتری معروف و بوصف عظمت و جلالت موصوفند مناسب آنست که نمرهٔ اول را باجمالی از احوال فیروزی مآل خسروانی موشح و باین طراز بی انباز مطرز و مزین سازیم چه تکلیف حقگذاری ما اینست و وظیفهٔ چاکری چنین پس گوئیم شب سه شنبه ششم شهر صفر المظفر سنه هزار و دویست و چهل و هفت هجری اصقاع و نواحی این ممالک از میامن ولادت باسعادت همایون بانواع برکات و اصناف فیض و رحمت مقرون و مشحون آمد هم از اول از جبههٔ مبارک باشارات لایحه و واضحه بعموم اهل ملت بشارات خوش بختی و بهروزی میداد و مقدم بهجت شیم مقدس انبای نیک اختری و سعادتمندی مینمود و سال بسال علایم رعیت پروری و دلایل مملکتداری با مکارم اخلاق و سجایائی که مقبول و ممدوح انفس و آفاقست از پیشگاه اقدسش ظاهر بلکه آناً فآناً بدرجهٔ شهود و ثبوت رسید چنانکه هر دیده دید و هر گوش شنید تا آنکه در سال هزار و دویست و شصت و چهار ظل عاطفتش بفر همائی پرتو افکن ساحت آذربایجان و ضیا بخش آن سامان گردید اهل آن ایالت در کنف جلالتش آسوده و در بستر راحت و ایمنی غنودند قبل ازین فرمانفرمائی در سال هزار و دویست و پنجاه و سه با جمعی از امجاد خدم و انجاد حشم تشریف فرمای قفقاز شده در ایروان با امپراطور نیکلای مرحوم امپراطور عظیم الشأن دولت روس جد اعلیحضرت الکساندر سیم امپراطور حالیه ملاقات فرمودند و درین تلاقی و مقام با وجودیکه سنین عمر مبارک را ارتقائی چندان نبود آنچه از متانت و رزانت رای و وفور فهم و فر باهر و لطف بهجت و طیب لهجت از آن فرخنده حضرت ذیموهبت پدیدار گشت همه رفتار ملوک نامدار بود و گفتار سلاطین تاجدار این اقوال و اطوار خسروانه را از فرط استعجاب نویسندگان در اوراق دفاتر نوشتند

و مطالعه کنندگان مطلع گشتند در اینجا حاجت تذکار نیست اما جلوس ابد مانوس شهریاری بر تخت فیروز بخت شاهنشاهی نخست در هیجدهم شهر شوال المکرم سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری در دار السلطنه تبریز بود و پس از آن در بیست و دویم ماه ذیقعده همان سال در دار الخلافهٔ ناصری اریکهٔ سلطنت عظمی و سریر خلافت کبری بقدوم میمنت لزوم علی زینتی بسزا یافت و مبشر اقبال بهر جانب شتافت که بشری تقدم انجز الآمال ما وعدا و ادرک المجد اقصی تمناه پس از جلوس همایون وزیر روز بر آبادانی

ملک و نظم دولت روزافزون و شکوه سلطنت و آسایش رعیت و منفعت طرق و شوارع و ترقیات مادی و معنوی و نشر علمیات و عملیات و رفاهیت عباد و معموری
بلاد خاصه عمارت شهر دارالخلافه ناصره که امروز از ابنیه رفیعه عالیه و مبانی و قصور مشیده و خیابانهای وسیعه داخل و خارج آن گرغوطه دمشق و سغد سمرقند را بر طاق
نسیان گذاشته چنانکه اینک بهشتی است خرم یا ثانی اثنین باغ ارم و در دیگر شهرها و سایر بلاد ممالک محروسه از هر طرف که مبنی آثارهای خیریه خسروانه است از آنجمله است ایجاد
مدرسه دارالفنون در دارالخلافه و مدارس و مکاتب دیگر در سایر بلاد نشر علوم عالیه ایجاد مریضخانهها و دواخانهها ابنیه خیریه متکثره در اماکن شریفه تذهیب گنبد مطهر سر من رای ایوان
طلای مشهد مقدس تذهیب گنبد حضرت عبدالعظیم علیه السلام ایجاد تلگرافخانه ایجاد ضرابخانه با چرخ بخار ایجاد چراغ گاز ایجاد پستخانه چرخ بخار در قورخانه کارخانه
توپ ریزی باروط کوبخانه با چرخ بخار کارخانه فشنگ سازی کارخانه چاشنی سازی ایجاد دایره پلیس سربازخانهها در شهرها نظم عساکر و ترتیب آنها بنای
قلعجات در سرحدات بنای مجمع الصنایع ترقی در نسج حریر و غیره ترقی در شال کرمان ابنیه متعدده در بلاد و شوارع عام بجهة رفاهیت عابرین ساختن راههای
شوسه در غلب بلاد که غالباً مسالک صعبه را سهل کرده انکشاف بعضی از معادن ایجاد مجلس شورای دولتی وزارت عدلیه منظم تعیین وزارتخانههای مرتب
دارالطباعه و ایجاد روزنامهها بالجمله تاریخ این عهد ابد مهد مختصر نشاید همینقدر گوییم اعلیحضرت همایون را در هر کار مزیت و اختصاصی است که میتوان وجود مسعود مبارک را
مبدع آن کار دانست بخصوص سفارهای خیریت آثار همایونی در خارجه که اولاً سفر عتبات عالیات و عراق عرب بود در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت ثانیاً سفر
اول فرنگستان در سنه هزار و دویست و نود که ممالک معتبره اروپا را تماماً سیاحت فرمودند ثالثاً سفر ثانی فرنگستان در سال هزار و دویست و نود و پنج
و در این دو سفر تمام سلاطین و امپراطورهای با تمکین اقلیم اروپ و روسیه معظم ملل در پذیرائی وجود مسعود همایون حد حرمت و احترام را مرعی
و منظور داشتند بلکه تاکنون هیچ پادشاهی در اقلیم فرنگ باین نحو پذیرفته نشده اللهم انصر جیشه و ابد عیشه

نواب مستطاب اشرف ارفع اعظم مظفرالدین میرزا ولیعهد دولت علیه ایران

ولیعهد دولت جاوید شوکت علیه ایران حکمران و فرمانفرمای مملکت آذربایجان و مضافات مظفرالدین میرزا ادام الله بقائه روز جمعه
چهاردهم ماه جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و شصت و نه متولد شدند و در سال هزار و دویست و هفتاد و هفت بفرمانفرمائی و حکمرانی مملکت آذربایجان
و مضافات نایل گردیدند و در ماه ذیحجه الحرام سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت بولیعهدی دولت ابد آیت علیه برقرار شدند و الی الآن که سال هزار
و سیصد میباشد و سنین عمرشان تقریباً بسی رسیده متقلد امور فرمانفرمائی مملکت مزبوره و مضافات میباشند ادام الله تعالی شوکته و اجلاله

محمد حسن

شرف

نمره دویم صفر المظفر ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب مستطاب اشرف ارفع اعظم والا ظل السلطان مسعود میرزا ظل السلطان حکمران اصفهان و یزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و کرمانشهان و کردستان و غیره

نواب مستطاب معظم روز بیستم شهر صفر المظفر سال هزار و دویست و شصت و شش متولد شدند و در سنه هزار و دویست و هشتاد و هفت بلقب یمین الدوله
ملقب گردیدند در هزار و دویست و هشتاد و شش در اوان حکمرانی فارس این لقب جلیل مبدل و ملقب بظل السلطان گشتند اکنون که سال هزار
و سیصد میباشد حکمرانی ایالات و ولایات اصفهان و یزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان و لرستان و کرمانشهان و کردستان
و گلپایگان و خوانسار و توابع بشخص شاخص ایشان اختصاص دارد و کلیه امتیازات بزرگ این دولت جاوید شوکت علیه را دارا میباشند ادام الله تعالی شوکته و اجلاله

جناب آقا

جناب میرزا یوسف ابن مرحوم میرزا حسن مستوفی الممالک اباً عن جدٍ از خدمتگذاران خاص این دولت جاوید اختصاص بوده و میباشند و منصب مستوفی الممالکی این دولت جاوید عدت علیه در حقیقت صد سال است که مخصوص خانوادهٔ ایشانست و در سلک وزرای عظام احدی محترم تر از ایشان نبوده و نیست هرچه امتیازات در این دولت قوی شوکت علیه برای رجال معظم و ارکان مفخم بوده یا جدیداً وضع شده از تمثال بمثال همایون و نشانهای بزرگ از قبیل قدس و غیره همه را بالاستحقاق دارا گردیده وجود ایشان برای دولت مغتنم و قدر و مقامات عالیهٔ ایشان معلوم است از سال هزار و دویست و هشتاد و چهار وزارت اول دولت علیه بکفالت و کاردانی جناب معظم واگذار گردید اگرچه رتبهٔ ایشان همیشه دارای انتظام و مرتبت بوده و میباشند دو سال قبل محض اظهار مرحمت و پاس حقوق و خدمات لایقه جناب آقا منصب مستوفی الممالکی را بمیرزا حسن ولد ایشان مفوض فرمودند چه شان و مرتبت ایشان این اوان بالاتر و والاتر از این رتبه و شئونات است در هر حال جناب معظم متقلد خدمات جلیلهٔ این دولت ابدآیت بوده و هستند و اکنون نیز وزارت داخله و ریاست وزرا مخصوص شخص جلیل محترم ایشانست و بر طبق مقاصد سنیهٔ مقدسهٔ شاهنشاهی دوایر راجعه بخود را اداره مینمایند

بسمه تبارک و تعالی

چون منظور و مقصود عمدهٔ دوایر روزنامجات و ادارهٔ وزارت انطباعات اینست که مطالعه کنندگان روزنامه ها باقسام فواید نایل و هرگونه بهرهمندی از ملاحظهٔ آن اوراق شریفه حاصل نمایند و یکی از فواید عظیمه مطالعهٔ سفرنامه های مبارکهٔ همایونیست که بقلم معجز رقم شاهنشاهی نگاشته شده و حاوی مطالب مهمهٔ جغرافیائی و بعضی وقایع تاریخی و نکات دیگر است که به بهترین اسلوبی ترقیم یافته بنابراین استدراک این فیض و افاضت با فواید و منافع این روزنامهٔ شریفه را بنگارش روزنامهٔ سفر خیر اثر شاهنشاهی بنمارستاق در سنهٔ ماضیه هزار و دویست و نود و نه بتکمیل مینمائیم و سیاق آن نگارش اعلی از قرار ذیل است

روزنامهٔ سفر خیریت اثر شاهنشاهی دام ملکه و سلطانه بنمارستاق

روز سه شنبه دهم شهر شعبان المعظم هزار و دویست و نود و نه توئیت ئیل در عمارت اندرونی در صاحبقرانیهٔ شمیران بعزم ییلاقات لار و نمارستاق و غیره برخاستیم هوا گرم است امسال نمونهٔ گرما زیاد است تا بعد چه شود طهران که خیلی گرم است حالا دهم سرطان است گندم و جو شمیرانات اول درو است الحمدلله از هر جهت ارزانی و فراوانیست مردم آسوده اند خلاصه رفتیم بیرون دیوانخانه که هنوز ناتمام است و کار میکنند انشاءالله امسال تمام خواهد شد

نایب السلطنه مشیرالدوله نصرالملک و بعضی از صاحب منصبان و غیره حاضر بودند بعد سوار کالسکه شده راندیم بین راه آجودان باشی و سلیمان خان صاحب اختیار رسیدند قدری فرمایشات شد راندیم بالاتر از اراج سوار اسب شدم سیف الملک دویست نفر از سوارهٔ جدید ابواجمعی خودش را که تا هزار سوار باید بشوند آورده بود در صحرا ایستاده بودند از سان گذشتند سوارها یکدسته پسر محمدخان نهاوندی بود بسیار خوب سواری بودند دستهٔ دیگر خمسه و شاهسون دوَیرن

باز هم نایب السلطنه و سلیمان خان صاحب اختیار و غیره فرمایشات کردیم بعد رفتیم نهار را در درهٔ کوه تل هزار خوردیم آجودان مخصوص و سیف الملک و عمید الملک که باید بشهر معاودت کنند بودند بعد از نهار مشغول کاغذخوانی و احکام نوشتن و غیره شده بعد عصری راندیم بالای کوه سوهانک برای منزل که چشمه چنار کلندوک است هوا خیلی گرم بود بطوریکه آدم خیلی صدمه میخورد مهدیقلی خان میرآخور و نایب ناظر و جعفرقلیخان و اکبرخان و امین حضرت و ناظم خلوت و میرزا محمد و غیره در رکاب بودند رفتیم بکلاه فرنگی باغ کنار رودخانه بسیار خوب درخت کاری و جنگل سازی و غیره شده است این باغ و عمارت احب الامر امین السلطان ساخته است

واطراف باغ را جنگل و بیشه ساخته است که چند سال دیگر جنگل انبوه خواهد شد این باغ و رودخانه را امین السلطان به آقا حیدر برادر آقا محمد تقی مرحوم سپرده است
و او هم مواظبت دارد بعد که آفتاب رفت سوار شده راندیم برای منزل دوم در باغ عضد الملک و زنبوردار باشی که تازه از عقب رسیده بحضور آمدند خلاصه
رفتیم تا نیم ساعت از شب رفته وارد منزل که جای بیشه و چشمه چنار است وارد شدیم هوای شب بد نبود امین السلطان و ایلخانی و صنیع الدوله و حکیم
طولوزان و ملک الاطبا و شیخ الاطبا این سفر در رکاب هستند میرزا ملکم خان ناظم الدوله که چندی در طهران بود این روزها از راه رشت بفرنگستان مراجعت کرد
روز چهارشنبه یازدهم صبح سوار شده رفتیم بچشمه بیدی و در چمن نهار خورده تا عصر آنجا بودیم کاغذ و نوشتجات ملاحظه کرده بشهر فرستادیم صنیع الدوله و
نایب ناظر زنبوردار باشی ناظم خلوت وغیره بودند یک آلافاخته روی هوا خیلی خوب زدم حسینخان امین حضرت وغیره هم بودند هوا گرم بود عصری
بمنزل مراجعت کردیم حکیم تکز و میرزا نصرالله و مسیو بینه دندان ساز آمده بودند شجاع السلطنه با قراول فوج بهادران تبریز در رکاب است شب خیلی گرم
بود خوابم نبرد روز پنجشنبه دوازدهم باید برویم افجه صبح برخاسته سوار شدم ما از راه دره گندر رفتیم میرشکار را با چند نفر عمله فرستاده بودیم راه را طور
بسازند بعضی از جاهای راه خیلی بد بوده اما بعد از ساختن است خوب میرفت رفتیم از راه گندر تا رسیدیم بگند پائین بعد رفتیم گند بالا ده بالا آباد تر و
بهتر است رفتیم بالاتر از ده که از راه دره و آبشار برویم راه بدی داشت میرشکار دیده شد پیاده شدیم سایرین هم پیاده شدند دیدیم هرچه بالاتر برویم
بیدرخت و سنگستان است رفتیم بالای بلندی پیاده شدیم آفتاب گردان زدند نهار خوردیم عضد الملک و زنبوردار باشی و مهدیقلیخان میرآخور و
جعفرقلیخان و حسینخان وغیره بودند دو ساعت و نیم بغروب مانده سوار شده رفتیم رو بافجه راه خوبی نبود همه جا هم سواره رفتیم ده بزرگ حاصلخیز آبادی
دارد همه سبز و خرم هنوز جو اینجاها سبز است درختها امسال بیش خوب است ده گند هم بسیار حاصلخیز و سبز و خرم است محمد حسینخان قاجار
معروف بقزل ایاغ در گند املاک موروثی از مال پدری دارد خلاصه یکساعت و نیم بغروب مانده وارد افجه شدیم افجه هم بسیار گرم است بخصوص
امروز شب را بیرون شام خوردیم صنیع الدوله بود روزنامه میخواند اوضاع مصر این روزها خیلی مغشوش است روز جمعه سیزدهم برخاستیم برای
لار صبح زود سوار شدیم امین السلطان و سایرین جلو بنه راندیم از کوه سرلا در کیا چال محقق و محمد حسین میرزای پیشخدمت بحضور رسیدند شاهزاده
ناخوش بود صنیع الدوله و زنبوردار باشی همراه بودند سرگردنه نهار افتادیم انوشیروان میرزای ضیاء الدوله در سرگردنه بحضور رسید سایرین
که امروز بحضور رسیدند عبدالله خان شجاع الملک محمد میرزا برادر تیمور میرزا آقا مسیح آقا شکور ابراهیمخان غلامحسینخان مهدیخان بودند بعد از نهار
از کوه سرازیر شده راندیم برای منزل که چشمه قلقلی است شش ساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم محقق تاریخ خواند هوای اینجا خوب است

تتمه در نمره آتیه

محمد حسن

شرف

نمره سیم — ربیع الاول ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

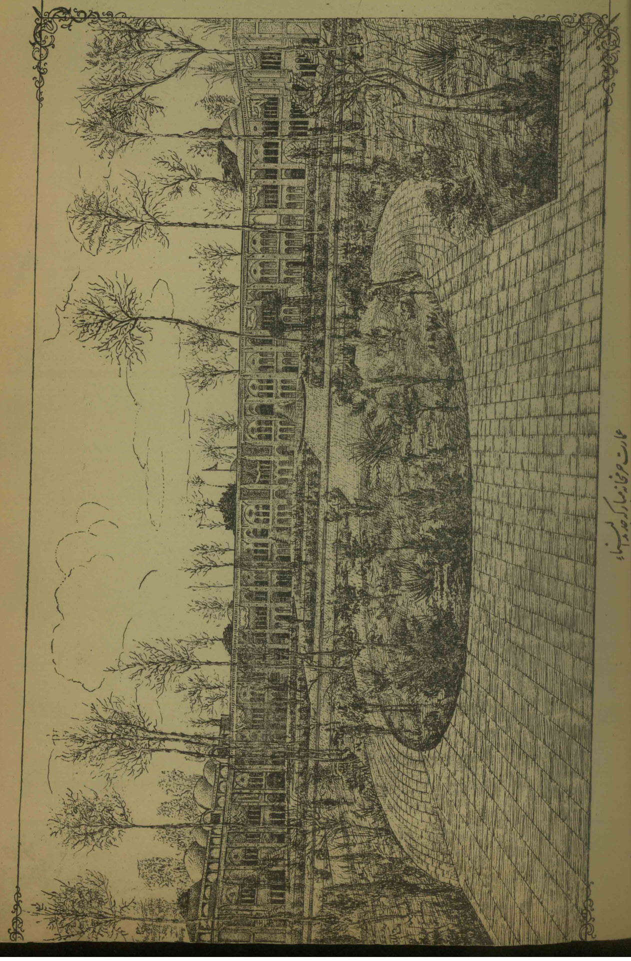

عمارت حرمخانه مبارکه جدید البناء

عمارات حرمخانه مبارکه دار الخلافه باهره مسکن خدام حرم جلالت عبارت از بیوتات عتیقه و ابنیه قدیمه بود که از چهار پادشاه مانده چنانکه بعضی
از آنها را کریمخان وکیل در اوان اقامت طهران بنا نهاده و برخی را بفرمان حضرت شاه شهید سعید آقا محمد شاه و چند باب را بامر خاقان مغفور
فتحعلی شاه و چند باب دیگر را بحکم شهریار مبرور ماضی محمد شاه انار الله برهانهم ساخته بودند و این بیوتات خیلی متعدد و در کمال عظمت اما مستعد هدم
و خرابی بود و مطلقا محل اطمینان و طرف اعتماد نمیتوانست شد و نمیتوانستند در آن مساکن آسوده و بخیال زیست نمایند چه مرور دهور موجب سستی و
فتور و انهدام مبانی عمارات میکردد خاصه در خاک طهران که چندان قوتی ندارد که گذشته از این دو قنات بسیار معتبر از زیر عمارات مزبوره میگذرد و
یکی قنات مهرگرد که از قدیم در همین مجری و محل جاری بوده دیگر قنات ناصری که در اوایل جلوس ابد مانوس اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه
احداث شده و الی الآن زیاده از سی سال است که داخل عمارات حرمخانه مزبوره میشود و مسلم است که عبور دو قنات معتبر از زیر عمارت موجب خرابی
و وهن مبانی آن میکردد هرچند آن مبانی را نهایت استحکام باشد و آن مجاری را بخوبی و درستی ساخته باشند و مواظبت از آن کنند و بهمین جهت
هر سال تقریبا سی هزار تومان خرج تعمیر و مرمت این عمارات میشد و اگر امسال هم بمرمت و تعمیر میپرداختند هفتاد هشتاد هزار تومان مخارج داشت
و از رفع تزلزل خیال و پرهیز از بعضی مخاطرات نمیشد در اینصورت صواب آن بود که یکباره بتجدید این عمارت پردازند تا هر سال دیوان همایون
گرفتار و دچار خسارت فوق العاده مرمت و زحمت خطر و خرابی نباشد و از آنجا که این کار شغلی نهایت بزرگ و شاغل و مهمی خطیر و عظیم بود و باید
بمباشرت و کاردانی شخصی کافی صورت انجام یابد که بعضی مناسبات از بابت وجوه و تسلط و اسباب و غیره داشته باشد جناب امین السلطان
وزیر دربار اعظم و خزانه عامره را برای استکمال این قصد و نیت اختیار و انتخاب فرمودند و از اول سفر خیر اثر ییلاق همایونی شروع بعمل نمودند
و هر روز پنجهزار نفر عمله و بنا و نجار و حجار و نقاش مشغول کار بودند و شب و روز کار میکردند تا در ظرف هشت ماه این کار بزرگ و بنای با رفعت
و عظمت در کمال استحکام و متانت بید کفایت جناب امین السلطان و بمعماری حاجی ابو الحسن معمار باشی زیور اتمام و آراستگی حاصل نمود
و فی الحقیقه کاری صعب و مشکل بود و جز جناب معزی الیه اگر کسی اقدام و مباشرت میکرد میتوان گفت بدرستی از عهده بر نمی آمد چه از وقتی
که شروع بخرابی نمودند با وجود اسباب و لوازم خارجه که کاملا آماده و مهیا شده و مال و بارکش کرایه که در کار داشتند تا مدتی روزی
هزار راس اسب و نفر قاطر و شتر دیوانی حمل خاک و آوار از داخله عمارت بخارج مینمودند نیز جناب امین السلطان بوجهی سایر اسباب و مصالح
و آلات و ادوات و کارگر و ارباب صنایع متعلقه باین بنا را با وجود رعایت مراسم انصاف و حسن سلوک و راستی و درستی که شیوه مخصوص ایشانست

فراهم نمودند که جز شخص ایشان کسی را دارای این خبرت و بصیرت و نظم عمل نظر نداریم و در حقیقت جای کمال تعجب است که این همه ابنیه قدیمه را از
ظرف هشت ماه بالمره خراب کنند و مصالح و خاک و خاشاک آنرا بیرون برند و از نو یک عمارت خیلی عظیمی بطرح تازه بسازند که روی هم رفته دارای

جناب امین السلطان

هزاران مسکن باشد و همه با سنگ و آجر و گچ ساخته شود پس اینکار از عجایب کارهای این عصر است استحکام این بنا بدرجه ایست که البته صد سال
دیگر تعمیر لازم ندارد و این حیاط وسیع خیلی بزرگ و با صفاست جدولها باغچها حوضها خیابانهای متعدد در این حیاط بزرگ و حیاطهای دیگر طرح شده
و از ابنیه قدیمه تنها بنائی که باقی مانده و بنائی قدیمی و محکم و عالیست تالاریست مشهور بتالار شمسی که در سال هزار و دویست و نوزده بامر خاقان

خلد آشیان فتحعلی شاه طاب ثراه ساخته شده و اشکال و تصاویر کارگاهها و جنگهای همان شاهنشاه در آن تالار نقش و مرتسم بود آن تالار را بجهة یادگار نگاه داشته و جزو این عمارات کرده‌اند خلاصه چون این بنای رفیع عالی با وضعی ممتاز و امتیازی کامل تمامی و تکمیل یافت قبل از آنکه مسکون شود واحدی از خادمان حرم جلالت در آن سکنی گیرد لازم دانستیم که صورت آنرا در روزنامه شریفه شرف نقش و مصور سازیم این بنائی که در این روزنامه دیده میشود چنان تصویر شده که بطرف مغرب عمارت نظر میکند و از دو سمت شمال و جنوب هم قدری نموده شده اما طرف مشرق و بقیه طرف جنوب و شمال که از نظر مستور است بجهة وضع نقاشی است که ممکن نیست یک بنائی با این وسعت و عظمت را نقاش چنان بسازد که جمیع جهات و اطراف آن مشهود باشد و اگر کلیه بنا را بخواهند از قرار ذیل است

سطح زمینی که عمارت شامل آنست چهل و پنجهزار ذرع مربع میباشد که بیست هزار آن ساخت بناست و بیست و پنجهزار فضای حیاط طول عمارت بزرگ اندرونی صد و بیست ذرع و عرض صد ذرع فضای حیاط من حیث المجموع دوازده هزار ذرع پنج باب تالار بزرگ در طرف طول واقع شده چهار تالار در طرف عرض هشت رخت شویخانه و نه حمام و پانزده خلوت مسکون دارد که هر یک عمارت معتبریست اطاق مسکون عمارت غیر از راه رو و راه پله تحتانی و فوقانی عبارت از پانصد باب است بالجمله بعد از آنکه جناب امین السلطان طوری که باید و شاید و در خور انجام چنین خدمتی بزرگ و عمده باشد مورد الطاف و مراحم خاصه خسروانه گردیدند و شرایط آسایش و سکونت این عمارت عالی و بنای باشکوه موجود و آماده گردید در روز هفتم شهر ربیع الاول خدام حرم جلالت باین سرای بهجت انتما داخل گردیده هر یک در اماکن و مساکن مقرره خود سکنی گرفتند

جناب امین السلطان

جناب امین السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه عامره از ابتدای تقلد خدمات آستان همایون و مراقبت در مهام جلیله دولت روز افزون طرف وثوق و اعتماد کامل خاطر خطیر اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره بوده و در سال هزار و دویست و هشتاد و شش بلقب جلیل امین السلطانی ملقب گردیدند و الی الآن که وزیر دربار اعظم و خزانه عامره میباشند روز بروز بر مشاغل و مناصب و مدارج ترقیات ایشان افزوده شده و همواره خاطر الهام ذخایر مقدس را بوجه اکمل از مساعی و مجاهدات خود خرسند ساخته و عمده امتیازات این دولت و شوکت علیه را حاصل و دریافت نموده‌اند

محمد حسن

شرف

نمرهٔ چهارم

شهر ربیع الثانی ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه نکیران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

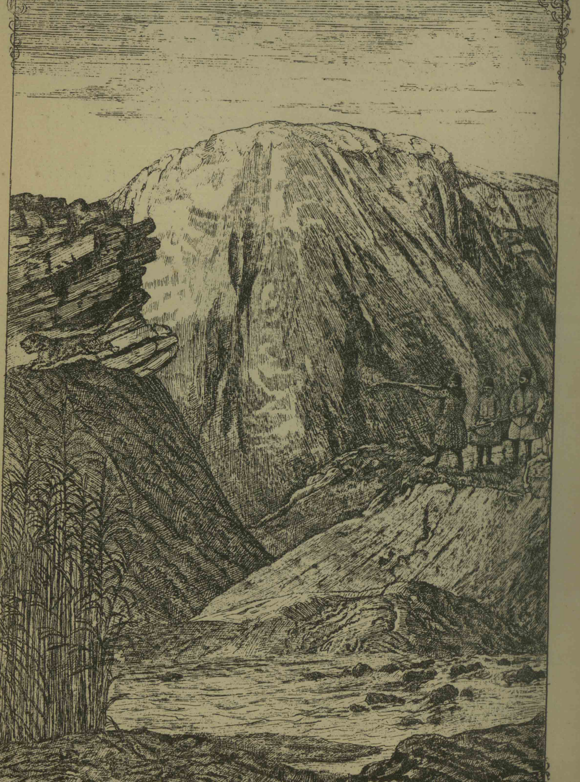

در ماه صفر المظفر که موکب منصور اعلیحضرت شاهنشاهی ایده الله تعالی بنصره تشریف فرمای شکارگاه جاجرود بود در روز پنجشنبه هفدهم ماه مزبور در
کوه داغ بزرگ مقابل ترقیان پلنگ بزرگی شکار شست مبارک گردید و شرح آن را در روزنامه مبارکه ایران نمره پانصد و ششم درج نمودیم و اظهار داشتیم
که این هفدهم پلنگ است که اعلیحضرت اقدس همایون خلد الله ملکه و سلطانه بدست خسروانی صید فرموده اند صفحه اول روزنامه وضع آن

صید و شکار را معلوم و آشکار میسازد

نواب مستطاب اشرف ارفع اعظم والا کامران میرزا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ

نواب مستطاب معظم روز نوزدهم ذیقعدة الحرام سنه هزار و دویست و هفتاد و دو متولد شدند و در سال هزار و دویست و هفتاد و پنج بنیابت
سلطنت دولت ابد آیت علیه برقرار گردیدند در هزار و دویست و نود و هفت وزارت جلیله جنگ باهتمامات حسنه ایشان واگذار و مفوض گشت
والی الآن این وزارتخانه معظمه و حکومت دار الخلافه باهره ناصری و ولایات مازندران و گیلان و غیرها بتوجهات شامله ایشان منظم و مشمول است

و جمیع امتیازات بزرگ این دولت جاوید عدت علیه را دارا هستند ادام الله شوکته و جلاله

بقیه روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشاهی دام ملکه و سلطانه بنمارستاق

روز شنبه چهاردهم در منزل اطراق شد کاغذها خوانده جواب و احکام شهر نوشتیم امروز بواسطه زکام و سینه درد قدری کسالت داشتیم
شب را چون شب مولود حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه بود آتشبازی شد امین خلوت و حسینخان هم امشب آمده اند
روز یکشنبه پانزدهم رفتیم بیورت سیاه پلاس باز زکام و کسالت باقی بود سوار شدیم همه حاضر بودند ساری اصلان و حسینقلیخان میرپنج
و امین خلوت و حسینخان بحضور رسیدند میرشکار گفت رودخانه ورارود خیلی آب دارد چون بنا بود از آنجا بنمارستاق برویم میرشکار را
فرستادیم راه بلده را تعمیر کند که از آنجا بنمارستاق برویم آب لار امسال خیلی زیاد است رودخانه آب صاف زیادی از دره چهل بره میاید
هیچ سال در این فصل از این دره اینقدر آب نمی آمد صحرای سیاه پلاس هم علف و گل داشت خلاصه وارد منزل شدیم
روز دوشنبه شانزدهم صبح برخاستیم الحمد لله احوالم خیلی خوب بود امین السلطنه که مدتی در شهر ناخوش بود خوب شده و آمده امروز وارد اینجا
شده است بحضور آمد الی عصر بعضی نوشتجات وزارتخانه ها را خوانده جواب دادم دو ساعت بغروب مانده سوار شده اطراف اردو گردش کردیم
چادرهای مردم تک تک درهم افتاده بود اسبها و قاطر و شتر و گوسفند در چرا بودند بی تماشا نبود کشیکچی باشی و امین خلوت و آقا مسیح و اسکورت

و غیره قرقی می انداختند بلدرچین میگرفتند بعد رفتیم بالای تپه قدری نشسته دوربین انداختیم میرآخور که رفته بود ایلخی مادیان را ببیند اما بالای
تپه تعریف میکرد چند کره هم گرفته آورده بود یکی خیلی خوب بود دو پا سفید و گونه و پیشانی و دهن سفید آورده است که خودش تربیت کند خیلی خوب کره بود
روز سه شنبه هفدهم صبح احوالم خیلی بهتر بود سوار شده رفتیم برای یورت چهل چشمه در اول دهنه لب رودخانه نهار افتادیم جای گلزار باصفائی بود

نواب مستطاب اشرف ارفع اعظم والا امیر کبیر نایب السلطنه وزیر جنگ

بعد از نهار شهر و غیره احکام زیاد نوشتیم غلامها بردند بعد سوار شده با امین السلطان و فراشباشی و غیره مختصر رفتیم برای تشخیص یورت و چادر
سراپرده جای بسیار خوبی تعیین شد در اول دهنه که الی حال آنجا نیفتاده بودیم بعد گردش کنان قدری بالاتر رفتیم بسیار بسیار باصفا بود همه جا چمن
و گلهای مختلف یک بلدرچین زدم سیوهینه دندان ساز را دیدیم که کنار رودخانه پیاده شده بود ماهی بگیرد بعد کم کم مراجعت بمنزل شد صحرا و هوا

خیلی با صفا بود کوسفندها و بوی آویشن و سیاه چادرهای ایلات و شتر و الاغ و سایر حیوانات که در چرا بودند خواندن قازالاق و غیره جلوه و تماشای خوبی و عالم بسیار خوشی داشت غروب وارد منزل شدیم امشب الحمد لله تعالی احوالم خوب است علیرضا خان سرهنگ پسر آقاخان صمصام الدوله مرحوم اردوئی هم این سفر آمده است

بقیه در نمره آتیه

در موقع عید مولود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی رئیس دار الطباعه مبارکه غزلی در تهنیت این عید سعید عرض کرده در پیشگاه حضور مهر ظهور مقدس نهایت پسندیده و مستحسن افتاد و مقرر شد در روزنامه شریفه شرف درج شود چون در نمره‌های پیش بسبب پیوستگی اخبار ممکن نشد در این محل نگاشته میشود و هو

باده در جام طرب یار ندیم است مرا … امشب از محتسب شهر چه بیم است مرا

در شب عید همایون شهنشه چه عجب … بزمی از غیرت فردوس نعیم است مرا

شحنه جام طمع کر بکمین است چه غم … شاهدی پخته‌تر از فکر حکیم است مرا

آفتابست عیان در دل شب زانکه بدست … ساغری چون کف موسای کلیم است مرا

عید را با می و معشوق مبارک کردن … همه دانند که این رسم قدیم است مرا

عید را هست شمیمی خوش و من نیز خوشم … تا دماغی تر از آن طرفه شمیم است مرا

کلرخان خاصه شب عید همه یار منند … با بتان الفت ریحان و نسیم است مرا

عید را وجهی اگر باید و نقدی شاید … گوهر شعر بجای زر و سیم است مرا

میدهم شعر و می غالیه بو میگیرم … وندرین داد و ستد سود عظیم است مرا

مادح عید شهنشاهم و با این همه فضل … بر خلاف دگران قلب سلیم است مرا

چون فروغی خبرم هست ز اوصاف ملک … آگهی نیز از آن خلق کریم است مرا

هست از دولت مولود شهنشه که امشب … باده در جام طرب یار ندیم است مرا

محمد حسن

شرف

نمره پنجم … جمادی الاولی ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد … قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

شاهزاده حسام السلطنه

شاهزاده سلطان مراد میرزا حسام السلطنه ابن مرحوم رضوان جایگاه نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه از شاهزادگان بزرگ خانواده سلطنت و اعاظم کرام با احتشام اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه از اول عهد شباب متقلد مهام جلیله ابد دولت روز افزون و در سال اول جلوس همایون ملقب بحسام السلطنه گردیدند و از خدمات بزرگ این شاهزاده معظم در اول این عهد ابد مهد امن کردن خراسان و منظم ساختن آن نواحی و سامان و فتح هرات است که در سال هزار و دویست و هفتاد و سه قشون بریاست اردوی همایون آ … در سفر خیریت اثر عراق عرب در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت و در سفر اول که موکب مقدس شاهانه عزیمت فرنگستان نمود شاهزاده معظم شرف التزام رکاب شاهنشاهی را داشتند علاوه براینها پیوسته بحکمرانی و فرمانفرمائی ایالات معظمه ممالک محروسه برقرار و خاطر مهر آثار خسروانه را از مجاهدت و مساعی خود خرسند داشته‌اند

بجمیع مراتب جلیلهٔ این دولت و شوکت نایل و فایز گردیده این اوقات بحکمرانی و فرمانفرمائی ایالتین خراسان و سیستان منصوب شده ولی بلافاصله مریض گشته روز دوشنبه دویم ماه جمادی الاولی مقارن ظهر داعی حق را لبیک اجابت گفته برحمت ایزدی پیوستند

جناب امین الدوله

جناب میرزا علیخان امین الدوله از مبادی این عهد همایون باقتضای لیاقت فطری و وفور عقل و دانش ذاتی در کنف مرحمت خاص بشرف تربیت مخصوص پادشاهی مشرف و مباهی گردیده سالها منشی مخصوص حضور همایون بودند و از حسن سلیقه و سرایر و مکنونات خاطر مهر مظاهر همایونی خبرتی بسزا حاصل نمودند تا در سال هزار و دویست و نود بلقب امین الملکی و وزارت رسایل نایل شدند اداره پست ممالک محروسه نیز بجناب معظم مفوض و از حسن کفایت ایشان شغل اداره پست یکی از مهام مملکت فرهنگ مرتب و منتظم گردید در سال هزار و دویست و نود و پنج که ویکتور امانول پادشاه ایطالیا مرحوم شده اعلیحضرت هومبر پسر پادشاه مرحوم بجای پدر بر سریر سلطنت آن مملکت جلوس نمود جناب معظم از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بسمت سفارت مخصوص بدربار دولت ایطالیا و ابلاغ تعزیت از وفات ویکتور امانول و تهنیت جلوس اعلیحضرت هومبر مامور گردیده این خدمت عمده را چنانکه شاید بانجام رسانیدند اداره دار الشورای دولت و سلطنت تبلیغ فرمایشات همایونی بمجلس شوری نیز بعهدهٔ امانت و لیاقت ایشان تفویض شد وزارت وظایف و اوقاف نیز در سال هزار و دویست و نود و هشت از آثار استحقاق مزید بر سایر مشاغل و اعمال ایشان گردید در سال هزار و دویست و نود و نه بلقب جلیل امین الدوله که از القاب بزرگ این دولت است ملقب شده و همواره اوقات خدمات شایستهٔ ایشان مقبول خاطر مبارک و موجب بروز مراحم و الطاف ملوکانه دربارهٔ ایشان بوده و هست

بقیه روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشاهی دام ملکه و سلطانه بنمار پستاق

روز چهارشنبه بیست و هفتم شعبان صبح سوار شده رفتیم بیورت چهل چشمه جناب امین الدوله سراپرده و دستگاه زده بود از آنجا گذشته رفتیم بالاتر که یورت قدمست در چمن بسیار خوبی که گلهای زرد و غیره داشت آفتاب گردان زده نهار خوردیم هنوز بقیه زکام و سینه درد جزئی باقی بود تا عصر در آنجا مشغول خواندن نوشتجات دولتی بودیم عصر مراجعت نموده مقارن غروب رسیدیم سر گوسفندهای جی دمان که چوپانها مشغول شیر دوشیدن بودند قدری تماشا کرده وقت اذان وارد منزل شدیم

روز پنجشنبه بیست و هشتم امروز از یورت کوچ بیورت چهل چشمه شد صبح مارفتیم سر بالای دو خانه در محاذی یورت چشمه قلقلی کنار آب چهل بره توی چمنی نهار افتادیم بعد از دوم چادرهای ایلات که میگذشتیم تهیه و بهای دست فروش نها و نمدرا دیدیم که چیت و بعضی اجناس دیگر آورده بایلات میفروختند صبح که سوار میشدم اکبرخان از ورارود آمده عریضه از میرآخور آورد که از آب ورارود انشاء الله میتوان گذشت گفتیم شاطرباشی بشیرالملک او را بردیورت دیگر پیش امین السلطان که جواب بدهد میرآخور امشب راهم در ورارود بماند حسینقلیخان و حسنخان و ابراهیمخان و علیخان اشرفی هم همراهش هستند خلاصه در مراجعت از نهارگاه با نشته که پارسال حکم شد بگنند و آجر کاشی درمیآمد رفتیم پیاده شده تماشا کردیم چهار صفه حوضخانه مانندیست تمام را با آجر طاق زده‌اند بالای آن هم عمارتی بوده است که کاشی کاری در عمارت آن

جناب امین الدوله

بالا بوده جای خوب و بنای محکمی بوده است خلاصه سوار شده غروبی وارد منزل شدیم سراپرده و چادرها را بسیار خوب زده بودند جای باصفائیست جمعه بیست و نهم نهار را در منزل خوردیم قدری نوشتجات و کاغذهای شهر را خوانده جواب نوشتیم صادقخان که با میرشکار رفته بود راه بلده را بسازد از میرشکار عریضه آورده بود که راه را ساخته‌اند اما نوشته بود بد راهیست و پنج شش فرسخ با نمار پستاق راه است الحمد لله از اینطرف که میرآخور اطمینان داده بود ما هم بمیرشکار نوشتیم از همانجا برود بنمار پستاق بنا عصری میرآخور و اکبرخان از ورارود آمده بودند بحضور رسیدند میرآخور عرض کرد که پل ساخته است و راه را درست

کرده است انشاءالله تعالی خوش خواهد گذشت   شنبه بیست و یکم الی عصر منزل بودیم شیخ تنها حضور داشتند کاغذخوانی شد

روز یکشنبه بیست و دویم صبح هوا بسیار سرد بود سوار شده از میان اردو گذشته میخواستیم مادیانهای ایلخی را ببینیم رفتیم از آب سفید آب که داخل رود لار میشود گذشته آن طرف بفاصله قدری مسافت چمن خوبی بود نهار خوردیم جلو و اطراف را مه گرفته بود باد بسیار سردی می آمد بواسطه هوای مه ابر و احتمال باران داشت زود چای خورده سوار شده رفتیم رو بمنزل مادیانها را امروز ندیدیم یکساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم امروز ابراهیم خان و میرزا محمد خان لاریجانی آمده بودند بحضور رسیدند خبر غریبی میگفتند که امسال زمستان یا اول بهار یک ده از بلوک بو تقلم لاریجان با خانهایش بزمین فرو رفته اما کسی از سکنه ده نمرده است

دوشنبه بیست و سیم از صبح الی عصر در منزل توقف نموده خوب شد که سوار نشدیم از شش ساعت بغروب مانده طرف دماوند و لار و مازندران ابر و رعد و برق شدیدی بود باران و تگرگ زیادی متجاوز از یکساعت متصلا بارید بعد کم کم هوا باز شد خلاصه امروز تمام روز را مشغول خواندن و نوشتن کاغذ و نوشتجات بودیم مادیانها را صبح آورده بودند جلو سراپرده ها آن طرف رودخانه میچریدند مادیانها و کره ها همه خوب و فربه بودند بقدر ششصد راس اینجا بود

روز سه شنبه بیست و چهارم امروز باید برویم بکنار رودخانه ورارود صبح خیلی زود یکساعت بدسته مانده برخاسته سوار شدیم امین السلطان و پیاده ها و سقاها کنار رودخانه ایستاده بودند که بار و غیره را بگذرانند اما آب شدتی نداشت بار خوب میگذشت از آب گذشته آنطرف براه افتادیم همه خیال ما این بود که در راه مبادا بوقت برود باران بگیرد تند میرفتیم تا رسیدیم زیر گردنه ورارود زیر گردنه دیدیم از بار و بنه راه بند آمده که عبور ممکن نیست و بنه زیادی هم عقب است کشیکچی باشی و غلامها را آنجا گذاشتیم که بنه عقب را بگذرانند برود خودمان با بسیار ماها دیدیم به بیراهه بسیار بدی که همه سنگهای بزرگ ریخته بود خیلی بزحمت رفتیم بالا در آن بالا قدری راه بهتر شد بجاده افتادیم آن طرف گردنه راه خوب گشاده شد چشم انداز خوبی بکوهها و دره و غیره داشت سبزه و چمن و برف خیلی باصفا بود بهمن خیلی بزرگی جلو دره سر راه افتاده بود نهار را بردند آنجا حاضر کنند اینجاها مرتع و مسکن ییلاقی ایلات سیل سپر و علی کائی و عرب است ایلات متمولی هستند رسیدیم نهارگاه بهمن خیلی بزرگ و زیاد بود خلاصه نهار خورده ابرها از قله دماوند و از طرف مغرب و جنوب بنای حرکت گذاشتند زود سوار شده راندیم بمنزل از چمن و علفزار خوبی که همه شبدر بود راندیم اینجاها خیلی مرتفع و خوب و هوای بسیار سردی دارد لباس زمستانی پوشیدیم نزدیکیهای منزل باران شروع کرد بباریدن وارد منزل شدیم میرآخور پل خوبی بسته بود و یک پل هم فراشها بسته بودند آب رودخانه کم و خیلی صاف و با صفا بود سراپرده و چادرها را دو طرف رودخانه زده بودند آب از وسط میرفت بعد از ورود بمنزل ابر زیاد گردید رعد و برق شدیدی شد باران و تگرگ بسیاری بارید الی دو ساعت طول کشید همه جا و همه کس تر شدند سیل کمی از کوه برخاست خلاصه آب رودخانه گل آلود و زیاد شد هوا و آب و صحرا خیلی مهیب و هولناک گردید بعد از دو ساعت هوا باز و آفتاب شد و مردم آسوده شدند

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

شرف

نمره ششم

شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد   قیمت نسخه طهران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

منظر تالار عمارت مبارکه گلستان که موزه همایونی در جنب آن واقعست

یکی از آثار معظمهٔ عهد ابد مهد همایون تالار و عمارت مبارکهٔ موزه است که این اواخر صورت انجام و زیور تمام یافته است و نظیر این بنای عالی از حیثیت رفعت و وسعت و متانت و لطف تناسب و استحکام و حسن مکانت و مقام درین ازمنه و ادوار و قرون و اعصار در ممالک محروسه بلکه در اغلب امکنه و بلاد خارجه ساخته و آراسته نشده است

تالار موزهٔ همایونی که طولاً پنجاه و سه ذرع و عرضاً هیجده ذرع و مشتمل بر بیست طاق است در سمت شمال قصر زمستانی و باغ سلطنتی واقع شده همین که از دیوانخانهٔ بزرگ بدربار اعظم آمدند و از دربار اعظم از در معروف بسلام که در طرف مغرب قصر زمستانی است وارد عمارت مبارکهٔ مزبوره شدند یک دریاچه مشاهده مینمایند که علی الدوام چهار سنگ آب از وسط آن فوران دارد از پهلوی دریاچه که گذشتند در طرف شمال محاذی همین دریاچه یک در بسیار عالی از فلز هست که از این در بواسطهٔ پله های مرمر عریض که باقسام گلدانهای چینی و ملخت و مجسمه های بسیار ممتاز مزین شده صعود نموده بسطحه میرسند در این سطحه حوضی از مرمر دیده میشود که بر سبیل استمرار آب از فوارهٔ آن جاریست ازین سطحه بواسطهٔ دو پله بسیار مزین دیگر بزیر یک طاق بسیار بلند عریضی ورود مینمایند در طرف جنوب این طاق تالار گلستان است که تخت طاوس معروف در آن گذاشته شده در طرف مغرب تالار موزه و در شمال کتابخانه و در سمت مشرق تالار عاج است که از این تالار بتالار بلور میروند و از تالار بلور بتالار موسوم بنارنجستان و در حقیقت تالار نارنجستان از جداول و آب جاری و وضع متناسب و بنای بدیع و خضرت اشجار و فسحت و نزهت صفائی دارد که بوصف در نمی آید و غالباً در فصل زمستان که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در دار الخلافهٔ باهره تشریف فرما میباشند در این قسمت قصر سلطنتی در تالار بلور و تالار نارنجستان اقامت میفرمایند و چون مقصود اصلی ما بیان وضع موزهٔ مبارکه است دیگر شرح سایر عمارات مبارکات که در این قصر و باغ همایونی است نپرداخته و بمجملی از تفصیل ابنیهٔ رفیعهٔ طرف شمال اقتصار نمودیم

موزه باصطلاح اهالی فرنگ عبارتست از مکان و محلی که مخزن آثار قدیمه و اشیاء بدیعه و نفایس و مستطرفات دنیاست و از هر تحفه و یادگاری که در آن مخزون و موضوع است اهل علم و اطلاع کسب فایدتی و کشف سرّی مینمایند و از احوال و اوضاع هر زمان و صنایع و حرف آن و رسوم و آداب معمولهٔ آن ایام و عادات طوایف انام باخبر میگردند و میتوان گفت که موزه مقیاس شعور و میزان عقول و درجهٔ فهم اصناف و مرآت ادراک سلسلت مشکلات لاینحل در اینجا حل میشود و بر معلومات تاریخی شهود افاده مینماید این است که موزهٔ همایونی نیز بهمین و تیره خزینه ایست مشحون از جواهر گرانبها و طرایف و نفایس اشیا و آثار جلیلهٔ علمیه و مهمات حربیهٔ قدیمه و آلات و ادوات متنوعه و مصنوعات ازمنهٔ سالفه و نتایج خیالات حکمای بزرگوار و تماثیل و تصاویر نگارندهای بی مثیل و مانند روزگار و پردهای نقاشی کار نقاشهای مشهور و حاصل صناعی کارخانهای معروف و ظروف چینی بسیار ممتاز کار چین و سور و انگلیس و ژاپن و بلور آلات کارخانه های ساکس و ونیز و سایر کارخانه های معتبر و مسکوکات قدیمه با صور سلاطین معظم ایران و غیره بعلاوه تزیینات لایقه بسیار و محصولات رایقه بیشمار که هر یک در عالم علم و درایت و حوزهٔ اطلاع و بصیرت گوهریست بی بدل و در نفاست و استیفا ضرب المثل و دانشمندان ممالک و دول دانند که دلایل بیّن و براهین قطعی حالات و عادات امم و سبک و طریقهٔ اهل عالم و درجات تمدن و تربیت هر قبیله و اندازهٔ فهم و فضل هر طبقه و سلسله با آثار باقیهٔ آنهاست که در موزه های

جناب مؤتمن الملک

معتبر ضبط و بمعرض اظهار و عرض گذاشته شده و این آئینهٔ بی شائبهٔ تکلف جهان نماست نه اغراق و تملق را در آن راهی و نه جای لغزش و اشتباهی و برای مزید استکمال چنانکه اشارت نمودیم کتابخانه در جنب موزهٔ مبارکهٔ همایونیست که چندین هزار جلد کتاب خطی و چاپی از کتب معتبرهٔ قدیمه و جدیده در آن است و هر کتابی که اسم آن مسموع شده در این کتابخانهٔ شریفه نسخهٔ آن موجود میباشد و از آنجا که اهمیت این مکان میامن اقتران یعنی عمارت مبارکهٔ موزه معین و علو شان و رفعت آن مبین است قسمتی از طرف جنوب آن درین روزنامه نگاشته مصور شد و چند شعری از قصیدهٔ غرّا که ابونصر فتح الله خان

کاشانی متخلص بشیبانی از اجلهٔ فصحا و شعرا در توصیف این بنای نزهت و بهجت انتما سروده بمناسبت در ذیل درج نمود و هی هذه

ای قصه ها شنیده ز ارتنگ و روم و چین / خیز اید رآی و موزهٔ شاه جهان ببین

کاندر بنا و نقش صور هاش خیره اند / صنعتگران رومی و صورتگران چین

انموذج جهان است این نی همانا موزه است / یا خود جهان چو جامه و این قصرش آستین

گر آستین بر آید هر چیز بی گمان / کان زاکنی بجامه نهان از ره یقین

کاخی است این بنا که کیومرث نامدار / مانند آن ندید و فریدون آبتین

هر رطب و یابسی که جهان راست اندر اوست / پس خود مگوش موزه کتابی بود مبین

کاخی چگونه کاخ که ز و صد هزار شاخ / آویخته است پر گل صد رنگ و یاسمین

وز هر گلی دمیده یکی کوکبی که هست / از آفتاب روشن و نورش آفرین

دیوار و بام و صحن و درش از بلور صاف

صافی تر از جمال دل آرای حور عین

جناب مؤتمن الملک

جناب میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه از ارکان دولت قوی شوکت علیه و رجال معظمه که تمام عمر متقلد جلایل خدمات و مهام خطیره بوده بعد از ظهور کمال کفایت و کاردانی و بصیرت و اطلاع وافی از اصول قوانین دول متمدنه و رسوم و آداب متنوعه و درک حفظ مناسبات و عهود منعقده و حقوق معینه و آگاهی از رموز و اسرار دیپلوماسی در سال هزار و دویست و شصت و هشت بلقب خانی و منصب دبیری مهام خارجه که قایم مقام وزارت امور خارجه است برقرار گردیده و در سال بعد که سنه هزار و دویست و شصت و نه باشد با عطای یک قطعه نشان مکلل بالماس از مرتبه سرتیپی اول و حمایل سرخ از همان درجه سرافراز و در ماه ربیع الثانی همین سال بمنصب جلیل وزارت امور خارجه و لقب جنابی مفتخر و از آن زمان الی الآن پیوسته در عداد وزرای بزرگ این دولت جاوید عدت معدود و بمناصب جلیله برقرار و چندی نیز بشرف منصب نبیل متولی باشیگری آستانه مقدسه رضویه علی ساکنها الف سلام و تحیه فایز گردیده و در هر حال در حضرت گردون بسطت همایون و دربار دولت روزافزون با عتمادی خاص و امتیازی مخصوص در جه اختصاص و مزیت داشته و دارد

محمد حسن

شرف

نمره هفتم

شهر رجب المرجب ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد ---- قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا حاجی معتمد الدوله

نواب والا حاجی معتمد الدوله فرهاد میرزا ابن ولیعهد رضوان جایگاه نایب السلطنه طاب ثراه در ماه جمادی الاولی سنه هزار و دویست و سی و سه متولد شده اند

و از شاهزادگان معظم و اعاظم حضرت سلطنت است و در رجب المرجب سنه هزار و دویست و پنجاه هجری که شاهنشاه رضوان جایگاه بعزم جلوس
بر سریر سلطنت موروثی از دار السلطنه تبریز بدار الخلافه تشریف آوردند معزی الیه را در ذی القعدة الحرام سنه مزبوره از تبریز احضار فرموده بطهران آمد
و در ذی الحجة الحرام سنه مزبوره بخدمت لرستان و عربستان مامور گردید یکسال در آن سامان بودند در اوایل ربیع الاول سنه هزار و دویست و پنجاه و دو بطهران آمده
و در رکاب مستطاب همایون بسفر گرگان رفته در آن سفر با دو فوج سرباز و هزار سوار همیشه چنداول موکب همایون بوده و در سفر ثانی که در سنه هزار و دویست و
پنجاه و سه هجری موکب جهانگشا بعزم هرات حرکت فرمودند نواب معزی الیه را نایب الایاله و مامور توقف دار الخلافه فرمودند شانزده ماه که سفر خیریت اثر
طول کشید در نظم دار الخلافه و غیرها کمال جد و جهد را نمودند و در سنه هزار و دویست و پنجاه و پنج که موکب همایون بعزم نظم اصفهان و صفحات عراق حرکت فرمودند
باز نواب معزی الیه نایب الایاله دار الخلافه طهران بوده و در مراجعت موکب پادشاهی که مرحوم نصر الله خان صاحب اختیار در فارس مرحوم شد حکومت
فارس را بنواب شاهزاده مرحمت فرموده بفارس رفتند و در خدمات آنسامان به نشان تمثال بیمثال محمد شاه سرافراز شده و در این دولت قاهره در سنه هزار و
دویست و هفتاد و پنج که موکب فیروزی کوکب بعزم سرکشی آذربایجان حرکت کردند نواب والا ملازم رکاب همایون بوده در مراجعت به نشان و حمایل میرپنجی سرافراز
گردید در اواخر سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت مجدداً بحکومت عربستان و لرستان و بختیاری مامور شدند و در ذی الحجة الحرام هزار و دویست و هفتاد و
هشت به نشان تمثال همایون اعلیحضرت و لقب معتمد الدوله که از القاب معظمه این دولت جاوید آیت است ملقب و سرافراز گردید در اوایل سنه هزار و دویست و هشتاد و
شرفیاب خاکپای مبارک شده و پس از فوت امان الله خان والی کردستان در مراجعت موکب همایون از سفر خراسان در اواخر رمضان المبارک سنه هزار و دویست
و هشتاد و چهار بحکومت کردستان و همدان سرافراز شدند و در آنسامان در تسخیر کوهستان اورامان و ساختن قلعه مریوان و نظم آنسامان خدمات نمایان کرده به نشان
امیر نویانی سرافراز گردید و در سال هزار و دویست و نود هجری که موکب همایون تشریف فرمای فرنگستان شدند نواب مستطاب شاهزاده اعظم نایب السلطنه
امیر کبیر وزیر جنگ که بنیابت سلطنت اقدام داشتند نواب معتمد الدوله را از کردستان احضار فرموده در کلیه امور دولتی اختیار تام با نواب والا بود
و بانگشتری الماس سرافراز گردید و پس از مراجعت موکب همایون بکردستان روانه شد در صفر المظفر سنه هزار و دویست و نود و یک بدربار معدلت مدار احضار شده
در سنه هزار و دویست و نود و دو از دربار همایون استرخاص حاصل کرده بزیارت بیت الله الحرام مشرف شدند و در مراجعت از بیت الله الحرام در جمادی الآخره
سنه هزار و دویست و نود و سه بحکومت فارس مامور و سرافراز شدند و در آن صفحات کارهای شایسته مثل فتح قلعه تیر که سالها مسکن اشرار بود و قلاع گرمسیر
خدمتگذاری کرده بشمشیر مرصع و عصای مرصع امتیازات حاصل کرده و علاوه بر جمیع امتیازات دولتی این شاهزاده معظم در فنون فضایل و علوم ادبیه و عربیه و ریاضی

و طبع شعر امتیاز دارد و از امثال و اقران مزیتی باختصاص دارد و چندین تصنیف و تالیف از ایشان یادگار است از آنجمله کتاب جام جم است که در جغرافیا
مبسوط تر از آن کتابی در ایران نوشته نشده و کنز الحساب که ترجمه خلاصة الحساب شیخ بهائی علیه الرحمه است و رسائل هیئات و غیره است و اکنون در رکاب
مشغول خدمتگذاری است

جناب مخبر الدوله

جناب علیقلی خان مخبر الدوله که در افتتاح مدرسه مبارکه دار الفنون از متعلمین این مدرسه بوده بعد از آنکه شروع بامتداد سیم تلگراف از طهران بسلطانیه شد
ریاست مامورین بعهده ایشان مفوض گردید و چون سیم تلگراف این خط امتداد یافت در سلطانیه در سال هزار و دویست و هفتاد و هفت بسرهنگی اول نایل
و بعد از امتداد سیم گیلان در سنه هزار و دویست و هفتاد و نه بمنصب سرتیپی سیم و در هزار و دویست و هشتاد و دو بسرتیپی اول و نشان و حمایل آن مباهی گردیدند و بنا بر قوه استعداد

کفایتی که پیوسته از ایشان در انجام خدمات جلیلهٔ دولت علیه بظهور رسید در سال هزار و دویست و هشتاد و شش بلقب مخبرالدوله ملقب و در هزار و دو[یست]
و نود و چهار بلقب جنابی که از القاب وزراست و وزارت کل تلگرافهای ممالک محروسه فایز و در هزار و دویست و نود و پنج باعطای حمایل سبز و نشان شیر و خورشید از
درجهٔ اول سرافراز و در هزار و دویست و نود و هشت بوزارت علوم و ادارات مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی مفتخر و در هزار و دویست و نود و نه
که سال قبل باشد بوزارت معادن منصوب و همواره طرف اعتماد و مورد عواطف خاصه شاهنشاهی بوده و هستند

بقیه روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشاهی دام ملکه و سلطانه بنمارستاق

روز چهارشنبه بیست و پنجم در منزل وراوود توقف شد صبح هوا صاف و آرام بود سه چهار ساعت که از دسته گذشت کوه دماوند را ابر و مه گرفت و از طرف شمال مغرب هم ابرهای سیاه بالا آمد و در همان موعد روز قبل بنای رعد و برق و باریدن گذاشت اول تگرگ شدید و بعد باران ریزی بارید زمین و هوا خیلی تر و رطوبی شد محقق و زنبیدارباشی که دیروز از عقب آمده بودند میگفتند باران شدیدی در آنطرف کردنه کنار رود سفیدآب باراگرفت و خیابان سیلی از رودخانه سفیدآب جاری شد که سنگهای بسیار عظیم میغلطاند و بقدر ده رودخانه لار آب می آمد جای چادرها و اردوی ریت چهل چشمه را هم گفتند سیلاب و آب گرفته بود خوب شد که دیروز کوچ کردیم

روز پنجشنبه بیست و ششم امروز باید برویم بنمارستاق دو ساعت بدسته مانده سوار اسب شده راندیم عضدالملک و ایلخانی و امین السلطان و غیره همه در رکاب بودند قدری که رفتیم بتنگه رسیدیم که راه تنگ باریکی داشت از آنجا سربالا رانده بالا بالا صحرا و جلگه بود همه اینجاها در حقیقت دامنه دماوند است قله دماوند ابر و مه نداشت خوب پیدا بود دو فرسنگ و نیم صحرای هموار و قدری دره و ماهور دارد اینجاها از ارتفاع و سردی مشابه قطب شمال است ارتفاع زمین وراوود که منزل قبل بود با سطح پیازچال البرز مساوی است البته بقدر هزار ذرع هم بل متجاوز بالا می آید تا باین صحرای دامنه دماوند میرسد پس ارتفاع قله دماوند مثلا نسبت بسطح زمین طهران باین قیاس معلوم میشود چه قدر است خلاصه طرف دست چپ یعنی طرف غربی کوههای پربرف زیاد یک دره ممتدی تشکیل میدهد پوشیده از برف و خیلی خوش منظر که آخر آن منتهی بکوههای طالقان و غیره میشود که از مسافت زیادی کوههای بور با ارتفاع و برف زیاد نمایان است یک پردهٔ نقاشی دورنمای خیلی خوبی متصور شده بود که هیچطور نمیشد چشم از آن برداشت از خوف باران نمیشد در اینجاها توقف و تفرج کرد راندیم تا رسیدیم بنهارگاه زیر کردنه چمن زار خیلی خوبی بود گلهای خوشرنگ داشت اینجاها تازه سبزه مثل سبزه عید نوروز از زمین روئیده است خلاصه آفتاب گردان را پائین کردند کنار آب خوبی زده بودند در سر نهار صنیع الدوله روزنامه خواند

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمرهٔ هشتم | شرف | شعبان المعظم ۱۳۰۰
این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یک قران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب نصیرالدوله

جناب میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله وزیر تجارت و فلاحت که از رجال کافی و وزرای مجرب کاردان اند و بجلادت و شوکت مشهور هستند از مبادی عمر بشرف چاکری دولت روزافزون مشرف آمده روز بروز بحسن خدمت و سلامت عقل و اصابت رای طی مراتب چاکری نموده تا مقامات و شئونات عالیه نائل گردیده اند در سال یکهزار و دویست و هفتاد و چهار بمنصب نیابت وزارت جلیله امور خارجه منصوب

و خلعت همایونی مخلع و در سال هزار و دویست و هفتاد و هشت بخدمت بزرگ اداره انتظام امور مهام خارجه مملکت آذربایجان

با امتیازات مخصوص دولتی مأمور شده چند سال با حسن کفایت در سر منقیم و متقلد این خدمت مهم بودند در سال هشتاد و شش بولایت و حکمرانی

ایالت گیلان و طوالش منصوب و در سنه هشتاد و هشت بپاداش خدمات سالفه بلقب جلیل نصیر الدوله ملقب شدند و از آن تاریخ

تاکنون پیوسته در سلک وزرای فخام دربار دولت و اعضای عظام دار الشورای کبری منسلک و مصدر خدمات بزرگ دولتی

و مرجع معظمات مهام ملکی و طرف مشاوره امور و متقلد مشاغل خطیره از قبیل وزارت گمرک ممالک محروسه و وزارت تجارت و فلاحت

و غیره بوده و هستند و در تمام این مأموریتها و خدمات مراتب صدق و راستی و کفایت و درستکاری جناب معزی الیه بارها در پیشگاه

حضور همایون شاهنشاهی آزمایش شده و مورد قبول و تحسین و خشنودی خاطر همیونی افتاده و ایشان را بانواع الطاف و مراحم ملوکانه

مشمول و مفتخر فرموده اند و از دولت علیه ایران و سایر دول معظمه خارجه دارای نشانهای جلیل الشان نیز میباشند

جناب مسیو کوسکی

جناب مسیو کوسکی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فخیمه آستریه و مجارستان مقیم دربار دولت علیه ایران که از رجال کافی و دانشمند

آن دولتست مبادی عمر را در مدارس علمیه وینه مشغول تحصیل السنه متداوله اروپا و سایر علوم بوده پس از فراغت

بمدرسه شرقیه وینه داخل شده السنه شرقیین را نیز تحصیل نمود پس از آن در قونسولگری کالاتس مدتی مشغول خدمت بوده

و سمت نیابت قونسولی داشته پس از چندی مأموریت بسفارت اسلامبول حاصل کرده بعد از شغل آتاشه گری شروع نموده بخدمت

بعد سمت مترجمی یافت و پس از چندی علاوه بر مترجمی بنیابت سفارت نیز نایل شده چندی بعد از آن رتبت مترجمی اول و نیابت اول رسید

بازبعد از چندی زمانی بسمت مستشاری و شارژ دافری اختصاص و امتیاز جست که از همه جهة مدت مأموریت و اقامت جناب معزی الیه

در سفارت اسلامبول بیست و دو سال امتداد یافته و بعد از آن در سال هزار و هشتصد و هفتاد و هشت مسیحی در خدمت جناب وزیر

امور خارجه دولت اطریش و مجارستان بمأموریت کنگره برلن شده و سمت نیابت و نویسندگی جناب معزی الیه را داشته است و در سال

یکهزار و هشتصد و هشتاد و یک مسیحی بمأموریت مصر گردیده از ابتدای شورش و یاغیگری مصریان تا زمان گلوله ریزی و تخریب شهر

اسکندریه در مصر بوده است بعد احضار بدربار وینه شده پس از چند ماه بسمت وزیر مختاری و ایلچی گری مخصوص بمأموریت و اقامت

در دربار دولت علیه ایران شده است

بقیه روزنامه سفر خیریت اثر شاهنشاه عالم پناه ابدالله دولته بنهارستاق

بعد از نهار سوار شده رفتیم رو بمنزل شش ساعت بغروب مانده وارد شدیم چادرها را لب رودخانه زده اند آب خوبی دارد هوا

جناب مسیو کوسکی

بوقت دیروز ابر و رعد و برق شد و تا مدتی نم نم بارید اما هوای اینجا خیلی بهتر از زوار رود است رطوبتش کمتر و سلامتیش بیشتر است

روز جمعه بیست و هفتم هوا صاف و آفتاب بسیار خوبی بود سوار شده رفتیم بطرف دره بالا و سر چشمه آب معدنی

گذشتیم آبش مثل سنوات قدیمه که دیده بودیم می آمد گل و گیاه صحرا و آب چشمه و غیره خیلی با صفا بود رفتیم از چشمه زیر کمر بزرگ هم گذشته

بالا رفتیم خیلی با صفا گلهای زرد بنفش زیادی داشت آنجا نهار افتادیم بعد از نهار رفتیم پائین قدری پای سنگی نشستیم میرزا رضا و غیره

سکاری پیدا نشد در دره لب آب آفتابگردان زده عصرانه خورده سوار شده دو ساعت بغروب مانده آمدیم منزل امروز
دیگر بوقت روزهای گذشته انقلابی در هوا پیدا نشد تا غروب هوا صاف و آرام بود محقق که یک شب بعد از ما در اردو مانده بود
آمده تعریف میکرد که بعد از باران آب زیاد شده پل را خراب کرده جا بجا درهای ما را تماما آب گرفت الحمد لله که ما از انجا
حرکت کرده بودیم   روز شنبه بیست و هشتم باز هوا صاف خوب و آرام بود میل کردیم
بشکار کوه برویم سوار شده راندیم برای چمن لیرا که دیروز هم انجا بودیم بالای چمن رنه و یک سر چشمه بنهار افتادیم بعد از نهار
سوار شده از راه باریک سختی بالا راندیم یکدسته بزنکه طرف دست چپ دیده شد اما در جلو کوه بلندی بود که راه نداشت آدم
بالای آن برود ارقالی و قوچ و میش و بره زیادی هم دیده شد ما را دیده رم کردند راهی برای عقب کردن انها نبود بزحمت
قدری آمده تا رسیدیم بسر گردنه کوه تمام مازندران الی کوه اشرف پیدا بود دریا هم خوب نمایان بود از طرف کوههای پر برف و چشمه کوه
و سنگ است خیلی جای با صفتی است انقدر برف دارد که مثل قطب شمال است رودخانه ورارود از میان انکوه و درها میگذرد
اطرافش چمن است رودخانه قدری پیچ پیچ میرود و بعد به تنگه بسیار سختی میریزد ولی یورت ورارود از آن تنگه سخت مهیب میرود
ایلات با اغنام خیلی مرتعهای اینجاها می آیند از اینجا هم راهی دارد که بلار میرود اگر انشاء الله از اینجا راهی بلار
بنا راست ساخته شود بهتر از راه ورارود خواهد بود خلاصه مراجعت با آفتاب کردن کرده چای و عصرانه خورده آمدیم
منزل   روز یکشنبه بیست و نهم امروز باید اردو برود بطرف جنوب حوالی آب معدنی که پریروز
ذکرش شد اما اکثری از اهل اردو در همین چمن و یورت منزل اول میمانند صبح سوار شده در زیر آبشار که زیر دست راست راهی است
که از ورارود باینجا می آیند بنهار افتادیم دو میدان اسب راه است آبشار بسیار خوبی است و بطرز خوشی میریزد الی عصر انجا
توقف شد عصری سوار شده قدری بطرف پایین سمت ده رفته چون دیر وقت بود برگشته رفتیم بیورت تازه اردو در تختی افتاده است
چشمه خوب و گلها و علفهای معطر خوب دارد سراپرده را در محل بسیار خوبی زده اند زمین اینجاها خشک و خاک است و هوایش خوش و سالم
دوشنبه غره رمضان المبارک امروز در منزل مشغول بعضی امور و کارهای دولتی بودیم چهار ساعت و نیم بغروب
مانده سوار شده از راه سمت مغرب سراپرده که ابراهیم خان ناظر مشغول ساختن است

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره پنجم   شرف   رمضان المبارک ۱۳۰۰
این روزنامه شریفه ماهی یکنمره طبع میرسد   قیمت نسخه یکقران سالیانه یکتومان و دوهزار دینار

اعلیحضرت قوی شوکت الکساندر سوم امپراطور اعظم کل ممالک روسیه

اعلیحضرت قوی شوکت الکساندر ویچ سوم امپراطور اعظم کل ممالک روسیه در روز بیست و ششم ماه فوریه سال هزار و هشتصد و چهل و پنج مسیحی ۱۸۴۵
مطابق سنه ۱۲۶۱ هجری در پطرزبورغ متولد شدند و چون اعلیحضرت امپراطور معظم دوم پسر مرحوم امپراطور الکساندر دوم بودند ولایت عهد
سلطنت را که حق پسر اول برادر ارشد مرحوم نیکلا الکساندر ویچ و آن مرحوم ولیعهد پدر بود اعلیحضرت معظم له هیچ در خیال امپراطوری
و هوای سلطنت با استقلال نبودند بعد که بحکم قضا و اقتضای قدر نیکلا الکساندر ویچ فوت شد ولایت عهد دولت بهیه روس با علیحضرت
معظم له تعلق یافت و در بیست و ششم اکتبر سال هزار و هشتصد و شصت و شش مسیحی مطابق سنه ۱۲۸۳ هجری علیا حضرت ماری دختر اعلیحضرت
کرستیان نهم پادشاه دانمارک را بعقد مزاوجت در آوردند و از بدو ولیعهدی بواسطه حسن اخلاق و لطف اطوار و سجاحت رای
و سماحت طبعی که از اعلیحضرت ایشان مشاهده میشد قلوب عامه ملت بطرف ایشان مجذوب و مایل گردیده از دل و جان بقید اطاعت و ارادت
ایشان گردن نهادند و این انقیاد و اطاعت ملت بعد از جنگ آخری با دولت عثمانی استحکام و رسوخ کامل حاصل نمود چه در جنگ
ریاست اردوی نظامی که در روسچق با قشون عثمانی محاربه مینمود و حل و عقد معظمات مهام حربیه بعهده کفایت شخص اعلیحضرت معظم له که در آن وقت
مقام ولیعهدی داشتند مفوض بود و در آن جنگ از تدابیر صائبه حربیه و حفظ قواعد نظامی و آداب محاربت و لشکرکشی و غیرت
و شجاعت و رشادت شخصی که از اعلیحضرت امپراطوری ظهور کرد همه نوکر سپاهی و صاحبمنصبان نظامی حیرت و تعجب کرده اسباب مزید وثوق
قلبی و خرسندی خاطر امپراطور مرحوم و موجب تکمیل عقیدت و خلوص نیت قاطبه نوکر و رعیت نسبت باعلیحضرت ایشان گردید بالجمله
در سیزدهم ماه مارس سال هزار و هشتصد و هشتاد و یک مسیحی مطابق سنه ۱۲۹۸ هجری که حادثه ملال انگیز قتل و رحلت امپراطور مرحوم الکساندر
دوم رخ نمود اعلیحضرت معظم له بر سریر سلطنت موروث و امپراطوری کل ممالک روسیه جلوس فرمودند چیزیکه اعلیحضرت ایشان را از آن
مصیبت عظمی تسلیت داد فقط خلوص نیت و وفور ارادت عموم ملت و کافه رعیت بود که بدان اطمینان و استظهار بتوانند مبانی
مستحکمه امپراطور مرحوم را در کلیه امور ملک و ملت بپایان رسانند و مقاصد عالیه آن مرحوم را در مواقع مصالح دین و دولت تصحیح فرمایند
از بدو جلوس بر سریر ملک همت و نیت اعلیحضرت معظم له یکباره مصروف و متوجه حراست مملکت و حفظ مصالح دولت و تمهید موجبات
آسایش و بهبودی حال رعیت و اشاعه عدل و بسط خیر و نشر انصاف و رفع اعتساف از تمام اصقاع مملکت گردیده و دلیل متقن
و برهان روشن صدق این معنی اثر مفیده است که از جانب اولیای دولت فخیمه در تسهیل امور و ترفیه حال کافه رعیت و تخفیف رسومات

و منع واردات و رفع صادرات دولتی تا کنون بعمل آمده است چنانکه در این جشن تاجگذاری که در این سال فرخنده فال در ماه گذشته مطابق شهر رجب سنه ۱۳۰۰
هجری در شهر مسکو اتفاق افتاد و معادل ده کرور تومان مخارج این جشن بزرگ شد و شاهزادگان بزرگ و سفرای کبیر فوق العاده از تمام
دول متحابه برای تبریک تاجگذاری در موقع این جشن حاضر شدند که تا کنون جشنی باین فر و شکوه و شوکت و عظمت از روی تحقیق و تصدیق هیچ دیده

نواب رکن الدوله

ندیده و گوشی نشنیده بود اعلیحضرت امپراطوری بشکرانه این موهبت بزرگ الهی و اقتضای ملکه سخا و عفو و رافت معادل پانزده کرور تومان بقایای
مالیاتی را برعیت تخفیف دادند و جمعی از مقصرین را که در حبس بودند عفو و اغماض فرموده مرخص کردند و علاوه براین عواطف و الطاف عمومی در حق
احاد و افراد حضار مجلس که چندین هزار نفس بودند از بزرگ و کوچک و وضیع و شریف بفراخور شئونات و مراتب بذل عطایا و مواهب و اعطای
حمایل و نشان و مدال و دیگر امتیازات شایان فرموده بر مراتب امیدواری و شکرگذاری و دعاگوئی و خلوص نیت و صفای عقیدت و استظهار

قلب مسرت خاطر نوکر و رعیت حاضر و بادی و وارد و قاطن افزودند

نواب رکن الدوله

نواب رکن الدوله محمد تقی میرزا که از اخوان عظیم الشأن اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دام سلطانه و از شاهزادگان کامل اللیاقه خانواده سلطنت عظمی هستند از بدو عمر در ظل عنایت خاص و کنف مرحمت مخصوص همایون شاهنشاهی باقتضای شهامت و لیاقت ذاتی و جلالت و نبالت جبلی و رشد یافته تا جوهر وجود والا شان بجمال تربیت و محاسن هنر و آداب سیاست و رسوم ولایت و انواع مزایای شاهانه آرایشی بسزا یافت در سال هزار و دویست و هشتاد و سه در حالی که بحکومت خمسه منصوب بودند بلقب جلیل رکن الدوله که از القاب بزرگ دولتست ملقب گردیدند و همواره از آنعهد تاکنون بحکومت یکی از ایالات بزرگ ممالک محروسه منصوب و اینک قریب هفت سال است که بحکومت و فرمانفرمائی مملکت خراسان و سیستان برقرار و پیوسته محاسن حکمرانی و مراتب کاردانی و دقایق مملکت داری و حقایق خدمتگذاری نواب معظم له در پیشگاه نظر انور همایون شهریاری بتواتر وقایع و اخبار و شهادت نتایج و آثار مشهود و علامات خشنودی و رضای خاطر همایون از بذل مراحم و الطاف گوناگون ملوکانه دلیل و شاهد است

بقیه روزنامه سفر فرخنده اثر شاهنشاه اقبال پناه ابدالله دولته بنمارستاق

رفتیم پایین راه خوبی است از رودخانه گذشته رفتیم بجهة تماشای ده نمارستاق زیاده اکمیدان اسب از بغله کوه میرود اگر جاده ساخته نبود با اسب نمیشد رفت بعد بوسعت گاه رسید اینجاملک پسر حاجی غلام رضای تاجر آملی ساخته است این حاجی غلام رضا شخصی بسیار متمول و تاجر معتبریست از رودخانه که گذشتیم وسعت و فضای راه زیادتر شد و رودخانه بدست راست افتاد طرفین راه کوههای بلند سنگی و خاکی دارد رفتیم تا بده نمار که اهالی مشاء و آمل اینجا ییلاق می‌آیند مردمان معروف معتبر دارد مثل همین حاجی غلامرضا و حاجی عباس تاجر و غیره بعضی در جاهای جنگلی از توی خانه‌های ده پیدا بود حمام هم دارد حاجی خانجان نامی از اهل مشاء دیده شد مرد ریش سفید گوش بزرگ معمریست صد سال تمام دارد اما خیلی زرنگ و باهوش است خلاصه بعد رفتیم سمت رودخانه خیلی پایین تر از ده آفتابگردان زدند اینجا سه ده است اول نمار دره وسطی هم بالانمار است که آبادی دیگر از اینجا پیدا بود آمش و دیوان پایین تر هم آبادی دیگر بود که گرا محله اسمش گفتند زراعت خوبی دارند زراعت اینجا هنوز سبز است عصری مراجعت بمنزل کردیم از راهی که دیروز بالا رفته بودیم

روز سه شنبه دوم در منزل ماندیم جائی نرفتیم مشغول خواندن و مطالعه نوشتجات دولتی و غیره بودیم

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره دهم — شرف — شوال المکرم ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یکتومان و دو هزار دینار

نواب ملک آرا

نواب والا عباس میرزا ملک آرا که از اخوان جلیل الشأن اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و بعد از شخص همایون اکبر اولاد شاهنشاه

خلد جایگاه ماضی انار الله برهانه هستند دارای کمالات صوری و معنوی و فضایل و معلومات عهد جدیده و السنه و اصطلاحات خارجه با نوبس مستحضر نموده
در اوایل این عهد همایون چندی نواب معظم در عراق عرب اقامت کرده بمجاورت عتبات عالیات ملتزم طاعات و مثوبات بودند در سنه ۱۲۸۷ هزار و دویست و هشتاد و هفت
که موکب همایون بساحت عراق عرب عطف عنان فرموده بود عرق قرابت و مهر اخوت مهیج شده نواب معظم را معاودت بدربار دولت اشارت فرمودند
این بود که در سال هزار و دویست و نود و پنج نواب معزی الیه بصوب دار الخلافه الباهره عزیمت و بشمول الطاف و مکارم علیه خسروانه نایل آمده
بلقب جلیل ملک آرائی ملقب و باعطاء مرسوم و برقراری تیول و سیورغال و رجوع حکومت خمسه و بعد ایالت قزوین و انواع صنوف توجهات ملوکانه
قرین فراغ خاطر و مباهات باطن و ظاهر بوده و هستند   و امیرزاده محمد میرزا فرزند ایشان نیز با رتبه سرتیپی و مرسومات کافی در معیت نواب معظم
بخدمت اشتغال دارد والحق نواب معظم در کلیه امور مهذب و با تجربه باوضاع و احوال مطلع و مستبصر و در آیین حکمرانی باقتضای عدالت مفطور و دارای
حسن عقاید مرضی خاطر خطیر همایونی و مقبول طبایع اهالی هستند

جناب قوام الدوله

میرزا عباس خان قوام الدوله باقتضای لیاقت و قابلیت ذاتی و مراتب دانش و درایت فطری از مبادی این عهد همایون در سلک منشیان
مخصوص دولت منسلک و در وزارت جلیله خارجه سمت منشی اولی داشتند در سال سیم جلوس همایونی اوقاتی که در دار السلطنه اصفهان نزول
موکب همایون بود بنامه مودت ختامه و تعلیمات مخصوصه مامور بطرزبورغ دربار دولت بهیه روسیه گردیده و در سنه هزار و دویست و هفتاد و دو
بلقب خانی و نشان و حمایل از درجه اول سرهنگی نایل و در هفتاد و دو بمنصب نیابت وزارت امور خارجه سرافراز و در سال هفتاد و پنج بمنصب نیابت اول
و لقب معاونی وزارت جلیله خارجه منصوب و ملقب و باداره کلیه امور و مهام خارجه مملکت آذربایجان مامور گردیدند در سنه هفتاد و شش بنشان و حمایل
سرتیپی و نیم نایل آمده و پس از چند سال تقلد این خدمت و اقامت در آذربایجان احضار بدربار همایون شده بلقب معاون الملکی و منصب استیفای از درجه
اول مباهی شدند در سال هشتاد و شش محاسبه دار الخلافه طهران و مضافات بجناب معزی الیه تفویض شد و پس از چندی استیفای [illegible]
خزانه عامره و محاسبه بعضی دوایر دیگر دولتی از معزی الیه واگذار فرمودند در سال هزار و دویست و نود و سه بخطاب جلیل جنابی مخاطب و در سلک
وزرای عظام دربار اعظم و دار الشورای دولتی منسلک گردیده و در سنه نود و پنج شغل وزارت رسائل خاصه دولتی نیز بجناب معزی الیه
تفویض شد در سال هزار و دویست و نود و نه بلقب جلیل قوام الدوله ملقب و مفتخر شدند و در تمام این مدت بهر شغل و خدمتی مامور و منصوب شدند

بطوریکه منظور نظر انور و مقبول خاطر ضیا مظاهر همیون شهریاری بوده باقتضای لیاقت و صداقت از عهده انجام آن آمده و به انواع
الطاف همایونی و امتیازات دولتی از قبیل نشان تمثال همایون و انگشتری و غیره سرافراز شده اند

جناب قوام الدوله

بقیه سفر سعادت اثر پادشاه گیتی پناه اید الله شوکته بنمارستاق
چهارشنبه ششم صبح سوار شده رفتیم چمن لیرا آقا بکردان زدند بعضی سنگهای معدنی از سه سنگ آورده بودند ملاحظه شد در بعضی از سنگها قدری
ذرات طلا بود عصری مراجعت بمنزل کردیم حاجی جعفر قلیخان پازکی امیر سواره شاهسون خمسه از شهر آمده است دوباره مراجعت میکند

پنجشنبه چهارم صبح زود از خواب برخاسته سوار شدیم سر گردنه سنگ آقا بگردان زدند قدری راحت کرده سوار شده رفتیم
انطرف گردنه تا لب رودخانه و اردو اینجا گوسفند زیادی از مردم لته کوهی بازندرانست که از نمارستاق اجاره کرده همه ساله در فصل تابستان
اینجا بچرا می‌آیند قدری اینجاها تفرج و تماشا کرده از راه بیراهه و کوه مراجعت بمنزل کردیم هوا مه شدیدی گرفت تاریک شد راه هم بد بود
قدری بزحمت آمدیم تا یکساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم

روز جمعه پنجم رمضان بایداز نمارستاق رویم بطرف بلده وغیره صبح برخاسته سوار شده از راه ابر ایستخانی رفتیم پائین هوا صاف است
اما سر کوهها راه دارد باد خنکی می‌آید راندیم بچمن یورت اولی که بدریاوک معروفست ابراهیم خان و لاریجانیها مرخص شده رفتند جاده را گرفته
رو بطرف مغرب راندیم این اهمار امیر شکار بدستیاری حاجی غلام رضای آملی ساخته است خوب ساخته اند والا امکان عبور از اینجاها نداشت
کم کم سر بالا شدیم یک رودخانه کوچکی که قریب بهشت سنگ آب دارد از طرف دست راست می‌آید جاده در دست چپ واقعست قدری بغله
و پرتگاه بود بطرف رودخانه تا ساخته بودند بعد راه وسعت پیدا کرد و کم کم زراعت دیده میشود چشمهای اطراف کوهها و دامنها ایرودخانه را
تشکیل میدهند رودخانه گاهی بطرف دست چپ و گاهی بدست راست جاده می‌افتد همه جا سر بالا راندیم تا بجائی که قدری مسطح و زراعت بود
رسیده قدری اینجا استراحت کرده سوار شده قدری که راندیم بپای گردنه و کتل راست عمودی رسیدیم که راه خیلی املس تیز و تندی بود اینکوهها
که مرتع خوبیست از نمارستاق طایفه یانیجی باج کرده گوسفند آورده اند از کتل طرف دست چپ رشته کوههائیست سنگ و کوه کبود است
آبشار بسیار قشنگی از آبهای کوه تشکیل یافته از بالا بپائین میریزد بهمین رودخانه که ذکر شد در حقیقت منبعش این آبشار است بعد قدریکه میرود یکدفعه
از دست چپ کوه سفیدی که معدنست تا مانند نم معدن گچ است تا سنگی دیگر هرچه هست بسیار نرم و سفید است پیدا میشود و رشته این کوه همه جا
الی یالرود نور امتداد دارد خیلی کوه تماشائیست باز راه زیادی که طی شد بیک چمن وسعت گاهی رسیدیم که در حقیقت آنجا سر حد نمارستاق
و یالرود و بلده است که آب آنطرف بنمارستاق میریزد و آب اینطرف برودخانه بلده وغیره داخل میشود راندیم سرپائین راه زیادی رفته بمزرعه
و چمن نازر رسیدیم این مزرعه مال مرحوم حاجی ملا تقی لرودی برادر میرزا احمد مستوفی است آب نازر همینطور از دره سرازیر میرود تا برودخانه
بلده میریزد راه اردو از یک گردنه دیگر است که باز کوه گچ است بغله و سربالائی سختی دارد زیر گردنه دو دریاچه کوچک از آب دامنهای کوه
تشکیل یافته یکی این طرف جاده و دیگری آن طرف جاده واقع است

بقیه در نمره آتیه

محمد حسین

نمره یازدهم

شرف

شهر ذیقعده الحرام ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا اعز الدوله

نواب والا اعز الدوله عبد الصمد میرزا از اخوان جلیل الشأن حضرت سلطنت و شاهزادگان بزرگ اینخاندان میمنت اقتران بزیور درایت کافی

وکفایت کامل آراسته و باکثر فنون علمیه و کمالات و اطلاعات متحلی و در بعضی از السنه خارجه صاحب ربط و مهارت میباشند پس از آنکه مراتب لیاقت و شایستگی ایشان در خدمات دولت ابدآیت علیه مشهود و معلوم خاطر خطیر اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه گردید در سال هزار و دویست و هفتاد و چهار بلقب جلیل عزالدوله ملقب گشته و از آنوقت الی الآن غالباً متقلد حکمرانی ولایات معظمه ممالک محروسه بوده و باغلب امتیازات بزرگ این دولت نایل گشته و در سفر فرنگستان سال هزار و دویست و نود بشرف التزام رکاب اعلی مستسعد گردیده در همان سال خیر مآل نیز از جانب سنی الجوانب همایون بتهنیت و تبریک تاجگذاری اعلیحضرت الکساندر سیم امپراطور کل ممالک روس مأمور مسکو شده این سفارت کبری را باحسن وجوه بانجام رسانیده مورد اعزاز فراوان امپراطوری گردیده مراجعت کردند اینک حکمرانی ولایت همدان و توابع بر عهده کفالت نواب معظم موکول و امیرزاده حسینقلی میرزا ولد ایشان در آنولایت نیابةً مشغول حکمرانیست

نوّاب ناصرالدوله

نواب ناصرالدوله عبدالحمید میرزا از امیرزادهای معظم همواره در دایره نظام این دولت جاوید احتشام بخدمات لایقه مشغول و از فرط درایت وکفایت در انجام هر خدمتی خاطر خطیر همایون را قرین مسرت و خرسندی ساخته بمراتب مناصب عالیه نایل و بامتیازات عمده فایز آمد تا بلقب جلیل ناصرالدوله از القاب شایان این دولت قوی بنیان ملقب گردید اینک حکمرانی کرمان و بلوچستان بعهده کفالت و اهتمام ایشان موکول است و در امور حکمرانی و فراهم نمودن موجبات آسایش رعایا جهد وافی مبذول میدارد

بقیه سفر سعادت اثر شاهنشاه صاحبقران دام ملکه بنمارستاق

خلاصه از بالای گردنه و سر کوهها همه جا راه را سر بالا و سرازیر ساخته اند باز راه زیادی رفته در پای گردنه بده هشتر رسیدیم که تیول میرزا ولی مستوفی پسر میرزا احمد است ده خوبی است خانهای خوب و درخت و زراعت بسیاری دارد ییلاق بسیار خوبیست از این دره گذشته بدره دیگر رسیدیم که منزل است آردو را در مزرعه از مزارع یالرود زده اند اشجار و زراعت خوبی دارد دو ساعت بغروب مانده وارد منزل شدیم

روز شنبه ششم در این منزل اتراق شد همه کسالت راه دیروز را داشتند قهوه چی باشی بعضی نمونه سنگهای معدنی آورده ملاحظه شد این منزل چنانکه اشاره کردیم جزء یالرود است آب بسیار خوبی از میان دره آن میرود این دره گویا منتهی به نسک میشود

یکشنبه هفتم باید برویم به بلده یعنی منزل و سراپرده ما را بالاتر از بلده در سر آبی که از دره یوش می آید زده اند سوار شده راندیم تقدر یک میدان اسب راه بود الی ده یالرود ده خوبی است تیول میرزا ولی مستوفی است از دم خانه میرزا علی مجتهد یالرود که برادر حاجی ملاهادی یالرودی مرحوم است گذشتیم خودش بیرون آمد خانه اش قدری خراب بود حکم شد میرزا ولی مستوفی خانه اش را بسازد از آنجا گذشته

نوّاب ناصرالدوله

همه جا از کنار نهری که بید کاشته بودند رفتیم تا ده مرج که آنهم تیول میرزا ولی است بقدر یکفرسنگ همه جا از کنار نهر و زیر سایه بید میرود از این ده که بقدر یکفرسنگی راندیم راه به بغله کوه و دره تنگی افتاد قدری هم سرازیری داشت و پیچها در اینجا قدری فره کمک

شکار کرده بودند این راه دره تنگ زود تمام شده داخل زراعت و درخت زار قریه کلیک گردید ده کلیک در کنار رودخانه ایست که
از دره کمرود نور می آید گویا ایامی که در لار و ورارود هوا منقلب و بارندگی شده بود اینجاها هم خیلی باریده و سیل زیادی آمده آب دره کمرود
صافست اما آبی که از رودخانه یوش می آید و سراپرده را بر سر آن زده اند گل آلود است خلاصه وارد منزل شدیم اینجا روزها
بادهای خیلی تند می آید چنانکه امروز هم خیلی باد آمد اما شب باد نیست و هوا آرام است سرکرده و روسا و خوانین خواجوند و غیره آمده بودند
بحضور رسیدند حاصل اینجاها همه سبز است اسفند تازه از زمین روییده است

روز دوشنبه هشتم دستخط زیاد و جواب عرایض ظل السلطان را نوشتم میرشکار را هم فرستادیم برود پرتاسبان کجور قورق شکار آنجا را
سرکشی کرده بیاید چهار ساعت بغروب مانده سوار شده رفتیم تا ده بلده و پائین آنجاها بگردش نگر رودخانه زدیم اما آب رودخانه صاف
و زمینش هموار و بی سنگ بود براحت عبور و مرور میشد رفتیم برای تنگه که آب این رودخانه آنجا میرود تنگه دو راه دارد یکی از خارج ده یکی از توی ده
ما از راه بیرون رفتیم جای مهیب غریبی بود سنگهای بزرگ از دو طرف سر بآسمان کشیده است و این راهیست که مردم در وقت زمستان از آن
عبور و مرور بقشلاق میکنند طرف دست چپ از بغله کوه محمد یوسفخان نوری مرحوم یک راهی ساخته است که بقدر دویست قدم بیشتر نیست و این راه برای وقتیست
که آب رودخانه طغیان میکند و راه عبور مردم از پائین بسته میشود تخته سنگ بزرگی بغله کوه است که بقدرت خداوند وضع طبیعی آن مثل اینست
که کسی شمشیر گذاشته این سنگرا بریده باشد و راهی بقدری که یک آدم با یکمال بگذرد از سنگ شکافته شده است هیچ بوضع و هیئت طبیعی شبیه نیست
و حال آنکه یقین طبیعی است و این شکاف راه آمد و شد مردم شده است از اینطرف سنگ بقدر دویست قدم راه ساخته محمد یوسفخانی است که با سنگ
و آهک ساخته است و از سنگ بریده که رد میشود آنطرف راه وسعتی بهم میرساند که محل عبور و مرور مردم است باز بقدر دویست قدمی راه سخت میشود
تا میرسد براه صاف محله بالا که جزء حکومت نظام الملک و طایفه خواجه است محله پائین که نزدیک تنگه است جزء حکومت طایفه ملا است پشت ده
دو تنگه است یکی میرود بکجور یکی بخورت رودبار وسط دو تنگه در بالای بلندی یک قلعه از قدیم ساخته اند که حالا هم آثارش باقی و پیدا است
و این قلعه دو تنگه راه را حراست میکرده است تنگه که میرود بخورت رودبار از آنجا میرود بچماسان و از آنجا به بولده کوههای اینجا چند مغاره بزرگ
غریب دارد اما این تنگه بیش از هزار قدم نیست زود منتهی براه وسیع میشود خلاصه در محل خوبی آفتاب گردان زدند قدری استراحت کرده
مراجعت بمنزل کردیم

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره دوازدهم — ذیحجة الحرام ۱۳۰۰

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

خلاصه و فهرستی از منازل سفر خیریت اثر بندگان اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران خلد الله ملکه بخراسان ذهاباً و ایاباً

روز دوشنبه پنجم شهر شعبان المعظم سنه هزار و سیصد هجری چهار ساعت بغروب مانده موکب اقدس اعلی تشریف فرمای دوشان تپه گردید
روز سه شنبه ششم از دوشان تپه انتهاض فرموده در کنار رودخانه جاجرود نزول اجلال فرمودند روز هفتم بوهن و هشتم اراضی حصار و ماوند مضرب خیام
معلی گردید و سه روز در اینجا اتراق شد روز دوازدهم باغ شاه در حوالی سربندان و سیزدهم کنار رودخانه دلی چای محل اردوی همایون بود روز چهاردهم
تشریف فرمای چمن فیروزکوه گردید پانزدهم در اینجا اتراق شد شانزدهم منزل معروف بگور سفید و هفدهم جاسم و هیجدهم خرنه یا خرند مضرب خیام
با احتشام پادشاهی گردید و نوزدهم در این منزل اتراق شد روز بیستم بفولاد محله و بیست و یکم بسرخده و بیست و دویم بچشمه علی دامغان تشریف و رود ارزانی
داشتند و دو روز در اینمحل اتراق شد روز بیست و پنجم چارده از توابع هزار جریب مازندران و بیست و ششم اشتاش از مزارع شاه کوه سفلی من اعمال
استراباد بورود موکب مسعود خسروانی مزین گردید روز بیست و هفتم طاش مضرب خیام معلی گردید بیست و هشتم در اینمحل اتراق شد روز بیست و نهم بابرسج
از خاک بسطام و روز جمعه سلخ شهر شعبان بظاهر بسطام نزول اجلال فرمودند روز شنبه غره شهر رمضان المبارک و یکشنبه دویم در ظاهر بسطام اتراق شد
روز دوشنبه سیم کلاته خیج و چهارم چمن خوش ییلاق و پنجم قریه میلاباد از خاک فندرسک استراباد محل اردوی همایون بود روز ششم حوالی قریه کلستان
از اعمال نردین و هفتم چمن کالپوش مضرب خیام با احتشام همایون گردید و سه روز در اینجا اتراق بود روز یازدهم بظاهر نردین و دوازدهم بقریه دره از قرای
جاجرم و سیزدهم بحوالی جاجرم تشریف فرما گردیده روز چهاردهم را در اینجا اتراق فرمودند روز پانزدهم خراشا از چارده سنخواص بورود مسعود شاهانه
مزین گشته شانزدهم در اینمحل اتراق شد روز هفدهم قریه چاربید و هیجدهم قریه فروره و نوزدهم ظاهر بجنورد (بنجرد) منزلگاه اردوی معلی بود و تا روز
بیست و چهارم در اینجا اقامت فرمودند روز بیست و پنجم نوده و بیست و ششم زوارم مضرب خیام با احتشام شهریاری گردید و بیست و هفتم اتراق بود
روز بیست و هشتم تشریف فرمای شیروان گردیدند و بیست و نهم در قریه برزل آباد نزول اجلال فرمودند روز یکشنبه غره شهر شوال که عید رمضان
بود چمن لیلی و روز دویم ظاهر قوچان (خبوشان) منزلگاه اردوی همایون بود و سیم و چهارم اتراق شد و روز پنجم تشریف فرمای علی آباد گردیدند
روز جمعه ششم سوهان و روز هفتم حوالی رادکان مضرب خیام گردون احتشام شاهنشاهی گردید روز هشتم بچشمه گیلاس نزول اجلال فرمودند
روز دوشنبه نهم اتراق بود روز دهم بچمن قهقهه نزول اجلال فرموده و روز چهارشنبه یازدهم با میامن سعادت و اقبال وارد شهر مشهد مقدس
گردیده بزیارت روضه عرش درجه حضرت رضا علیه و علی آبائه آلاف التحیه و الثنا مشرف جسته تا روز دوشنبه سلخ شهر شوال موکب معلی

در این ارض فیض قرین اقامت داشت جز اینکه روز جمعه بیستم تشریف فرمای ییلاق ترقبه گردیده دوشنبه بیست و سیم معاودت بشهر فرمودند
روز سه شنبه غره شهر ذیقعدة الحرام پس از وداع با آستانه مقدسه رضویه از شهر مشهد مقدس انتهاض فرموده تشریف فرمای طرق گردیدند
روز چهارشنبه دویم از طرق بشریف آباد و روز پنجشنبه سیم بذر آباد و روز جمعه چهارم بقدمگاه نزول اجلال فرمودند روز شنبه پنجم
ظاهر نیشابور محل ورود موکب منصور اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه گردیده روز یکشنبه ششم در اینجا اتراق شد روز دوشنبه هفتم بحوالی نجف آباد
و روز سه شنبه هشتم منزل شوریاب و روز چهارشنبه نهم حوالی رباط سرپوشیده منزلگاه اردوی همایون گردید روز پنجشنبه دهم ظاهر سبزوار
بورود موکب مسعود شهریار معدلت آثار مزین گشت و روز جمعه یازدهم در اینجا اتراق فرمودند روز شنبه دوازدهم قریه ریبد و روز یکشنبه
سیزدهم صدخرو و روز دوشنبه چهاردهم حوالی مزینان منزلگاه اردوی کیوان شکوه معلی گردیده روز سه شنبه پانزدهم در این محل اقامت نمودند
روز چهارشنبه شانزدهم بعباس آباد و روز پنجشنبه هفدهم بمیان دشت و روز جمعه هیجدهم بمیامی تشریف فرما گردیده روز شنبه نوزدهم
اتراق شد روز یکشنبه بیستم حوالی قریه ارمیان و روز دوشنبه بیست و یکم ظاهر شهر شاهرود بورود موکب مسعود خسروانه مزین آمد و روز سه شنبه
بیست و دویم را در ساحت توقف و اقامت فرمودند روز چهارشنبه بیست و سیم بده ملا و روز پنجشنبه بیست و چهارم منزل مهماندوست و روز
جمعه بیست و پنجم بخارج شهر دامغان نزول اجلال فرمودند و روز شنبه بیست و ششم در ظاهر دامغان اتراق شد روز یکشنبه بیست و هفتم امیرآباد
و روز دوشنبه بیست و هشتم قوشه و روز سه شنبه بیست و نهم آهوان و روز چهارشنبه سلخ شهر ذیقعدة الحرام ظاهر سمنان مضرب خیام سپهر
احتشام اعلیحضرت خسرو صاحبقران خلد الله ملکه و سلطانه گردید و روز پنجشنبه غره شهر ذیحجه الحرام در سمنان اقامت فرمودند روز جمعه دویم قریه لاسگرد
و روز شنبه سیم ده نمک و روز یکشنبه چهارم حوالی پاده و ارادان و علی آباد خوار محل و منزلگاه اردوی همایون بود روز دوشنبه پنجم حوالی قشلاق
و حسین آباد که نیز از قرای خوار است و روز سه شنبه ششم ایوان کیف (ایوان کی) (ایوانک) و روز چهارشنبه هفتم خاتون آباد بورود مسعود
موکب شاهنشاهی مزین گشت روز پنجشنبه هشتم شهر ذیحجه الحرام این سفر سعادت اثر میمنت ختام اختتام یافته موکب منصور اعلیحضرت شاهنشاه صاحبقران
عز نصره و دام ملکه وقت صبح روز مزبور از خاتون آباد انتهاض فرموده بدار الخلافه باهره و مقر خلافت عظمی معاودت نموده سریر سلطنت را بجلوس
همایون مزین داشتند و سلام عام در پیشگاه حضور مبارک منعقد گشت تمام مدت این مسافرت و رکضت شاهانه چهار ماه و دو روز بود

محمد حسن

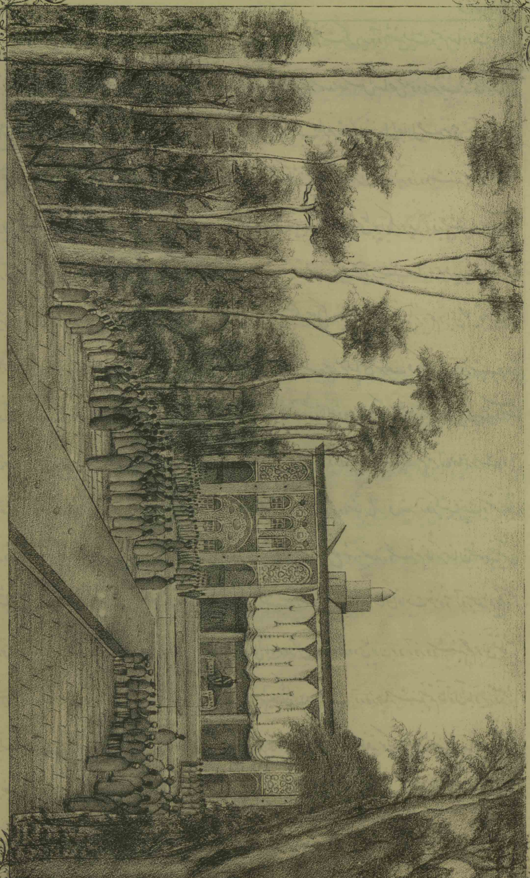

شرف

نمره سیزدهم

محرم الحرام سنه ۱۳۰۱

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یکتومان و دو هزار دینار

جناب صاحبدیوان

جناب میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان که گذشته از قدمت چاکریهای اسلاف که پدر بر پدر از وزرای عظام و چاکران بزرگ این دولت ابدآیت بوده اند شخص خود را از بدایت چاکری تاکنون مصدر خدمات بزرگ دولت و مظهر عقل

سلیم و رای صایب و کمال کفایت و کاردانی نموده است از بدو این عهد همایون بمنصب استیفای خاصه دیوان اعلی نایل و کفیل معظمات مشاغل بود تا پس از چندی از روی لیاقت بلقب صاحب دیوانی ملقب و در رتبت وزرای دولت مرتب شد و اکنون قریب یک قرن است که غالباً بحکومت یا کارگذاری بالاستقلال یکی از ولایات و ممالک بزرگ محروسه از قبیل حکومت یزد و ایالت عربستان و لرستان و اصفهان و پیشکاری مملکت آذربایجان و کارگذاری مملکت فارس منصوب و در دربار دولت بنشیند در سلک وزرای بزرگ دار الشورای کبری منسلک است و همواره مورد الطاف مخصوص شهریاری و دارای امتیازات بزرگ دولت از شمشیر مرصع و تمثال همایون و عصا و غیره میباشند

جناب امین لشکر

میرزا قهرمان امین لشکر وزیر فواید عامه که از تربیت یافتگان بالیاقت مخصوص این عهد همایون و از مبادی حال تاکنون مرجع و مصدر خدمات بزرگ دولت است در سال یکهزار و دویست و هفتاد و پنج بمنصب سررشته داری کل قشون آذربایجان سرافراز و در هفتاد و شش بمنصب استیفای نظام و پانصد تومان مواجب نایل شد در هفتاد و هفت نشان و حمایل سرهنگی یافت و در هفتاد و هشت مرجع کلیه معاملات قشونی آذربایجان و دارای یکهزار و دویست تومان مواجب و در سال یکهزار و دویست و هشتاد بلقب مشیر لشکری و پیشکاری مملکت آذربایجان نایل گردید و نشان و حمایل سرتیپی یافت و در هشتاد و سه بلقب جلیل امین لشکری و رتبت سرتیپی اول نایل و در نود و یک تحویلداری وجوه نظام و مخزن تدارکات قشونی و محاسبات قورخانه و غیره بمعزی الیه واگذار شد در نود و دو بعطای خطاب جنابی و نشان تمثال مبارک و رتبت وزارت دار الشوری سرافراز و پس از چندی بوزارت گمرک ممالک محروسه و برات سه هزار تومان مواجب استمراری نایل و پس از چندی در نود و هفت دوباره بوزارت مملکت آذربایجان مامور و پس از مراجعت بدار الخلافه در نود و نه بوزارت فواید عامه منصوب شد و همواره خدمات معزی الیه مایه خشنودی خاطر همایون شهریاری است و دارای همه نوع امتیازات بزرگ دولت نیز میباشد

بقیهٔ روزنامه سفر سعادت اثر شاهنشاه صاحبقران دام ملکه بمازندران

روز سه شنبه نهم رمضان صبح سوار شده در محله پایین بلده از وسط کوچه و بازار گذشته از دره که براه خورت رود بار میرود بالا رفتیم تنگه سخت صعبی است ولی راه که از نصفه گذشت دیگر تا سر قله بد نیست باز از قله بآنطرف راه سنگلاخ و بد است وسط گردنه چشمه آب کمی دارد و در حوالی چشمه کمی هم زراعت کرده اند آنجا پیاده شده قدری استراحت کرده بعد سوار شده الی قله کوه راندیم اما از راهی که معبر چاروادار و مکاری بود نرفته از سمت مشرق راه بالا رفتیم سر قله راهش بد نبود یک پرتگاهی داشت

جناب امین لشکر وزیر فواید

اما بعد از آن پرتگاه دیگر همه جا راه هموار و بسیار خوب است سراشیب میرود تا جنگل میرسد که دیروز عصر در آنجا پیاده شده قدری استراحت کردیم اگر قدری این راه سخت را باز زند دیگر تا قله کوه هیچ زحمتی ندارد و مکاریان و عابرین براحت عبور

خواهند کرد خلاصه راه سخت راطی کرده تا جهواری رسیدیم وکم کم راه خوب شد قره کبک زیادی در اینجا بود یک کبک بزرگ
روی هوا زدم عصر وارد منزل شدیم

روز چهارشنبه دهم صبح سوار شده رفتیم از رودخانه بالا بطرف نوشش راه کمی طی کرده آنطرف رودخانه که جای با صفائی
بود بجهت استراحت پیاده شدیم کاغذ و عریضه جات زیادی جمع شده بود بقدر چهار ساعت اوقات صرف کرده همه را خواندیم
وجواب نوشتیم این قطعه که بجهت استراحت پیاده شده بودیم از اراضی زراعت قریه یاسر است که مال صدیق الدوله است
امروز باد زیاد آمد مخصوصاً این دره نور و نوشش و ضعا طوری است که همیشه محل وزیدن باد است عصر وارد منزل شدیم

روز پنجشنبه یازدهم صبح سوار شده کنار رودخانه کمر رود را گرفته سربالا رفتیم حاصل اینجاها خیلی خوب شده هیچ جا کم از
تخمی ده تخم نداده است بعضی حاصل گندم که در دامنه کوه و در زمین شن زار کاشته بودند حالا رسیده و درو شده بود
ولی زراعت سایر اراضی از کنار رودخانه و زمین خاکی و چمن وغیره هنوز نرسیده و بقدر ده بیست روز دیگر کار داشت که موقع
درو برسد و اغلبی هنوز سبز بود اول رسیدیم بده کمر که این رودخانه باسم آن معروف است اصل ده در بغله کوه افتاده و خانوار
زیادی دارد اشجار و باغات ده در دست چپ جاده واقع است دست راست روی تپه جلو ده بعضی از قبور اعراب است
که در زمان فتح مازندران باینجاها آمده و مرده اند بالای قبر آنها مختصر آثاری هم داشت از اینجا گذشته تنگه سنگی بالاتر رفتیم تمام
عرض راه حاصل زراعت و آب و اشجار بید بود اما راه صعبی ندارد رسیدیم بده برزون که در وسط دره تنگی واقع است دهی است
آباد خانوار زیاد و عمارات خوب و اشجار بسیار دارد از این ده گذشته میرود به واتر کلا که آخر آبادی این دره است از ده اول تا اینجا یکفرسنگ
راه است قدری از این ده گذشته و از پل چوبی عبور نموده توی زراعت اسپرس آفتابگردان زده پیاده شده قدری استراحت کردیم آن
ده کمر دره دارد قدری بالا میرود دهی دیگر نیز پیداست که اسمش اسراسب میگویند خلاصه تا دو ساعت بغروب مانده در آنجا توقف نموده بعضی نوشتجات
و عرایض از شهر رسیده بود همه را ملاحظه نموده جواب نوشته فرستادیم و دو ساعت بغروب مانده سوار شده بطرف منزل راندیم

میرزا ابوتراب خان نقاش مخصوص وزارت انطباعات مصور روزنامه شریفه شرف چون در مراتب صنعت و تکمیل این عمل ترقی کلی
کرده و شایسته التفاتی مخصوص بود محض مزید دلگرمی مشارالیه او را باعطای یک قطعه نشان از درجه چهارم خارجه سرافراز فرمودند

محمد حسن

شرف

نمره چهاردهم

صفر المظفر سنه ۱۳۰۱

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یکتومان و دوهزار دینار

نواب مستطاب اشرف ارفع اعظم والا ظل السلطان سلطان مسعود میرزا

ازآنجا که خدمات لایقه نواب مستطاب اشرف ارفع والا شاهنشاهزاده معظم ظل السلطان فرمانفرما و حکمران ممالک و ولایات اصفهان
و فارس و یزد و عراق و عربستان و لرستان و کردستان و کرمانشاهان و بروجرد و گلپایگان و خوانسار و غیرها همواره اوقات جزئیاً و کلیاً

مطبوع و مقبول خاطر خورشید مظاهر بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همیون شاهنشاهی ابد الله تعالی ملکه است و آداب خدمتگذاری

و رسوم حکمرانی و رعیت داری را فقط بر طبق مکنونات ضمیر منیر و منظورات نظر انور اقدس خسروانی مرتب و مقرر داشته اند لهذا در این

اوقات محض اظهار مکرمتی بزرگ و اعطای موهبتی مخصوص درباره نواب مستطاب معظم له یک ثوب سرداری مفتول دوز شمسه مرصع

ممتاز از ملابس خاصه برسم خلعت بافتخار نواب معظم له مرحمت و ارسال اصفهان و خود ایشان را نیز برسم سنوات ماضیه محض شرف اندوزی

حضور همایون موقتاً احضار بدربار سپهر اقتدار فرموده در عشر اول ماه ربیع الثانی وارد دار الخلافه الباهره گردیدند و لدی الورود

بحضور مهر ظهور همیون تشرف جسته مورد مراحم و الطاف خاصه شاهنشاهی و تکریمات مخصوصه خسروانه دام ملکه شدند

جناب عضد الملک وزیر حضور همایون

جناب علیرضا خان عضد الملک وزیر حضور همایون خوانسالار و خازن مهر مهر آثار و ایلخانی ایل جلیل قاجار که نسباً پسر مرحوم امیر

موسی خان بن امیر کبیر سلیمانخان قاجار قوانلو و پدر بر پدر از امراء بزرگ و اعاظم چاکران دولت قوی ارکان و منتسبین خانواده سلطنت جاوید

نشان و حسباً بزیور عقل و دانش و کفایت و مزایای تربیت خاصه حضرت سلطنت و محاسن معلومات این عصر فرخنده آیت آراسته

هستند از مبادی عمر بیمن ملازمت حضور مهر ظهور و شرف خدمت خلوت همایونی با دستیاری عقل و لیاقت فطری طی مراتب چاکری را

نموده و یوماً فیوماً از طرف قرین الشرف شهریاری بمرحمت و عاطفتی مخصوص اختصاص یافته در سال یکهزار و دویست و هشتاد و سه بر حسب لیاقت

از طرف دولت حامل خشتهای طلا بجهت تذهیب گنبد امامین همامین عسکریین علیهما السلام شده و بعراق عرب رفته این خدمت سترگ را

در کمال خوبی و شایستگی بانجام رسانیدند و در سنه ۱۲۸۵ بلقب نبیل عضد الملکی ملقب و سرافراز و پس از چندی در همان سال بمنصب خازنی

مهر مهر آثار مبارک که از مناصب جلیله است نایل گردیده و در سنه ۱۲۸۷ در رکاب همیون بعتبات عالیات تشرف جسته بعد از مراجعت

حکومت دار المرز مازندران بعلاوه سرداری و ریاست قشون آنجا ضمیمه سایر مشاغل و مناصب ایشان گردید و بخطاب جلیل جنابی نیز

مخاطب شدند پس از قلیل زمانی بمنصب نظارت خاصه و خوانسالاری اعظم منصوب و سرافراز و در همان اوان نیز جزو وزرای رتبه گردید

در کلیه مصالح امور و مهام دولت مداخلت و مشاورت مینمودند در سال ۱۲۹۰ بشرف ملازمت رکاب همیون بسفر فرنگستان رفته بعد از مراجعت

علاوه بر سایر مشاغل و مناصب بمنصب نبیل ایلخانی گری ایل جلیل قاجار افتخار یافته و در سنه ۱۲۹۱ که کلیه قشون ظفر نمون ایران بچهار بهره

و بچهار سردار سپرده شد سرداری قشون مازندران و استراباد و سمنان و دامغان و شاهرود و بسطام و گلپایگان و خوانسار

و قراول مخصوص وجود مبارک بایشان تفویض گردید و بعد از قلیل زمانی در جزو وزرای عظام که ملقب بوزرای مختار دربار اعظم بودند

برقرار شدند در سنه نود و دو وزارت عدلیه عظمی و ریاست صنادیق عدالت ممالک محروسه ضمیمه سایر مشاغل و مناصب ایشان

گردید و در نود و پنج مجدداً در رکاب همیون بمسافرت فرنگستان رفته و در مبادی سال یکهزار و سیصد بمنصب جلیل وزارت حضور همایون

نایل گردیدند و از بدایت حال تاکنون کلیه خدمات ایشان مرضی و مقبول خاطر همایون شهریاری بوده و میباشد و اکثر علایم و امتیازات

بزرگ این دولت روز افزون را از نشانهای عظیم الشان تمثال همایون و غیره و شمسه مرصع و انگشتری و غیره

دارا و همیشه اوقات جزو وزرای عظام و از اعضای شورای کبری بوده و میباشند

بقیه روزنامه سفر سعادت اثر شاهنشاه صاحبقران در لکم و لرستان

روز پنجشنبه یازدهم صبح سوار شده کنار رودخانه گُمَر رود را گرفته سر بالا رفتیم حاصل اینجاها امسال خیلی خوب شده هیچ جا کمتر از تخمی ده تخم نداده است بعضی حاصل گندم که در دامنه کوه و زمین شِشن زار کاشته بودند حالا رسیده و درو شده بود ولی زراعت سایر اراضی از کنار رودخانه و زمین خاکی و چمن و غیره هنوز نرسیده و قدر ده بیست روزی کار داشت که بموقع درو برسد و غلبی هنوز سبز بود اول رسیدیم به ده گُمَر که این رودخانه باسم آن معروف است اصل ده در بغله کوه افتاده دخانوار زیادی دارد اشجار و باغات ده در دست چپ جاده واقع است دست راست روی تپه جلو ده بعضی از قبور اعراب است که در زمان فتح مازندران باینجاها آمده و مرده اند بالای قبر آنها مختصر آثاری هم داشت از اینجا گذشته بمغر سنگی بالاتر رفتیم تمام عرض این حاصل زرعت و آب و اشجار بید بود اما ره صعبی ندارد رسیدیم به برِدُون که در وسط دره تنگی واقع است دهی است آباد خانوار زیاد و عمارات خوب و اشجار بسیار دارد از این ده گذشته میرود به واترِ کلاکه آخر آبادی این دره است از ده اول تا اینجا یکفرسنگ راه است قدری از این ده گذشته و از پل چوبی عبور نموده توی زراعت اسپرس آفتاب گردان زدند پیاده شده قدری استراحت کردیم از ده گُمَر دره دار و قدری بالا میرود دهی دیگر نیز پیداست که بهمش اسب میکویند خلاصه تا دو ساعت بغروب مانده در اینجا توقف نموده صنیع الدوله قدری روزنامه خواند بعضی نوشتجات و عرایض هم از شهر رسیده بود همه را ملاحظه نموده جواب نوشته فرستادیم دو ساعت بغروب مانده سوار شده بطرف منزل راندیم منزل دره تنگی بود و همه چادرها نزدیک هم زده بودند

روز جمعه دوازدهم امروز باید بپوش برویم صبح برخاسته سوار شدیم امین السلطان و شجاع السلطنه دم در سراپرده حاضر بودند چند نفر از صاحبمنصبان فوج مخبران شقاقی هم که تازه از فارس آمده بودند در اینجا بحضور رسیدند قدری با آنها صحبت کرده بعد راندیم همه جا از راه ساخته میرزا عبدالله خان آمدیم راه را بقدر دو دست است ساخته اند والحق راه خیلی خوبی بنا کرده همه جا قاعده مهندسی راه عریض محکم بی عیبی ساخته است اگر زرعت و حاصل مردم اهالی در زمین نباشد همه جای این راه را از کنار رودخانه هم میتوان رفت اما محض اینکه خسارتی بزراعت مردم وارد نیاید این راه را غدغن نموده ساخته اند بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

شرف

نمره پانزدهم

ربیع الاول سنه ۱۳۰۱

این روزنامه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یکتومان و دو هزار دینار

نواب والا فرمانفرما

نواب والا شاهزاده فرمانفرما فیروز میرزا ابن مرحوم مبرور ولیعهد عباس میرزا از اعمام کرام سلطنت که بزیور عقل و دانش و تربیت و کمال کفایت و لیاقت آراسته هستند از عهد سلطنت شاهنشاه مرحوم مبرور محمد شاه طاب ثراه مصدر خدمات عمده و مرجع مأموریتهای بزرگ

دوقتی در فارس وغیره بودند از بدو جلوس میمنت مانوس بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه در حالی که بلقب نبیل نصرت الدوله ملقب بودند بحکومت و فرمانفرمائی مملکت فارس منصوب شده تا سال ششم سلطنت سنیه همایونی که سنه ۱۲۶۹ بود مستقلاً در آن مملکت حکمرانی کردند و انتظامات کلیه در حدود فارس داده خدمات جلیله بظهور رسانیدند و امتیازات بزرگ دولتی از جبه شمسه مرصع و منصب و نشان و حمایل درجه اول میرپنجکی و اضافه مواجب وغیره بپاداش خدمات آن مملکت درباره ایشان مبذول افتاد و در سال هزار و دویست و هفتاد از فارس احضار بدربار همایون شده بنیابت ولیعهد مرحوم مبرور مامور بحکومت مملکت آذربایجان گردیدند در هفتاد و چهار احضار بدربار سپهر اقتدار و منصوب بحکومت ایالت عراق شده در هفتاد و پنج ایالت ملایر و تویسرکان ضمیمه حکومت عراق و واگذار بایشان گردید و در همین سال علاوه بر حکومت عراق و ملایر و تویسرکان بحکومت بالاستقلال دار الخلافه باهره طهران نیز منصوب و برقرار و در هفتاد و شش یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز و جزو وزراء و اعضای عظام مجلس شورای دولتی منسلک شدند در هفتاد و هفت نشان درجه اول مجیدی از دولت عثمانی برای ایشان آمد در هفتاد و هشت سرداری قشون عراق نیز بایشان تفویض شد در هزار و دویست و هشتاد و شش در حالی که با امارت و ریاست توپخانه مبارکه برقرار بودند بمنصب نیابت وزارت جنگ برقرار و پس از چندی مستقلاً بوزارت جنگ منصوب گردیدند در دویست و نود در رکاب همایون بسفر فرنگستان و بعد از مراجعت مجدداً بوزارت جنگ و امارت توپخانه نایل شدند در نود و یک بحکومت عراق و بروجرد منصوب و در نود و سه پس از قدری انفصال این حکومت مجدداً حکومت ایالت مرکزی که عبارت از عراق و همدان و ملایر و تویسرکان و نهاوند و گلپایگان و خوانسار و بروجرد باشد با لقب نبیل فرمانفرمائی بایشان تفویض و مرحمت شد و در سنه هزار و دویست و نود و شش بحکومت و ولایت ایالتین کرمان و بلوچستان مامور و منصوب گردیدند و همواره اوقات دارای مراتب عالیه و مناصب معظمه و امتیازات بزرگ دولت و مورد مراحم و الطاف مخصوص شاهنشاهی بوده و هستند

جناب ناصر الملک وزیر امور دولت خارجه

جناب محمود خان ناصر الملک وزیر امور دول خارجه که از امراء و اعاظم طایفه قراگوزلوی همدان و پدر بر پدر از چاکران بزرگ خدمتگذار دولت جاوید مدار هستند در مبادی دولت همایونی باقتضای عقل و دانش و تربیت و کفایت در حالی که دارای منصب و رتبه سرتیپی اول بودند بسمت مصلحتگذاری مامور باقامت سنت پطرزبورغ گردیده و در همین ماموریت بخطاب جلیل جنابی نایل شدند پس از چند سال

اقامت در آنجا با ظهور کمال کفایت و کاردانی از جناب ایشان احضار بدربار همایون شده در سنه ۱۲۷۵ بلقب ناصر الملکی ملقب و بنظام کلیه سواره نظام ملتزم رکاب بجناب معزی الیه محول گردید و در هشتاد و شش بمنصب وزارت تجارت و صنایع دولت علیه منصوب

جناب ناصر الملک وزیر امور دول خارجه

و جزو اعضای مجلس شورای کبرای دولتی برقرار گردیدند و پس از چندی باعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز و در همان اوقات بمنصب مشیری خاص حضور همایون نایل شدند و در هشتاد و نه بسمت وزیر مختاری دولت علیه مامور باقامت در دربار دولت بهیه انگلیس گردیده بعد از چند سال اقامت در آنجا احضار بدربار همایون و یک بهره عمده از قشون ظفر نمون از اردوی عراق بجناب ایشان سپرده شد

و در اوقات اقامت در دار الخلافه همه وقت جزو وزراء و اعضای عظام مجلس شورای کبری و طرف مشورت مهام معظمه دولتی اعم از لشکری و کشوری و داخله و خارجه میبودند و نتایج عقل سلیم و رای مستقیم و تدبیر صواب جناب ایشان در هر مورد و مقام مشهود می افتاد در سال هشتاد و نه در حالی که رئیس مجلس شورای عسکریه بودند بمنصب امیر تومانی سر افراز و در هزار و دویست و نود که موکب همایون تشریف فرمای فرنگستان میشدند نیابت وزارت جلیله جنگ و ریاست کلیه قشون ظفر نمون نیز بجناب معزی الیه مفوض گردید و در نود و دو بحکومت ایالت گیلان سر افراز و در نود و سه علاوه بر عضویت مجلس شوری جزء اعضای عظام مجلس تحقیق دولتی نیز برقرار شدند و در نود و پنج که مجدداً موکب همایون تشریف فرمای ساحت فرنگستان میشد در شرف ملازمت رکاب همایون بفرنگستان رفته و از سال هزار و دویست و نود و نه برحسب استدعای حضرت والا ظل السلطان از حضور آفتاب ظهور همایون و رخصت و اجازت مخصوص ملوکانه جناب ایشان از جانب حضرت والا شاهنشاهزاده معظم له بحکومت ایالتین کرمانشاهان و کردستان و سرحد داری عراقین منصوب و برقرار گردیدند و این ایام احضار بدربار همایون شده باقتضای شایستگی و لیاقت ذاتی و انتخاب شخص همایون سلطنت بمنصب جلیل و شغل نبیل وزارت امور خارجه دولت علیه ایران منصوب و بیکثوب سرداری شمسه مرصع خلعت و طلعت همایونی از جامه خانه خاصه مخلع شدند

بقیه روزنامه سفر فرخنده اثر اعلیحضرت همایونی خلد الله ملکه بنجار ستاق

خلاصه همه جا از راه بغله آمده تا رسیدیم بده یاسر که دست چپ دره واقع و از آن منزل تا ده یاسر نیم فرسخ سنگین راه است چنانکه اشاره شد این قریه مال صدیق الدوله و پسر حاجی وزیر که برادرزاده صدیق الدوله باشد همیشه در این ده ساکن است بحضور آمد از یاسر تا یوش راه خیلی پست و بلندی و پرتگاههای سخت دارد که اگر ساخته نبود عبور از آن غیر ممکن بود یک کوره راهی هم از آنطرف دره بود که اغلب سوارها و مردم از آن راه رفته شد و میان یوش ماده کوهی جلو آمد که تمام آن کوه خراب و از هم پاشیده است قریب دویست ذرع راه از توی همین کوه است که ساخته شد چون احتمال ریزش سنگ بار از آن کوه میرفت این دویست ذرع راه خالی از خطر نبود از آنجا گذشته بده یوش رسیدیم که در دست چپ دره واقع است داخل ده نشده از راهی دیگر سر از زیر آمدیم توی دو خانه و راندیم برای منزل از یوش تا محل اردو باز یک فرسخ راه بود در حقیقت اردو در اراضی اوز زده اند ظهر وارد منزل شدیم اردو در محلی بسیار با روح و صفا و وسیع و خوش هوا است خیلی از بلده بهتر است فتح الله شکارچی کجوری پوست پلنگ بسیار بزرگی را که خودش شکار کرده بود از کاه پر کرده بتوسط امین السلطان بحضور آورد

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره شانزدهم

ربیع الثانی سنه ۱۳۰۱

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یکتومان و دوهزار

جناب امین السلطان

جناب میرزا علی اصغر خان امین السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه عامره و گمرک و غیره از بدو عمر در ظل تربیت و توجه خاص ملوکانه پرورش و تربیت یافته و بمین این تربیت و مرحمت مخصوص شاهنشاهی استعداد و جوهر ذاتی خود را بروز داده تا بشرف لیاقت خدمت

حضور همیون نایل گردیدند سال هزار و دویست و هشتاد و هفت که در سفر عتبات عالیات شرف التزام رکاب همایون را داشتند در کربلای معلی منصب پیشخدمتی حضور همایون سرافراز و در سنه هزار و دویست و هشتاد و نه در دارالخلافه طهران بمنصب صاحب جمعی دواب دیوانی منصوب گردیده و در سال هزار و دویست و نود و در سنه هزار و دویست و نود و پنج که موکب همایون تشریف فرمای ساحت فرنگستان شد در دارالخلافه بنیابت مرحوم امین السلطان برقرار و متصدی تمام مشاغل و اعمال راجعه بآنمرحوم بودند در مراجعت از سفر اول باعطای یکقطعه کل کمر الماس و در مراجعت از سفر ثانی بیکقبضه قمه مرصع سرافرازی حاصل نمودند در سنه هزار و دویست و نود و هفت بخزانه داری نظام کل ممالک محروسه منصوب گردیده دو سال تمام این خدمت بزرگ را با کمال کفایت و خوبی اداره نمودند در هزار و دویست و نود و هشت بخطاب نبیل جنابی و منصب سرتیپی اول و خدمت قراولی مخصوص ذات اقدس همایون نایل آمدند و در نود و نه بلقب جلیل امین الملکی و خدمت نیابت کلیه خدمات دولتی مرحوم امین السلطان اختصاص یافته در سنه یکهزار و سیصد هنگام حرکت و تشریف فرمائی موکب فیروزی کوکب همایون بساحت خراسان بایستاردوی همیون نایل و در همین سفر سعادت اثر باقتضای خشنودی و رضای خاطر همایون از مراتب خدمات معزی الیه باعطای نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل سبز سرافراز گردیده و پس از قلیل زمانی که مرحوم امین السلطان بجوار رحمت حق پیوست لقب امین السلطانی و مناصب جلیله وزارت دربار اعظم و خزانه عامره و گمرک وغیره و غیره از مشاغل و اعمالی که مرحوم امین السلطان متصدی بود تماماً بجناب معزی الیه تفویض و مرحمت شد و در سنه هزار و سیصد و یک چون بخوبی از عهده خدمات و مرجوعات دولتی برآمده بودند باعطای یک ثوب سرداری ترمه مرصع ممتاز از ملابس جامه خانه خاصه مخلع و مباهی شده و همواره طرف توجه خاص و مورد مرحمت مخصوص شاهنشاهی هستند

نواب اللّهقلی میرزا ایلخانی

نواب اللّهقلی میرزا ایلخانی پسر مرحوم موسی خان قاجار ابن مرحوم حسینقلی خان ملقب بجهانسوز خان برادر بطنی خاقان خلدآشیان مرحوم مبرور و از طرف مادر دخترزاده خاقان مغفور و با این اصل اصیل و نسب جلیل و شرف قرابت خانواده سلطنت عظمی شخصاً نیز از تربیت یافتگان با درایت و چاکران بالیاقت دولت روزافزون هستند در مبادی عمر بشرف چاکری مرحوم مبرور ولیعهد عباس میرزا طاب الله ثراه نایل شده و در رکاب فیروزی انتساب ولایت عهد بخراسان رفته و سالی بحکومت سبزوار برقرار بودند در سلطنت شاهنشاه رضوان جایگاه ماضی محمد شاه طاب الله ثراه

بمنصب نبیل ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز و مورد مراحم و الطاف گوناگون شهریاری گردیده پس از چند سال علاوه بر این منصب جلیل بحکومت بروجرد نیز منصوب و مامور شدند دو سال قبل از فوت شاهنشاه مرحوم باذن و رخصت دولت عزیمت عتبات عالیات را نموده

بیست و هفت سال تمام در عراق عرب اقامت جستند و در ظرف اینمدت سه سفر حج و چهار مرتبه باسلامبول و یک سفر بهندوستان و دو مرتبه بتمام اروپا سفر کرده از رسوم جدیده دول متمدنه و معلومات مفیده ممالک خارجه اطلاع وافی حاصل کرده در اواخر سال هزار و دویست و هشتاد و نه برحسب امر جهانمطاع بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه احضار بدربار مبارک گردیده بشمول الطاف شهریاری و اعطای موجب

و مرسومات و سیورغال عمده نایل و در سلک وزرای عظام دولت و اعضای مجلس شورای کبری منسلک و در مواقع سلام بشرف مخاطبت

شخص همیون سلطنت اختصاص یافته و چند نوبت نیز تا بحال بحکومت و لایت قزوین و همدان و غیره منصوب و باکمال کفایت و کاردانی و لایت و

حکمرانی نموده و در اوقات اقامت در دربار هم همه وقت سفراً و حضراً شرف ملازمت حضور مهر ظهور و رکاب مستطاب مبارک را داشته

و دارند

بقیهٔ روزنامهٔ سفر فرخنده اثر همیون ملوکانه بنمار پستاق

روز شنبه سیزدهم در منزل توقف کرده نوشتجات زیاد بشهر نوشته شد عصری و ساعت بغروب مانده بجهة رفع کسالت سوار شده رفتیم

بتماشای قریه یوش بالای تپه که مشرف بده بود آفتاب کردان زدند پیاده شده قدری تماشای ده را کردیم امّا بادسختی می آمد و نگذاشت

درست تماشا کنیم ده بسیار خوب باصفای خوش منظری است چند خانوار ایل بالای همین ده افتاده اند پرسیدیم که از کدام ایل و طایفه اند

گفتند از طایفه فیوج اند از درّه بالای این ده بکجور راه است که در چهارده پانزده سال قبل از این از همین راه بیوش آمدیم این ده باغات خوب

باصفا دارد و از قراریکه میگفتند در عقب خانها یک چشمهٔ آب کمی جاریست که با آن زندگی میکنند خانهای محمد جان خان از تمام خانهای این ده بهتر است

تکیه و خانهای وکیل الملکی قدری خراب و بایر شده است خلاصه بعد از یکربع توقف سوار شده بمنزل آمدیم اینجا شبها هوای آرام خوبی دارد و

با وجودیکه هوا صاف است و ابر و مه نیست صبح روی چادرها مثل اینکه شبنم زده باشد رطوبت و تری دارد

روز یکشنبه چهاردهم امروز صبح برای گردش و تفرج از منزل سوار شده بقدر یک میدانی رانده رسیدیم بده اوز که ده بسیار باصفائی است

از آنجا بقدر دو میدان گذشته رسیدیم به نیکنام ده این ده هم ده بسیار باصفای باطراوتی است چون این درّه سیل گیر است اهل ده بجهت

محفوظیت از سیل روی تپه که سمت راست درّه واقع است منزل کرده اند قدری بالاتر از ده در چمنی که نزدیک رودخانه بود پیاده شده

قدری استراحت کردیم ضیع الدوله قدری روزنامه خواند تا عصر اینجا توقف کرده بعد سوار شده بمنزل مراجعت کردیم از ده نیکنام

از توی همین درّه میرود به مینک از مینک میرود به پل از پل میرود به نسن از نسن

میرود بدیدونا محمد حسن

نمره نهم شهر جمادی الاولی ۱۳۰۱

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نوّاب نظام الملک میر محبوبعلیخان

نوّاب نظام الملک میر محبوبعلیخان فرمانفرمای مملکت عظیمهٔ دکن که در این اوقات بر مسند فرمانفرمائی موروثی آن مملکت جلوس نموده است

جد اعلای نواب معزی الیه میر قمرالدین خان بهادر نظام الملک آصف اول کسی بود که از این سلسله جلیله بر مسند فرمانفرمائی مملکت دکن نشست آباء و اجداد او از سادات جلیل القدر سمرقند و در آن مملکت در لباس فقر و کسوت درویشی پیشوای اهل عرفان و ایقان و مقتدای ارباب اهتدا و ایمان و بعضی نیز قاضی القضاة اسلام بودند پس از مسافرت و مهاجرت بمملکت هندوستان باز روزگاری در طریق تصوف و لباس فقر قدم میزدند و همچنان رتبت مرادی و مقام ارشاد داشتند تا رفته رفته ریاست و دولت دنیوی نیز بایشان روکرد در زمانی که نادرشاه افشار پادشاه ممالک محروسه ایران با محمد شاه هندی محاربه کرد و محمد شاه را شکست داد آن فتح نمایان تاریخی را نمود میر قمرالدین خان آنوقت فرمانفرمای مملکت دکن بود و در آن محاربه حاضر شده رشادتها نمود و خدمات بسلطنت هند کرد و مملکت هند را از حدوث فتنه و آشوب عظیم بحسن تدبیر و لطف تمهید حفظ و نگاهداری نموده بخوبی اسباب مصالحه را فراهم آورد در سال هزار و هفتصد و چهل و هشت عیسوی درگذشت چون پسر بزرگش نظام اعظم موسوم به غازی الدین خان در شهر دهلی و دور از مرکز امارت بود ناصر جنگ پسر کوچک میر قمرالدین خان بمسند فرمانفرمائی نشست پس از قلیل زمانی از زحمت و مشقت جهانبانی ملول و بدست خویش خود را هلاک کرد جهان فانی را بجهانبانان خلف گذاشت پسرزاده میر قمرالدین خان که ملقب بمظفر جنگ و در جنگ عموی خود ناصر جنگ محبوس محترم بود بمسند فرمانفرمائی دکن تمکن گردید او هم زیاده از یکماه نزیست پسر سوم قمرالدین خان که معروف بصلابت جنگ بود فرمانفرمائی یافت آنوقت غازی الدین خان پسر ارشد نظام الملک اعظم که مقیم دهلی و مستحق تاج و تخت پدر بود عزیمت جایگاه پدر کرده برادر کهتر را خلع و مملکت دکن را بقبضه اختیار درآورد پس از قلیل زمانی معاندین او او را در ضیافتی مسموم کرده دوباره صلابت جنگ بمسند فرمانفرمائی نشسته چند سالی فرمانروائی کرد آخر الامر میر نظام علیخان برادر کوچک او که وزیر اعظم دکن بود صلابت جنگ را گرفته مقید ساخت و در همان محبس بود تا جان بداد و خود میر نظام علیخان بدست ریاست نشسته چهل سال متوالی با کمال استقلال فرمانفرمائی کرد و در سنه هزار و هشتصد و سه مسیحی درگذشته پسر او سکندر جاه وارث جاه پدر شد و پس از بیست و شش سال انتقال نموده پسر بزرگش ناصر الدوله جای او گرفت و در سال هزار و هشتصد و پنجاه و هشت درگذشت پس از او فرزندش افضل الدوله بمسند فرمانفرمائی دکن متمکن شد و در سنه هزار و هشتصد و شصت و نه همین نواب نظام الملک میر محبوب علیخان را در سن سه سالگی خلف گذارده رخت از این عالم بیرون برد مرحوم شجاع الدوله مختار الملک سر سالار جنگ میر تراب علیخان که از اولاد امجاد سید نعمت الله جزایری اعلی الله مقامه و وزیر اعظم مملکت دکن بود که سال گذشته درگذشت در حفظ و نظم مملکت دکن و تربیت نواب میر محبوب علیخان جهدی وافی و جدی بلیغ مرعی داشته تا او را با تمام شرایط مهتری و ریاست و آداب امارت و سیاست از عهد صبی بعهد شباب رسانید این اوقات یعنی روز پنجم فوریه ماه فرانسه سال هزار و هشتصد و هشتاد و چهار مسیحی گورنر جنرال فرمانفرمای هندوستان بنیابت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان نواب میر محبوب علیخان را بر تخت ولایت و فرمانفرمائی مملکت دکن نشانده بمالگزاری یک کرور هندی از رعایای هندوستان که معادل بیست کرور ایران است برقرار نمود و وجود فرمانفرمای هندوستان با تمام معارف و اعیان و حکام و راجگان ممالک هندوستان و صاحب منصبان انگلیس و سفرای دول و خواتین محترمه انگلیسی و غیرها از مسافات بعیده و ولایات دور و نزدیک برای تهنیت و تبریک حاضر شده بودند جناب منیر الدوله میر لائق علیخان بهادر سالار جنگ پسر مرحوم مختار الملک را هم در همین روز بر حسب ارث بوزارت اعظم مملکت دکن منصوب کردند

جناب نظام الملک وزیر لشکر

جناب میرزا کاظمخان نظام الملک وزیر لشکر ابن مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم که پدر بر پدر از وزرای عظام و چاکران بزرگ و از آغاز سلطنت سلسله علیه قاجاریه

خلد الله تعالی دو نفر هستم تاکنون بشرف چاکری و خدمتگذاری دولت روز افزون مشغول هستند آزبدو این همایون عهد شخص معزی الیه بر حسب

لیاقت و سزاواری بشرف چاکری آستان همایون شهریاری نایل و در سنه هزار و دویست و شصت و پنج بمنصب استیفا سرافراز و در هزار و دویست و شصت و

هشت بلقب جلیل نظام الملکی ملقب و در دویست و هفتاد بنا بر آنکه همواره مراتب کفایت و حسن خدمت جناب معزی الیه مشهود بود برتبه نیابت صدارت

عظمی و اعطای خطاب جنابی و نشان تمثال همایون و حمایل سبز و آبی که مخصوص چنین شخص است نایل و بوزارت ولیعهد طوبی آشیان شاهنشاهزاده

معین الدین میرزا مباهی و منصوب و در دویست و هفتاد و یک با اعطای یکرشته شرابه مروارید مرصع مخصوص گردید آز سنه هزار و دویست و هفتاد و پنج چندی از

تقلد مشاغل و مهام معظمه دولتی استعفا نموده دوباره در سال هزار و دویست و هشتاد و دو هشت بوزارت دفتر استیفا و محاسبات کل ممالک محروسه برقرار

و در جزو وزرای دار الشورای کبری منسلک گردید آ در سال هزار و دویست و نود بحکومت ولایت یزد منصوب و در همین ماموریت بیکقطعه نشان امیر تومانی بسرافراز

و در نود و یک بوزارت عدلیه اعظم نایل و در هزار و دویست و نود و سه پس از چندی انفصال مجددا باین وزارت عظمی نایل و در سال نود و هشت بوزارت

لشکر که از مشاغل موروثی ایشان است منصوب شده و همواره بحسن خدمت و وفور لیاقت مورد مراحم و الطاف ملوکانه و دارای امتیازات بزرگ دولتی بوده و میباشند

بقیه روزنامه سفر شاهنشاهی دام ملکه بنهارستاق

روز سه شنبه نهم رمضان صبح سوار شده از محله پائین بلده از وسط کوچه و بازار گذشته از دره که براه خورت رود بار میرود بالا رفتیم تنگه سخت صعبی است

ولی راه که از نصفه گذشت دیگر تا سر قله بد نیست باز از سر قله بالا طرف راه سنگلاخ و بد است وسط کردنه چشمه آب کمی دارد و در حوالی چشمه کمی هم زراعت کرده اند

آنجا پیاده شده قدری استراحت کردیم بعد سوار شده الی قله کوه راندیم آنا از راهی که معبر چاروادار و مکاری بود در رفته از سمت مشرق راه بالا رفتیم سر قله

راهش بد نبود یک پرت کاهی داشت آنا بعد از آن پرتگاه دیگر همه جا راه هموار و بسیار خوب است آ سرازشیب میرود تا جنگل میرسد که دیروز عصر

در آنجا پیاده شده قدری استراحت کردیم اگر قدری راه سخت را بسازند دیگر تا قله کوه هیچ زحمتی ندارد و مکاریان و عابرین براحت عبور خواهند کرد

خلاصه راه سخت را طی کرده تا بهمواری رسیدیم و کم کم راه خوب شد فره کبک زیادی در اینجا بود دیک کبک بزرک و چند عدد زدیم عصر وارد منزل شدیم

روز چهارشنبه دهم صبح سوار شده رفتیم از رودخانه بالا طرف یوش راه کمی طی کرده آنطرف رودخانه که جای با صفائی بود بجهة استراحت پیاده شدیم

کاغذ و عریضه جات زیادی جمع شده بود بقدر چهار ساعت اوقات صرف کرده همه را خواندیم و جواب نوشتیم این قطعه که بجهة استراحت پیاده شده بودیم

از اراضی زراعت قریه یاسر است که مال صدیق الدوله است

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره پنجهم — شرف — شهر جمادی الاخری ۱۳۰۱

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دوهزار دینار

جناب اعتضاد الدوله

جناب میرزا مهدیخان اعتضاد الدوله قاجار دولو پسر مرحوم میرزا محمد خان قاجار سپهسالار اعظم که علاوه بر این نسب جلیل بشرف مصاهرت سلطنت

عظمی نیز نایلست   در سنه یکهزار و دویست و هفتاد و نیابت کشیکچی باشیگری خدمات کشیکخانه مبارکه منصوب گردید   در سنه هزار و دویست و هفتاد و

پنج مستقلاً بمنصب سر کشیکچی باشیگری دربار همایون برقرار و بعطای جبه ترمه شمسه مرصع مخلع گردید   در سال هفتاد و شش سواره قراپاپاق و ایرلو و چلیانلو

علاوه بر خدمات دیگر سپرده بجناب معزی الیه گردیده و بعطای شمشیر مرصع مفتخر شد   در سنه هفتاد و هشت بمنصب سرتیپ اول و نشان و حمایل آن از درجه

نایل و در هزار و دویست و هفتاد و نه بمنصب نیابت اول وزارت جنگ و خدماتی که از طرف دولت بسپهسالار وزیر جنگ محول و موکول بود از سرباز و

منصوب گردید و یکقبضه قداره مرصع بمعزی الیه مرحمت شد   در سنه دویست و هشتاد و سواره مهاجرین کلیه و لایات را علاوه بر خدمات سایره بمعزی الیه

واگذار و بعطای نشان تمثال همایون از درجه اول مفتخر شدند   در هزار و دویست و هشتاد و یک بمنصب امیر تومانی داخل نظام و بعطای حمایل و نشان از این رتبه

و سرداری شمسه مرصع نایل   و در سفر تشریف فرمائی موکب همایون بعراق عرب و تشرف بزیارت عتبات عالیات معزی الیه را بعطای حمایل آبی و خطاب

جنابی که از امتیازات بزرگ است سرفراز و بعد از مراجعت از اعتاب عالیات جناب ایشان را بلقب جلیل عضدالدوله و منصب جلیل

ایلخانی گری ایل جلیل قاجار ملقب و باهی فرمودند   پس از چندی بحکومت قم و ساوه و شاهسون مأمور گردیده بعد از سه سال احضار و باز بخدمات رکابی

مشغول گردید   در نود و پنج بحکومت قم و کاشان منصوب و مأمور گردیده   و اکنون نیز بحکومت قم و ساوه و شاهسون منصوب و پیوسته مصدر خدمات

دولت و مشمول عواطف و مراحم بندگان اعلیحضرت همایون سلطنت و دارای همه نوع امتیازات بزرگ دولتی میباشند

جناب مؤتمن السلطنه

جناب حاجی میرزا محمد رضای مؤتمن السلطنه پیشکار کل مملکت خراسان و وزیر دار الشورای کبری که از چاکران لایق مؤتمن و خدام کاردان ممتحن

دولت جاوید آیت است   در سال هزار و دویست و هفتاد و هشت در حالی که مستوفی مالیه و محاسبات مملکت خراسان بود بمنصب استیفای دیوان اعلی

سرافرازی حاصل نمود   و در دویست و هشتاد و یک پیشکاری کلیه امور مالیه و معاملات آن مملکت بعهده کفایت معزی الیه مفوض و در سنه هزار

و دویست و هشتاد و چهار بلقب مستشار الملکی سرافراز شد   و پس از چندی بخطاب جلیل جنابی نیز نایل آمد   و همواره بوزارت مستقله آن مملکت

منصوب و برقرار و متقلد این شغل و خدمت مهم میبود   در سال هزار و سیصد که موکب همایون تشریف فرمای ساحت خراسان شد

دقایق دولتخواهی و مراتب حسن خدمت جناب معزی الیه کما هو حقه مشهود پیشگاه همایون شهریاری افتاده مورد الطاف شاهنشاهی آمد و بلقب جلیل

مؤتمن السلطنه ملقب و در رکاب همایون اعلی بدار الخلافه و دربار همایون آمده   باقتضای سلامت عقل و اصابت رائی که پیوسته از معزی الیه بمنصه

شهود رسیده بود معزی الیه را در جزو وزرای شورای دولت منسلک و منصوب فرمودند که در اوقات حضور در دربار دولت بمجلس محترم دربار و

دار الشورای دولت حاضر شده نتایج مفیده آرا و افکار صائبه خود را ظاهر سازد   و اکنون در خراسان بشغل و منصب وزارت مشغول و همواره بتوجهات

نظر و الطاف خاطر همایونی مشمول و دارای انواع امتیازات دولتی از نشان تمثال همایون و عصای مرصع و انگشتری و سایر نشانهای افتخاری میباشد

جناب مؤتمن السلطنه

بقیه روزنامه سفر شاهنشاهی دام ملکه بمازندران

امروز باد زیاد آمد مخصوصاً این دره نور و کجور و یوش و ضعا طوریست که همیشه محل وزیدن باد است   عصر بمنزل آمدیم

روز پنجشنبه یازدهم صبح سوار شده کنار رودخانهٔ گُمرود را گرفته سربالا رفتیم حاصل اینجاها امسال خیلی خوب شده هیچ جا کمتر از تخمی ده تخم
نداده است بعضی حاصل گندم که در دامنه کوه و در زمین شن زار کاشته بودند حالا رسیده و درو شده بود ولی زراعت سایر اراضی
از کنار رودخانه و زمین خاکی و چمن و غیره هنوز نرسیده بود و بقدر ده بیست روز دیگر کار داشت که بموقع درو برسد و اغلبی هنوز سبز بود اول
رسیدیم بده گمر که این رودخانه باسم آن معروف است اصل ده در بغله کوه افتاده و خانوار زیادی دارد اشجار و باغات ده در دست چپ جاده واقع است
دست راست روی تپه جلو ده بعضی از قبور اعراب است که در زمان فتح مازندران باینجاها آمده و مرده اند بالای قبر آنها مختصر آثاری هم داشت
از اینجا گذشته نیم فرسنگی بالاتر رفتیم تمام عرض راه حاصل زراعت و آب و اشجار بید بود تا آنکه راه صعبی دارد رسیدیم بده برزدون که در وسط دره
تنگی واقع است دهی است آباد خانوار زیاد و عمارات خوب و اشجار بسیار دارد از این ده گذشته میرود به واتر کلاکه آخر آبادی این دره است از ده اول
تا اینجا یکفرسخ راه است قدری از این ده گذشته و از پل چوبی عبور نموده توی زراعت اسپرس آفتاب گردان زدند پیاده شده قدری استراحت
کردیم از ده گمر دره دارد قدری بالا میرود دهی دیگر نیز پیداست که اسمش را سراسب میگویند خلاصه تا دو ساعت بغروب مانده در آنجا توقف نمود
صنیع الدوله قدری روزنامه خواند بعضی نوشتجات و عرایض هم از شهر رسیده بود همه را ملاحظه نموده جواب نوشته فرستادیم دو ساعت
بغروب مانده سوار شده بطرف منزل راندیم منزل دره تنگی بود و همه چادرها را نزدیک هم زده بودند

روز جمعه دوازدهم امروز باید بیوش برویم صبح برخاسته سوار شدیم امین السلطان و شجاع السلطنه دم سراپرده حاضر بودند
چند نفر از صاحبمنصبان فوج مخبران شقاقی هم که تازه از فارس آمده بودند در اینجا بحضور رسیدند قدری با آنها صحبت کرده بعد راندیم
همه جا از راه ساخته میرزا عبدالله خان آمدیم راه را بغله دست راست انداخته والحق راه خیلی خوبی بنا کرده همه جا بقاعده مهندسی راه عریض
محکم بی عیبی لی دونا ساخته است اگر زراعت و حاصل مردم اهالی در زمین نباشد همه جا این راه را هم از کنار رودخانه میتوان رفت اما محض
اینکه خسارتی بزراعت مردم وارد نیاید این راه را قدغن نمودیم ساخته اند خلاصه همه جا از راه بغله آمده تا رسیدیم بده یاسیر که دست چپ دره
واقع و از آن منزل تا ده یاسیر نیم فرسخ سنگین راه است چنانکه اشاره شد این قریه مال صدیق الدوله و پسر حاجی وزیر که برادرزاده صدیق الدوله باشد
همیشه در این ده ساکنست بحضور آمد از یاسیر تا یوش راه خیلی پست و بلندی و پرتگاههای سخت دارد که اگر ساخته نبود عبور از آن غیر ممکن بود یک گردنه راهی
هم از آنطرف دره بود که اغلب سوارها و مردم از آن راه رفتند

بقیه در روزنامه آتیه

محمد حسن

نمره نوزدهم

شرف

شهر شعبان المعظم ۱۳۰۱

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب مستطاب اجل صدر اعظم

در این اوان سعادت اقتران که از میامن عنایات و الطاف الهی و محاسن توجهات نظر همایون شاهنشاهی ادام الله سلطانه و ایده اعوانه ثغور مملکت ایران

و امور دولت قوی ارکان کما ینبغی آراسته و منظم است و بنیان عدالت در بلدان مملکت همه جا محکم و مشید گردیده نعمت خصب و فراخی
و کثرت رزق و سعت عیش که از نعم طبیعیه الهی است نیز در همه اقطار و امصار مملکت شامل حال قاطبه اهالی است چون دیرزمانی بود که ذات
اقدس همایون صاحبقرانی زیاده از آنچه فرض ذمت و حد تکلیف سلطنت بود باقتضای ملکه عدل و داد در حراست عباد و سیاست بلاد
و ترتیب امور ملک و تمهید نظام دولت صرف وقت و بذل همت میفرمودند و حال آنکه مقتضی بود که بسیاری از آن امور بدست یکنفر از کفات
چاکران که شخص اول دولت و مسئول مطلق پیشگاه سلطنت باشد حل و عقد و رتق و فتق شود لهذا باقتضای شأن و شکوه دولت قویم و اقتفای
آثار و یاسا سلاطین قدیم و مزید آرایش حوزهٔ دولت و رعایت آسایش خاطر سلطنت رای بیضا ضیای همایون بتعیین و تشخیص شخص اول و وزیر اعظمی
علاقه یافته جناب مستطاب اجل آقا میرزا یوسف را که شرح احوال و لیاقت حسب و شرافت نسب و مراتب قربت و شأن و منزلت و حصافت
عقل و استقامت رای و دقایق کفایت و کاردانی ایشان در نمرهٔ دویم روزنامهٔ شریفه شرف و هم در روزنامجات ایران کرارا نگارش یافته
و فی الحقیقه اظهر من الشمس و مستغنی از شرح و وصف است و علاوه براینها در جرگ چاکران دولت بالطبع دارای مقام مطاعیتی هستند که امروز برای
هیچیک از چاکران عظام دولت این مقام و منزلت حاصل نیست بمنصب صدارت عظمی و رتبت شخص اولی دولت علیه ایران که مسبوق بدان نیز
بودند نایل فرمودند و روز بیست و نهم شهر شعبان المعظم امسال این سال فرخنده فال در قصر و عمارت مبارکه صاحبقرانیه شمیران که شرح آن بنای رفیع
در ذیل این روزنامه نگارش میشود پس از انعقاد سلام عام در حضور همایون جناب مستطاب معظم را بخلعت و تشریف صدارت عظمی مخلع و
مشرف و از قرار دستخط آفتاب نقط همایون مقتضیات این شغل و منصب جلیل را بشخص نبیل ایشان مفوض فرمودند

سواد دستخط مبارک

بحمد الله تعالی در این اوقات که اوایل سنه یجی ئیل ۱۳۰۱ امورات دولت منظم است در ولایات نرخها ارزان و در سرحدات امریکه ناگوار و خارج
از انتظام باشد رو نداده است و جمع و خرج دولت بی عیب و جمیع طبقات نوکر و صاحبان مناصب هر یک بتکالیف مقرره بخود مشغول و در امور
راجعه بخود ساعی هستند لیکن چیزیکه قدری اسباب پریشانی حواس مردم و رعایا و غیره و اسباب زحمت شخص ماست اینست که اجرای احکام
دولت و احقاق حق رعایای مملکت و نفاذ امر از دست و دستهای متعدد و مختلف بیرون میرود و در این اختلاف آراء و تعدد حکومتها غالب امور
دولت و مردم و رعایا پیشرفت نکرده بعهدهٔ تعویق می افتد و سبب اینست که آن رسم قدیم دولت ایران که همیشه منظور نظر سلاطین بوده است

کتابخانه

چندیست متروک شده و از میان رفته است که عبارت باشد از وزیر اول و شخص اول که آن مسئول کل امور دولت و ملت و رعیت باید باشد
و احکام بالتمام از شخص او صادر شود و چون ملاحظه فرمودیم تأسف خوردیم که چرا باید رسم و قاعدهٔ صحیح قدیم دولتی را تا باین درجه متروک
بگذاریم که سبب پیش نرفتن امور و زحمت خودمان و تمام مردم ایران باشد لهذا بموجب این دستخط از امروز بعد تجدید این رسم و قانون قدیمه را
کرده مقرر میفرمائیم که تمام اهالی ایران از شاهزادگان و صاحبان مناصب و طبقات نوکر از امرای عسکریه و وزرای اهل قلم و غیره جناب آقا را
بلقب و منصب صدارت عظمی شناخته ذره از حکم و صوابدید ایشان تجاوز و انحراف نورزند و ایشان هم در کمال قدرت و استقلال قرار کارهائیکه
لازم است برای آبادی و حفظ مملکت و رعیت استقرار بدهند و تمام صاحبان مناصب و طبقات نوکر را هر یک در مقام و شأن و کار و شغل خود شان
کمال تقویت را بکنند و عموم صاحبمنصبان و نوکرها هم در کلیه انتظامات عمل بجناب صدر اعظم امداد نمایند و تمام بروات و تنخواهجات دولتی
و فرامین از هر قبیل و هر طبقه باشد ابتدا باید بامضای صدارت عظمی برسد و بعد مجری شود ۱۳۰۱

باغ و عمارت مبارکه صاحبقرانیه که از باغات بسیار خوش منظر باصفا و عمارات جدید الوضع رفیع البنا و از منازل ییلاقی خاصه سلطنت
عظمی است مجاور قریه نیاوران و واقع در سمت شمالی صفحه شمیران و در روح و صفا و آب و هوا و رفعت محل و فسحت منظر بهترین نقاط دامنه البرز است
سابقا قصر و عمارتی عالی ولی از عهد قدیم و بوضع قدیم داشت در چهار سال قبل که سال لوی ئیل یکهزار و دویست و نود و هفت و وزارت بنائی ممالک
محروسه با جناب یحیی خان مشیر الدوله که اکنون وزیر عدلیه اعظم هستند بود اراده سنیه همایونی بتغییر وضع عمارت آنجا و بنای عمارتی جدید که
برای مقر سلطنت لایق باشد علاقه یافته بجناب معزی الیه امر قدر قدر همایون القا گردید و جناب معزی الیه شروع به بنای عمارتی بسیار عالی
بوضع عمارات مرغوبهٔ دول اروپ نموده تا سال دیگر باتمام رسید و مزین بانواع زینت و مبل و اسباب و بساطهای نفیس و اشیاء مرغوبه
گردید و این قصر عالی از دو سمت مفتوح است یکی از طرف جنوب که منظر آن تمام جلگه طهران است و یکی دیگر از طرف شمال که نظر بکوه
البرز دارد طرف جنوب آن عالی تر و مزین تر است ولی چون اشجار خیابانها حایل بود و تمام بدنه عمارت را در صفحه نقاشی نمینمود
لهذا طرف شمال آن که حایلی نداشته و محسوس تر بوده در این نقشه دورنما ساخته شده است

محمد حسن

نمره بیستم — شرف — شهر رمضان المبارک ۱۳۰۱
این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب امین حضور وزیر بقایا

جناب آقا علی امین حضور وزیر بقایا که از چاکران لایق کافی و برآوردگان و تربیت یافتگان مخصوص انعهد همایون است از بدایت عمر باقتضای درایت

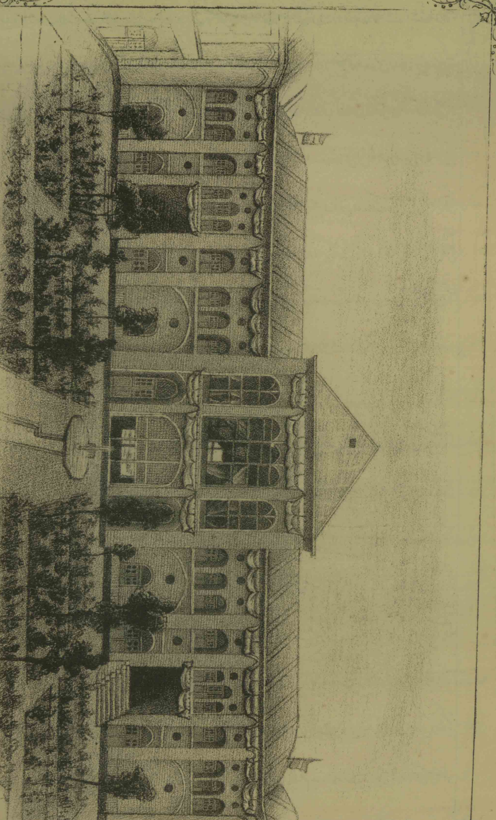

عمارت صاحبقرانیه از طرف شمال

فطری و استعداد ذاتی بتشرف خدمت خلوت و ملازمت حضور مهر ظهور شهریاری نایل شده بسمت پیشخدمتی خاصه اختصاص یافتند و روز
بروز در طی خدمت جوهر وجود و جودت جبلت خود را از یمن تربیت و ظل مرحمت خاصه پادشاهی بروز داده بمعارج ترقی ارتقا جستند و بپاداش
خدمتی لایق نعمتی سابغ یافته از میان اقران بامتیازی شایان ممتاز گردید تا در سال یکهزار و دویست و هشتاد و چهار هنگام رجعت موکب همایون اعلی
از سفر خراسان بلقب امین حضوری ملقب شدند و علاوه بر پیشخدمتی خاصه حضور و قیام دائمی بخدمات پیشگاه سلطنت در بدو دولت ابد مدت وجوهی
که دولت بطور قرض بمباشرین عمال داده بود مقتضی وصول آن گردیده و چندین سال حکومت ولایت ساوه و شاهسون بغدادی و مدتی اداره ورقه
دولتی و چندی اداره محاسبه دار الخلافه طهران و چندی اداره جنس دیوانی آذربایجان و چندی خازنی صرف جیب همایون و اداره
باغات و عمارات و قنوات دولتی و چندی حکومت ولایت کاشان نیز با معزی الیه بود در سال تشریف فرمائی موکب مبارک صاحبقرانی
بساحت عراق عرب و تشرف بعتبات عالیات معزی الیه نیز شرف التزام رکاب مبارک را داشتند در سنه هزار و دویست و نود و پنج
بمحصلی بقایای مالیه و اداره مجلس مزبور منصوب و در نود و هفت علاوه بر خدمت تحصیلداری بقایا بمنصب ناظمی دفتر استیفا سرافراز شدند
و پس از چندی انفصال از آن خدمت دوباره در اوایل سال هزار و دویست و نود و نه بمحصلی بقایا و محصلی کلیه محاسبات و نظم و ترتیب امور دفترخانه
مبارکه استیفا منصوب و در اواخر همین سال بخطاب جلیل خانی و لقب وزارت بقایا مخاطب و ملقب و جزو وزرای مسئول دولت گردیدند
و در این سال سیصد و یک چون خدمات سابقه و لاحقه ایشان منظور نظر کیمیا اثر همایونی بود بیک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع شدند و دارای
انواع امتیازات دولتی و نشانهای ذیشان از داخله و خارجه و دارای تمثال بمثال همایون نیز میباشند

مخبرالملک

حسینقلی خان سرتیپ مخبرالملک رئیس کل تلگراف ممالک محروسه پسر جناب مخبرالدوله وزیر علوم و تلگراف از مبادی عمر در مدرسه مبارکه
دار الفنون بتحصیل علوم و فنون و السنه و اصطلاحات داخله و خارجه پرداخته استعداد موروثی و لیاقت نسبی را در معلومات مکتسبی و طبعی
بتکمیل آداب و رسوم کما یتوقع ظاهر و معلوم ساخت و پس از فراغت از تحصیل بمنصب سرهنگی تلگراف نایل و در سال هزار و دویست و نود و سه بناظمی
و نیابت اداره تلگرافیه از طرف جناب مخبرالدوله برقرار شد در سنه هزار و دویست و نود و پنج بمنصب سرتیپی و نشان و حمایل این رتبه نایل
و بسمت ریاست اداره تلگراف ممالک محروسه شناخته گردید و پیوسته در کمال کفایت و درستکاری اشتغال باین خدمت مهم نمود
تا در سال هزار و سیصد و یک مورد التفات مخصوص شهریاری گردیده از روی سزاواری بلقب مخبرالملکی ملقب و مباهی آمد

مخبرالملک

بقیه روزنامه سفر شاهنشاهی خلد الله ملکه بنمارستاق

دو میدان بپوش مانده کوهی جلو آمد که تمام آن کوه خراب و از هم پاشیده است قریب دویست ذرع راه از توی همین کوه است که
ساخته اند چون احتمال ریزش سنگ باز از آن کوه میرفت این دویست ذرع راه خالی از خطر نبود از آنجا گذشته بده پوش رسیدیم که در
دست چپ دره واقعست داخل ده نشده از راهی دیگر سرازیر آمدیم بتوی دو خانه وراندیم برای منزل از پوش تا محل اردو باز یک فرسخ

راه بود در حقیقت از دور اراضی آوز زده اند ظهر وارد منزل شدیم از دو در محلی بسیار باروح و صفا و وسیع و خوش هوا است خیلی از بلده

بهتر است فتح الله شکارچی گجوری پوست پلنگ بسیار بزرگی را که خودش شکار کرده بود از کاه پر کرده بود توسط امین السلطان بحضور آورد اما

وضع شکار پلنگ کردن اهالی اینجا این طور نیست که با پلنگ روبرو شده و مبارزت نموده او را بزنند بلکه در سر راه پلنگ و غیره تله گذارده

پلنگ در وقت عبور بتله می افتد آنوقت می آیند خیلی نزدیک و با تفنگ میزنند

روز شنبه سیزدهم توشیجات زیاد بشهر نوشته شد عصری و ساعت بغروب مانده بجهت رفع کسالت سوار شده رفتیم بتماشای قریه یوش

بالای تپه که مشرف بده بود آفتاب گردان زدند پیاده شده قدری تماشای ده را کردیم اما باد سختی می آمد و نگذاشت درست تماشا کنیم ده

بسیار خوب باصفای خوش منظریست چند خانوار ایل بالای همین ده افتاده اند پرسیدیم که از کدام ایل و طایفه اند گفتند از طایفهٔ فوج اند

از دره بالای این ده بجور راه است که در چهارده پانزده سال قبل از این از همین راه بیوش آمدیم این ده باغات خوب باصفا دارد و از قرار یکه

می گفتند در اغلب خانها یک چشمه آب کمی جاریست که بآن زندگی میکنند خانهای محمد جان خان از تمام خانهای این ده بهتر است تکیه

و خانهای وکیل الملک قدری خراب و بایر شده است خلاصه بعد از یک ربع توقف سوار شده بمنزل آمدیم اینجا شبها هوای آرام خوبی

دارد و با وجودیکه هوا صاف است و ابر و مه نیست صبح روی چادرها و غیره مثل اینکه شب نم زده باشد رطوبت و تری دارد

روز یکشنبه چهاردهم امروز صبح برای گردش و تفرج از منزل سوار شده بقدر یک میدانی رانده رسیدیم بده آوز که ده بسیار

باصفائیست از آنجا بقدر دو میدان گذشته رسیدیم به نیک نام ده این ده هم ده بسیار باصفای سبز باطراوتیست چون این دره سیل

گیر است اهل ده بجهة محفوظیت از سیل روی تپه که سمت دست راست دره واقعست منزل کرده اند قدری بالاتر از ده در چمنی که نزدیک رودخانه

بود پیاده شده قدری استراحت کردیم صنیع الدوله قدری روزنامه خواند تا عصر اینجا توقف کرده بعد سوار شده بمنزل مراجعت کردیم

از ده نیک نام از توی همین دره میرود به بیک از بیک میرود به پل از پل میرود به نُن از نن میرود به دونا

روز دوشنبه پانزدهم باید برویم بقریهٔ ناحیه که از این منزل تا آنجا دو فرسنگ مسافت است سوار شدیم چهارصد نفر سوارهٔ خواجه وند که از

کجور آمده بودند از سان حضور گذشته حکم شد یکصد نفر دیگر هم سوار گرفته علاوه کنند که روی هم پانصد نفر بشوند امین السلطان سر سوار استاد

بود حاجی اسمعیل نوری و علی اکبرخان سر کرده هم بودند بقیه در روزنامه آتیه محمد حسن

نمره بیست و یکم
شرف
شهر شوال المکرم ۱۳۰۱
این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب اشرف مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم

جناب اشرف یحیی خان مشیر الدوله وزیر عدلیه اعظم که از اجله چاکران حضرت سلطنت و وزرای عظام دربار دولت علیه هستند و بر حسب لیاقت فطری و قابلیت جبلی

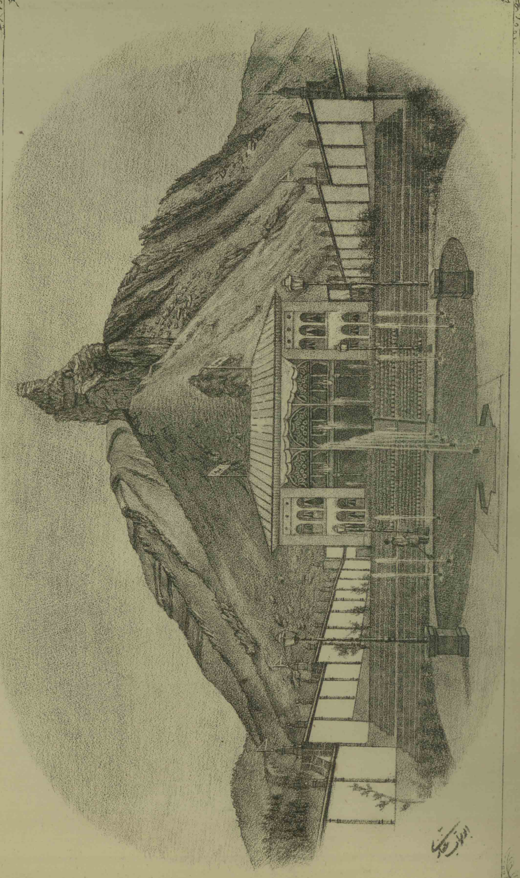

کمالیتی بزیور دانش و درایت و حلیهٔ تربیت و کفایت آراسته و در خبرت بدقایق آداب و رسوم و السنه و علوم دول متمدنهٔ اروپ و بصیرت برموز و اسرار
دیپلوماسی و آگهی بنکات مراودت و قانون سفارت بدربار سلاطین عظیم الشأن در سمط چاکران این دولت ابد مناص بسمت تفرد و اختصاص دارند مبادی عمر از پس
از چندین سال تحصیل زبان فرانسه و کسب آداب و ادراک دقایق فواید و معلومات عصر جدید در دار الملک پاریس و رجعت بدربار ایران در سلک چاکران خاص منسلک و مشغول
خدمت گردیدند مدتی نیز در سفارت سنیهٔ دولت علیهٔ ایران مقیم پطرزبورغ بسمت نیابت داشتند تا در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج بمنصب اجودانی مخصوص و مترجمی حضور
باهر النور همایون و عطای نشان و حمایل سرهنگی سرافراز و در هشتاد و شش از طرف اعلیحضرت همایون با حمایل و نشان و هدیهٔ خاص ملوکانه برای سلطان عثمانی عبد العزیز خان مرحوم گردیده
بمسافرت اسلامبول رفته پس از انجام این ماموریت جلیله مراجعت کردند و در هشتاد و هشت حامل نشان و خلعت خاص ولایت عهد بجهه حضرت اشرف اسعد والا ولیعهد جاوید مهد گردیده
تا آذربایجان مسافرت کردند در سال هزار و دویست و هشتاد و نه خزانه داری صرف جیب همایون بجناب ایشان تفویض شد در هشتاد و چهار در ملازمت رکاب نصرت انتساب مبارک بسفر خراسان و زیارت
مشهد مقدس رفته و در ظرف همین سال در حالتیکه دارای رتبه و نشان سرتیپی اول بودند بنشان و حمایل امیر تومانی نایل و پس از قلیل زمانی در اواخر همین سال بلقب نبیل معتمد الملکی ملقب
و بعد از چندی بخطاب جلیل جنابی سرافراز و در هشتاد و هشت بمنصب مدیری امور شورخانه و ترتیب مجلس شورای کبری سرافراز شدند و پس از چندی در همین سال بمنصب وزارت مخصوص
منصوب و در اواخر این سال بمنصب کشیکچی باشیگری دربار و ایلخانی گری ایل جلیل قاجار مباهی و در هشتاد و نه حکومت ایالت دار المرز گیلان و طوالش بعهدهٔ کفایت و ادارهٔ ایشان
واگذار شد در دویست و نود در رکاب همایون بسفر فرنگستان رفته و در سال نود و یک حکومت ولایت یزد ضمیمهٔ سایر مشاغل و اعمال ایشان گردید در نود و دو بفرمانفرمائی مملکت
فارس منصوب و در نود و چهار حکومت دار المرز مازندران بدیشان تفویض شد در نود و پنج که مجدداً موکب همایون تشریف فرمای سیاحت فرنگستان شد جناب ایشان
در غیاب مرحوم میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزارت جلیلهٔ جنگ و وزارت خارجه را اداره مینمودند در سال هزار و دویست و نود و نه پس از فوت مرحوم سپهسالار
اعظم بلقب نبیل مشیر الدوله و منصب جلیل وزارت عدلیهٔ اعظم سرافراز و لقب معتمد الملکی بمیرزا حسینخان فرزند ایشان عطا شد و در همین سال یکهزار و سیصد و یک
که نواب والا شاهزاده ولیعهد دولت بهیهٔ روس بحد رشد و بلوغ رسیده و علی الرسم در آن دولت جشن عظیمی میگرفتند و مامورین محترم از طرف دول
معظمهٔ متحابه مخصوص ادای مراسم تبریک بدربار آن دولت مامور میشدند جناب مشیر الدوله وزیر عدلیهٔ اعظم از طرف دولت علیه بماموریت این سفارت بزرگ شده
و نظر بشرف مصاهرت و سمت انتساب و قرابت ایشان بخانوادهٔ سلطنت عظمی که مزید بر رعایت حقوق خدمات لایقهٔ معزی الیه بود ایشان را بخطاب
نبیل اشرفی که از القاب و خطابات خاصهٔ شاهزادگان عظام و مرادف با آلتس دول اروپ است نایل و سرافراز فرمودند و انواع امتیازات
بزرگ این دولت را از نشان تمثال همایون و شمشیر و شمسهٔ مرصع و غیره و از دول خارجه نیز دارای نشانهای عالی هستند

قصر سلطنتی شهرستانک

شهرستانک ییلاقیست از ییلاقات بی نظیر دار الخلافه طهران بلکه تمام محروسه ایران بمسافت شش فرسنک در طرف شمال دار الخلافه طهران در خلف
کوه البرز واقعست یعنی قریب یکفرسنک و نیم که از فراز قله البرز رو بشمال بسمت نشیب راه طی میشود دره پدید می آید در صفا و خضارت و نزهت و نضارت
نظیر بهشت از ابتدای دره که هنوز مسافتی بپایان و قعر آن مانده چند چشمه آب صافی خوشگوار که هر یک بقدر چهار پنج آسیا سنکست از شکافهای سنک و تل جبل
زایش و تراوش کرده آبشار معتبر با شکوهی شده بپایین میریزد و در پایین دره رودخانه بسیار عظیمی میشود که هیچوقت از اوقات کمتر از سی چهل سنک آب ندارد در اوایل
این دره قریب یکهزار قدم عرض دارد و پایین که میرود وسعتر و عریضتر و تا حوالی دیه آبادی شهرستانک که قریه بسیار معتبریست جلگه مانندی میشود هوای این ییلاق
بقسمی لطیف و سرد و خوش است که هیچوقت از سال قلل مرتفعه و شکاف درهای جبال آن از برف عاری و خالی نمیشود و تمام این کوهها چراگاه انواع شکارات است از صفحه
شمیران دار الخلافه تا شهرستانک بواسطه راه بسیار خوب عریض مسطح بیخطری که در این عصر و عهد همایون ساخته و احداث شده است مدت پنج الی شش ساعت چه راکب
چه راجل چه اسب سواری چه دواب مکاری بی رنج و تعب قرین امنیت و راحت آمد و شد میکنند عرض این راه بقدریست که همه جا دو مال با بار و حمال از پهلوی هم بسهولت
میگذرد بالجمله چون بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شهریاری خلد الله تعالی سلطانه همه ساله یک دو ماهی از اوقات تابستان و حرارت هوا
تشریف فرمای این ییلاق شده اقامت میفرمودند و در هر بار بساط شهریاری و خرگاه و خیام سلطنتی در آنجا برپا میشد در سال هزار و دویست و نود و چهار هجری
رای بیضا ضیای همایون پادشاهانه براین علاقه یافت که در اینجا نیز چون سایر ییلاقات و شکارگاههای سلطنتی احداث بنا و ایجاد عمارتی در خور نزول اجلال
شاهانه شود که هر بار حاجت بحمل و ضرب خیام نباشد مرحوم امین السلطان که در امتثال اوامر و مقررات و ادراک مقاصد و منظورات همایونی از جمع
چاکران حضرت سمت اختصاص و مزیتی داشتند دستور العمل بنای این عمارت را فرموده بمباشرت مرحوم مشار الیه و معماری حاجی ابو الحسن معمار باشی در ابتدای دره
و سرچشمه رودخانه شهرستانک شروع به بنای آن شد و در سال هزار و دویست و نود و پنج با تمام رسید عمارتیست مشتمل بر دیوانخانه بسیار عالی و اندرونی و حمامهای متعدد
و حوضها و فواره ها که آب رودخانه از سرچشمه بواسطه مجراها و منبعهای معتبر داخل آن حوضها شده و از این فواره ها جستن کرده در زیر دست دوباره برودخانه
میریزد قصر خاصه سلطنتی قصریست بدیع الوضع رفیع البنا دو مرتبه و چهار رو که طرف شمال آن که رو بدرب دیوانخانه است از اطراف دیگر آراسته تر و مزین تر است
الحق تمام این بنا از حیثیت استحکام و امتیاز مصالح و حجاری و نجاری و آیینه کاری نهایت امتیاز و تعریف را دارد و بانواع مبل و اثاث البیت اعلی
و بساطهای نفیس گرانبها نیز آراسته است

محمد حسن

نمره بیست و دویم

شرف

شهر ذیقعده الحرام ۱۳۰۱

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا عضد الدوله

نواب والا عضد الدوله سلطان احمد میرزا از ابنای کرام خاقان خلد آشیان مغفور فتحعلی شاه و از اعمام عظام سلطنت عظمی در سنه یکهزار و

دویست و چهل و چهار باین لقب نایل شدند و در عهد خاقان خلد مکان حکومت کاشان بپیشکاری مرحوم میرزا علیمحمد خان نظام الدوله مفوض بایشان بود و در این عهد معدلت مهد در سال هزار و دویست و هفتاد و پنج باذربایجان و حکومت اردبیل و مشکین مامور شده در سنه هفتاد و پنج مراجعت بدربار همایون نمودند و در سفر سلطانیه که شرف التزام رکاب مستطاب ملوکانه را داشتند بحکومت بروجرد و بختیاری مامور و پس از چندی بحکومت ملایر و تویسرکان منصوب و از آنجا مجددا مامور باذربایجان و حکومت اردبیل و مشکین شدند در سنه هزار و دویست و هشتاد و یک بحکمرانی قزوین و مضافات نایل و در هشتاد و پنج کرة ثالثه مامور آذربایجان و منصوب بحکومت قراجه داغ و در هزار و دویست و نود احضار بدربار و در سلک وزرای دار الشوری منسلک و برقرار گردید در نود و یک ثانیا حکومت قزوین بعهدهٔ کفایت ایشان تفویض شد و هفت سال تمام در آنجا با کمال رعیت داری و کاردانی ولایت و حکمرانی کرده در نود و هشت مامور خراسان و حکمران سبزوار و در سال نود و نه بسمت ریاست اجزاء و عمله درخانهٔ حضرت والا ولیعهد مامور آذربایجان شدند در هزار و سیصد بحکمرانی ملایر و تویسرکان و نهاوند منصوب و در این سال سیصد و یک احضار و بتولیت آستان مقدس حضرت رضویه علیه السلام مامور و روانه مشهد مقدس شدند سن نواب معزی الیه شصت و چهار سال است و دارای امتیازات دولتی حمایل و نشان سرتیپی درجه اول و حمایل و نشان امیر تومانی و تمثال همایون و انگشتری و عصا و کل کمر و قمه مرصع همه را دارا و ایشانند

جناب صنیع الدوله

جناب محمد حسنخان صنیع الدوله وزیر انطباعات دولت علیه و رئیس دار الترجمه مبارکه دولتی و مترجم حضور مبارک همایون در اوایل سلطنت که مبادی عمر معزی الیه بود پس از ایجاد مدرسه دار الفنون بمدرسه مبارکه رفته چند سالی تحصیل زبان فرانسه و علم پیاده نظام نموده و در چهار امتحان چهار قطعه نشان مدرسه از مس الی طلا بمعزی الیه اعطا گردیده تا در راه ترقیات علمیه و فنیه بمنصب سرهنگی رسید در سال هزار و دویست و هفتاد و پنج که مرحوم عماد الدوله حاجی علیخان مراغه والد معزی الیه بحکومت ایالت عربستان و لرستان منصوب شد معزی الیه علاوه بر سرهنگی و ریاست افواج ساخلوی عربستان و لرستان قریب سه سال بنیابت ایالت و حکمرانی عربستان و کردستان برقرار بود پس از مراجعت بدار الخلافه بمنصب جنرال اجودانی مخصوص حضور همایون سرافراز و در سال دویست و هشتاد و دو بسمت نیابت دوم سفارت ایران مقیم پاریس مامور فرنگستان گردیده سه سال و نیم در پاریس علاوه بر خدمت دیوان اعلی بتکمیل زبان فرانسه و تحصیل آداب و رسوم مفیده این عهد پرداخت پس از معاودت بدربار دولت علیه در سلک پیشخدمتان خاص عتبه سلطنت منسلک و بسمت مترجمی مخصوص حضور همایون قرین امتیاز و اختصاص گردید از ابتدای سال هزار و دویست و هشتاد و دو نیز بریاست اداره روزنامه جات و دار الطباعه های کل ممالک محروسه سرافراز و پس از قلیل زمانی در همین سال بلقب صنیع الدوله ملقب و بریاست دار الترجمه خاصه دولتی منصوب شد در هشتاد و نه ادارهٔ اوراق دولتی بمعزی الیه تفویض گردید و در همین سال که مرحوم میرزا حسینخان مشیر الدوله صدر اعظم دولت بود صنیع الدوله مکتب مجانی احداث و ایجاد نموده موسوم بمکتب مشیریه داشت که شرح ترقیات آن مکتب در جلد

جناب صنیع الدوله

اول مرآت البلدان نگارش یافته است سال هزار و دویست و نود ثانیا در شرف ملازمت رکاب همایون بفرنگستان رفته بعد از مراجعت علاوه بر سایر خدمات بسمت معاونی وزارت عدلیه عظمی و رسیدگی بکلیه عرایض و مهام این وزارتخانه جلیله در حضور همایون نایل و پس از چندی اداره

عمارات و باغات مبارکه و قنوات دولتی و احتساب دار الخلافه طهران مزید سایر مشاغل معزی الیه شد در نود و یک باغ و عمارت عالی بدیع الوضع عشرت آباد بمراقبت و مباشرت معزی الیه بجهت دولت احداث و بنا گردید در نود و پنج مجدداً بملازمت رکاب اعلی بفرنگستان رفت در سال نود و هشت اداره تالیف کتاب مبارک نامه دانشوران ناصری بمعزی الیه تفویض شد و در همین سال بخطاب جلیل خانی سرافراز و در نود و نه در جزو وزرای دارالشورای کبری مملکت و در اوایل سال هزار و سیصد و یک بحمایل مرصع مخلع و در اواخر همین سال خجسته مآل بیکقطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون مکلل بالماس سرافراز شد از مبادی نوکری تا کنون پیوسته لیلاً و نهاراً سفراً و حضراً ملتزم رکاب اعلی و مراقب خدمات حضور مهر ظهور و مورد الطاف کامله شهریاری و دارای انواع امتیازات جلیله و نشانهای رتبه اولیه این دولت علیه و حمایل سبز و نشانهای ذیشان اکثری از دول معظمه خارجه از قبیل روس و المان و عثمانی و اطریش و فرانسه و بلژیک و ایطالیا و جمهوری و نزولای نیکی و هلاند و اسپانیول و تونیس و ژاپن و نشان مرتبه اول علمی مجمع العلوم پاریس و در عداد اجزاء مجلس جغرافیای فرانسه و صاحب تصنیفات و تالیفات متعدده از قبیل تاریخ ایران از ابتدای وضع سلطنت و مجلدات مرآت البلدان و آثار السلطان چهار جلد و منتظم ناصری سه جلد که وقایع مهمه تمام روی زمین را از هجرت الی الآن شامل است و تاریخ انکشاف ینگی دنیا و گرامر و دیالک فرانسه و قاموس لغت از فرانسه بفارسی و لغت پلتیکی از فرانسه بپارسی که حاوی مهمات تاریخی و رجال و غیره است و لغات متشابهه فرانسه با ترجمه فارسی و مختصر جغرافیای عمومی عالم و ترجمه چند نسخه و رساله دیگر میباشند

بقیه روزنامه سفر اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه بمازندران و استراباد

بعد از سان سوار براه افتادیم راه همان راه ساخته میرزا عبد الله خان است که از بغله میرود اما بسیاری از جاهای راه هم توی رودخانه است ابتدای راه بسمت دست راست قریه اوز واقعست که جزو تیولات میرزا عبد الله خان است خیلی ده معتبریست جمعیت و خانوار زیاد و عمارات و خانهای خوب دارد قریب سیصد باب خانه میشود از این رودخانه آب گل آلود کمی می آید زیاده از ده دوازده سنگ نیست دره اش دره تنگ کم وسعتی است ولی باصفا دست راست دره کوههای سنگی باصفای خوبی دارد اغلب از کوهها خراب شده و ریزش کرده است که عبور از زیر آنها خالی از احتیاط نیست اغلب از آن کوههای سنگی هم مغاره های بزرگ مهیب دارد کوه برف دار باصفای خوبی هم از جلو پیدا شد شاهزاده کوه هم دست راست واقعست لیکن از توی این دره دیده نمیشد بقدر نیم فرسنگ که راندیم بقریه اوز کلا که دست راست جاده واقع بود رسیدیم تا بحال هیچ ده ندیده بودم جمیع خانهای این قریه در سمت دست راست در کمر سخت صعبی که پرتگاه زیادی دارد واقعست بقیه در روزنامه آتیه

محمد حسن

نمره بیست و سیم

شرف

شهر ذیحجة الحرام ۱۳۰۱

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه بطهران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

اعلیحضرت پادشاه پروس و امپراطور آلمان

اعلیحضرت قوی‌شوکت فردریک گلیوم اول پادشاه پروس و امپراطور ممالک المان پسر فردریک گلیوم سیم پادشاه پروس میباشند و فردریک گلیوم سیم در سنه هزار و هشتصد و چهل مسیحی در هفتم ماه ژوئن مرحوم شده است اعلیحضرت امپراطور المان و پادشاه پروس فردریک گلیوم اول در بیست و دویم ماه مارس سال هزار و هفتصد و نود و هفت متولد شده و بعد از چند ماه دیگر هشتاد و هشت سال تمام از عمر شریفشان رفته و با کبر سن و با وجود آنکه شب و روز بالاستمرار بزحمات مملکت داری و رعیت پروری مشغول اند مزاج آن اعلیحضرت در کمال استقامت است چون برادر گرامی اعلیحضرت امپراطور المان فردریک گلیوم چهارم پادشاه پروس در دویم ژانویه سنه هزار و هشتصد و شصت و یک میلادی درگذشت اعلیحضرت امپراطور معظم بر سریر سلطنت پروس جلوس نمودند و در امتداد سلطنت موهوبه بتقدیر خداوندی ایشان را دوچار کارهای سخت کرد و آن عبارت از سه جنگ بود که تهدید بانتزاع قطعات ممالک و ایمنی و آسایش رعایای آن اعلیحضرت مینمود امپراطور فردریک گلیوم اول را در محاربات مزبوره ظفر و غلبه نصیب آمد و چون همه وقت از افواج و عساکر رشید خود دوری نمیکردند و شخصاً در میدان جنگ حاضر میشدند بارها در معرض مخاطرات آمدند در جنگ آخری که اعلیحضرت امپراطور معظم خود را مکلف بمقاومت با قشون دلیر فرانسه دیدند پادشاهان و حکمرانان المان با ایشان همراهی داشتند و پس از جنگهای سخت و خونریزیهای زیاد بر هماورد با اقتدار خود غالب آمدند و در هیجدهم ژانویه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و یک در ورسایل پادشاهان و حکمرانان متحد المان قوت قلب و کمال عظمت آن اعلیحضرت را مشاهده نموده با میل مفرط تاج امپراطوری المان را بایشان عرضه داشتند بنابراین در تاریخ مذکور اعلیحضرت گلیوم اول علاوه بر پادشاهی پروس بامپراطوری ممالک المان نایل آمدند و سلطنت امپراطوری المان که از دیرگاهی در حالت تعطیل بود تجدید و برقرار شد از بشره امپراطور نهایت بزرگی پیدا و بهمین درجه نیک نفسی و عزم راسخ از سیمای ایشان هویداست

اعلیحضرت شاهنشاه ممالک ایران دام ملکه در دو سفر فرنگستان در برلن با اعلیحضرت امپراطور فردریک گلیوم اول ملاقات فرموده و این دو ملاقات مبانی مودت این دو پادشاه کارآگاه را مستحکم ساخته از آنوقت این اتحاد برقرار و از آنروست که اعلیحضرت امپراطور المان سفارتی بدربار اعلیحضرت شاهنشاهی عز نصره مامور فرمودند

جناب مسیو دبرانشوایگ وزیر مختار و ایلچی مخصوص المان

جناب مسیو دبرانشوایگ وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت امپراطور المان در سیم ماه ژوئیه سال هزار و هشتصد و چهل و پنج میلادی در پمرانی متولد شده در دار الفنونهای هایدلبرگ و برلن علم قوانین ملل را تحصیل نمود و بعد از فراغ از این تحصیل و دادن امتحانهای لازمه در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و چهار در اداره امور خارجه المان داخل گردید در سال هزار و هشتصد و هفتاد و شش و هزار و هشتصد و هفتاد و هفت در اسلامبول و بخارست ماموریتهای مختلف بهمرسانید بعد از امضای عهدنامه برلن جناب معزی الیه از جانب دولت المان بعضویت کمیسیون بین الملل که بواسطه عهدنامه مزبوره برای تشکیل نظام مملکت رومیلی شرقی منعقد گردید برقرار شد در هزار و هشتصد و هشتاد نایب سفارت المان مقیم اسلامبول گردید و در سال بعد در بلغارستان مامور دیپلوماتیک و ژنرال قنسول المان شده بعد از آنکه سه سال در آن ماموریت بود بسمت وزیر مختاری و ایلچی مخصوص دولت المان بدربار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و دولته مامور گردید

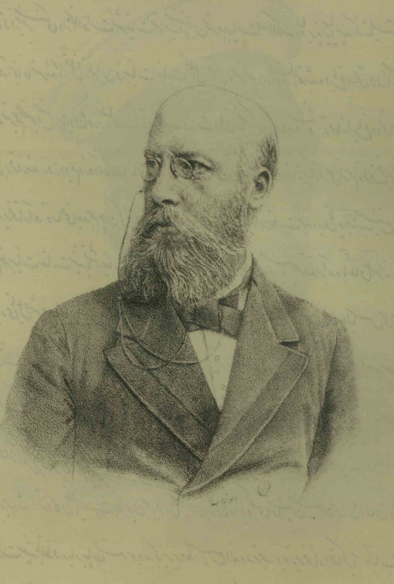

جناب مسیو دبرانشوایگ وزیر مختار دولت المان

چنانکه در روزنامه مبارکه ایران مفصلاً نگارش یافته در این اوقات که اعلیحضرت امپراطور معظم کل دول متحده المان و پادشاه مملکت پروس محض تشیید مبانی دوستی و تکمیل روابط یکجهتی با دولت علیه ایران جناب مسیو براونشوایگ را که شرح حالات معزی الیه مسطور گردید بسمت وزارت مختاری و ایلچی مخصوصی با اجزای مفصله ذیل (مسیو بروکش مستشار سفارت) (کپیتان براندیس صاحب منصب) (بارون حرشکی کاتب سفارت) مأمور دربار دولت علیه نمودند دولت علیه محض رعایت شرایط مودت کامله و توقیر این سفارت سنیه میرزا رضاخان جنرال اجودان را بسمت مهمانداری عرض راه بانتخاب وزارت جلیله خارجه از دربار همایون روانه انزلی داشت و از ساعت ورود معزی الیه بانزلی تا ورود بدار الخلافه باهره همه جا چه در رشت و انزلی از طرف والی گیلان و چه در سایر نقاط عرض راه توسط میرزا رضاخان شرایط پذیرائی کامل بعمل آمد و روز ورود بدار الخلافه که شنبه بیست و هفتم ذیحجه الحرام بود از طرف دولت علیه تا عمارت باغ شاه که در سه فرسنگی دار الخلافه است تشریفات احترامیه از مستقبلین محترم بریاست نصر الملک و سایر پذیرائیها چندانکه شایسته ورود چنین وزیر مختار محترمیست اعمال و در آنجا حاضر شده بود قبل از ظهر این وزیر و هیأت سفارت با کمال شأن و احترام وارد دار الخلافه شده در باغ دولتی لاله زار که حسب الامر الاعلی دستور العمل جناب صنیع الدوله مترجم مخصوص حضور همایون و وزیر انطباعات و مدیر باغات و عمارات دولتی حاضر کرده بودند وارد شدند و مهماندار باغ دولتی نیز بانتخاب جناب صنیع الدوله معین و برقرار شد روز دویم ورود آقا رضاخان جنرال اجودان مخصوص حضور همایون و وزیر قورخانه مبارکه علی الرسم از طرف قرین الشرف همایون باحوال پرسی جناب وزیر مختار آمد و ساعتی بعد هم چون یکی از وزرای دربار نیز از طرف دولت باید از سفارت سنیه دیدن نماید جناب صنیع الدوله بدیدن آمد روز سوم ورود هنگام ظهر هیأت سفارت سنیه با تشریفات دولتی بجهت شرفیابی حضور باهر النور همایون بدربار سپهر اقتدار آمده باتفاق ظهیر الدوله ایشیک آقاسی باشی دربار بحضور همایون شهریاری نایل و شرف اندوز شدند از شاهزادگان عظام و وزرای فخام دولت که در این سلام مخصوص باید بالباس رسمی شرفیاب حضور مبارک باشند نواب والا ملک آرا و نواب والا رکن الدوله از اخوان کرام سلطنت و نواب والا حاجی معتمد الدوله و نواب والا فرمانفرما از اعمام عظام سلطنت و جناب ناصر الملک وزیر امور خارجه و غیرهم حاضر و شرف اندوز بودند وزیر مختار نامه مودت علامه اعلیحضرت امپراطور معظم دولت المان را تقدیم حضور نموده خطابه نیز مبنی بر اظهار مسرت و شرف و شکر گذاری از این مأموریت خود بعرض رسانید که بتوسط جناب صنیع الدوله ترجمه شد بندگان اعلیحضرت همایون هم جوابی مبنی بر کمال وداد و یکجهتی دولتین علیتین ایران و المان و اظهار مسرت و خوشوقتی از این سفارت سنیه بلفظ دربار بیان فرمودند که نیز بتوسط صنیع الدوله ترجمه و بوزیر مختار القا گردید جناب وزیر مختار پس از مرخصی از حضور همایون رسماً بوزارتخانه جلیله خارجه آمده از جناب وزیر امور خارجه دیدن کرد

محمد حسن

١٣٠٢
شهر محرم الحرام

شرف

نمره بیست و چهارم

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب پرنس بیزمارک

(عمارت مبارکه باغ لالهزار از طرف جنوب)

پرنس بزمارک

پرنس بزمارک صدراعظم یا وزیر اول دولت المان یکی از رجال بزرک دنیاست که صیت اصالت رای ولیاقت وتدابیر صائبه وافکار متقنه او بتمام اقطار واصقاع واقصی بلاد روی زمین رسیده وشرح احاطت وتعمق وحیازت وتجربه او در عالم پلیتیک بهر کوشی شنیده پرنس مشار الیه در سال هزار وهشتصد وپانزده روز اول ماه آوریل متولد شده وپس از پانزده ماه دیگر سنین عمر او بهفتاد میرسد (سال شمسی) خانواده او فقط ازنجبا واباعن جد قرنها در ناحیهٔ پمرانی واقعه در مملکت پروس سکنی داشته اند پرنس بزمارک که ابتدا اورا سیود بزمارک میکفتند داخل در خدمت دولت متبوعهٔ خود کردید وپلیتیک او مبتنی برحفظ وحمایت اصول وارکان استقلال سلطنت پروس وبرای استحکام مبانی امور جز سلطنت مستقله وضعی را پسند نمینمود چیزی نکذشت که طرف توجه اعلیحضرت گلیوم امپراطور المان که آنوقت پادشاه پروس بود کشت وشایستکی ولیاقت وکمال کاردانی وکفایت خود را بمنصهٔ شهود رسانیده جلوه وظهور داد وبتقلد مشاغل خطیره وجلایل مناصب دولت پروس نایل آمد چنانکه ابتدا از جانب دولت مشار الیها بسفارت فرنکفرت وسنت پطرزبورغ وبعد بهمین سمت مامور پاریس کردید وچون این خدمت را بوجهی الیق وطوری اوفق بپرداخت استعداد کامل ودرایت کامن خود را لایح وآشکار ساخت سوانح این ایام چون خاص وعام را مشهود است باوجود عیان وشهود لازم نیست که زیاده براین از نتایج اعمال مهمه واقوال متینه وفواید ماموریتهای وزیر اول دولت المان چیزی بمیان آریم فقط کوئیم که این شخص کافی را در فرنک شانسلیه دفر کویند یعنی وزیری که حصافت عقل ورزانت رای او بسختی آهن ماند وآنچه را قصد کند بموقع اجرا رساند اتحاد المان که سالها بدان آرزومند بودند یکی از ثمرات خیال بلند پرنس بزمارک است وصلح عمومی فرنک که برای خوشبختی ملل وترقی علوم ورواج صنایع ورونق تجارت وحل مسائل مهمه انسانیت کمال لزوم واهمیت را دارد از مقاصد حسنه ومهم واحد او میباشد وکلیه اهل عالم وملل مختلفه اینمعنی را استنباط واعتراف کرده از پرنس معظم امتنان کامل حاصل نموده اند ودر حقیقت سنین آخر عمر خود را پرنس بزمارک بمصرف تدبیر بقای صلح وآسایش مردم رسانیده است این وزیر صایب تدبیر ابتدا ملقب بکُنت شد وبعدها بلقب پرنس یعنی شاهزادکی تشرف که بالاترین القاب معموله دراروپ است مباهی کردید وافتخار مخصوص واعتماد خاصی است که بالاختصاص اعلیحضرت امپراطور المان وپادشاه پروس مشار الیه دارند نشانهای امتیاز که بهمه علامت منتهای جلالت قدر واحترام است از اعلیحضرت معظم وسلاطین باتمکین جمیع ممالک ذی میمن خدمات عمده ومقامات عالیهٔ پرنس بزمارک را موجب تصدیق میباشد

باغ مبارک لاله زار که از باغات دولتی واقع در داخل شهر دار الخلافه ناصریست اصلاً و اساساً از ابنیهٔ آثار عهد خاقان خلد آشیان مبرور فتحعلی شاه انار الله برهانه است و تدریجاً در هر عصری وسعت و زینت آنجا افزوده شده تا این عهد جاوید اقتران که از یمن توجهات کامله و نتیجه ارادات علیه بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی صاحبقرانی شید الله دعائم دولته شهر مینو بهر دار الخلافه الباهره کلیه در آبادانی و عمران ثالث غوطه و سغد بلکه ثانی روضهٔ خلد گردیده آبادی باغ مزبور نیز بدرجهٔ کمال رسیده و عمارات عالیه جالیه که با نهایت جلوه و شکوه موجود و مشهود است از ابنیه و آثار مخصوصه اوایل همین عهد همایونست سطح این باغ بسیار وسیع و طولانیست و طولش که از جنوب بشمال است تقریباً یکهزار ذرع میشود تمامش مشجر باشجار باثمر و مزین بگلهای رنگارنگ و مشتمل بر خیابانهای متوازی و مستقیم و انهار جاری و حوضهای سر ریز و دو عمارت عالی در دو موضع این باغ بنا گردیده یکی همین است که بواسطهٔ این دورنما نموده شده و آن عمارتیست دو مرتبه مشتمل بر دوازده طاق و تالار خوش وضع و وسیع فوقانی و تحتانی و منازل زمستانی و تابستانی همه مفروش ببساطهای نفیس و مزین بمبل‌های ممتاز و اسباب خاص و عمارت دیگر که تقریباً بفاصله چهارصد ذرع از این عمارت در طرف جنوبی و سمت سفلای باغ واقعست عمارتیست هشت و مجرد موسوم بکلاه فرنگی بر خیلی بدیع الوضع و خوش منظر که در عمارات مثمن بنای چنین مطبوع و مزین کمتر دیده شده و آن نیز آراسته به اثاث و بساط ملوکانه است و همیشه این باغ و عمارات محل پذیرائی سفرای کبار خارجه و مضیف دولتی از برای مهمانهای مکرم و مامورین محترم دول متحابه است چنانکه در این اوقات و ایام نیز جناب مسیو براشویک وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فخیمه المان با اجزای این سفارت محترمه در همین باغ و عمارت مبارکه مهمان و پذیرفته گرامی دولت بودند.

بقیه روزنامه سفر شاهنشاهی دام ملکه بنمارستاق

وضع ده و خانها که مرتبه بمرتبه در آن کمرهای سخت بلند ساخته شده است بشکل نیم دایره بنظر می آید بعضی خانهای نوساز خیلی خوب معتبر هم در آن است بالا داشت دست چپ جاده در کنار رودخانه بار خانوار زیادی بوده و خانهای خیلی خوب داشتند چون این دره سیل گیر است از این جهت است که اهالی در این کمرهای سخت بلند منزل کرده اند تا از حادثه سیل محفوظ باشند چنانکه بسیاری از حاصل امسال آنها را دیدیم که سیل برده بود این ده تیول پسرهای وکیل الملک مرحوم است قریب چهارصد پانصد خانوار میشود و تقریباً دو هزار نفر جمعیت آنست قدری ایستاده تماشا کردیم بعد گذشته قدری دیگر بالا رفته طرف دست چپ جاده یعنی آنسمت رودخانه بجهت استراحت پیاده شدیم توی این ده امامزاده مدفون است گنبد کاشی مخروطی شکلی هم دارد که از آثار قدیمه است بعد از قدری استراحت سوار شده رو بمنزل راندیم

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره بیست و پنجم | شرف | شهر ربیع الاول ۱۳۰۲

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دوهزار دینار

کوههای قرق و دوشان تپه و جاجرود بواسطهٔ بسیاری شکار پلنگ زیاد دارد چنانکه بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه و دولته تاکنون بمرور قریب بیست پلنگ در این شکارگاهها بدست مبارک صید فرموده‌اند از جمله روز بیست و یکم ربیع الاول که موکب همایونی تشریف فرمای دوشان تپه گردید یک پلنگ بدست مبارک صید شد و چند نفر راهم زخمی کرد باز بفاصلهٔ سه روز دیگر که روز بیست و چهارم همین ماه بود بندگان همایون شهریاری تشریف فرمای دوشان تپه شدند در حالتیکه برف بشدت میبارید و هوا در نهایت سردی بود پلنگی دیگر پدید آمده فوراً صید دست همایون گردید و چند تیر گلوله بدست مبارک باو زدند تا از پای در آمد چون پلنگی بسیار قوی و عظیم الجثه بود که تاکنون چنین پلنگی دیده نشده بود لهذا صورت آنرا بعینه از روی جثه و لاشه آن ساخته و در این روزنامه شریفه بطبع رسید و این پلنگ از سر تا دمش تقدیر سه ذرع است در موقع این شکار شاهانه میرزا محمد حسین ادیب ملقب بفروغی رئیس دار الطباعه مبارکه دولتی و ناظم دار الترجمه خاصهٔ همایونی مختصر قصیدهٔ غرّا بنظم آورده در خاکپای مبارک زیاده از حد پسندیده و مستحسن افتاد و طبع آن مقرر آمد و صورت

آن قصیدهٔ فریده از قرار ذیل است

پلنگ نوزدهم نر با کمال غرور | قدم نهاد بمیدان خسرو منصور
پلنگ هیجدهم را دو روز پیش ندید | که بود صد ره ازو بیشتر بخود مغرور
نمود ناله پس از غرشی چو غرش رعد | باحتیاط نمود از پل حیات عبور
پلنگ نوزدهم چون پلنگ هیجدهم | خبر نداشت که بیجا صلت خرمن زور
پلنگ نوزدهم از پلنگ هیجدهم | هزار بار فزونتر جسور بود و غیور
ملک چگویم سبحان و احد القهار | بقهر خویش نمود آن غیور را مقهور

پلنگ ظالم و شه عادل است و ظالم کش | چه چاره‌ای که نشد پیش عدل شه مجبور
خوش آن قصیده که اندر پلنگ شصتم من | کنم چو نظم برم آب لؤلؤ منثور
ز شست شاه و ز اشعار من پلنگان را | وظیفه ایست که در جمعها شود منظور
تو ای پلنگ بخون غوطه ور ز ناوک شاه | چو سرخ روی شدی باش تا ابد مسرور

جناب مجدالملک

برای آنکه بخوانند از تو نیز دو سطر | در آن کتاب که تاریخها بود مسطور
بنوش باده فروغی که شد شکار ملک | پلنگ نوزدهم نیز با کمال غرور

جناب مجدالملک

جناب میرزا تقی خان مجدالملک وزیر وظایف و اوقاف پسر مرحوم حاجی میرزا محمد خان مجدالملک در مبادی سن مشغول تحصیل مقدمات صرف و نحو و تکمیل فنون ادبیه و باقتضای ذوق فطری در مسائل عروضیه و آنچه مربوط بشعر شناختن و ساختن است کوشید پس از چندیکه بامر همایون در میدان ارک بریاست جناب صنیع الدوله مدرسه مسمی بمشیریه بنا شد برحسب فرمایش ملوکانه در جزو متعلمین آنجا مشغول تعلم زبان فرانسه و ژوگرافی و ریاضی وغیره گردید در سنه هزار و دویست و هشتاد و شش نشان نقره درجه اول از مدرسه مزبوره امتیازاً باو داده شد و در سنه هزار و دویست و نود و یک بعد از مراجعت موکب همایون از سفر فرنگستان بمنصب پیشخدمتی آستان اعلی نایل گردید و همچنان مواظبت حضور و مراقبت در شرایط خدمات سفر و حضر مشغول بوده تا مقارن شهر ذیقعده هزار و دویست و نود و شش برحسب لیاقت و استعداد بسمت منشیگری مخصوص حضور همایون شرف اختصاص یافت و تبلیغ توشیحات ادارات بخاکپای مبارک و اصدار اجوبه آنها با او بود در شهر شوال هزار و دویست و نود و نه لقب مجدالملکی که ارثاً حق او بود بموجب دستخط و فرمان مبارک باو مرحمت شد سنه هزار و سیصد ریاست اداره وظایف و اوقاف باو موکول گردیده مطابق همین سال که موکب اعلی تشریف فرمای خراسان میگردید معزی الیه ملتزم رکاب بود ترتیب و اداره پست اردوی همایون و دفتر رسائل آن سفر ضمیمه تکالیف او گردیده پس از سفر خراسان در اواخر شهر ذی قعده هزار و سیصد و یک برحسب دستخط آفتاب نقط ترتیب و تکلیف عرض عرایض و توشیحات وارده ادارات که در هفته سه روز بعرض خاکپای مبارک برسد بمعزی الیه مفوض شد و چون مراتب استعداد و لیاقت او در پیشگاه مهر اعتلای مبارک بمنصه ظهور و بروز رسید مقارن شهر صفر المظفر سنه هزار و سیصد و دو برحسب عرض و استدعای جناب امین الدوله شغل و منصب وزارت وظایف و وزارت اوقاف ممالک محروسه مستقلاً باخطاب جنابی که لازمه این شغل و منصب است منضم سایر مشاغل معزی الیه گردیده فرمان مهر لمعان شرف صدور یافت و پیوسته جناب معزی الیه با ظهور لیاقت و کفایت بخدمات حضور همایون و مهام جلیله مرجوعه بخود اشتغال دارند و خاطر همایون از طرز خدمات و خلوص چاکری معزی الیه قرین کمال خشنودی است

محمد حسن

نمره بیست و ششم | شرف | شهر ربیع الثانی ۱۳۰۲
این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد | قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نوّاب والا ولیعهد دولت بهیّه روس

نواب والا ولیعهد روس نیکلا پسر اعلیحضرت امپراطور الکساندر بن الکساندر بن نیکلا است چون در ماه مای روسی من شهور
یکهزار هشتصد و هشتاد و دو میلادی مطابق هفدهم رجب المرجب سنه یکهزار و سیصد و یک هجری نواب معظم بسال شانزده که بقانون روسیه
حد بلوغ است بالغ شدند از طرف آن دولت بتهیه مراسم جشنی که در اینموقع معمول و مقرر است قیام شد و فرمان اعلیحضرت امپراطوری
صادر و در روزنامه اعلان گردید جمیع کشیشان و روسای مذهب و صاحبمنصبان لشکر و صنادید کشور که در پطرزبورغ حاضر بودند با عمله دربار
امپراطوری و سفرای دول متحابه بموجب دعوت نامه مخصوص در کلیسا حضور بهم رسانیده بعد از ورود اعلیحضرت امپراطور با خانواده سلطنت بکلیسا کشیشان
رسوم دعوات را بعمل آورده و نواب ولیعهد معظم در محضر عام قسم برای حفظ حقوق اعلیحضرت امپراطور و وطن و ثبات عهد یاد کرد پس از آن
از آنجا با رسومات مقرره بعمارات سلطنتی بازگشتند و از اطراف ولایات و جوانب اهالی ممالک و ملل وکلای مخصوص تهنیت و مبارکباد
آمده مراسم تبریک را بجای آوردند و روز دیگر سفرا و ایلچیان دول متحابه با همه اتباع خود برحسب رقعه اعلان بحضور نواب والا ولیعهد نیکلا الکساندرویچ
نایل شده عرض تهنیت و تبریک نمودند و اکثری از سفرای کبار و غیرهم که حامل نامه و نشان از طرف دول و سلاطین خود بودند در اینمقام تقدیم نمودند
و نواب والا ولیعهد با هر کس بزبان خود صحبت و مکالمه میفرمودند سوای سفرای مشرق زمین از ایران و عثمانی و چین و ژاپون که با آنها بزبان فرانسه
مکالمه نمودند ولیعهد معظم جوان ضعیف الجثه رشیق القامه خوش اندام خوش سیماست و بطوری با مردم صحبت و برخورد فرمود و شایستگی
با هر کس رفتار نمود که گویا سالهای دراز است باینگونه مجالس و محافل عادی بوده و وجها من الوجوه از آن جمعیت و در آن مجمع که مرکب از سفرای کبار ممالک
خارجه و نمایندگان دول و ملل بزرگ و اشخاص مسن و صاحبان علم و دانش بود محجوب و منقلب نگردیدند و با هر کس بمناسبت موقع و مقتضای نسبت او
بممالک و سلاطین صحبت داشتند بالجمله از خدمات و مشاغل دولتی اطامانی یعنی ریاست کل قزاقهای ممالک روسیه با شخص ولیعهد است و ایشان
از هر جهت بسیار محبوب القلوب عموم اهالی و اعلیحضرتین امپراطور و امپراطریس و کافه خانواده سلطنت روس هستند در تحصیل کمالات و فنون تا
کنون هیچ فروگذار نکرده و الحال نیز مشغول و معلمین متعدد در هر علم دارند و آن کسی که بمنزله لله باشی و مربی ایشان است مرد دانای
با علم و هنر و از اهل نظام است که کمال مراقبت در تعلیم و تکمیل ولیعهد معظم دارد

جناب مسیو استفان گروور کلولانت رئیس جمهوری جدید اتاونی ینکی دنیا

جناب مسیو استفان گروور کلولانت که در این اوقات بعد از اجلاس و انعقاد مجالس عدیده در ولایات امریکای شمالی برای ریاست
جمهوری دولت اتاونی ینکی دنیا انتخاب و اختیار شده است از قراریکه در روزنامه ایلوستراسیون مصور المان شرح احوال
معزی الیه را نوشته اند در سنه هزار و هشتصد و سی و هفت میلادی متولد شده و چون پدر او شخصی متاهل و بیبضاعت بود

جناب مسیو استفان گروور کلولانت

تا چند سال مشار الیه در نزد یکنفر از ارباب حرفت از اصناف محترمه شاگردی اشتغال داشت پس از چند سال دست از آن حرفت
و شاگردی کشیده مسافرتی بسمت ولایت ایه نمود عم او که در شهر بوسال ساکن بود او را ملاقات کرده نزد خود برده و کتابت عدلیه

نمرهٔ بیست و هفتم

شرف

شهر جمادی الاولی ۱۳۰۲

این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه تکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

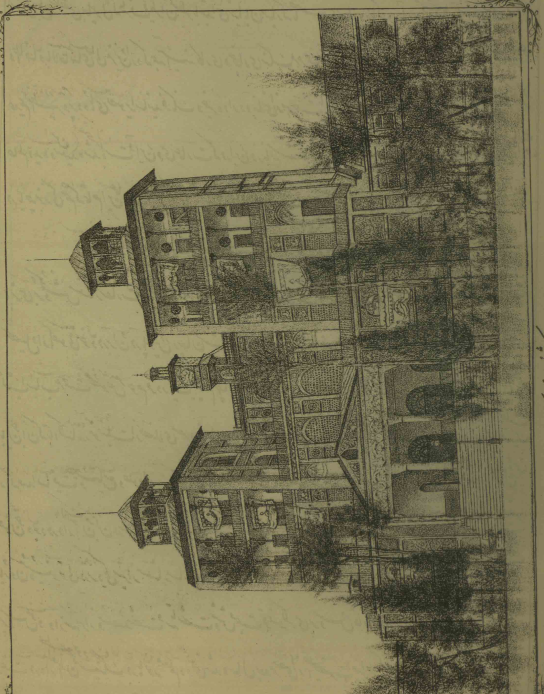

عمارت شمس العماره

با و تعلیم نمود بعد از آنکه فراغت از تحصیل و تعلم این فن حاصل کرد از جانب دولت بیک شغل مختصری سرافراز آمد و در طی آن شغل و خدمت درستکاری و حسن رفتار خود را ظاهر ساخته تا پس از چند سال که سنهٔ هزار و هشتصد و هفتاد بود اهل ولایت و ابنای وطن مشار الیه او را بریاست مجلس عدلیهٔ شهر آرپی گُونْتی منتخب نمودند چند سال هم متقلد این شغل و عمل بود تا اینکه در سال هزار و هشتصد و هشتاد و یک بکدخدائی شهر بوفالو منتخب و برقرار گردید در این عمل نیز چندان لیاقت و حسن سلوک از او بروز و ظهور یافت که در سنهٔ هزار و هشتصد و هشتاد و دو بوالیگری ولایت نیُرک منتخب و منصوب شد و تاکنون در این حکومت و ولایت جلیله در کمال افتخار و نیکنامی باقیست و در ماه مارس آینده مطابق منتصف جمادی الاولی سنهٔ هزار و سیصد و دو هجری بریاست جمهور برقرار و متمکن خواهد شد

بقیهٔ روزنامهٔ سفر اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه بمازرستاق

همه جا بار همینطور از توی دره و کنار رودخانه میرود تا انتهای درهٔ انجا آب دو قسمت میشود یک قسمتش از درهٔ مستقیم روبرو می آید و قسمت دیگر از درهٔ دست چپ که راه قریهٔ ناحیه است ما از همان درهٔ دست چپ همه جا از کنار رودخانه رانده تا وارد ناحیه شدیم قریهٔ ناحیه در دره واقع است که اطراف آنرا از چهار طرف کوه احاطه کرده است آن آبی که از درهٔ دست چپ راه جاری بود از وسط حقیقی همین درهٔ ناحیه میگذرد اینجا هم خانوار زیاد و جمعیت بسیاری دارد که تقریباً سیصد چهار صد خانوار میشود مالیات این ده جزو محل مصارف قورخانه و در دست جهانگیر خان است محصول اینجا را هنوز درو نکرده اند و معلوم میشود هوایش از قریهٔ اُوز و اُوزکلا سردتر است چرا که وقت درو حاصل آنجاها رسیده بود و مشغول درو بودند اینجا بیست روز دیگر تا وقت درو طول دارد چون دره تنگ و کم وسعت است اُردو در بالای ده متفرق افتاده است سراپرده را در وسعتگاه باصفای بسیار خوبی زده اند که آب این دره تماماً از جلو چادرها میگذرد اگرچه درخت ندارد اما چمن باصفای خرم خوبی است هوای اینجا خیلی سرد است امروز معلوم شد که این لفظ کلائی که مازندرانیها در آخر اسم بعضی از دهات میگویند مقصود علیا است که بمعنی بالا باشد بدلیل اینکه بدهٔ اول که رسیدیم اسمش اُوز تنها بود و از آنجا که گذشتیم به اُوزکلا رسیدیم که معلوم شد ده بالائی مقصود است و کلا عبارت از علیاست از قراریکه میگفتند اهل این قریه تا بحال شتر ندیده بودند و امروز که قورخانه آمده بود و شتر را دیده همه ترسیده بودند

بقیهٔ روزنامه در نمرهٔ آتیه

محمد حسن

عمارت مبارکه رفیع البنای شمس العماره که نظیر عمارات سلطنتی بسیار خوب فرنگستان در مناعت و متانت بنا و شکوه منظر و بداعت وضع اول بنای سلطنتی ایران میتواند بود در سال یکهزار و دویست و هشتاد و چهار برحسب امر قدر قدر جهاع مطاع همایون شاهنشاهی ادام الله سلطانه و مباشرت و مواظبت مرحوم نظام الدوله دوستعلیخان معیر الممالک با مخارج و مصارف گزاف دولت در سمت شرقی باغ سلطنتی همایونی که طرف دیگر آن منظر بابتدای خیابان مبارکه ناصری دارد بنا گردید این بنا مشتمل بر شش مرتبه است و تالارها و طاقها و بالاخانهای عالی مزین دارد که همه آیینه کاری و حجاری سنگ مرمر ممتاز منبت شده و مبلهای ممتاز و نفایس گرانبها و بساطهای عدیم النظیر و پرده های تصویر اساتید فرنگ وغیره دارد و بنائی از هر جهت باین آراستگی و رفعت و خوش منظری و شکوه کمتر در عالم دیده و شنیده شده است و این وی عمارت که در این وز زمانه شریفه ساخته شده طرف غربی آنست که منظر بباغ همایونی دارد و یک دریاچه بزرگی هم که تمام این عمارت عظیم منعکس در آنست در پای اینعمارت واقع است

اجزای سفارت سنیه دولت بهیه المان در دار الخلافه طهران

هانری بروگش مستشار سفارت المان در طهران در سنه هزار و هشتصد و بیست و هشت مسیحی هیجدهم فوریه در برلن متولد شده است بعد از اتمام تحصیل دار الفنونی خود در برلن و در پاریس در ریعان شباب خود چند کتاب تالیف نمود در باب خط و زبان مصریهای قدیم و انتشار این کتب اسباب مرحمت مخصوص مرحوم فردریک گیلیوم چهارم پادشاه سابق پروس نسبت بمستشار مشار الیه گردید اعلیحضرت پادشاه معظم باین جوان که با الکساندر همبلت از فضلای معروف المان دوست بود بذل وسایل و تهیه فرمود که بمصر سفر نماید و ابنیه فراعنه این مملکت را که مهد انسانیت و صنایع و علوم است بازدید کند بعد از مراجعت از مصر در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و سه میلادی در وطن خود مشغول تدریس فنون خود بود در دار الفنون برلن در سنه هزار و هشتصد و شصت با سفارت مخصوص پادشاه معظم مذکور بدربار ایران همراهی نمود بعد از فوت سفیر بارون دو مینوتولی در نزدیکی شیراز مستشار مشار الیه در سنه هزار و هشتصد و شصت و یک در اواخر ماه مارس از ایران عزیمت نموده مراجعت بپروس نمود و از سنه هزار و هشتصد و شصت و سه تا شصت و شش بسمت قونسولگری پروس در قاهره مشغول خدمت بود در سنه هزار و هشتصد و شصت و هفت در دار الفنون گتینگن در هانور معلم دولتی شد و سال بعد مرخصی از اعلیحضرت امپراطور گیلیوم اول حاصل نموده عازم مصر شد و در آنجا برحسب خواهش خدیو مصر اسمعیل پاشا یک آکادمی مشرقی (مدرسه علمیه) برپا نمود که بهترین معلمها و صاحب منصبهای مصر از آن مدرسه بیرون آمدند

بدینواسطه اول برتبه بیکی و بعد برتبه پاشائی نایل گردید و در اکسپوزیسیون عمومی وینه در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و سه در اکسپوزیسیون فیلادلفی در ینگی دنیا در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و شش عمارت مخصوص امتعه مصریرا ترتیب داد و در وقت مراجعت بمصر خدیو اسمعیل پاشا خلع شده او چنین دانست که بعد از اسمعیل پاشا که او را بدوستی خود مفتخر داشته دیگر نباید در مصر بماند و عزیمت برلن نمود در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و دو و در آنجا مشغول تعلم و تعلیم اطفال خود باشند شد همینکه در شارلتن بورگ که عبارت از هشت پسر و یک دختر که شهر کوچکی است در نزدیکی برلن قرار گرفته بود حکمی از اعلیحضرت امپراطور المان صادر شده او را مامور داشت که عزیمت ایران نماید و با جنابت سفیر المان مسیو دو براشونایک بسمت مستشاری

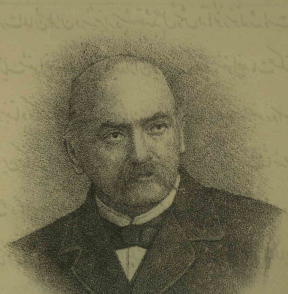

هانری بروگش مستشار سفارت المان

کاپیتن دو براندیس اتاشه میلیتر سفارت المان

مسیو دو چیرشکی نایب سفارت المان

همراهی نماید سه دفعه کمال افتخار را داشته بحضور همایون اعلیحضرت شاهنشاه ایران رسیده است اول در سنه هزار و هشتصد و شصت میلادی و سال بعد از آن که شصت و یک باشد در طهران و بعد در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و دو در وینه بسمت فرستاده مخصوص خدیو مصر برای امور اسپوز سونی دفعه سیم در طهران در همین سنه

کاپیتن دبراندیس اتاشه میلیتر سفارت المان در طهران در سنه هزار و هشتصد و چهل و شش در هانور متولد شده است بعد از تحصیل علوم در مدرسه آکادمی گتینگ در دایره دیپلوماتیک مشغول خدمت شده و بعد از آن دایره دست کشیده مشغول خدمات عسکریه شده در وقت جنگ فرانسه والمان در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هفتاد و یک نایب فوج (لیوتنان) بود و در جنگهای متعدد حضور داشته بنشان کروا دفر (صلیب آهن) مفتخر گردید بعد از این جنگ صاحبمنصب مذکور ببرلن احضار شده و از آنجا بسمت اتاشه بسفارت المان مقیم پاریس مأمور گردید بعد از مراجعت بمملکت خود باستراز بورک فرستاده شد و در آنجا در مدت شش سال سمت اجودانی داشت از سال هزار و هشتصد و هشتاد رئیس فوج تفنگچیهای قراول مخصوص گردید در برلن تا اینکه بسمت اتاشه میلیتری سفارت المان مأمور طهران شد و با سفارت سنیه مزبوره بدار الخلافه باهره آمد

مسیو دچیرشکی نایب سفارت اعلیحضرت امپراطور المان بدربار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و هفت در پانزدهم ماه او در درزد که پای تخت سلطنت ساکس است در المان متولد شده است بعد از تحصیل علوم در مدرسه بلده موطن خود در دار الفنونهای لیپزیک و برلن هم علم قانون و حقوق ملل را تحصیل کرد و در سنه هزار و هشتصد و هشتاد در وزارت عدلیه دولت المان مشغول خدمت گردید در سنوات تحصیل علوم در دار الفنونهای مزبوره و مخصوصاً در سنوات بعد از برای تکمیل فنون تحصیل خود ممالک و بلاد معظمه فرنگ را بپای سیر و سیاحت پیموده و همچنین بمشرق مسافرت کرده شهر اسلامبول و ممالک اناطولی و قفقاز را بازدید نمود در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و دو سه در وزارت امور خارجه برلن از اجزای این وزارتخانه گردید (یعنی اتاشه شد) و یکسال بعد در سفارت المان مقیم اسلامبول نیز بمنصب اتاشه برقرار آمد و سه ماه بعد شارژ دافر المان شد در آتن پای تخت یونان در ماه او سنه هزار و هشتصد و هشتاد و چهار مسیو دچیرشکی از جناب صدر اعظم دولت المان پرنس بیزمارک حکمی دریافت کرد که بموجب آن حکم بسمت نایب سفارت دولت المان بدربار دولت ایران همراهی نماید

محمد حسن

نمره بیست و هشتم

شرف

شهر جمادی الاخری ۱۳۰۲

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکفران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب معین الملک سفیر کبیر

جناب حاجی شیخ محسنخان معین الملک سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم دربار دولت علیه عثمانی که از رجال معظم دولت روزافزون

و برآوردگان مخصوص عهد همایون بشرف دانش و درایت و مزایای عقل و تربیت بسمت اختصاص دارند از مبادی حال پس از چند سال تحصیل

السنه و علوم و تکمیل آداب و رسوم چه در دار الفنون ایران چه در مراکز تربیت فرنگستان بدلالت عقل سلیم و دستیاری رای مستقیم

و محاسن استعداد فطری و میامن لیاقت گوهر   بازیور علم و هنر تقرب باستان سلطنت و توسل بحبل عنایت دولت جسته تا بسرمایهٔ

صدق و پیرایهٔ خلوص و اظهار کفایت در خدمت منظور نظر خاص همایون شهریاری آمده برای عقد روابط وداد با دول متحابه شایسته

ماموریت باسفار خارجه و لایق سفارت بدربار دول همجوار گردیدند و چون مبرهن است که در این اسفار جز عقل و تجربت و فضل تربیت مزید زادی و

درکار نیست و جناب ایشان از این متاع سنگینبار بودند علی الخصوص از اسرار دیپلوماسی و علوم سفارت و رسوم مراودت و قوانین

متداولهٔ دول و آداب ممدوحه ملل که اختصاص بعصر جدید دارد خبرتی وافی داشتند در هر ماموریت چنان شایستگی از عهدهٔ سفارت

و ادای وظایف خدمت دولت متبوعه خود برآمدند که روز بروز حسن ظن و وثوق بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بکفایت ایشان

فزونی و زیادت گرفت در سنه هزار و دویست و هشتاد و دو برحسب سزاواری بسمت وزیر مختاری مأمور دربار انگلیس شده شش سال در

لندن مقیم و در طی این ماموریت بایفاء خدمات مهمه چند موفق شدند از آن پس بامر همایون صاحبقرانی بسمت وزیر مختاری مأمور

دربار عثمانی شده بحکم لیاقت برتبت سفارت کبری نایل و مصدر خدمات قابل که مشید مبانی وداد و مؤکد عقد اتحاد بین دولتین علیتین بود

گردیدند و اکنون مدت دوازده سال است که باکمال کفایت در دربار آن دولت اقامت دارند و این ایام موقتاً محض شرف اندوزی

حضور همایون احضار بدربار ایران و مشمول الطاف شهریار صاحبقران شده عنقریب رجعت بمحل اقامت خواهند نمود از امتیازات جلیله

و مناصب و نشانهای افتخاری و اعتباری اینده دولت علیه دارای رتبت امیر تومانی و نشان شیر و خورشید مرصع درجه اول و حمایل سبز و نشان تمثال همایون

مفتخر و در جزو وزرای دربار و اعضای مجلس شورای دولت منسلک و از اکثری از دول خارجه نیز دارای نشانهای جلیل الشان و صاحب کمالات

شخصیه و معلومات علمیه و رسایل و مؤلفات مفیده هستند

جناب مستر پرت امین وزیر مقیم ممالک متحدهٔ امریک

جناب مستر پرت امین وزیر مقیم ممالک متحدهٔ ینگی دنیا مقیم دربار دولت علیه ایران از سلسلهٔ یکی از خانوادهای اصیل قدیم است که در

دویست و پنجاه و سه سال قبل از این از انگلستان بامریکا مهاجرت و مسافرت نموده‌اند و جناب مشار الیه یکی از مؤسسین ممالک ماساچوست

و کانیکتیکت میباشد والد معزی الیه چندی مدتی بسمت قونسولگری در دربار یونان بوده است و معزی الیه پس از فراغت از تحصیل در مدرسهٔ

علمیه و صناعیه آنوقت شروع بخواندن و فراگرفتن قانون نمود و بعد از آن در تحت حکومت مملکت نیویورک بمنصبی منصوب گردید پس از چند

جناب مستر پرت امین

سالی از آن منصب استعفا کرده داخل دایرهٔ ادبیات و صنایع شد و پانزده جلد کتاب در علوم ادبیه و صنایع و تاریخ تصنیف

نموده و در ماه ژانویه سال یکهزار و هشتصد و هشتاد و سه مسیحی بسمت وزیر مقیمی از طرف دولت جمهوری آتازونی مامور باقامت در دربا

دولت علیهٔ ایران کردیده و اکنون قریب دو سال است که در اینجا اقامت دارد

ینگی دنیای

در نمرهٔ بیست و ششم شرف شرح حالی از مسیو کلیولند پرزیدان جمهوری ممالک متحدهٔ شمالی که در چهارم ماه مارس سنه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج بمنصب ریاست منتخب و منصوب کردیده اند درج و نکارش شده بود چون آن شرح از یکی از روزنامه جات مصور المان ترجمه شده و در بعضی از دقایق و نکات مطابق با واقع نبود لهذا جناب مستر نیز امین وزیر مقیم دولت اتازونی ینکی دنیا در دار الخلافه طهران شرحی از روی دقت و صحت در احوال پرزیدان معظم نکارش و ارسال ادارهٔ شریفه شرف نموده که بعینه مندرج میشود

کلیولند پرزیدان در سنه هزار و هشتصد و سی و هفت در مملکت آهیو متولد شده پدر ایشان یکی از رؤسای روحانی کامل التربیه محترم بود پس از تحصیل علم قوانین در خدمت خال خود معزی الیه را بمنصب شریفی ناحیه که در آنجا سکنی داشت انتخاب و برقرار کردند چندی متقلد این شغل و منصب بود پس از آن در شهر بفلو که از مضافات مملکت نیویورک میباشد مشغول باجرای قانون کردیده در طی عمل خود چندان بروز استعداد و لیاقت داد که معزی الیه را بمنزلهٔ ماژر شهر بفلو نامیدند تا رفته رفته مراتب قابلیت و قدر و منزلت معزی الیه اقتضا نمود که کلیهٔ امور حکومتی و انتظام آن ولایت را که دارای یکصد و پنجاه هزار جمعیت است بطور شایسته متصدی کردید و نیز از حسن کفایت و کاردانی بمنصب ماژری نایل آمد و آخر الامر حسن سلوک و عدالت و نیکنامی و کیاست ایشان سبب کردید که معزی الیه را بحکمرانی نیویورک که از تمام سی و هشت مملکت و هشت ناحیه دیگر از ممالک متحدهٔ امریکا بزرکتر و معتبرتر است منصوب نمودند و نصب معزی الیه بدین حکومت بر حسب اکثریت آرا بود چنانکه هیچوقت برای هیچیک از حکام ممالک متحده باین قدر اتفاق آرا نشده بود و بهمان طور که پیش بینی شده و مظنون ارباب آرا متفقه بود معزی الیه با کمال تسلط و قدرت و آکاهی و مهارت بوظایف این حکومت بزرک و اجرای قوانین این منصب عالی قیام و اقدام نمود و بهمین واسطه در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و چهار طرف میل و انتخاب عموم طایفه دیموکراتیک بریاست جمهور کردیده و آن جماعت بدین سبب طالب و هواخواه ریاست معزی الیه شدند که یکمرتبه دیکر منصب ریاست آن مملکت را با کوکب سعادت قرین و موافق دارد

کلیولند پرزیدان تنها بیک ملاحظه جوانترین شخصی است که برای این منصب رفیع پرزیدانی ممالک متحدهٔ آمریک انتخاب کردیده است

محمد حسن

شرف

نمرهٔ بیست و نهم

شهر رجب المرجب ۱۳۰۲

این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب امیر نظام

جناب حسنعلیخان امیر نظام کارکذار کل مملکت آذربایجان که از وزراء عظام و امراء فخام دربار اعلی و بوفور لیاقت مشهور بین الکفاء هستند

چنانکه در هر خدمت و مأموریت بکمال صدق و خلوص و اظهار درایت مخصوص قصب السبق برده اند در مبادی اینعهد همایون حکومت و سرکردگی کروس بالارث والاستحقاق مفوض بایشان بود تا در سنه هزار و دویست و شصت و هفت از رتبه سرهنگی بمنصب سرتیپی نایل و سال هفتاد و سه در محاصره هرات مصدر خدمات قابل شدند در هفتاد و پنج با سمت جنرال اجودانی خاص حضور همایون و شمول توجهات بیقیاس دولت روز افزون بوزیر مختاری و ایلچیگری مخصوص اینده دولت علیه مأمور باقامت در دربار دولتین انگلیس و فرانسه گردیدند و بمحاسن عقل و درایت و بصیرت و قابلیت سفارت روابط مودت و فواید مراودت میانه دولت علیه و دول متحابه را محکم و معظم نمودند در هشتاد و دو بدربار همایون احضار و شمول عواطف شهریاری گردیدند مجدداً رجعت بدار الملک پاریس و محل اقامت خود کردند در اواخر هشتاد و سه مجدداً احضار بدربار و در هشتاد و هشت جزو وزرای عظام مجلس شورای کبری منسلک گردیده پس از چندی در همین سال بسمت وزیر مختاری مأمور دربار دولت علیه عثمانی شدند در اواخر هشتاد و نه حسب الاحضار رجعت بدربار کرده بوزارت فواید عامه دولت علیه منصوب و همواره در معظمات مهام دولت و شورای مصالح امور ملک دخیل بوده اند تا چند سال قبل برای تنظیم امور ولایتی و حکومتی کروس که موروث معزی الیه است رخصت یافته و در حدوث فتنه اکراد بر حسب اشارت همایونی بآذربایجان مأمور شدند و مهام مرجوعه را چنانکه مظنون اولیای دولت علیه بود فیصل داده حکومت قسمتی از ولایات سرحدی آذربایجان مثل خوی و سلماس و ارومی و صاین قلعه و ساوجبلاغ مکری بضمیمه قشون این ولایات با لقب سالار لشکری بشخص کافی معزی الیه تفویض و عطا گردید و نظر باهمیت خدمات مزبوره ایشان را در تصدی این مهام ابقا و انفصال معزی الیه را از مشاغل مزبوره غیر جایز شمردند چه آیین حکمرانی و حسن کفایت معزی الیه در حفظ انتظام آنحدود از هر جهت موجب خشنودی و اطمینان خاطر همایون گردیده بود این اوقات مقتضیات امور کلیه آذربایجان و استدعای حضرت والا ولیعهد صاحب اختیار مملکت آذربایجان شخص معزی الیه را بکارگذاری کل آنمملکت دعوت نمود و حسن ظن و وثوق کامل ملوکانه باین انتخاب تصدیق فرموده ایشان را بخطاب نبیل امیر نظامی و اعطای یکقبضه شمشیر مرصع بسیار ممتاز و کارگذاری کل مملکت آذربایجان از امور قشونی و ملکی سرافراز و منصوب فرمودند و جناب ایشان دارای نشانهای ذیشان و امتیازات جلیله اینه دولت از منصب و نشان امیر تومانی و تمثال بمثال همایون و حمایل و شمسه مرصع و شمشیر مرصع و از اکثر دول معظمه خارجه نیز دارای نشانهای بزرگ هستند

میرزا محمود خان شارژ دافر

میرزا محمود خان شارژ دافر دولت علیه که با شرف سیادت دارای لیاقت کامل و از خانواده های جلیل و نجبای اصیل تبریز است در مبادی حال در دوایر دیوانی و حکومتی آذربایجان ببعضی خدمات و اشغال که موروثی معزی الیه بود اشتغال داشت بعد بدار الخلافه آمده داخل خدمت وزارت جلیله خارجه گردید پس از چندی در معیت مرحوم صدیق الملک بسمت سفارت موقتی بتفلیس رفته پس از انجام مأموریت مراجعت به تبریز نمود و در آنجا از طرف حکومت جلیله آذربایجان بلقب وکیل دفتری و خدمت محصلی محاسبات برقرار و بعد از قلیل زمانی بدربار آمده بدار الملک لندن مأموریت موقتی یافته پس از شش ماه که مراجعت بدار الخلافه نمود بقونسولگری حاجی ترخان منصوب گردیده و در سفر اول بندگان همایون بفرنگستان که حسن خدمت و لیاقت معزی الیه مکشوف خاطر مبارک افتاد او را برتبه جنرال قونسولی نایل فرمودند

میرزا محمود خان شارژ دافر

و پس از چهار سال از آنجا بسمت جنرال قونسولی مأمور قفقازیه گردیده شش سال مقیم تفلیس و مشغول خدمات مهمه دولت بود پس از آن مأمور پطرزبورغ گردیده چندی بسمت مستشاری سفارت و بعد بمنصب شارژ دافری دولت علیه در آنجا مقیم بود چند ماه قبل برخصت دولت متوقفا بدربار همایون آمده شرف اندوز حضور مهرظهور و مورد الطاف کامله ملوکانه گردیده بیک قبضه شمشیر مرصع مفتخر و مباهی شد و از داخله و خارجه دارای امتیازات و نشانهای

ذیشان و صاحب معلومات و هنرهای متداوله عصر جدید نیز میباشد

نظر بتوجهات کامله بندگان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی شید الله تعالی دعائم ملکه بعمران بلاد محروسه ایران خصوصاً حفظ آثار سلاطین ماضین
و تاجداران سلف که علائم قدم ملک و شواهد قوام دولت و اعتبار مملکت است سال قبل رای همایون علاقه یافت که برجی که واقع در ارض شهر قدیم
ری و در افواه عوام و متون بعضی تواریخ و سیر معروف و موصوف بقبر فخر الدوله دیلمی یا طغرل سلجوقیست و رو بانهدام گذاشته بود مرمت
کامل و محافظه دائمی شود چنانکه دو سال قبل هم که تشریف فرمای ساحات خراسان شدند ابنیه قدیمه و آثار عتیقه عرض راه و حدود آن مملکت را
از قبیل میل رادکان و منار خسروجرد که در کفیر سکنی سبزوار و بعضی آثار و رموس دیگر که در شهر طوس و غیره است مقرر فرمودند از وجوه دولت
مرمت کامل نموده و مستحفظ مخصوص برای حفظ آنها بگمارند

امّا در باب این برج ری چون اقوال مختلف و امر مشتبه بود که مقبره کدام سلطان است و باقوال مشهوره در افواه اعتمادی نبود بابن چاکر
آستان سپهر نشان محمد حسن المدعو بصنیع الدوله امر و مقرر فرمودند که علم و اطلاعات تاریخی خود را در باب این برج آنچه میداند و متتبع
میتواند تالیف کرده بموقف عرض برساند لهذا این بنده امتثالاً للمثال الاعلی شرح ذیل را که از روی تحقیق و قیست و باجتهاد و نص هر دو ظاهر
میسازد که این مقبره از آن سلطان طغرل بیک سلجوقی باید باشد لاغیر تمنیق نموده و از لحاظ نظر انور اقدس گذرانیده بشرف تحسین و قبول ملوکانه نایل آمد
مرمت این مقبره حسب الامر دولت بتوجه و اهتمام خاص جناب امین السلطان که امروز وزارت دربار اعظم و خزانه عامره دولت و گمرک
ممالک محروسه و ابنیه دیوانی و عمارات سلطانی و مشاغل کثیره و مهام خطیره دیگر که هر جزئی از آن درخور شخصی کافی و دانا و پیمانه مردی وافی و توانا ست
تمام بعهده شخص حاذق و رای صایب ایشان مفوض و مرجوع است در ظرف قلیلی از شهور و ایام صورت اتمام و سمت اختتام پذیرفت و محوطه آنرا هم
باغ بسیار فسیح باصفائی طرح انداخته و قنات مخصوصی برای آن جاری ساخته غرس اشجار نمودند که در آتیه یکی از تفرجگاههای مخصوص
بندگان اعلیحضرت صاحبقران جوانبخت که تاج و تخت همایونش تا ابد تابنده و پاینده باد خواهد بود صورت قدیم و جدید این مقبره هر دو در این روزنامه
شریفه مرتسم و شرح تاریخی آن از اینقرار است

تواریخ متعلقه بمقبره طغرل

طغرل این اسم ترکیست و نام صنفی از جوارح میباشد (جوارح مرغهای شکاری را گویند) چنانکه چغر هم اسم ترکی و نام صنفی دیگر است
از طیور صید که بعربی آنرا صقر میگویند و بفارسی چرغ میخوانند و سنقر هم که محرف شنقار است بروزن بلغار از اسامی ترکیه نوعی از مرغان
زننده شکار کننده میباشد آق سنقر را از ملوک و قسنقر را از امرا بهمین معنی تسمیه کرده اند

طغرل بیک و چغر بیک که دو برادر بودند از سلاجقه بلقب مشهور شده اند چه اسم اصلی اولی محمد است و دومین داود
و مشهور بطغرل در میان سلجوقیان ایران که یکی از شعب ثلث سلاجقه میباشند سه نفر بوده یکی طغرل بیک پسر میکائیل که در حقیقت اول سلطان این سلسله است
زیرا که قبل از او استقرار و استقلالی کما هو حقه برای آل سلجوق بهم نرسیده بود این فرقه از ترکمان غز میباشند که در بعضی از تواریخ اتراک اوغز مینویسند و گویا
جد بزرگ اینفرقه که باسم او معروف و موسوم شده اند بنام نیای اعلای طوایف اتراک اوغزخان پسر قراخان موسوم بوده است و سکنای غز بقول قاضی شمس الدین
ابن خلکان اربلی در بلاد ماوراءالنهر بوده در موضعی که به بیست فرسنگی بخارا افتاده و هیچ پادشاهی بایشان مسلط نمیتوانست شدن هر وقت صاحب شوکتی بقصد
ایشان میکرد در بیابانهای ماوراءالنهر پراکنده میشدند و چون آن خصم باز میگشت ایشان دوباره اجتماع میکردند و بتاخت
و تاراج اشتغال میجستند تا آنکه سلطان محمود غزنوی بعد از تسخیر خراسان از جیحون عبور نمود و در آنوقت جد همین طغرل بیک زعیم قبایل غز و رئیس شعب ایشان بود
و فتنه ها میکردند و غارات باطراف میبردند سلطان محمود وی را بحیله بگرفت و محبوس ساخت و بتدبیر بر قبایل غز مسلط شد و با رجال دولت در باب ایشان مشورت
کرد بعضی گفتند تمام ایشانرا در جیحون غرق میباید کرد تا هیچ نباشند و بعضی گفتند ابهام همه ایشانرا قطع میباید کرد تا دیگر کار تیراندازی از دست ایشان بر نیاید
و سلاح حرب نتوانند استعمال کردن سلطان محمود این دو رای را هیچ نپسندید و گفت زهی خلاف انصاف و عین قساوت که اینهمه نفوس را هالک یا ناقص نمودن
پس امر نمود تا ایشانرا تفریق کنند گروهی انبوه را بخراسان کوچانیدند و اینجمع کثیر در خراسان فساد و غارت آغاز کردند و بعضی بسمت آذربایجان جلا نمودند
و بعد از فوت سلطان محمود و جلوس سلطان مسعود بتخت غزنه از غزان با ولات وی در خراسان مقاومات جسورانه بظهور رسید و در اینمدت طغرل بیک و چغر بیک
هنوز در ماوراءالنهر بودند پس ایشان حسب اذنی که از سلطان مسعود حاصل کردند بخراسان آمدند و بتدریج قبایل غز با ایشان پیوست و کار این جنس بالا
گرفت تا آنکه سلطان مسعود خود بجنگ آمد و از مکافحت و مناوشت ایشان تنگ آمد و شکسته شده بغزنه رفت و در شراب افتاد و چغر بیک و طغرل بیک بر
خراسان مسلط شدند و از اینوقت ملوک آل سبکتگین بهمان غزنه اکتفا کردند در خراسان و سایر ممالک ایران از ایشان حکمی نماند و رقمی خوانده نشد طغرل بیک
برحسب تقسیم برادرانه بری آمد و بتدریج بر جمیع اطراف و نواحی و اصقاع و اکناف ایران از سایر بلاد عراق و آذربایجان و کردستان و فارس و خوزستان
و غیرها مسلط شد در چهارصد و چهل و هفت ببغداد درفت و از جانب خلیفه عباسی القائم بامرالله در حق وی عنایات شایان مبذول افتاد و نام او بخطبه و سکه بغداد
درآمد و لقب سلطان الدوله معین امیرالمؤمنین یافت و دختر خلیفه را خطبه کرد خلیفه بمیل طغرل بیک ابواب تصرفات بر او ببست تا راضی شد و دختر را
بتبریز و از آنجا بری آورد و طغرل بیک برای انجام زفاف بقصران بیرونی رفت و از قضا در آنجا اورا رعافی عارض شد و امساک نپذیرفت تا بتاریخ
هشتم رمضان چهارصد و پنجاه و پنج بهمان مکان درگذشت و دختر خلیفه بمهر خود ببغداد باز گردید و وزیرش عمید الملک کندری در همدان بود که هفتاد فرسنگ
از ری تا آنجا فاصله است وی در دو شبانه روز طی آن مسافت کرد و وقتیکه رسید جنازه طغرل هنوز بر زمین بود وزیر او را در ری دفن کرد چنانکه جمعی از

مورخین تصریح نموده‌اند از همه عبارات صریحتر کلام ابن الهمدانی مورخست که میگوید او را در تربتی که آنجاست دفن کردند

دویم سلطان طغرل بن محمد سلجوقیست که بعد از برادرش محمود بتاریخ پانصد و بیست و پنج هجری باشارت عمش سلطان سنجر بتخت نشست مسترشد خلیفه او را سلطان رکن الدین طغرل یمین امیر المؤمنین لقب داد و مدت سه سال و دو ماه پادشاهی کرد و در محرم سنه پانصد و بیست و نه در سن بیست و پنجسالگی فوت شد و وقعهٔ او باتفاق اهل تاریخ در همدان روی داده نه در ری

سیم سلطان طغرل بن ارسلان بن طغرل سابق الذکر که در پانصد و هفتاد و یک جلوس کرد و از دار الخلافه بسلطان رکن الدین قسیم امیر المؤمنین ملقب گردید و بعهد او موافق پانصد و هشتاد و یک هر هفت کوکب سیار در برج میزان در یکدقیقه جمع شدند و منجمین حکم کردند که بادی خواهد خاست که اثر طوفان نوح کند و ربع مسکون را ویران سازد و از قضا در وقتیکه معین کرده بودند اصلاً تموجی در هوا پدید نگشته و این بیت در هجو انوری شاعر که سرآمد اصحاب تنجیم بود گفته شد

گفت انوری که از اثر بادهای سخت ویران شود عمارت و جاه سکندری
در روز حکم او نوزیدست هیچ باد یا مرسل الریاح تو دانی و انوری

در سال پانصد و نود هجری بتحریک قتلغ اینانج سلطان تکش خان خوارزمشاه بقصد وی لشکر بری کشید سلطان طغرل بنص خواجه رشید الدین در جامع التواریخ بر سه فرسنگی ری لشکرگاهی بعظمت ساخته فرود آمده بود بمجرد ورود مقدمهٔ الجیش خوارزمشاه سوار شده گرز معروف خود را بدست گرفته و بر آئین جز شعری چند از شاهنامه بخواند مرکب براند رفتن همان بود و کشته شدن همان تکش خان این مقدمه را از سمنان فرستاده بود قتلغ اینانج سر طغرل را بدست خود جدا نمود و جثه او را اشتری بار کرد و بحضور تکش خان آورد و سر را بر سم اسب سلطان تکش انداخت و تکش آنسر را بخدمت خلیفه الناصر لدین الله فرستاد چراکه سلطان طغرل با ناصر خلیفه سر خلاف داشت و بقول حمد الله مستوفی قزوینی تکش خود نگاهان در رسید و بنفسه سر سلطان طغرل را ببرید و کالبد او را در ری دار زد و آخر عمر و عاقبت امر این سه طغرل این بود که من باب المقدمه معروض افتاد

و اما فخر الدوله علی دیلمی در سال سیصد و هشتاد و هفت هجری بتصریح ابن اثیر جزری و قاضی زاده تتوی و غیرهما من المورخین در قلعهٔ طبرک ری گوشت گوساله بریان فراوان خورد و بر روی آن انگور تناول کرد و دردی در معده بهم رسانید و درگذشت و در آنوقت مفاتیح خزاین ری در مشکوی اش سیده مادر مجد الدوله رستم بود و همانا سیده خود در شهر ری حضور داشت و چون خبر فوت فخر الدوله بشهر رسید لشکر او که از دیلم بودند شورش و شغب آغاز کردند و شرارت و آشوبی برپا نمودند که نظم ولایت و امنیت شهر از میان رفت بحدیکه از طبرک ممکن نبود بشهر ری نزول کردن و تحصیل کفنی برای فخر الدوله نمودن لاجرم از قیم جامع پارچه خریدند و فخر الدوله را در آن پیچیدند و دفن وی از همین شورش و آشوب چندان تاخیر افتاد که در کالبدش رایحه کریهه پدید آمد و در آنوقت بقول صاحب گزیده نود و دو بار هزار هزار دینار و هشتصد و هفتاد و دو هزار دینار و دویست و هشتاد و چهار دینار زر سرخ و صد و چهل بار هزار هزار و هشتصد و شصت و سه هزار و هفتصد و نود درهم و سه هزار خروار جامه بریده و نابریده بدون آلات مرصع و زرین و سیمین و غیرها در خزانه او موجود بود و اینهمه در اندک مدتی سپری شد و نسرمال المیت میت بظهور رسید و عاقبت امر فخر الدوله دیلمی نیز این بود

حالا در مقام تحقیق صاحب این قبه موجوده در قلعه طبرک ری که بقرب مزار صدوق علیه الرحمه از سمت مشرق افتاده است میگوئیم احتمالاتی که در حال اینموضوع قائم است از چهار بیشتر نیست چراکه بالاتفاق این قبه یا قبر فخر الدوله دیلمی است که بنص جمهور مورخین در قلعه طبرک درگذشته و بملک ری مدفون گشته و یا قبر طغرل نامی است و چون طغرل نام از ملوک سه نفر بوده پس حق در میان چهار احتمال دائر است یکی مدفن فخر الدوله بودن دویم مزار طغرل بیک سیم سلطان طغرل دویم چهارم تربت سلطان طغرل سیم اجتهاد تاریخی و خبرت متتبعی از میان این احتمالات چهارگانه ترجیح تربت طغرل بودن را میدهد و سه احتمال دیگر را باطل و از حلیه صحت عاطل میدارد اما فخر الدوله را از اینکه اهل خبر و ائمه سیر بعضی از تعیین قبر او ساکت‌اند و بعضی دیگر که علی التقریب تحدید نموده‌اند عبارات ایشان چنین نشان میدهد که مدفن او بر فراز کوهیست در همین نواحی شهر ری چنانکه مصنف تاریخ طبرستان در واقعه مقاتله سلطان طغرل و تکش خان میگوید چون تکش از خوار بگذشت و مقدمه لشکر بری رسید سلطان طغرل بالای کوهی که گنبد فخر الدوله بر آنجاست مقابل بایستاد چون مقدمه و بزرگ لشکر تکش بدید از آن کوه بصحرا نزول کرد و پروانه وار خود را بر آتش لشکر سلطان تکش زد و عبارت خواجه رشید الدین نیز صریح بود در اینکه طغرل در سه فرسنگی شهر ری اردو زده و انتظار رسیدن لشکر خصم میبرد و جنگ مابین آن دو پادشاه بهمان سه فرسنگی در پیوست

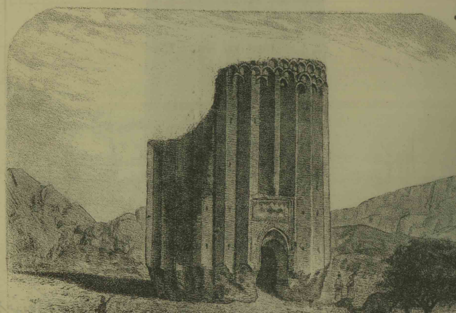

صورت برج قبر طغرل

اگر این دو کلام هر دو را صحیح بدانیم پس باید قبر فخر الدوله همین کبود گنبد و را این باشد که یک مورخ مسافت آنرا تا شهر ری تعیین کرده است و مورخ دیگر بودن آنرا بر سفح جبل و کبود گنبد مسافه و محلاً بر همین صفتست و اگر جمع بین الکلامین المذکورین را هم لازم ندانیم لامحاله عبارت تاریخ طبرستان علو مکان مقبره او را و وقوع آنرا بر فراز کوهی معین میکند و این قبه که موضوع سخن ماست بالمعاینه بر این صفت نیست پس هیچ دلیلی بر تعیین این احتمال قایم نخواهد بود و اما احتمال مزار سلطان طغرل ثانی بودن بتضعیف و تزییف لایق‌تر است از همه احتمالات ثلثه چه او بر وجهی که جمیع اهل سیر ضبط کرده‌اند در همدان مرد و نه کسی بنقل جنازه او بری اشارت کرده و نه خود ملک ری از شرفیت من حیث المکان او غیره که بآن ملاحظه حمل جسد او را بانجا کردیم و احتمال قبر سلطان طغرل قتیل هم در نهایت سخافت و رداءتست چراکه سلسله سلاجقه بقتل او بالمره از عراق و بلاد جبل منقرض شدند برای سلطان قتیل مستاصل التسلسله منقطع الدابر تجویز ساختن بقعه و پرداختن قبه

بلا شبهه احتمال پیش غولیت و شایسته اعتنا نیست چون از چهار احتمال سه تزییف و ابطال شد البته آنکه باقی میماند معین خواهد بود و از اصطلاح متعارف عوام اهالی این حوالی نیز برای رفع احتمال قبر فخرالدوله بودن تاییدی حاصل میشود چه بسیاری از مردم قری و رساتیق قریبهٔ شهر ری این برج را گنبد طرغان هم میگویند و این لفظ محرف طغرل خواهد بود نه فخرالدوله عبارتی که قاضی شمس الدین بن خلکان از تاریخ ابن همدانی و ذیل سمعانی نقل کرده است اشعار بسببی دارد بر اینکه طغرل بیک سلجوقی را در ری قبریست موجود و معروف چه وی بعد از نقل قول نقل جسد او بمرو مینویسد ابن الهمدانی و علامه سمعانی گفته اند که طغرل بیک را در مزاری که آنجاست بخاک سپرده اند فافهم والله اعلم
محمد حسن

اوراق غفاری

سواد لوحهٔ سنگ مرمر در بالای سر در برج طغرل

بسال فرخنده فالی که نوبتی دولت و اقبال سی و شش نوبت در آستان خسرو صاحبقران السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان شاهنشاه خدای پرست رعیت نواز ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و سلطانه نواخت عزم ملوکانه را بلثیم عتبهٔ عرش مرتبهٔ رضویه علیه و علی آبائه آلاف التحیه و تفقد حال اهالی مملکت خراسان تصمیم داده در آن سفر میمنت اثر رای مملکت آرایش چنین اقتضا فرمود که قبور بالیهٔ سلاطین سلف را مشید تر از قصور عالیهٔ خواقین خلف فرماید افتتاح این مقصد سعد شش را در مقبرهٔ طغرل بیک ابن سلجوق که نخستین ملوک آل سلجوق و در ویرانهای شهر ری مدفون است لایق شمرده بجناب جلالتمآب امین السلطان ابن امین السلطان که وزارت دربار اعظم و ابنیه دولت و کمرکخانها و خزانه نقدی و جنسی و کلیه مهام دولت برای اصوبنمای او موکول است مقرر شد تا مقرب الخاقان حاجی ابوالحسن معمارباشی دیوان اعلی بر اتمام این امر ملوکانه کماشت مشارالیه جهدی مستطیع در اتمامی معدود و مبذول داشت این بنای رفیع عمارت کرد جناب معزی الیه استانی وسیع بر این بنا حائط نموده مسماة بطغرلیه فرمود ابتدای این توجه شهر صفرالمظفر مطابق با توی ئیل ترکی و اختتام آن مقرون با بالسعاده شهر رجب المرجب این عام سعادت فرجام شد سنه ۱۳۰۱ (ارتفاع و دورهٔ برج مقبره) ارتفاع بیست ذرع دورهٔ برج نخاع در ذرع و نیم قطر دیوار سه ذرع و یک گره عرض درگاهها یکه داخل برج میشود دو ذرع و پنج گره پهنای ترکهای دیوار برج که همه بیک اندازه است یک ذرع و شش گره

نمرهٔ سی ام

شرف

شهر شعبان المعظم ۱۳۰۲

این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

امیرالامراء العظام امیر عبدالرحمن خان

امیر عبدالرحمن خان امیر افغانستان پسر بزرگ مرحوم محمد افضل خان که مشارالیه پسر بزرگ امیر دوست محمد خان و برادر اکبر صلبی امیر شیرعلیخان

ومردی بشجاعت معروف بود بعد از فوت امیر دوست محمد خان که سر ولیم وینن فرمانفرمای هندوستان امضا نامه امارت افغانستان را
برای امیر شیرعلیخان فرستاد محمد افضل خان را آتش غیرت در درون افتاده و در هوای امارت موروثی با برادر کهتر خود آهنگ مقاتله کرده هنگام مقابله
و ملاقات مخالفت مبدل بموالفت و در مزار شریف بینهما پیمان و معاهدت شد که ترکستان افغانی که ایالتی از افغانستان و سابق بر آن هم حکومت آنجا

با محمد افضل خان بود واگذار محمد افضل خان شود بعد شیرعلیخان
نقض عهد کرده محمد افضل خان را دستگیر و مغلولا بکابل برد امیر عبدالرحمن خان
از متابعت امیر شیرعلیخان ابا نموده ببخارا رفت امیر بخارا نظر
بانیکه دختر خود را بامیر عبدالرحمن خان تزویج کرده بود او را اعانت و
امداد نموده امیر عبدالرحمن خان با قشون و استعدادی فراز جیحون
گذشته حمله بافغانستان آورد و با کمال شجاعت و جلادت محاربات
سخت کرده ترکستان افغانیرا متصرف شد امیر شیرعلیخان
در اینوقت در قندهار بود امیر عبدالرحمن خان در ماه فوریه سنه
هزار و هشتصد و شصت و شش مسیحی از کوه هندوکش عبور نموده
وارد کابل گردید و پس از محاربات سختی که مابین او و امیر شیرعلیخان
رفت شیرعلیخان منهزم و افضل خان که در قندهار مقید بود رهائی یافته
دوباره خود را امیر افغانستان خواند و امیر عبدالرحمن خان باز پیوسته

جناب وکیل الملک

در کار محاربه و هزیمت دادن امیر شیرعلیخان و بسط حوزه متصرفات بود تا امیر شیرعلیخان را تاب مقاومت نمانده بسمت هرات رفت و امیر عبدالرحمن خان
رجعت بکابل نموده دید پدرش افضل خان فوت شده و عظیم خان عموی عبدالرحمن خان جایگاه امارت را گرفته است میان مشارالیهما نیز چندی بر
سر امارت منازعه بود تا در اثنای اینحال شیرعلیخان از هرات بقندهار آمده و کارش قوتی یافته کار عبدالرحمن خان و عظیم خان تیره و رو به پستی گذاشت
و در حوالی قلعه قندهار امیر عبدالرحمن خان در یک محاربتی هزیمت یافته بکابل برگشت در آنجا هم تکالیف خود را شاق دیده اسباب اقامت را

مساعد نیافت و در ماه ژانویه سال هزار و هشتصد و شصت و نه اضطرارا باتفاق محمد عظیم خان بطرف مشهد فرار کردند و افغانستان برای شیرعلیخان
مصفی و مسلم شد محمد عظیم خان در اثنای جلای وطن درگذشت و امیر عبدالرحمن خان بطرف خیوق و از آنجا بجانب بخارا رفت و از بخارا آنجا که روس داخل
و در ماه مه سنه هزار و هشتصد و هفتاد و یک تاشکند شده با فرمانفرمای آنجا ملاقات و خیلی کوشش کرد که بلکه از طرف روسیه امدادی در اجرای مقاصد او شود

هیچ حاصلی نبخشید الا اینکه سالی پنجاه هزار منات از
طرف دولت روس وظیفه برای معزی الیه مقرر گردید
و مدت ده سال کما بیش در سمرقند بانزوا و گوشه نشینی
سر برده زبان روسی را بخوبی آموخت و در عالم تمدن و تربیت
ترقی کامل کرده روز بروز بر مراتب لیاقت خویش برای
امارت و ریاست می افزود اما امیدی که نداشت مساعدت
اسباب برای معاودت بافغانستان بود تا اینکه
شیرعلیخان وفات کرد و بحکم اذا اراد الله شیئا هیا اسبابه
ماموریت بیات انتخابیه از طرف دولت انگلیس و
استعفای اجباری امیر یعقوب خان و دست برداشتن
انگلیسها از کابل بمقتضای وقت همه سبب شد که امیر
عبدالرحمن خان بافغانستان مراجعت کند

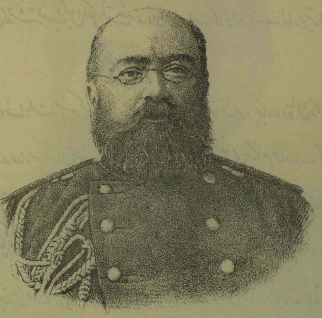

جنرال کماروف

اواخر سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت از دولت روس مرخصی حاصل کرده از سمرقند به بخارا آمد و مختصر لشکری از فراریهای افغانستان با نقدینه
که از وظیفه دولت روس اندوخته بود تجهیز کرده از جیحون گذشت بدخشان و کم کم تمام ترکستان افغانی را متصرف شد و اقتدارش روز بروز زیاد
گردیده حکومت انگلیس نیز از خانواده امارت افغانستان معزی الیه را بهترین شخصی انتخاب نمود و با مشارالیه همراهی کرد تا در ماه ژوئیه سنه هزار و
هشتصد و هشتاد سرالیف رابرتس که یکی از سرداران انگلیس بود در شهر کابل درباری منعقد ساخته امیر عبدالرحمن خان را بر مسند امارت جلوس داد

امیر عبدالرحمن خان مردیست تقریباً چهل ساله و خوش اندام و عظیم الجثه و دارای عقل و دانش و وقار و کیاست

جناب وکیل الملک

جناب میرزا اسدالله خان وکیل الملک وزیر مختار دولت علیهٔ ایران مقیم پطرزبورغ بعد از فراغت از تحصیل علوم و آداب بنیابت جنرال قونسولی تفلیس نایل و بعد از چهار پنجسال از آنجا بنیابت سفارت پطرزبورغ مأمور و پس از چند سال بسمت جنرال قونسولی مراجعت بتفلیس نموده بعد از شش سال باز بشارژ دافری پطرزبورغ و امتیاز نشان اول خارجه و حمایل سبز نایل و پس از چند سال برتبهٔ جلیل وزیر مختاری دربار روس مفتخر و سال گذشته بلقب وکیل الملکی ملقب شدند دارای درایت کامل و در السنهٔ خارجه نیز ماهر هستند

جنرال کُماروف

جنرال کُماروف سردار معروف دولت روس که در این اواخر در پنجده غلبه بر افاغنه نمود پنجاه و دو سال از عمرش گذشته و تولدش در قفقاز شده پدرش در قفقاز در عداد سرداران محسوب بوده کُماروف بعد از تحصیل فنون نظامی هنگام محاربات و مجادلات دولت روس با شامیل داغستانی بخدمت قشونی و حربی دولت روس داخل شد و بعد بواسطهٔ حمایت مخصوصی که از طایفهٔ صقالبه (اسلاوها) داشت در سال هزار و هشتصد و هفتاد و شش در حالی که منصب سرهنگی دولت روس را داشت از دولت اجازه خواسته بکمک سربیها که با دولت عثمانی در مجادله بودند رفت بعد از چندی توقف در سربستان سال دیگر که مخاصمه و جنگ روس و عثمانی آشکار شد کُماروف مجدداً با قشون روس معاودت نموده مشغول خدمت و محاربت با عثمانی گردید در عبور از رودخانهٔ دانوب و محاصرهٔ قلعهٔ پلونا خدمات شایان کرد علی الخصوص در پلونا که اگر بوقت و موقع بجنرال اسکوبلف نرسیده بود امید نجاتی برای او نبود چه قشون ابواب‌جمعی اسکوبلف را جز معدودی که باقی مانده بودند سپاه عثمانی تمام کرده بود بعد از این خدمت بمنصب جنرالی رسید و بطرف آسیا مأموریت یافت و از آن ببعد غالباً در ترکستان بوده علاوه بر شادت و مهارت در فنون نظامی شخص عالم فاضلی است

میرزا ابوتراب خان نقاش مخصوص وزارت انطباعات مصوّر روزنامهٔ شرف چون در صنعت خود ترقی کلی کرده و کارهای او مورد تحسین خاص ملوکانه افتاد بیک طاقه شال ترمهٔ ایرانی مخلع گردید

محمد حسن

نمرهٔ سی و یکم

شرف

شهر رمضان المبارک ۱۳۰۲

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب مسیو بریسون صدر اعظم حالیهٔ دولت جمهوری فرانسه

صدراعظم حالیه فرانسه مسیو بریسون در شهر بورژ در سنه هزار و هشتصد و سی و پنج میلادی متولد شده است پدرش در ابتدا معلم بود بعد در یکی از ادارات عدلیه مستشار شد و مسیو بریسون در پاریس تحصیل علم نموده قوانین ملل را بخوبی فرا گرفت اگرچه بوسیله خطابه های بزرگ اشتهاری نیافت ولی کفایت شخصی و صحت عقاید او طرف اعتنای عموم گردید ظهور ترقی او بواسطه مقالاتی شده است که در روزنامه جات نگاشته و مدتی خود منشی روزنامه سیکل بوده مردی گشاده رو خوددار و باوقار است و او را هم گروی کوچک مینامند بجهة اینکه تبسم نمیکند و در مذاکره مسائل اگرچه متأثر میشود اما از کمال آرامی که دارد چیزی جز متانت و سکینه قلب از او بروز نمینماید از مسئولیت همیشه اندیشه دارد و بهمین واسطه تا لحظه آخر از تقلد منصب صدارت ابا و امتناع داشت تا اینکه جمع دسته های پارلمنت فرانسه در روزنامه جات آرزومند شدند که این منصب را قبول نماید و آنوقت فقط بر حسب دعوت و اصرار بلیغ مسیو گروی رئیس جمهوری قبول این امر نمود در جمیع احوال و اعمال فروتن و خاضع و سلیم النفس و متواضع است چندان مایل و مانوس بمجالست نیست بیشتر طالب تفرد و انزوا است از اهل و عیال مجرد است ولی دو طفل یتیم شخصی را که وقتی با او هم منصب بوده بفرزندی برداشته است مشارالیه تاکنون متقلد شغل صدارت نبوده لیکن بعد از مسیو گامبتا مدتی ریاست طاق وکلا را نموده و در انجام مراتب استعداد و قابلیت خود را بظهور رسانید این مرد از جمله آزادی خواهانست و امید عامه اینست که سعی بلیغی خواهد نمود که اتفاقی کامل مابین دسته های جمهوری خواهان مجلس وکلا حاصل آید و آنچه از عقاید او شایعست اینست که میل دارد که تعلیم اطفال مجانی و مجبوری باشد و عموم اطفال در مدرسه علم نظام را هم بیاموزند و مدت خدمت عسکریه زیاده از سه سال نباشد و عسکر داوطلب موقوف شود و بعضی آزادیهای جدید برای شهر قرار گردد و برخی گمرکها کم شود و از مخارج عدلیه تنخواهها که باید مقصر بدهد کاسته گردد

ویکتور هوگو

کنت ویکتور ماری هوگو شاعر معروف فرانسه که روز بیست و دویم ماه مه این سال در سن هشتاد و سه سالگی فوت کرد در بیست و ششم فوریه سنه هزار و هشتصد و دو در شهر بزانسون متولد شده و از یکی از خانواده های نجیب قدیم بود که متجاوز از سیصد سال است آن خانواده بنجابت رسیده است پدر این شاعر نامی در اردوی نظامی فرانسه صاحب منصب بود و ویکتور هوگو در وقت تولدش چنان طفل ضعیفی بود که هیچکس امید حیات و بقا در او نداشت در اوان صغر و مبادی طفولیت او که اغتشاشهای پلتیکی مملکت فرانسه را منقلب و زیر و زبر میکرد در سن پنج سالگی با پدرش بایطالیا سفر کرد و در سنه هزار و هشتصد و نه یعنی ده سال بعد باز باتفاق مادرش مراجعت بپاریس نموده در یکی از مدارس کوچک مشغول

تحصیل شد و تا سن ده سالگی زبان لاتین را چنان فرا گرفت که عموم مصنفات مورخین لاتین را مطالعه میکرد و در آن سن طبع خود را با نشاد اشعار نیز آزمایش مینمود و در مدت صد روز معروف یعنی از آن روزیکه ناپلیون اول از جزیره البا بیرون آمد تا روزیکه در واترلو مغلوب گردید او در مدرسه نظام داخل و بتحصیل علوم و فنون نظامی میپرداخت و در اثنای درسهای ریاضی خود هر ساعت فراغتی حاصل میکرد با نشاد شعر اشتغال میجست

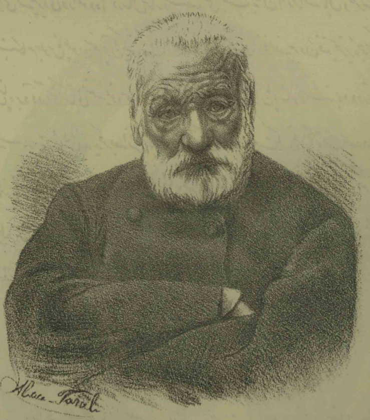

ویکتور هوگو

در سن شانزده سالگی از مهره فنون ادب گردیده از مصنفات شعرای متقدم ترجمه ها کرده و معضلات ادبیه را بحسن قریحت منحل میساخت و وقتی در یک مسئله حکمتی چنان فصلی فیلسوفانه نوشت که مجمع ادبا و فلاسفه فرانسه باور نکردند که طفل پانزده ساله بتواند اینقدر غور و تحقیق در مسائل حکمت نماید پدرش اول خیال داشت او را داخل در دایره نظام و خدمت نظامی کند وقتیکه چنین استعدادی در علم و ادب از او مشاهده نمود دست

ومناسب دید که او را بحال خویش واگذارد تا تو برهان شاعر معروف فرانسه مصنفات اولیه ویکتور هوگو را که ملاحظه نمود دانست که این شاعر یگانه و ادیب فرزانه توسن طبع را در مضمار بلاغت چه جولانها دهد و از ادبا و دانشمندان عصر خود چه سبقتها برده از آن وقت بعد ویکتور هوگو یکباره هم خود را مصروف تصنیف نموده کتب عدیده تالیف کرد چنانکه عدد مصنفات او زیاده از مصنفات ولتر است و در جمیع این تصانیف از قواعد ادبیه اسلاف و سیاق سخن طرازی پیشینیان دوری جسته روشی جدید ابداع نمود که اکنون مشهور است بطریقه رومان تیک و جمعی از شعرای فرانسه پیروی او را نموده اند در سال هزار و هشتصد و سی و هفت به نشان افتخار فرانسه نایل و مفتخر شد و چهار سال بعد داخل مجلس اکادمی فرانسه گردید هنگام جلوس ناپلیون سیم چون ویکتور هوگو از دسته ضدیت بود از فرانسه بیرون رفته بجزیره جرسی که جزیره ایست در قرب فرانسه و متعلق بانگلیس پناه برد و در آنجا کتابی منتشر نمود موسوم بناپلیون کوچک که بر ضد آن پادشاه نوشته بود و در تمام مدت سلطنت ناپلیون سیم خارج از فرانسه سر برده وطن را ندید مگر بعد از خلع ناپلیون که بخاک فرانسه رجعت کرده و از آنوقت بعد در پاریس با کمال احترام و محبوبیت میزیست و باز کتب عدیده تصنیف و منتشر کرد مولفات این شاعر معروف که مایل بترقی و تمدن و خیرخواهی عالم انسانیت و حاوی عقاید و مدافع و حامی فواید حریت است در تمام السنه فرنگ حتی بعضی از السنه آسیائی ترجمه شده و بعقیده جمعی شخصی است که بعد از ولتر در ادبیات انقدر شهرت یافته است و شخص دوم گیته میباشد

تاریخ انتزاع ممالک محروسه ایران از تحت سلطنت عرب

بسم الله الرحمن الرحیم

اما بعد چنین گوید بنده درگاه جهان پناه حسن بن علی المنعوت بصنیع الدوله وفقه الله تعالی لمراضیه و جعل مستقبل احواله خیراً من ماضیه که این رساله ایست شریف و عجاله لطیف که برحسب امر جهان مطاع بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه اسلام پناه ظل الله السلطان ناصرالدین شاه خلد الله تعالی سلطانه و نصر اعوانه تالیف میشود در شرح مسئله تاریخیه انتزاع ممالک محروسه ایران از تحت سلطنت تازیان بظهور پادشاهان بزرگ از عجم یا دیلم یا ترک و اینکه حکمداری و فرمان گذاری عرب در این اقلیم از قرون تاریخ اسلام تا کدام مقارن بوده و دولت استیلا و استعلا ایشان در چه عهد انقراض یافت و دست تسلط و تصرف این جنس در کدام دور انقباض پذیرفت و ریشه این حکومت قاهره بچه وسیله منقلع شد و رشته این سلطنت قویه بکدام سلسله منقطع گردید

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره سی و دویم

شرف

شهر شوال المکرم ۱۳۰۲

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی شیخ محمد جعفر

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاجی شیخ محمد جعفر شوشتری که از اجله علمای اعلام و در فضل و فقاهت و زهد و تقوی و حسن سیرت و صفای سریرت فرید دهر و وحید عصر خود هستند اصلاً از طایفه بنی نجار و والد ماجدشان مرحوم حاجی ملا حسین ابن مرحوم حاجی

ملا حسن ابن مرحوم حاجی ملا علی که از شاگردان مرحوم آقا سید عبدالله نواده مرحوم سید جزایری اعلی الله مقامه بوده و سید مشار الیه
شارح نخبه است که بخواهش مرحوم حاجی ملا علی نخبه مرحوم فیض را شرح کرده و حالات مرحوم حاجی ملا علی را ثبت و ضبط نموده است
مولد جناب ایشان در شهر شوشتر و اکنون که شوال سال یکهزار و سیصد و دو هجریست هفتاد و دو سال از عمر شریفشان گذشته است
در سن هشت سالگی که اوان سلطنت خاقان خلد آشیان بوده در خدمت والدشان از شوشتر بنجف اشرف رفته مشغول تحصیل
علوم شدند و در روزگاری در خدمت مرحوم شیخ علی و مرحوم شیخ محمد حسن و مرحوم شیخ مرتضی اعلی الله مقامهم تلمذ فرموده از اقتباس
معقول و منقول دمی نیارمیدند تا در علوم دینیه از فقه و اصول متبحر و از فنون ریاضی و غیره نیز حظی وافر بردند در سال هزار و
دویست و پنجاه و پنج مراجعت بشوشتر فرموده همواره بتدریس علوم دین و ترویج شرع مبین اقامه نمودند در سنه هزار و دویست و نود و یک
مجددا معاودت بنجف اشرف فرموده باز همچنان بافاضت و افادت و تدریس و تعلیم فقه و اصول مشغول و همواره ملتزم طاعات و مثوبات
بودند تا این اوان که عزیمت زیارت مشهد مقدس رضوی علیه السلام را فرموده قدومشان بخاک ایران برای کافه اهالی از مغتنمات
و موجب کمال فرح و انبساط گردید و هنگام ورود بزاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام که ایام صیام بود چنانکه در روزنامه
مبارکه ایران مسطور شد جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاجی ملا علی مبادرت بدعوت جناب ایشان فرموده با کمال احترام و اعزاز
تمام بشهر دار الخلافه و منزل جناب آقای حاجی تشریف آوردند در روز بیستم رمضان که بندگان اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانی
خلد الله ملکه بشهر تشریف آوردند جناب مستطاب معزی الیه باتفاق نواب مستطاب والا شاهنشاهزاده نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بحضور همایون
نایل و مورد تکریمات خاص همایون شهریاری گردیده و بندگان همایون اظهار بشاشت و مسرت زیاد از ورود و ملاقات جناب ایشان فرموده
بعد بمیل و امر مخصوص همایونی محض تیمن در افتتاح عشر آخر ماه صیام را در مسجد جدید البنای ناصری که شرح آن در ذیل مسطور می افتد نماز بجماعت
گذارده روزی متجاوز از چهل هزار نفر از اهالی بایشان اقتدا نمودند و بعد از نماز همه روزه بمنبر تشریف برده بذکر مواعظ حسنه مردم را مستفیض
و روز عید فطر بصوب مشهد مقدس حرکت فرمودند الحق جناب ایشان عالمی عامل و نحریری متبحر و حبری ملی و فاضلی جامع و فقیهی ورع و
واعظی صاحب نفس و زاهدی وارسته از علایق هستند که در عصر خود نظیر ندارند

مسجد مبارک ناصری

مسجد جدید البنای ناصری از ابنیه و آثار عظیمه عهد همایونست که در دار الخلافه باهره طهران بنا شده است و در متانت اساس و رفعت
بنا و وسعت فضا و خوشی وضع بر اغلب ابنیه ایران مزیت دارد و میتوان گفت پس از اتمام اول مسجد ممالک محروسه خواهد بود تقریبا از

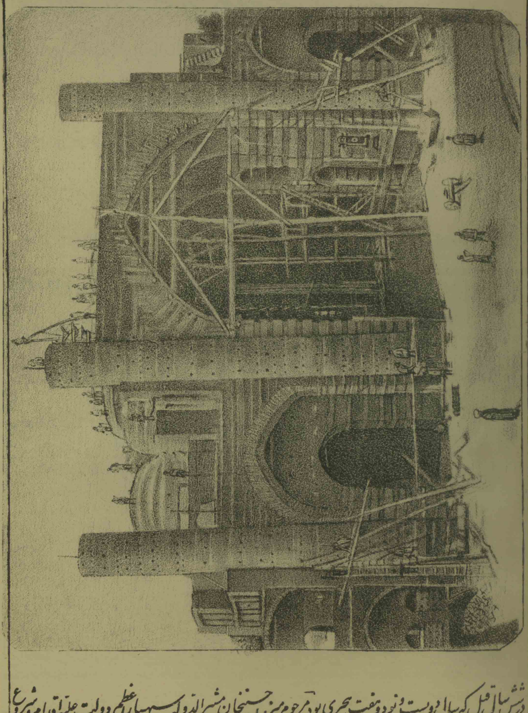

در شش سال قبل که سال یکهزار و دویست و نود و هفت هجری بود مرحوم میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار اعظم دولت علیه اقدام و شروع
باحداث و ایجاد این بنای خیر نموده از بذل سعی و اهتمام و صرف مال هیچ دریغ نداشت تا بنیاد و اساس این بنای عالی و جامع

برآورده شده و موقوفات بسیار از مستغلات و ضیاع و عقار از مال خاصه خود که در این دولت روز افزون اندوخته بود بر این مسجد وقف نمود و کتابخانه معتبری که حاوی چندین هزار جلد کتاب از کلام الله مجید و کتب معتبره علمیه از خطی نفیس و چاپی ممتاز است برای طلاب علوم مرتب و مهیا داشت و صیغه وقف در محضر علمای اعلام دار الخلافه جاری و واقع و وقفنامه معتبر با مضا و مهر ایشان تحریر شد اما عمر آن مرحوم وفا با تمام این بنا نکرده چهار سال قبل در ارض اقدس در حالی که بولایت خراسان منصوب بود وفات نمود چون تولیت مطلقه این جامع مبارک برحسب قرار بانی و تعیین در وقفنامه با شخص همایون سلطنت است لهذا بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه اقدام و اهتمامی خاص در اتمام این بنا و اساس خیر مبذول فرموده بمباشرت جناب اشرف یحیی خان مشیر الدوله برادر مرحوم سپهسالار اعظم امر با تمام بنای مسجد فرمودند صحن مسجد طولاً شصت و یک ذرع عرضاً شصت ذرع و چهار سمت آن دو مرتبه و مشتمل بر حجرات فوقانی و تحتانی برای جای طلاب علوم است مقصوره و ایوان آن که در طرف قبله واقعست بسیار رفیع و وسیع و دارای مناره های عالی اما هنوز ناتمام میباشد و طاق گنبد آن نیمه کاره است و سطح گنبد طول از دم محراب تا دم صحن چهل و دو ذرع عرض چهل ذرع ارتفاع سقف سی و شش ذرع شبستان بسیار بزرگ در سمت شرقی دارد که مشتمل بر چهل و چهار ستون سنگ عظیم رفیعست و دو باب دار دابی بطرف مغرب که بسیار عالی و باشکوه و مزین بکاشی و حجاری ممتاز و جنبین آن دو گلدسته مرتفعست بابی دیگر هم بطرف مشرق دارد بالجمله از هر جهت بنائی است باشکوه و محکم الاساس و خاصه از حیثیت حجاری و کاشی کاری بنهایت ممتاز و لایق آنست که شرحی مبسوط از دقایق امتیازات و محسنات آن نگارش یابد و چنانچه بهمین میزان پیوسته کار کنند تا دو سال دیگر بالمره تمام و پرداخته خواهد شد انشاء الله تعالی

بقیه تاریخ انتزاع ممالک محروسه ایران از تحت سلطنت عرب

نظیر آنچه در اسپانیا بوقوع پیوست که سلاطین فرنگ اعراب را از عاج کردند و از اندلس اخراج نمودند الا آنکه در اسپانیا از عرب نه عین ماند و نه اثر و در ایران اثر ایشان که نعمت عظیمه اسلام است باقی ماند و بزوال و اضمحلال عرب دین پیغمبر عربی صلی الله علیه و آله از میان نرفت چراکه طبقات ملوک ایران خود در تشیید اساس این شریعت و ترویج احکام اسلام کوششها میکردند و در استیصال اضداد و استحکام امر خویش بمزید مراقبت وظایف شرع و حفظ حدود دین توسل میجستند بر خلاف سلاطین فرنگ که در محو آثار اسلامیه و رد مسلمین بمذهب و طریقه نصرانیه و احیاء شعار اهل صلیب و قتل و تهدید کسانیکه از ارتداد امتناع میورزیدند

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره سی و سیم

شرف

شهر ذیقعده الحرام ۱۳۰۲

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

فردریک شارل

فردریک شارل معروف بجنرال فلدمارشال معلم سواره نظام و رئیس رژیمان هشتم پیاده نظام ایالت براندبورغ که این رژیمان بر حسب ترتیب در شماره شصت و چهارم فوج قشون المان است در شانزدهم ماه ژون سنه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج میلادی در عمارت شکاری

خود موسوم بعمارت گلنیک که درحوالی شهر برلن واقعست وفات کرد این مارشال نامی که ازجمله صاحبمنصبان معروف ومشهور

المانست برادرزاده اعلیحضرت گیلیوم امپراطور المان پسر بزرک پرنس شارل و در بیستم ماه ژون سال هزار وهشتصد وبیست وهشت

در برلن تولد یافته درآغاز جوانی که هنوز سنین عمرش از ده تجاوز نکرده بود دراولین فوج قراول مخصوص صاحبمنصب گردید ودرسال

هزار وهشتصد وچهل وهفت بواسطه استخلاص یکنفر باعطا نشان نجابتی ممتاز آمد یکسال بعد درمحاصره شهر اپلسونک چون درمقابل

حمله ویورش دشمن رشادت وجلادت غیورانه بظهور رسانید برحسب تصدیق وخواهش جنرال ورانکل بنشان پورلمریت نایل شد پس

ازآن دربیستم ماه ژون سنه هزار وهشتصد وچهل ونه بسمت ریاست ژریمان موسوم بجهار درموقع وزین تال درحالتیکه چهل نفر

عسکر درتحت حکم خود داشت باچهارصد نفر ازشورشیان فوج لهستان مقابله ومقاتله نموده بعد ازتهاجم وتدافع بسیار باوجود اینکه

زخم کاری برداشته بود طرف مقابل راشکست داده عقب نشاندند چنانکه برای شورشیان دیگر تاب مقاومت نمانده روبفرار گذاشتند

درازاء این خدمت نمایان ازجانب دولت متبوعه خود بنشان اکل وثر ازدرجه مخصوص که دوشمشیر کوچک بالای حلقه آن منقش است مفتخر گردید

درسال هزار وهشتصد وپنجاه وچهار بمنصب سرتیپی دویم بعلاوه کماندانی یکدسته ازکاوالری نایل شد دوسال بعد درفوج مخصوص

بسرتیپی اول سرافراز ودرسنه هزار وهشتصد وپنجاه ونه بهمین سمت باریاست یک قسمت عمده ازقشون مامور بساحلوی شهر استاتین

گردید بعد ازاندک زمانی یعنی دراول ماه ژولیه سال هزار وهشتصد وشصت برتبه امیرتومانی ارتقا جست چهارسال بعد درموقع جنک

دول ثلاثه یعنی سال هزار وهشتصد وشصت وچهار که دولتین اطریش وپروس متحداً بادولت دانمارک میجنگیدند حضور داشت ونیز

درجنگی که درتاریخ هزار وهشتصد وشصت وشش فیمابین دولتین پروس واطریش اتفاق افتاد این سردار نامی چنانکه معروف ومشهور است

باقتضای غیرت فطری وهمت جبلی درهرموقعی ازمواقع حرب داد مردانگی داده ورشادتهای فوق العاده نموده بنشانهای عدیده دولتی وپس برتبه

امیرنویانی فایز گردید ودرجنگ آخری پروس وفرانسه فرمانده کل دویم قسمت قشون پروس بود ودرمغازی حروب واقعه در دیونویل

وسنت پریوا واورلیان ووانذوم ولمان وغیره وغیره نیز فتوحات نمایان کرده وجراحات زیاد برداشت بعد ازآن درزمان

صلح دائما بریاست وانتظام یک قسمت عمده ازقشون المان مشغول بود تاشب چهاردهم ماه ژون سنه هزار وهشتصد وهشتاد وپنج

بعتة بناخوشی فالج مبتلا گردید اگرچه ازاین مرض هولناک افاقه حاصل نمود ولی چه سود که زبان ناطقه او بایک زانو بیحس وحرکت مانده از

کار افتاد عشیره واقوامش برای علاج وبرء فوری این سردار نامی ازاین عارضه هرچند جد وکوشش کردند سودی نبخشید وبفاصله سه روز

یعنی روز شانزدهم ماه مزبور چنانکه مسطور شد داعی اجل را اجابت نموده ازاین دار فانی رخت بسرای جاودانی کشید

جناب اجودان مخصوص

جناب آقا رضاخان اجودان مخصوص وزیر قورخانه مبارکه ازبدایت شباب واوائل عمر بشرف خدمت خلوت همایونی وشمول

پرتو انوار تربیت آفتاب جهانتاب سلطنت نایل ومشمول گردیده چون درطی خدمات حضور مبارک باقتضای لیاقت واستعداد فطری

صنعت عکاسی را بدرجه کمال فرا گرفت در سنه هزار و دویست و هشتاد بلقب عکاسباشی حضور مبارک ملقب و در سال هزار و دویست

و نود بلقب اجودان مخصوص و خزانه داری صرف جیب مبارک نایل و در سنه هزار دویست و نود و نه اداره کل توپهای ممالک محروسه

بمعزی الیه مفوض و در سال هزار و سیصد و یک حسب اللیاقه وزارت قورخانه دولت علیه که از مهام جلیله است بجناب معزی الیه

مرحمت شد و در این سال هزار و سیصد و دو ادارهٔ باروط کوبی و شوره پزی و گوگرد سازی تمام ممالک محروسه نیز مزید مشاغل معزی الیه

و یک ثوب سرداری شمسه مرصع از خلاع خاصه بایشان مرحمت گردید و اکثر امتیازات دولت علیه را از نشان تمثال همایون

و نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل سبز و غیره و بسیاری از نشانهای فیشان دول خارجه را نیز دارا هستند

در روزنامه گرامی کشگول منطبعه تفلیس ملاحظه شد

ترقی صنعت نقاشی و چاپ سنگی در دار الخلافه طهران

نظر بثبوت و ظهور ترقی و تکمیل این دو صنعت شریف در دار الخلافه طهران بوسیلهٔ جریده شریفه مصور موسوم بشرف که در آن شهر

بزیور طبع متحلی میشود میتوان اظهار تشکر و امتنان کرد در یک نسخه این جریدهٔ شریفه که باداره ما شرف وصول بخشیده

بود تمثال مبارک حضرت نیکولای الکساندریچ ولیعهد افخم دولت بهیه روس را بیک وضع مرغوبی کشیده بودند

مندرجات این جریدهٔ شریفه فقط عبارت از ترجمه احوال رجال عظام است

شرف

از حسن توجه رفیق گرامی خودمان که ما را با این همه منقصت بعین رضا ملاحظه نموده و بصفت کمال ستوده است امتنان داریم

و شکر میگذاریم و علاوه بر این مطالعه جریده فریده کشگول را که بزبان ترکی آذربایجانی در تفلیس هر هفته طبع و منتشر میشود و قیمت سالیانه

آن چهار منات است باهالی محترم آذربایجان و سایر ترکی زبانان ایران اخطار مینمائیم که هر کس طالب مطالعه جریده مزبوره

باشد رجوع باداره ما نموده آبونه شود و نیز هر کس در تفلیس و خاک قفقازیه طالب جریده شرف باشد رجوع باداره شریفه کشگول

نماید انشاء الله مرتباً باو خواهد رسید

محمد حسن

نمره سی و چهارم

شرف

شهر ذیحجة الحرام ۱۳۰۲

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب سیف الملک

نواب امیرزاده وجیه الله میرزا سیف الملک ابن عضد الدوله ابن خاقان خلد آشیان در مبادی عمر قامت لیاقتش بتشریف

شریف پیشخدمتی حضور همایون مشرف و سفراً و حضراً ملتزم خدمات آستان مبارک بود پس از چند سال بخزانه داری کل نظام

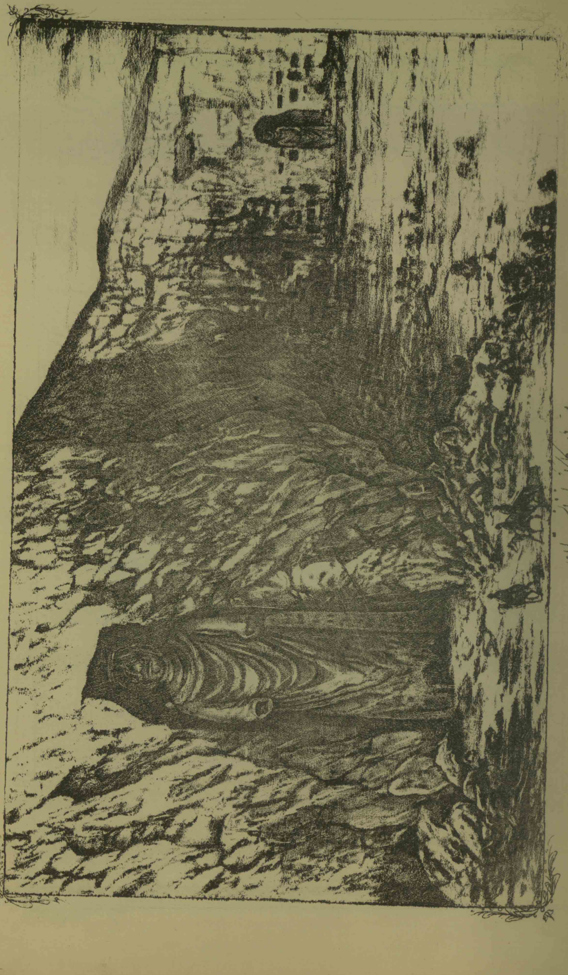

مجسمه های کلکله در افغانستان

نیز منصوب و مناصب و مراتب نظامی را تا رتبه سرتیپی اول مرتقی گردید و غالباً مصدر خدمات نظامی بود تا سال هزار و دویست و نود و هشت بلقب سیف الملکی ملقب و در سال هزار و دویست و نود و نه ریاست سواره جدید موسوم به ناصری علاوه بر ریاست فوج اول طهران و فوج لاریجان و غیره که داشت بمعزی الیه مفوض گردید در سفر اول موکب همایون بفرنگستان ملتزم رکاب مبارک بود و در سفارت کبرای فوق العاده مرحوم حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار اعظم بدربار دولت روس نواب معزی الیه نیز جزو اجزای سفارت بود دارای نشانهای ذیشان داخله و خارجه از تمثال همایون و غیره نیز میباشند

مجسمه های کلکله در افغانستان

بامیان مکانیست مابین بلخ و کابل و در ارض مرتفعی بر رشته های کوه هندوکش واقعشده و برای سیاح هیچ چیزی که شایسته و قابل اعتنا و جالب نظر باشد ندارد الا آنکه در حول آن آثار بناییست بی نظیر که در تمام افغانستان چیزی عجیبتر از آن وجود ندارد و آن خرابهای شهر قدیم کلکله میباشد و نزدیک این آثار یعنی در انتهای دره که خرابهای شهر کلکله واقعست دو بت بسیار بزرگ حجاری شده موجود است که قابل مشاهده میباشد اگرچه معلوم نیست که از چه زمانست اما شبهه نیست که از ازمنه بعیده باقی مانده است مسیو ژاورسکی که در سال هزار و هشتصد و هفتاد و نه مسیحی هنگامیکه بمعیت سفیر روس عازم کابل بود و این بتهارا خود معاینه نموده شرحی از روی تحقیق و تدقیق از آنها نگاشته و میگوید در یک سنگ عمودی که تقریباً هشتاد پا ارتفاع دارد طاقچه کنده شده است که تقریباً بیست و دو متر طول و دوازده الی پانزده متر عمق دارد و تمام آن سنگ عمودی عبارت از قطعات احجاریست که بمرور دهور و طول زمان باهم متصل و ملتئم و بصورت سنگ واحد گردیده است در میان طاقچه مجسمه ایست عظیم که تقریباً چهل و شش الی چهل و هشت ذرع ارتفاع دارد سه طرف این مجسمه که روی و دو پهلوی آن باشد پیداست اما پشتش بسنگ چسبیده است صورت این مجسمه تا دهان خیلی خراب شده اما گوشها بحال خود باقیست دور گردن آن گلوبندی از آجر بطور خیاره ساخته اند سینه آن پهن و عریض است پاهایش خاصه از زانو بپائین از گلوله توپ خراب شده دور مجسمه از همه طرف آهک اندود است که باینواسطه خیلی بحالت خوب باقی مانده خصوصاً طرف فوقانی آن در جاهائیکه آهک آن ریخته است بعضی سوراخها دیده میشود که باین مینماید در قدیم انجارا میخ زده اند که آهک را نگاهدارد پهلوهای طاقچه نیز پوشیده است و در گنبدی

که بالای سر مجسمه واقعست بعضی اشکال دیده میشود که بصورت یکدسته جمعیتی از آدم یا بعضی آدمهای منفرد بنظر می آید صورتها دو قسمت بعضی تمام و برخی تا زانو آنچه تمام است صورت مرد است و آنچه تا زانو هست صورت زن است چهرهٔ این اشکال خاصه شمایل زنها خیلی لطیف و ظریف ساخته شده است تمام این صور که از حیثیت صنعت نقاشی و ثبات رنگها نهایت تعریف را دارد بمرور ایام ساقط و زایل شده و کمتر صورتیست که بجا مانده و خراب نشده باشد فرجه ما بین دو پای مجسمه مدخل مغاره است و آن مغاره و ضغامدور است و از آنجا که طاق مغاره از دود سیاه شده گواهی براین میدهد که وقتی آنجا مسکن انسان بوده است بر دیوارهٔ اطراف طاقچه بعضی سوراخهای طاق مانند دیده شده که بعضی بالاتر و برخی بزمین نزدیکتر بود گفتند در آنجا پلکانیست که بسر مجسمه راه دارد من خواستم از آن پله ها بالا بروم گفتند خراب شده و صعود از آن ممکن نیست

بقیه تاریخ انتزاع ممالک محروسهٔ ایران از تحت سلطنت عرب

و از انتقال بنصرانیت استنکاف مینمودند انواع اهتمامات بظهور رسانیده دقیقه فرو گذار نکردند پس بدانکه چون آفتاب عالمتاب اسلام از افق حجاز طالع شد اول بسمت مشرق و ملک عجم و اقلیم ایران حرکت کرد و از آن پس بطرف مغرب و جزیرهٔ اندلس و قطعه اسپانیا پرتو افکند و آغاز دخول لشکر اسلام در شبه جزیرهٔ اندلس با سال نود و دویم هجری مقارن بود و بعهد خلافت ولید بن عبدالملک اموی بسرداری طارق بن زیاد بربری غلام موسی بن نصیر لخمی و بقولی ظهور نور اسلام در حدود اسپانیا و دخول مسلمین در اندلس مقارن خلافت عثمان بن عفان بود اما محققین از مورخین این قول را ضعیف میدانند و علی التقدیر قبایل اعراب در سمت مغرب تسلطی کامل بهم رسانیده و تا آخر عهد امویه شام حکام بلاد مفتوحه مغرب از جانب آل مروان معین میگشت و در اوایل استقلال بنی عباس که عبدالرحمن داخل بآنجا گریخت سلطنتی مستقل در آنجا تشکیل داد و رشته فرمانگذاری امویه را از وصمت انصرام مصون داشت و چون حکمرانی بنی مروان از خطهٔ غربیه کلیةً منقرض گشت امرا و قواد ایشان که نیز از عرب بودند هر یک بقطری تغلب جسته و صقعی را بحیطهٔ تصرف در آوردند و بصورت ملوک الطوایف با یکدیگر مجاورت و همسری داشتند مانند بنی بادیس ملوک غرناطه و بنی الافطس حکمرانان بطلیوس و بنی صمادح فرمانگذاران مریه و بنی عباد سلاطین اشبیلیه و بنی ذوالنون پادشاهان طلیطله و غیرهم و سلسلهٔ عبادیان در زمان معتمد بن معتضد بر سایر ملوک قبایل و حکام اقطار مزیت و اقتدار داشتند

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره سی و پنجم

شهر محرم الحرام ۱۳۰۳

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب دکتر طولوزان

جناب دکتر طولوزان رئیس اطبای عسکریه درجه اول فارغ از خدمت معلم سابق مدرسهٔ نظامی اطبا در پاریس و از اجزای مکاتبه علمیه مجلس تحقیق امراض مسریه در لندن و از اجزای مجلس تحقیقات حیات موجودات در پاریس و صاحب نشان کماندر دلژیون دونر و نشان و حمایل ذیشان

گذشته است در سن بیست و سه سالگی برتبهٔ دکتری طبی نایل گردیده در سفرهای جنگ سواستاپول و الجزایر حضور داشته‌اند در عهد سلطنت ناپلیون سیم امپراطور فرانسه بموجب خواهش مرحوم فرخ خان امین الملک سفیر کبیر ایران در پاریس که بعد ملقب بامین الدوله شد دولت فرانسه جناب معزی الیه را تعیین نمود که طبیب اول اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دام ملکه باشند و آنوقت ایشان سی و هشت ساله بودند حالا بیست و هشت سال متوالیست که باستثنای چند فقره مرخصی دایما مشغول خدمت حضور باهر النور همایون میباشند و در دو سفر خیر اثر که موکب اعلی بفرنگستان تشریف بردند ملتزم رکاب معلی بودند در ظرف چند سال یعنی از سنه هزار و هشتصد و پنجاه و دو تا سال هزار و هشتصد و پنجاه و شش رئیس مصنفین روزنامهٔ طبی پاریس گازت مدیکال که معتبرترین روزنامه‌های طبی است بوده‌اند خلاصه جناب دکتر طولوزان در عالم علوم طبیه بواسطهٔ تالیفات عدیده که در باب امراض مسریه خاصه طاعون و وبا نموده شهرتی کامل بهم رسانیده‌اند بعلاوه دارای اغلب امتیازات مخصوصهٔ دولت علیه میباشند بخطاب جنابی مخاطب و نشان تمثال همایون و نشان و حمایل سبز را که نشان درجهٔ اول است دولت قوی شوکت دارا میباشند و وثوق و اعتماد مخصوص اعلیحضرت همایون خلد الله ملکه بایشان درجهٔ کمال است معالجات عجیبه از ایشان در ایران دیده شده و علم و حذاقت کثیر الفایدهٔ خود را از خواص و عوام دریغ نداشته و وضیع و شریف و غنی و فقیر را از معلومات شریفهٔ خود بهره‌مند میدارند

علاء الدوله

میرزا احمد خان علاء الدوله پسر مرحوم امیر نظام محمد رحیم خان قاجار دولو در مبادی عمر که بشرف خدمت دولت نایل شد بمنصب نایب اجودانی منصوب گردیده پس از هفت سال برتبهٔ پیشخدمتی مخصوص حضور همایون اختصاص یافت سال هزار و دویست و نود که در رکاب همایون از سفر فرنگستان مراجعت نمود پانصد نفر غلامان جدیده ابواجمع معزی الیه شد و تقریبا در نود و شش که حسب الامر همایونی شروع بگرفتن سوارهٔ جدید منصور شد سوارهٔ مزبور نیز ابواجمع معزی الیه گردیده و باهتمام معزی الیه تا این اوان عدهٔ آن به پانصد نفر رسیده که در کمال انتظام و آراستگی است در اواخر هزار و دویست و نود و هشت بلقب علاء الدوله ملقب شده و از امتیازات دولتی نشان و منصب سرتیپی اول و نشان درجهٔ اول شیر و خورشید با حمایل سبز و نشان و نشان تمثال همایون را نیز دارا هستند

شکر در سوابق ایام فقط از نیشکر بعمل می‌آمد نیشکر نباتی است شبیه بنی که در گرمسیرات بعمل می‌آید اما حالا بیشتر از شکرهائی که صرف مینمایند از چغندر است که در ممالک فرنگ حاصل میشود و منافع آن بسیار است این نبات برگهای پهن دارد و ریشهٔ آن که اصل چغندر باشد خیلی بزرگ و سخت است و مملو از آب چغندر خود چغندر از بذر و برگ آن مفیدتر است و شباهت بحجیج دارد و نیز شبیه است بیک ترب خیلی بزرگ از این ریشهٔ عظیم یعنی از چغندر ریشه‌های کوچک متعدد روئیده و شیرهٔ زمین را اخذ مینمایند مدت ماندن

علاء الدوله

چغندر در زیر خاک دو سال است سال اول کوچک و کم کم رو به بزرگی میگذارد و از شیرهٔ شکری مملو میگردد این نبات تقریبا بی ساقه است از بالای چغندر برگهای بزرگ بیضی شکل سبز رنگ نرم میروید که هیچ کنگره و تضاریس ندارد ساقه برگها خیلی ضخیم است

و از سطح زمین میروید بعد از یکسال چغندر بکمال ضخامت خود میرسد و آنرا از زمین بیرون می‌آورند مقدار عمده از آن بمصرف قند سازی میرسد قدری از آنرا هم برای خوراک بدواب میدهند اما اگر بگذارند چغندر یکسال دیگر بماند ساقه از آن بیرون می‌آید و شاخه‌های متعدد نازک با برگهای کوچک از ساقه روئیده گلهای متعدد میدهد لیکن گلهای آن قشنگ نیست هر گلی عبارتست از پنج برگ کوچک مدور که بطور قاشق مقعر است و پیاله آن شبیه به کلیچه میباشد در داخل آن پنج رشته نخ مانندیست که بجای آلت رجولیت این نباتست و سرهای آن طلائی رنگ میباشد در فواصل این پنج رشته آلت اناثیت نباتست که بشکل تلمه پهن میباشد گلها دسته دسته در دور ساقه بیرون می‌آید پیاله این نبات نمی‌افتد بلکه بر روی آلت اناثیت آن جمع میشود و بزرگ شده آخر الامر میوه میگردد این میوه شکلاً پهن و دارای یکدانه حب است که آن تخم چغندر میباشد

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از مملکت ایران

چغندر

و معتمد با فونسوی ششم پادشاه فرنگ که عرب او را اذفونش مینامند معاصر بود و با وی مدارات و مماشات میکرد بلکه ضریبه و جزیتی در میان ایشان مقرر بود که همه ساله معتمد میپرداخت تا آنکه در سال چهارصد و هفتاد و پنج هجری مطابق یکهزار و هشتاد و دو از تاریخ میلادی بواسطه سوء ادب و جسارت فاحشی که از فرستادگان فونسو نسبت بمعتمد ناشی و صادر شد میانه آن دو پادشاه بهم خورده و معتمد بعضی از رسل فونسو را بدار کشید و سلطنت بنی عباد و سایر ملوک مسلمین عرضه خطر و زوال گردید لاجرم معتمد از یوسف بن تاشفین ملک ملثمین که بلقب امیر المسلمین اشتهار داشت استمداد کرد و از اینوقت بتدریج سلطنت اسپانیا در تحت استیلاء ملثمین افتاد بشرحی مبسوط که در تواریخ مغرب زمین مسطور و مضبوط است آنگاه سلسله بنی احمر در آن کشور حکمرانی یافتند که مثل لسان الدین ابن الخطیب که مجلدات کتاب نفح الطیب برای ترجمه احوال او عنوان و تدوین شده از وزرا و برآوردگان آن دولتست و ایشان در قرن نهم از تاریخ هجری بودند و در اواخر مائه تاسعه منقرض شدند

بقیه در نمره آتیه محمد حسین

نمره سی و ششم
شرف
شهر صفر المظفر ۱۳۰۳
این روزنامه شهریه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخه تکقران سالیانه یک تومان و دوهزار دینار

جناب نظرآقا

جناب نظرآقا وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه ایران مقیم پاریس در سنه هزار و هشتصد و بیست و هفت میلادی در اروميه متولد شده و در مبادی عمر باسلامبول رفته در مدرسه کشیشهای لازاریست در بیک تحصیل علوم نموده پس از فراغت بدار الخلافه

طهران آمده در مدرسه دار الفنون بمعلمی فن تاریخ و جغرافیا مشغول و پس از چندی بسمت مترجمی و نیابت جنرال قونسولگری ایران مأمور تفلیس شدند بعد از اندک زمانی بنیابت سفارت سنت پطرزبورغ رفته و سال هزار و هشتصد و پنجاه و هشت در معیت جناب حسنعلیخان وزیر مختار (جناب امیر نظام) بسمت نیابت اول و مترجمی سفارت دولت علیه مأمور پاریس گردیده پس از چندی مراجعت بدربار همایون و در وزارت جلیله خارجه اشتغال بخدمت نمودند در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و بندگان همایون نظر بحسن خدمات و مراتب کفایت جناب نظر آقا مجدداً معزی الیه را مأمور اروپا فرموده و در سال هزار و هشتصد و هفتاد و سه بسمت وزیر مختاری دولت علیه در دربار فرانسه مقیم و تاکنون باین منصب برقرار و از امتیازات جلیله دولت علیه وغیره دارای نشان تمثال همایون و نشان اول شیر و خورشید و بسیاری از نشانهای ذیشان دول فرنگ نیز هستند

نظم الملک

کنت دومنت فرت نظم الملک رئیس اداره پلیس دار الخلافه از قرار شرحی که در روزنامه اسپریتیون ملاحظه شد اصلاً از یکی از خانوادهای نجیب فرانسه است که در سال هزار و دویست و سی و پنج مسیحی یک شعبه از آن طایفه در موقع قتل عام سیسیل بعزم جنگ از مملکت فرانسه بایطالیا آمده در سیسیل متوطن شدند معزی الیه در سال هزار و هشتصد و سی و نه متولد و بعد از فراغت از تحصیل علوم بسمت صاحبمنصبی داخل گارد رویال پادشاه ناپل و سیسیل گردیده در سنه هزار و هشتصد و شصت با پادشاه خود بر ضد گاریبالدی جنگ کرده مجروح و به نشان جنگی ممتاز شد و بعد با پادشاه خود در قلعه گاتیا محصور گردیده پس از انقضای جنگ در ملازمت پادشاه خود به رم آمده بحکم پادشاه داخل قشون پاپ شد و پس از اندک زمانی بوساطت پادشاه ناپل داخل خدمت امپراطور اطریش و در قشون دولت صاحبمنصب گردیده در محاربات اطریش با دانمارک و پروس کمال رشادت را بروز داده به نشان جنگی ممتاز شد در سال هزار و هشتصد و شصت و نه از خدمات نظامی استعفا نموده تا چند سال قبل که بایران آمده و بشرف چاکری آستان همایون شاهنشاهی نایل شده اداره پلیس دار الخلافه را باقتضای خبرت و لیاقت خود بر وجه شایسته ایجاد و مرتب کرده و خدمات شایان در طی این عمل بظهور رسانید و تدریجاً بمدارج ترقیات ارتقا جسته تا بمنصب سرتیپی اول و نشان دویم خارجه مکلل بالماس و شمشیر قبضه مرصع و نشان و حمایل امیر تومانی وغیره از امتیازات این دولت قوی شوکت نایل و سرافراز گردید

کنه کنه

کنه کنه درخت بلند قشنگی است که در نواحی گرمسیر امریکای جنوبی خصوصاً در برزیل میروید شاخه های آن برگهای پهن نیضی شکل دارد

نظم الملک

و آن برگها منتهی میشود بنوک تیزی و ساقه هر یک برگ آن خیلی ظریف و نازک و در انتهای هر شاخه خوشهای گل کثیر العده هست که بواسطه شکل و ترتیب بخوشه های یاس شباهت دارد و هر کدام از گلهای آن نیز شکلاً شبیه بیاس است بلکه بیاسمن شباهت آن بیشتر است در تحت هر پیاله گل پیاله دیگریست سبز مضرس به پنج دندانه پیاله گل شباهت دارد بیک لوله که منتهی میشود بگلچه که آن نیز پنج دندانه تیز دارد و بطور پهنی شگفته است و قیام دارد در بعضی رنگ پیاله سفید و برخی را پیاله گلی یا پشت گلی یا زرد است در داخله

لوله نخ ریشه شبیه به نخ است که بمنزله آلت ذکور نبات میباشد و در وسط آلت انوثیه نباتی واقعشده یعنی آن ساقه کوچکی که در عمق پیاله گل واقع گردیده و چسبیده است بیک عضو بطری مانندی که سبز رنگ است و آنرا جای تخم گویند پیاله گل بعد از رسیدن گل می افتد و جای تخم بزرگ و دراز میشود و متدرجاً بشکل بطری بیضی میگردد که گلوی بطری مضرس به پنج دندانه باشد و در واقع یکنوع جعبه ایست که تخم این نبات در آن میباشد وقتی که میرسد بدو قسمت شکافته میشود و تخم میریزد گنه گنه یک نبات گرانبهائیست و پوست آنرا بعد از بریدن درخت خشک میکنند و میکوبند و نرم مینمایند و دوائی از آن میسازند که از برای ناخوشی تب و بعضی امراض دیگر نهایت نافعست

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از مملکت ایران

گنه گنه

مقصود آنکه هشتصد سال و اندی این اقطار وسیعه از ممالک اقلیم اروپ میدان استیلا و حکومت و تسلط و غلبه اعراب بوده است و ملوک ایشان غالبا نواحی قلمرو سلاطین فرنگ را تاخته و بر ثغور و بلاد آنها حمله ها میبرده اند حتی از کلام ابن اثیر جزری چنین معلوم و مستفاد میگردد که لشکر عرب تا نجا که فرانسه نیز وارد شده است چنانکه در اخبار سال یکصد و هشتاد میگوید در این سال عبدالکریم بن مغیث که از سرداران سپاه حکم اموی بود ببلاد فرنگ یورش برد و طائفه از لشکر خود را فرستاد تا بسیاری از بلاد فرنسیه را تاراج کرده خراب و ویران ساختند و هیچ شکی نیست که مراد ابن اثیر از لفظ فرنسیه همان مملکت فرانسه است لاغیر ولی با وجود این قهر و غلبه قبایل عرب اهالی غرب و ملوک اروپ پیوسته با ایشان در مدافعه و قتال بودند و در اخراج آنها از ممالک خود و ازاله دولت و نسخ شریعت ایشان میکوشیدند و بتمادی قرون و تطاول اعقاب و استحکام اساس اسلام و تکاثر بطون اعراب اصلا در عزائم خویش فتور راه ندادند از سال ششم افتتاح اندلس که سال نود و هشتم هجرت بود با ولات و حکام عرب آغاز مصارعت و جدال و بمدافعت اشتغال نموده تا در اواسط سنه هشتصد و نود و پنج ایشان را بالمره مستاصل ساخته و دولت اعراب را از بیخ برانداختند

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره سی و هفتم

شرف

شهر ربیع الاول ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

الفنس دوازدهم پادشاه اسپانیول

الفنس دوازدهم پادشاه اسپانیول

اعلیحضرت الفنس دوازدهم پادشاه ممالک اسپانیا پسر اعلیحضرت ایزابل دویم ملکه اسپانیا و دن فرانسوا داسیز در بیست و هشتم ماه نوامبر هزار و هشتصد و پنجاه و هفت میلادی متولد شده در سی ام ماه دسامبر هزار و هشتصد و هفتاد و چهار بر تخت سلطنت اسپانیا جلوس نمود و با اهتمامات وافیه مملکت را که بواسطه شورش و طغیان طوایف مجزی شده بود منظم و در تحت حکم خود قرار داد و بجهة متانت رای و ملاطفت و عزم راسخ و ملایمت طبع محبوب القلوب رعایای خود گردید و طرف اعتماد عموم اهالی شده و رؤسای طوایف که با هم در مخاصمه شدیده بودند و با سلطنت کمال نفاق و مخالفت را داشتند دور سریر آن پادشاه جمع شده هواخواه او گشتند

روز بیست و سیم ماه ژانویه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت اعلیحضرت الفنس دوازدهم دنا ماریا دلاس مرسدس را که دختر دوک دمن پانسیه بود مزاوجت اختیار نمود و این ازدواج برخلاف رسم فقط مبنی بر مهر و محبت بود و هیچگونه ملاحظه دولتی و پلیتیکی نداشت پادشاه اسپانیا با ملکه در کمال شعف زندگانی میکردند اما در بیست و ششم ماه ژون همانسال ملکه درگذشت و شوهر معظم خود را بحالت حزن و اندوه گذاشت در بیست و نهم ماه نوامبر سال هزار و هشتصد و هفتاد و نه پادشاه اسپانیا در ثانی مزاوجت بر داخت و آرشیدوشس ماری کریستین دختر آرشیدوک فردیناند و آرشیدوشس الیزابت اطریش ملکه اسپانیا گردید و از این مزاوجت در دوازدهم ماه سپتامبر هزار و هشتصد و هشتاد دختری بوجود آمده مسماة به ماریا دلاس مرسدس و ملقب پرنس د استوری ملقب گشت اعلیحضرت الفنس دوازدهم در بیست و پنجم ماه نوامبر گذشته در سن بیست و هشت سالگی زندگانی را بدرود نمود و موجب قوانین سلطنتی اسپانیا دختر آن پادشاه پرنس د استوری که تازه بسن شش سالگی رسیده وارث تخت و تاج اسپانیا و ملکه این مملکت گردید و مادر این دختر نیابت سلطنت دارد تا ملکه بسن رشد برسد مرگ حزن انگیز این پادشاه جوان برای ممالک اسپانیا فی الحقیقه غائله هائله ایست و ممکن است بعضی فتنه های خوابیده را باز بیدار و برپا نماید اهالی اسپانیا از وقوع این حادثه بنهایت متاثر و متالم گردیده چه الفنس دوازدهم پادشاهی عاقل و کارآگاه و عظمت شغلی را که متقلد بود بخوبی دانسته بلوازم آن می پرداخت رعیت خود را دوست میداشت و رعایای او نیز پادشاه خود را بنهایت عزیز میداشتند در اواخر تابستان گذشته که ناخوشی وبا در مملکت اسپانیا مردم را دچار دهشت و خطر داشت الفنس مقاصد حسنه خود را از نو درباره رعایا منصه شهود رسانیده با شخاصی که بمرض وبا مبتلا شده بودند هر قسم اعانت و دیدن کرده و بهمین قصد سفری اختیار نمود و بجاهائیکه این مرض مهلک در حالت اشتداد بود مسافرت کرد و حال آنکه مجلس شورای وزرا بالاتفاق او را از این سفر پرخطر منع کردند

جناب اقبال الملک

خلاصه الفنس پادشاه حسن نیت و خیرخواهی خود را در مخاطره مزبوره آشکار کرده اما خدا داناست که مواد اصلیه همان مرض در او اثری کرده در ماه نوامبر گذشته درگذشت یا علت دیگر بر مزاج او طاری گردید در هر حال در موقع فوت این پادشاه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه که روابط مودت و دوستی با اعلیحضرت ملکه ایزابل دویم در الفنس دوازدهم داشتند

بواسطهٔ تلگراف مضمون مسطور در ذیل اعلیحضرت ملکهٔ معظمه را تسلیت فرمودند

صورت تلگرام اعلیحضرت شاهنشاهی باعلیحضرت ایزابل دوّیم

باحزن واندوهی که آن اعلیحضرت از قضیهٔ ملالت انگیز فوت فرزند عزیز خود حاصل نموده اند قلباً شارکت دارم واز خداوند مسئلت مینمایم که اسباب تسلیت آن اعلیحضرت را در این تألّم وتأسّف فراهم آورد ناصرالدین شاه قاجار

ترجمهٔ جواب اعلیحضرت ایزابل دوّیم باعلیحضرت شاهنشاهی

ازصمیم قلب ازان اعلیحضرت تشکر مینمایم که ازبابت این مصیبت جانسوزی که در آن مستغرق میباشم مرا تسلیت فرموده بودند خداوند آن اعلیحضرت را محفوظ دارد خواهشمندم مرا بمنزلهٔ خواهر باموّدت مغموم خود قبول فرمایند ایزابل

جناب اقبال الملک

جناب میرزا محمد اقبال الملک که از چاکران اصیل دولت وبمحاسن تربیت ودانش ودرایت موصوف است درمبادی عمر بتحصیل کمالات وفضائل پرداخته پس از اتصاف بلیاقت خدمت دولت بشرف چاکری اختصاص یافت درسنهٔ ۱۲۷۸ بمنصب استیفا نائل ودر دویست وهشتاد ونه بسمت نیابت اوّل سفارت کبری در دربار سلاطین اروپ مأمور فرنگستان گردیده در دویست ونود هنگام تشریف فرمائی موکب همایون بفرنگستان بشارژدافری دربار انگلیس برقرار شد سنه ۱۲۹۱ بمنصب استیفای نظام ورجوع عمل محاسبات نظامی معزی الیه مفوّض ودر نود وهشت باجازت علیّهٔ ملوکانه بشرف خدمت نوّاب اشرف والا ظلّ السلطان نائل وازطرف نوّاب اشرف معظّم بحکومت بوشهر مأمور گردید سال هزار وسیصد باستدعای نوّاب والا شاهنشاهزاده معظّم بلقب اقبال الملکی وخطاب جنابی ملقّب ومخاطب وازجانب نوّاب والا بحکومت کردستان منصوب ودرسیصد ودو برحسب رضامندی نوّاب اشرف معظّم بازمراتب لیاقت موجب دستخطّ همایون دربرگذاری معزی الیه جزو وزراء واعضای مجلس دربار اعظم منسلک واز امتیازات دولتی کمر مرصّع ونشان درجهٔ دوّیم شیر وخورشید واغلبی از نشانهای دول خارجه را دارا میباشند

محمد حسن

نمره سی وهشتم شرف شهر ربیع الثانی ۱۳۰۳
این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد قیمت نسخهٔ طهران سالیانه یک تومان ودوهزار دینار

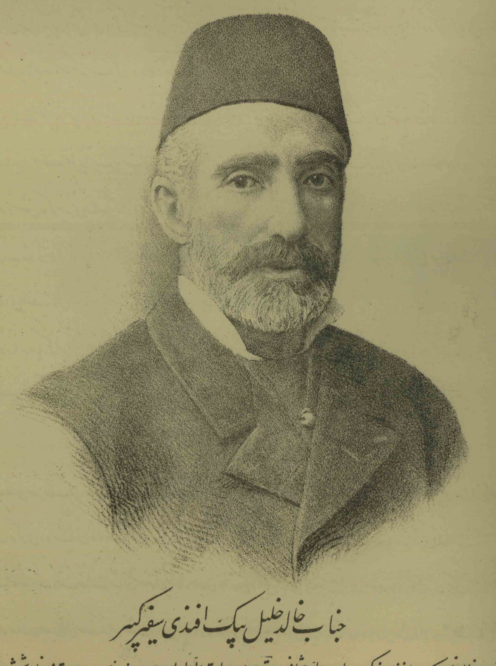

جناب خالد خلیل بیک افندی سفیر کبیر

جناب خالد خلیل بیک افندی سفیر کبیر دولت علیّهٔ عثمانی مقیم دربار دولت علیّهٔ ایران در سنه هزار ودویست وپنجاه وشش هجری

در سلیمانیه متولد گردیده والد جناب معزی الیه مرحوم احمد پاشا از وزرای دربار سلطنت سنیه عثمانیه و والی اسبق ارزنة الروم و از خانوادهای
بزرگ بابان بود جناب سفیر کبیر معزی الیه در اسلامبول در مکتب حربیه شاهانه مدتی تحصیل نموده تا در فنون محصله تکمیل شدند و در سنه هزار و
دویست و هفتاد و هفت که بیست و یکسال از عمر معزی الیه گذشته بود با رتبه ملازمی داخل خدمت عسکریه گردیده و در همان سال
در مکتب اعدادی حربیه و دار المعارف و مکتب رشدیه معلمی فنون جغرافیا و فوتوغرافیا و تاریخ و تدریس کلیه علوم ریاضی ماموریت یافتند
دو سال بعد با رتبه یوزباشی گری داخل کمیسیون معاینه استحکامات ارزنة الروم شدند در دویست و هشتاد و پنج از ارزنة الروم معاودت نموده
رتبه عسکریه را برتبه ثالثه ملکیه تبدیل و در دفترخانه ترجمه باب عالی شرف ماموریت حاصل کردند و ضمناً در همان اوقات نیز در دار الفنونی که
افتتاح یافت معلمی جغرافیا پرداختند در هشتاد و شش با رتبه ثانیه از صنف ثانی بنیابت دویم سفارت کبرای لندن مامور و دو سال بعد
با رتبه ثانیه از صنف متمایز بسمت نیابت اول سفارت کبرای پاریس اختصاص یافتند و بعد از شارژدفری آنجا باسلامبول مراجعت نموده
در نود و شش به کومیسری مناستر که از ولایات جلیله عثمانی و در خاک اروپاست مامور و در همان سال بوزیر مختاری چتینه (ستین پای تخت منتگرو)
منصوب شدند و در شانزدهم شوال همان سال بوزیر مختاری بلغراد (بلگراد پای تخت سربی) رفته بعد از چهار سال و نیم اقامت در انجا در سنه ۱۳۰۳
با رتبه اولی صنف اول و نشان ذیشان دویم مجیدی بسمت سفارت کبری و اقامت در دربار دولت علیه ایران مامور و بشرحی که
در روزنامه مبارکه ایران نگارش یافت وارد دار الخلافه طهران شدند و از نشانهای ذیشان علاوه بر درجه دویم مجیدی به (نشان
درجه سیم شیر و خورشید از دولت علیه ایران) و (نشان درجه اول طاقوه از دولت سربی) و (نشان درجه اول دانیلو از امارت قره طاغ (منتگرو)) هم ممتاز هستند

امیر الامراء العظام نصر الملک

نصرالله خان نصر الملک که از چاکران قدیم دولت روزافزون هستند در سال یکهزار و دویست و پنجاه و سه که مبادی عمر ایشان بود
مشرف نوکری دولت نائل و باداره جلیله قشونی داخل گردیده تا اکنون که پنجاه سال تمام است پیوسته بصداقت و کفایت و درستی
خدمت مینمایند و همه وقت خدمات ایشان مقبول پیشگاه همایون و قشون ابوابجمعی ایشان از هر جهت آراسته و ممتاز بوده از درجه سرهنگی تا رتبه امیر تومانی را
طی نموده و اکنون چندین سال است که کلیه قشون قزوین از پیاده و سواره ابوابجمع معزی الیه است در سفر اول بندگان اعلیحضرت اقدس
همایون شاهنشاهی بفرنگستان شرف التزام رکاب اعلی را داشته از امتیازات جلیله و نشانهای ذیشان نشان تمثال همایون
و شمشیر مرصع و نشان درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز و نشان حمایل امیر تومانی بسیاری از نشانهای جلیله دول خارجه را دارا و سه چهار مرتبه
در اردوهای بزرگ نظامی که در سرحدات تشکیل یافته سمت ریاست و کوماندانی داشته اند

امیر الامراء العظام نصر الملک

بقیه تاریخ زوال و انقراض سلطنت اعراب در ممالک ایران

اول کسیکه از فرنگستان در صدد نقض تسلط ایشان برآمد مردی بود بلای نام از اهل اشتوریش از خطه جلیقیه اعراب او را با سیصد نفر
فرنگی در موضع موسوم بصخره محاصره کردند تا تمام کسان او از گرسنگی درگذشتند و خود با سی مرد و ده زن مانده بود جماعتی از عرب که دور او را
گرفته بودند گفتند ما از محاصره اینمرد خسته و ملول شدیم آیا از سی نفر نصاری برای چه زیان خواهد رسید پس از گرد صخره برخاستند و بلای چون خلاص یافت

متدرجاً قوت وکثرتی بهم رسانیده تا بسلطنت نایل شد وخود در سال یکصد وسی وسه وفات یافت وپسروی فاقله بجای پدر نشست و بعد از دو سال سلطنت او

باذفونش (الفونس) بن بطر اختصاص گرفت وآندولت امتدادی یافت واز سلاطین این سلسله نکایات صعب وجنایات شدید باعراب رسید

واین مصادمات ومحاربات از وجود همان سی نفر فرنگی پدید آمد واول شهریکه از مدن عظیمه اسپانیا فرنگیان استرداد کردند طلیطله بود

که در تاریخ چهارصد وهفتاد وپنج از دست اعراب معروف ببنی ذی النون گرفتند عبد الله بن فرج یحصبی مشهور بابن عسال در تسخیر مدینه

طلیطله ومنع تسلط اعراب گفته است

یا اهل اندلس حثوا مطیکم	فما المقام بها الا من الغلط
الثوب ینسل من اطرافه واری	ثوب الجزیرة منسولا من الوسط
من جاور الشر لا یامن عواقبه	کیف الحیاة مع الحیات فی سفط

و دیگری در این معنی گفته است

یا اهل اندلس ردوا المعار فما	فی العرف عاریة الا مردات
الم تروا بیدق الکفار فرزنة	وشاهنا آخر الابیات شهمات

علامه مقری میگوید چون قواعد (شهرهائیکه مراکز حکمرانی مملکت است) مملکت اسپانیا را مثل قرطبه واشبیلیه وطلیطله ومرسیه وغیرها سلاطین فرنگ از دست ملوک اعراب گرفتند فقط غرناطه ومریه ومالقه در تحت سلطنت وحکومت بنی احمر مانده بود وایشان پیوسته با فرنگیان در کار غزا وجهاد بودند وازطرفین ایقاد نار عنا دمینمودند تا در نوبت سلطان ابوعبد الله محمد بن سلطان ابو الحسن دولت ایشان نیز منقرض گردید وممالک مغرب از دست سلاطین عرب وملوک اسلام بیرون افتاد وپادشاهان فرنگ بعد از این استرداد کامل همداستان شده مسلمانان آنمرز وبوم را تماماً بدین نصاری مکلف ساختند وبهدم آثار اسلام وترویج شریعت عیسویه همت گماشتند تا اینکه کافه مسلمین وجمهور پیروان دین احمدی را بظاهر نصرانی کردند وباینکار هم قناعت ننموده در حدود سال یکهزار وهفده گروه گروه از اعراب ومتسمین باسلام ومتهمین بعداوت اهل صلیب را از آن ممالک اخراج وازعاج کردند وکیش خویش را در جمیع اقطار اروپ مشهور وآشکار واعلام سلطنت صلیبیه ورایات دولت نصرانیه را در تمام مسالک وممالک فرنگ منصوب واستوار نمودند وبازار ملت مسیح را بعد از هشتصد سال که روبکسادی نهاده بود رونق ورواج تازه دادند بقیه دارد محمد حسن

نمره سی وهفتم — شرف — شهر جمادی الاولی ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان ودو هزار دینار

اعلیحضرت میلان پادشاه سربی

اعلیحضرت میلان پادشاه مملکت سربستان در سنه هزار وهشتصد وپنجاه وچهار میلادی متولد شده واو پسر عم (پرنس میشل) است

که پرنس مشاالله اورا افسر زندی قبول نموده ودر سال هزار وهشتصد وشصت وچهار بپاریس فرستاده بود که در آنجا تربیت
شود میلان تا مدت چهار سال که در پاریس اقامت وتحصیل علوم وفنون اشتغال نمود خبر مرگ ناگهانی میشل اورا
از تحصیل وتکمیل آداب وفنون باز داشته مراجعت بسربستان داد وبتوسط اسکوپ چینا بر سریر امارت سربی متمکن
وبرقرار گردید در سال هزار وهشتصد وهفتاد وشش بواسطه شورش ایالت بُسنی بر ضد دولت عثمانی میلان پادشاه
با عثمانیها اعلان جنگ وآغاز محاربه نموده شکست یافت با وجود این (چرنایف) ژنرال روس که بر قشون اوریاست
وسرداری داشت اورا بسمت پادشاهی خوانده وسلطنت اورا اعلان کرد اگرچه اقدام واعلان ژنرال چرنایف
در آنوقت بی اثر وخالی از ثمر ماند ولی بعد میلان باینمقام ومنصب نایل شد وشرف این لقب حاصل کرد
میلان پادشاه میخواهد مانند (فرودریک) ثانی پادشاه پروس و (ویکتُر امانوئل) رفتار نماید وسبک
ووضع آن سلاطین را پیشنهاد وآئین خود سازد این تفصیل را در جغرافیای بزرگ (شاخت) مسطور داشته
ویک فصل این جغرافیا که راجع بسربستان است غریب ترین فصول آنست در ذیل این فصل نگاشته است
که دولت سربستان در شبه جزیره بالکان میخواهد مانند (پیه مُن) در ایطالیا حرکت نماید وبایداعتقاد
واعتراف نمود که میلان پادشاه بواسطه محاربه سال هزار وهشتصد وهفتاد وشش خود وجنگی که در هذه السنه
با پرنس الکساندر امیر بلغاری نموده صاحب این خیال واز پی این آمال میباشد محارباتی که امسال در
در دوسه ماه قبل بر سر اراضی سرحدی با پرنس الکساندر امیر بلغارستان نمود چون مشهور ودر ذیل روزنامجات
اطلاع وغیره مُفصلاً مسطور شد حاجت باعاده ذکر در اینجا نیست

جناب حاجی علاء الملک

جناب حاجی میرزا عبدالله خان علاء الملک که از تربیت یافتگان مخصوص عهد همایون هستند در سال هزار ودویست و
شصت وسه که اواخر عهد شاهنشاه مرحوم مبرور بود از جانب والد خودشان مرحوم میرزا نبی خان امیر دیوان
بنیابت حکومت اصفهان برقرار وبه نشان وحمایل سرهنگی نایل در هفتاد وچهار بمنصب استیفا ورجوع بعضی محاسبات

دفتری سرافراز ودر هفتاد وشش به پیشکاری قزوین منصوب ودر هفتاد وهفت بحکومت همدان وقراگوزلو برقرار وبه نشان
وحمایل دویم سرتیپی نایل وپنج سال در همدان متوقف وبلقب علاء الملکی ملقب شدند در سنه هشتاد وچهار به پیشکاری مالیات

جناب حاجی علاء الملک

اصفهان مأمور وبنشان وحمایل سرتیپی اول مفتخر ودر هشتاد ونه بمنصب مدیری کل وظایف ایران ودر نود ویک
بریاست قشون آذربایجان واعطای نشان تمثال مهر مثال مباهی گردیدند در نود ودو بدربار همایون آمده به نشان
درجه اول شیر وخورشید وحمایل سبز نایل ودر اواخر همین سال بریاست ملبوس نظام ودر نود وسه حکومت شاهرود
وبسطام الی مدت دو سال ودر نود وپنج مجدداً رجوع محاسبه بنائی دیوانی تا هفت سال ودر این سال

سیصد و سه خطاب جنابی و وزارت مجلس شورای کبری و خلعت جبه ترمه مرصع در حق ایشان عطا شده و از نشانهای خارجه نشان اول مجیدی دولت عثمانی با حمایل آن و نشان اول استانسلاو دولت روس و حمایل مخصوص آن دارا هستند

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از مملکت ایران

این بود نمونه از عنوان مسئله انقراض دولت عرب از مملکت اسپانیا و اما انقراض حکومت عرب از مملکت ایران اگرچه بروجه نسخ شریعت و فسخ عقیدت و اخراج عرب و اعادت مذهب صورت نبست (والحمد لله الذی هدانا للاسلام وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله) الا اینکه نفی سلطنت و رفع تغلب جنس عرب و زوال ظل حکومت مطلقه و حقیقت ریاست عامه ایشان و حل فرمانروائی و مالکرقابی و کار قبض و بسط امور و مهام و اختیار عزل و نصب ولاة و حکام و زمام حل و عقد تکالیف که حاق معنی سیاست است و روح عنصر ریاست در ممالک ایران بلکه غالب اقالیم مشرق زمین در کمتر از مدت ممالک غربیه بحصول پیوست یعنی زمان استقلال عرب در سلطنت ایران من البدایة الی النهایة و از حال ظهور تا روز فتور قریب دویست و پنجاه سال کمتر از زمان استیلای ایشان در ممالک غربیه و بلاد اروپ است چه از تاریخ ورود اعراب و بربر در رکاب طارق مولای موسی بن النصیر باندلس چنانکه اشارت رفت سال نود و دویم از هجرت مقدسه نبویه صلی الله علیه و آله بود و سال انقلاب امر و فتور حال و زوال ملک و استقلال ایشان از آن ممالک مطابق سنه هشتصد و نود و هفت اما تاریخ دخول عرب بمملکت عجم و استیلای تازیان بر پارسیان و آغاز فتح بلاد ایران سال پانزدهم هجرت مقارن خلافت عمر بن الخطاب بسرداری سعد بن ابی وقاص و زمان انقراض کلی عرب و انقضاء فرمانگذاری ایشان از ممالک ایران سال ششصد و پنجاه و شش بود که لفظ خون را بحساب جمل تاریخ آن یافته اند و اینکه انقراض را در انهدام بقید کلیت و علی سبیل الاطلاق مقید ساختیم از آن است که طبقات ملوک ایران قبل از سال ششصد و پنجاه و شش بکرات بر سلاطین عرب تاخته و ارکان سلطنت ایشان را متزلزل ساخته و سورت استیلاء آنها را از اطراف و اکناف اقلیم ایران شکسته و رقاع وسیعه و اصقاع فسیحه از خاک این مملکت را از تحت سلطنت و حیطه تصرف ایشان برون کشیده اند

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره چهلم

شرف

شهر جمادی الثانیه ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

امیرالامراء العظام سهام الدوله

امیرالامراء العظام سهام الدوله میرزا ابراهیمخان نوری امیرتومان که از چاکران لایق و خدام قدیم این دولت روزافزون هستند در مبادی چاکری که اوان سال هزار و دویست و پنجاه و چهار بود بشرف پیشخدمتی حضور شهریاری نایل و ده سال در رکاب مبارک

مشغول خدمت بودند پس از آن در رکاب همایون بتبریز رفته در شصت و چهار بمنصب سرهنگی فوج مراغه برقرار گردیدند
در جلوس میمنت مانوس همایونی خلد الله ملکه در دار الخلافه بمنصب سرهنگی فوج قزوین و در انقلاب خراسان مامور آن مملکت شده در شصت
و شش به نشان سرهنگی از درجه دویم نایل و بعد از رفع غائله مشهد در شصت و هفت مامور بجنورد و سرخس و ترشیز و آخال گردیده بعد از مراجعت
به نشان و حمایل سفید سرهنگی ممتاز و در شصت و هشت بمنصب سرتیپی نایل شدند و افواج اصفهان بمعزی الیه سپرده شده در هفتاد و دو بنظم
بندر عباسی مامور و بعد از تنظیم آن حدود به نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز و بیکثوب قبای مفتول دوز مخلع شدند در هفتاد و سه فوج چهار محال ضمیمه
ابواجمعی معزی الیه گردیده بهمراهی مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار مامور بوشهر و بلقب سهام الملکی ملقب شده در مراجعت برکاب همایون بیکقطعه
کمر الماس سرافراز و باز بهمراهی مرحوم سپهسالار مامور گرگان گردیده از گرگان داوطلبانه باترک رفته قلاع و استحکامات
اترک را خراب و قراقچی را تنبیه نمودند مراجعت از گرگان در هشتاد و یک بمنصب نشان و حمایل سرتیپی اول مفتخر و در هشتاد و سه با
افواج اصفهان و دو هزار نفر تفنگچی مامور انتظام گرمسیرات فارس و تنبیه اعراب سواحل دریا و بعد احضار برکاب مبارک شده بیکقبضه شمشیر
مرصع بالماس مرحمت شد در هشتاد و هفت بانظم سرحدات و ایلات فارس مامور و در سفر اول تشریف فرمائی موکب همایون
بفرنگستان که سال دویست و نود بود بریاست اردوی بزرگ گندمان و انتظام ایلات بختیاری و قشقائی و طرق و شوارع حدود شرقی
و جنوبی ممالک محروسه مامور شده بعد از مراجعت از گندمان بلقب سهام الدوله ملقب و بیکقبضه قمه الماس سرافراز و بعد بریاست قشون فارس
و تنبیه سهراب خان قشقائی و غیره مامور و در مراجعت بیکقطعه نشان تمثال همایون مباهی شده در نود و پنج بریاست اصطبل توپخانه کل ممالک
محروسه و فوج زرند سرافراز و بعد از آن اداره قراسورانی کل ممالک محروسه بمعزی الیه تفویض و در نود و شش انبار قورخانه مبارکه
و ذخیره مخزن و اسلحه خانه و توپخانه بایشان سپرده شد در نود و هفت بریاست کل قشون خراسان مامور و بپاداش خدمات آن حدود
حمایل سبز و نشان اول خارجه بایشان مرحمت و بعد از مراجعت در سنه هزار و سیصد بحکومت مملکت مازندران منصوب شدند و هنگام
تشریف فرمائی موکب همایون بخراسان در دامغان شرف اندوز حضور و بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع مخلع و سرداری کل قشون مازندران
نیز بمعزی الیه مرحمت شد و بعد از مراجعت بدربار در سال هزار و سیصد و سه بمنصب و نشان و حمایل امیر تومانی سرافرازی حاصل نمودند

جناب میرزا رضاخان وزیر مختار

جناب میرزا رضاخان وزیر مختار دولت علیه مقیم برلن دربار دولت فخیمه المان در سن چهارده سالگی در جزو چهل نفر نجبازادگان
ایرانی بجهة تحصیل علوم و فنون مامور پاریس گردیده بعد از نه سال تحصیل علوم حقوق دول و ملل که با دیپلوم (تصدیق) معتبر مراجعت
بایران نمود در اسلامبول محتاج الیه سفارت کبرای حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار اعظم مرحوم گردیده مدت بیست سال
تمام در معیت آن مرحوم در خارجه و داخله و دربار همایون مشغول انواع خدمت از مترجمی و غیره بود و در مسافرت موکب همایون بفرنگستان

جناب میرزا رضاخان وزیر مختار

شرف التزام رکاب اعلی را داشت بعد از فوت مرحوم سپهسالار در معیت مرحوم علاء الدوله امیر نظام آذربایجان رفته
مامور سرحدات عثمانی گردید و بعد از مراجعت بدربار همایون در وزارت جلیله خارجه مشغول خدمت بود تا در سنه ماضیه باراده علیه
همایونی و تصویب وزارت جلیله خارجه بسمت وزیر مختاری دولت علیه مامور باقامت برلن دربار دولت فخیمه المان گردید

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب در ممالک ایران

وخویشتن در آن بلاد وبقاع بدرجه استقلال واقتدار رسیده ولی چون توالی آن فتوحات وتغلبات با بقاء هیکل سلطنت ایشان خیدان منافات نداشت وبا آنکه از اندام مملکت هر عضوی را پادشاهی تصاحب کرده بود باز فی الجمله پادشاهان خلفای عرب را محترم میداشتند بعضی را بعنوان خلافت وبرخی را بواسطه شرافت وعلی الرسم از جانب ایشان بالقاب جلیله وخلاع فاخره وامتیازات شریفه وتوقیعات مقدسه نایل میشدند ولامحاله ریاست دینی امت را در انظار عامه مردم از آنجاعت تلقی وطلب میکردند پس با وجود غلبه واستیلای طوایف ملوک از عجم یا ترک یا دیلم بر اطراف واقطار ایران وتشکیل سلطنتهای متعدد در حدود ونواحی آن استرداد کامل واستیصال کلی صورت تحقق نپذیرفت مگر در تاریخ ششصد وپنجاه وشش که هلاکو خان طاغیه ترک نبیره چنگیز خان مغول بر عراق عرب مسلط شد وبغداد را که خانه خلافت بود قتل عام کرد ومستعصم را با پسران واعیان بهلاکت رسانید از این هنگام سلطنت عرب از مملکت عجم یکباره منقرض ومنقطع شد ولی دین مبین پیغمبر عربی صلی الله علیه وآله اطراف ملک عجم را بالجمله فرو گرفته وشروق انوارش در انفس وآفاق تجلی تمام یافته بود نه تزلزلی در ارکان عقاید روی داد ونه سلطانی ایشان را با رتداد مکلف ساخت برخلاف زوال ملک عرب در سمت مغرب زمین چنانکه بشرح رفت پادشاهان ایران که بشرف اسلام فایز بودند قبل از سال ششصد وپنجاه وشش با سلسله خلافت مخالفت نمیکردند وبخلفای عرب آسیبی نمیرسانیدند واز محو این عنوان از صفحه اسلام اندیشه داشتند زیرا چنین مرکوز اذهان جمهور مسلمانان شده بود که در هر عصر وزمانی رئیس اعظم وپیشوای مسلم از خاصه جنس عرب لازم است چه صاحب این شرع قویم وهادی این صراط مستقیم از عرب بود پس حافظ وخلیفتی در هر دوره باید که هم از دوده او باشد پس برای صیانت سلطنت وبقای حکومت خود متعرض ملوک عرب نمیشدند که موجب سخط عامه رعایا وتبری کافه برایا از ایشان میگردید واگر از خلیفه مشخصه ضجرت هم میرسانیدند ویا خلاف مصلحتی میدیدند دیگری را که هم از اقارب او بود بخلافت می نشانیدند ولی هلاکو خان که از ملوک قتال قبایل مغول بود وایشان ترکستان وایران وملحقات آنرا عنوة وقهرا گرفته ومردم را بغلبه وسلطه تمام در قید انقیاد ودر ربقه طواعیت میداشتند لاجرم رعایت عقاید مسلمانان را شرط اطاعت ورعیتی ایشان نمیشناخت واز این تقریرات حاصل آنست که رفع ید عرب وزوال ملکت ایشان در ممالک ایران بدو نحو بحصول پیوسته یکی بتفاریق مدت فرمانگذاران وطبقات ملوک اقطار این مملکت که بشرف اسلام مشرف بوده اند ودیگر بانقراض کلی بدست هلاکو خان

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره چهل ویکم

شرف

شهر رجب المرجب ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقرانی سالیانه یک تومان ودو هزار دینار

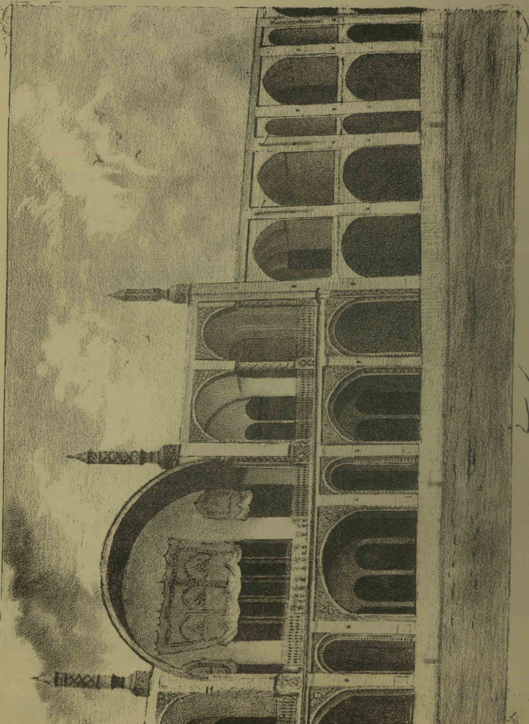

عمارت مبارکه اسب دوانی که در جانب غربی شهر دارالخلافه طهران واقعست قصریست رفیع البنا و متین الاساس بسیار باشکوه مشتمل بر عمارات فوقانی و تحتانی که منظر بمیدان اسب دوانی دارد اساساً از مبادی اینعهد همایون بنا شده اما در این سنوات وضع عتیق آن بوضع و صورت جدیدی تغییر و تبدیل یافته و در حقیقت مثل بنائیست که از نو ایجاد و احداث شده با مبل و اسبابی ممتاز بفراخور این عمارت نیز در آنجا موجود و مرتب و همیشه این قصر محل و موقع تشریفات ورود سفرا و مامورین دول معظمه خارجه بدارالخلافه است قطعه زمینی که محاط دایره اسب دوانی و محیط آن نیم فرسنگ تمام است سابقاً ارضی قفر و زمینی خالی از آب و گیاه بود چند سال قبل همت بلند ملوکانه و اراده علیه خسروانه بآبادی آنجا توجه و علاقه یافته باامین السلطان مرحوم مقرر فرمودند که آنجا را باغی مشجر کنند که از نزهتگاههای خاص سلطنتی باشد از همانوقت بتوسط و اهتمام آنمرحوم اقدام بآبادی آنجا شده شروع بغرس اشجار و طرح انهار بطرزهای خوب و وضعهای مرغوب نمودند و قنات معروف باسب دوانی که تقدیر نیم سنگ آب دارد مخصوص شرب آنجا شده و دریاچه بسیار عظیمی بوضع طبیعی در میان این باغ احداث و جزیره در وسط دریاچه تعبیه کرده انواع جداول و خیابانها و اقسام ریاحین و گلها بعمل آورده اند که اکنون آنقطعه بیاض رقعه از ریاض ارم است و نقطه از نقاط متنزه عالم اشجار آن همه تازه نهال در خضرت و صفا بی مثال روضه از نهرها سلسال دوحه سجع طیرها موزون بوضعهای طبیعی گلهای ربیعی از نسرین و یاسمن بر بساط سبزه و چمن و فراز توده های صناعی و تپه های اختراعی رویانیده اند بالجمله تمام این حوزه مدور اکنون روضه مشجر و بسیاری از اشجار آن بارور و مثمر است سالی یکمرتبه در دوره این باغ که میدان اسب دوانی است اسب دوانی دولتی مینمایند و قریب صد هزار نفر در این دوره بتماشا جمع گردیده بتفصیلی تمام اسب دوانی میشود چنانکه همه ساله در ذیل روزنامهجات مبارکه ایران ثبت و طبع و منتشر شده است

نواب حاجی بهاءالدوله

نواب حاجی بهاءالدوله ساسان میرزا امیرتومان ولد مرحوم بهمن میرزای بهاءالدوله ابن خاقان خلد آشیان در سنه هزار و دویست و شصت و هشت بمنصب للهباشیگری سرافراز و در قوی ئیل دویست و هفتاد و به بیگلربیگی گری مملکت آذربایجان مامور و در هفتاد و شش بمنصب سرتیپی و نشان و حمایل این رتبه نایل و در هفتاد و هفت بلقب جلیل بهاءالدوله ملقب و بحکومت ملایر و تویسرکان منصوب و در هشتاد و سه بسمت پیشکاری مخصوص در ملازمت رکاب شاهنشاهزاده مرحوم جلال الدوله مامور مملکت خراسان و در هشتاد و چهار مجدداً بمنصب بیگلربیگی گری مملکت آذربایجان مامور و بسرتیپی پنجم نایل در هشتاد و شش بمنصب سرتیپی دویم و ریاست سواره شاهسون افشار و دویرن در هشتاد و هفت بریاست افواج و سواره خمسه بعلاوه ریاست سواره سابقه و منصب و حمایل و نشان سرتیپی اول در نود و یک بریاست اصطبل توپخانه مبارکه کل ممالک محروسه و بعد از چندی بوزارت مخصوص و پیشکاری کلیه امور درب خانه نواب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر در نود و پنج بریاست

نواب حاجی بهاءالدوله

فوج حشمت و در نود و شش فوج طهران و در نود و هفت فوج عرب و عجم نواب معزی الیه مرحمت و واگذار شد در نود و هشت بریاست اداره قراسورانی کل ممالک محروسه و در سنه هزار و سیصد بریاست کل قشون مملکت آذربایجان و در سیصد و دو بریاست دیوان محاکمات عسکریه و در هذه السنه منصب نبیل امیرتومانی و نشان و حمایل آن در باره نواب معزی الیه اعطا و مرحمت شد و بسیاری از امتیازات

جلیلهٔ این دولت را نیز از قبیل شمشیر مرصع و غیره دارا هستند

بقیهٔ تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسهٔ ایران

و دیگر با نقراض کلی بدست هلاکوخان که از کفار ترکستان بود اینک از آغاز فتور علی التدریج تا انجام انقراض بالکلیه اشارتی نمائیم من دون تقصیر و تطویل بل با بین الاجمال و التفصیل پس پوشیده نباشد که دولتها به نص اهل خبر و تصریح علماء سیر بر دو گونه است اصلی و فرعی و مراد از دولت فرعی دولتیست که بر دولت اصلی طاری شده باشد و دولتهای اصلی اسلام را آنچه گفته اند از سه بیش نیست اول دولت خلفاء خمسه یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و علی و حسن علیهما السلام که ابتدا این دولت از مبایعت ابوبکر است که روز رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله صورت گرفت و انتهاء آن جمادی الآخره سال چهل و یک هجریست که آن سنه را نظر بمصالحه امام ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام با معویة بن ابی سفیان و اجتماع کلمه اسلام و التیام شقاق امت عام الجماعه مینامند دویم دولت امویان ابتداء این دولت از روز صلح امام حسن علیه السلام با معویه است و غایت آن روز مبایعه دوم با عبدالله سفاح که در ربیع الآخر سنه یکصد و سی و یک هجری بوقوع پیوست سیم دولت عباسیان اول آن از تاریخ بیعت اهل خراسان و عراق است معاً با سفاح که اشارت شد و آخر آن قتل عبدالله مستعصم که در صفر سنه ششصد و پنجاه و شش روی داد احمد بن یوسف دمشقی در اخبار الدول میگوید (و در این دولت اسم عرب از دیوان ساقط شد) و اما دولتهای فرعی که بر دولتهای اصلی طاری شد مملکت آنها عریض و بسیط گشت و مطاع تمامت طبقات اهالی گردید و بر صاحب منصب خلافت و خداوند شغل امامت فائق آمدند و شاهنشاه عرب را در تنفیذ احکام و سیاست جمهور علی سبیل الاطلاق مزاحمت بین و اخلال صریح نمودند در خصوص ممالک ایران هفت دولت مستقله است که هر کدام از روی تحقیق در کشوری مخصوص یا در اغلب بلاد این اقلیم حکم پادشاه عرب را از درجه نفاذ انداخته از مرکز سلطنت خویش بکار گیتی ستانی برخاسته و تخت جهانبانی نشسته و ملک عجم را از دست ملوک عرب منتزع ساخته اند اگر چه جمله ایشان بنا بر رعایت مصلحت وقت معتقدات مرکوزه اذهان عامه رعیت را ملحوظ داشته درباره پادشاه عرب باستیصال کلی و اضمحلال کامل نپرداختند اما با وجود استقلال و استبداد این هفت دولت دیگر عشیره عرب را از سلطنت مطلقه ایران اصلاً نصیبی باقی نبود اول آن دول سبعه دولت آل صفار است دویم سامانیان سیم آل بویه چهارم غزنویان پنجم سلاجقه ششم صباحیان هفتم آل چنگیز

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره چهل و دویم

شرف

شهر شعبان المعظم ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دوهزار دینار

جناب نصرت پاشای مشیر

جناب نصرت پاشای شمشیر و اجودان اکرم اعلیحضرت سلطان عثمانی که در دوازدهم شهر شعبان المعظم هذه السنه حامل نشان رفیع الشان
امتیاز هدیه خاص اعلیحضرت سلطانی بجهه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکهما شده بدار الخلافه باهره طهران آمده بودند
معزی الیه در سنه هزار و دویست و چهل هجری متولد شده و در عمارت سلطنتی عثمانی نشو و نما یافته پدر معزی الیه حمزه حارث بیک یکی
از امرای قبیله آبازخ کبیر بوده و والده ایشان چون همشیره سلطان صبیحه سلطان محمود خان مرحوم جد اعلیحضرت سلطان عبد الحمید خان شیر داده
معزی الیه در حرمخانه سلطنت معروف به دایه زاده محمد نصرت بوده و تا سن دوازده سالگی در میان غلام بچگان مقدمات علوم دینیه را تحصیل نموده
و در ابتدای تاسیس مدرسه نظامی بحکم سلطانی داخل مدرسه مزبوره شده عربی و قدری فارسی و عقاید و علم فقه و ریاضیات و انواع فنون حربیه را
از پیاده نظام و سواره و توپخانه و آداب تعبیه جیش و لشکرکشی و مقدمات قیام اربعه جغرافیا و سیر کبیر عسکری و تواریخ عمومیه و خصوصیه را تحصیل نموده در
سال دویست و شصت بعد از دادن امتحان بمنصب سلطانی (آتاماژوری) منصوب و بسمت اجودان جنگی سرداری اردوی عربستان مامور شده گردید
و چهار سال در این ماموریت خدمات لایقه کرده پس از آن از عربستان احضار باسلامبول و بمنصب امین الائی یعنی تحویلداری فوج نایل و محض
تکمیل فنون حربیه و غیره بسمت آتشه ملیتری در معیت سفارت مامور پاریس گردیده سه سال نیز در مدرسه ستان سیر پاریس علم فزیک و شیمی و
جغرافیا و سایر فنون عسکریه را تحصیل و تکمیل نمود و بعد از امتحان با جازه رسمیه ناپلیون سیم بمنصب سرهنگی داخل در فوج اول تیپ پانزدهم جناح یسار اردوی
پاریس گردیده مدت دو سال هم در فوج مزبور با آتاماژورهای ملتزم خدمت امپراطوری در تمام مشقهای بزرگ و کوچک حضور داشته است تا سال دویست
و شصت و نه که جنگ قریم پیش آمد از فرانسه احضار باسلامبول و بمنصب سرهنگی (آتاماژوری) مامور اردوی باطوم گردید و چون در فتح قلعه شکوتیل
که همین فتح بود که سلطان عبد المجید مرحوم را ملقب به غازی کرد دیروز رشادت و جلادت داد بمنصب میرتیپی سیم آتاماژوری نایل و در سلک اجودانهای سلطانی
داخل گردیده و در این جنگ برای تفتیش و تحقیق تمام مواقع حربیه فرستاده شده است بعد از آنکه کشتیهای دول متفقه بجهه امداد دولت عثمانی به بسفور آمده سفاین
روس را مجبور بتخلیه لنگرگاه سواستاپول ساخته و قلاع و استحکامات سواستاپول را بضرب گلوله خراب کردند در این محاربه بحریه نیز خدمات لایقه از معزی الیه بظهور
رسیده بتصدیق امیرالبحرهای دول متفقه برتبه میرتیپی دویم ارتقا جست و هم بجهه مهاجرت دادن طوایف اسلامیه که در خاک روس بودند که از مقتضیات
پولتیکی بود از طرف باب عالی ماموریت یافته چه در زمان جنگ مزبور و چه بعد از مصالحه متجاوز از دو کرور نفس را از طوایف تاتار و نوغای و چرکس
و چچن از قریم و داغستان بخاک عثمانی هجرت داده آتش طغیان و شورشی که در آن زمان بلغاریهای طرف دانوب روشن کرده بودند منطفی ساخته بپاداش

عزت مآب احمد فایق بیک سرتیپ

رفعت مآب مظفر بیک سرهنگ

رفعت مآب علی غالب بیک

این خدمات در سال دویست و هفتاد و نه از جانب سلطان عبدالعزیز مرحوم بلقب پاشائی و منصب میرلوائی و منصب تیپ اول و عضویت دار الشورای
عسکریه سرافراز و برقرار شد در هشتاد و شش بانتخاب وزارت جنگ بمنصب امیر تومانی نایل و مأمور به تومان حلب و تسکین عشایر و قبایل
اعراب عنیزه و غیره گردید چون این مأموریت را بخوبی بپایان برد در هشتاد و هشت بریاست دار الشورای عسکری منصوب و بعد از
قلیل زمانی با منصب جلیل مشیری (امیر نویانی سرداری) بوالیگری ولایت سلانیک و مناستر و البانی و پس از یک سال
بوالیگری (انقره ـ انگوریه) مأمور و در سال نود باسلامبول احضار و بعضویت دایره تنظیمات شورای دولت انتخاب و اختیار گردید
در اواخر همین سال بوالیگری ولایت طرابزون منصوب و در نود و سه بوالیگری ولایت آطنه برقرار و در همین سال بسرداری اردوی طرف
مترویچه منصوب و با اردوی مزبور بجنگ سربی مأمور گردید و در ابتدای جنگ عثمانی و روس از روم ایلی باسلامبول احضار و باجودان اکرمی
اعلیحضرت سلطانی منصوب و مأمور بتشکیل اردوی احتیاط گردیده بعد نظر باهمیت محلیه ولایات سلانیک و مناستر و البانی مواقع مذکوره را
اداره ملکیه و عسکریه بمعزی الیه سپرده و در آخر جنگ باسلامبول احضار و بهمان منصب اجودان اکرمی قرار شد و اکنون علاوه بر اجودانی در مجالس
خصوصیه عسکریه و در مجالس عالیه بسمت عضویت دارند از امتیازات و نشانهای ذیشان نشان مجیدی و عثمانی مرصع و مدالهای محاربات عدیده و حمایل
درجه اول نشان سان استانسلاس از دولت روس و حمایل درجه اول نشان کرون دفر از دولت اطریش و حمایل درجه اول نشان لیوپولد
از دولت بلژیک و درجه اول نشان واز از دولت سوئد و اول درجه نشان دولت دانمارک و اول درجه نشان دانیلو از امارت قره داغ مونتنگرو
و در این مأموریت هم از دولت علیه ایران یک قطعه نشان مرصع از درجه اول شیر و خورشید با حمایل مخصوص آن نایل شده اند

صاحبمنصبان و اشخاص محترمی که در معیت جناب معزی الیه از اجزای سفارت ایشان بودند.

عزت مآب احمد فایق بیک سرتیپ دویم اجودان مخصوص اعلیحضرت سلطانی

رفعت مآب مظفر بیک سرهنگ فرزند جناب نصرت پاشای مشیر اجودان صدارت عظمای دولت علیه عثمانی

رفعت مآب علی غالب بیک برادرزاده جناب مشیر پاشا از بستگان وزارت عدلیه دولت علیه عثمانی

در این مأموریت از طرف دولت علیه ایران به احمد فایق بیک نشان درجه دویم شیر و خورشید و بمظفر بیک و علی بیک هر یک یکقطعه
نشان درجه سیم شیر و خورشید مرحمت شد

محمد حسن

نمره چهل و سیم

شرف

شهر رمضان المبارک ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا حشمت الدوله امیر تومان

نواب والا حشمت الدوله عبدالله میرزا امیر تومان ابن مرحوم عبدالله میرزا ابن ولیعهد مبرور عباس میرزا طاب ثراه در سال
هزار و دویست و شصت و یک متولد و مسمی بسلطان ابراهیم گردیده تا بعد از فوت مرحوم پدر حسب الاشاره علیه ملوکانه باسم

عبدالله میرزا نامیده شدند و در حجر تربیت مرحوم حشمت الدوله عم خویش پرورش و تربیت یافته در اسفار خراسان و آذربایجان
همه جا همراه و در حکومت اصفهان مرحوم حشمت الدوله بنیابت ولایت برقرار و در سال هفتاد و پنج و هفتاد و شش در خراسان از
از جانب حشمت الدوله مرحوم بحکومت تربت حیدریه منصوب و در هفتاد و هشت در دربار همایون حسب اللیاقه بمنصب جنرال
اجودانی حضور مبارک نایل و در سنه هزار و دویست و هشتاد که حشمت الدوله مبرور بولایت عربستان مامور شدند نواب
معزی الیه علاوه بر نیابت ایالت عربستان از طرف دولت بریاست طاق نظام آنولایت نیز برقرار گردیدند در هشتاد و سه
بدرجه سرتیپی سیم و نشان و حمایل مخصوص آن نایل و بریاست سواره باجلان و بختیاری و غیره منصوب و در سنه هشتاد و چهار منصب سرتیپی
دویم با نشان و حمایل آن و نیز از نفیر سواره قراچورلو و چلبیانلو و مشکین و اردبیل و غیره بمعزی الیه مرحمت و مفوض شد در هشتاد و شش
بریاست کلیه قشون خراسان و حکومت تربت حیدریه و بعد از تنبیه و تدمیر طوایف ترکمه آخالی و غیره بمنصب و حمایل و نشان
سرتیپی اول نایل و در هشتاد و هشت در معیت مرحوم حشمت الدوله بسمت نیابت اول سفارت کبری برای اعلیحضرت
امپراطور روس الکساندر دویم مامور تفلیس و از دولت روس بنشان استانسلاس ستاره دار از درجه دویم نایل شده در هشتاد و نه
مجدداً در خدمت شاهزاده مرحوم بنیابت ایالت عربستان منصوب و سالها در آن ایالت مصدر خدمات جلیله لشکری و کشوری و ریاست
کلیه عساکر و تنظیم طوایف و عشایر بودند در نود و نه از طرف دولت بشرف خدمت حضرت والا ظل السلطان نایل و بحکومت ایالت کرمانشاهان
منصوب و بلقب حشمت الدوله ملقب و در سیصد و یک بحکومت لرستان و بروجرد مامور و در هزده السنه سیصد و سه در دربار همایون باستدعای
نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان بمنصب و نشان و حمایل امیرتومانی مفتخر گردیدند

امیرالامراء العظام شجاع السلطنه

امیرالامراء العظام محمد باقرخان شجاع السلطنه امیرتومان پسر مرحوم محمدخان امیرتومان در بدایت عمر چندین سال در مدرسه
مبارکه دارالفنون بتحصیل علم و عمل پیاده نظام و هندسه و غیره اشتغال ورزیده تا در علوم و فنون محصله تکمیل و فارغ التحصیل شده داخل
در دایره نظامی و خدمات قشونی گردیدند و پیوسته اوقات سفراً و حضراً چه در شرف ملازمت رکاب همایون و چه در خارج مشغول خدمات
لایقه عسکریه بوده تا از درجه نیابت و سلطانی ارتقا جسته و مراتب و مناصب نظامی را حسب الاستحقاق طی نموده در چندین سال قبل برتبه

و منصب سرتیپی اول و لقب نبیل شجاع السلطنه نایل شدند و از افواج نظامی که سالهاست در تحت ریاست و ابواب جمع
معزی الیه میباشد فوج بهادران و فوج ششم اقبال و فوج مخبران شقاقی و فوج پنجم شقاقی است که قراولی ابواب عمارات
سلطنتی و ارک همایونی و اردوهای مبارک نیز همیشه با افواج ابواب جمعی معزی الیه میباشد و همواره خدمات معزی الیه

امیرالامراء العظام شجاع السلطنه

مقبول خاطر همایون بوده و غالب امتیازات جلیله نظامیه و غیره این دولت روزافزون را جلب و استدراک نموده
تا در هزده السنه هزار و سیصد و سه که مراتب حسن خدمات معزی الیه بطوریکه باید و شاید توسط نواب مستطاب اشرف والا نایب السلطنه
امیرکبیر وزیر جنگ معروض خاکپای همایون افتاده معزی الیه را حسب اللیاقه بمنصب امیرتومانی و نشان و حمایل مخصوص این رتبه
نایل و سرافراز فرمودند

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسه ایران

اکنون از کیفیت ظهور و استیلاء ایندولتها شطری ایراد نمائیم تا معنی مغالبت و مصارعت آنها با پادشاهی عرب و حقیقت استیلا و تفرد هر کدام بملک عجم و ازالت سلطنت ساذجه خلفا از کشور ایران بدون زوال شریعت و ذهاب عقیدت مبین و مبرهن گردد آل صفار همانا بدایت خلع طاعت پادشاهان عرب و نکث بیعت خلفاء آل عباس از جانب ملوک عجمی نژاد در سال دویست و پنجاه و سه بمملکت سیستان اتفاق افتاد چه قبل ازین تاریخ در مملکت سیستان از جنس عرب درهم بن نصر از اولاد نصر سیار حاکم و فرمانگذار بود و نسبت بشاهنشاه عرب نهایت طاعت و انقیاد داشت لیث صفار که نژاد او به انوشیروان منتهی میگردد بتقریبی که مشهور و در کتب خبر مسطور است نزد درهم اعتبار یافت و بدرجه امارت لشکر رسید و بعد از وی فرزند مهینش یعقوب در ملازمت درهم ترقی کامل کرد و قلوب متجنده را بجانب خویش مایل نمود در آن اثنا والی خراسان حیلتی برانگیخته درهم بن نصر را بجانب بغداد فرستاد یعقوب بن لیث در غیاب درهم اساس حکومت او برهم زد و سیستان را بضبط خویش درآورد و هوای تسخیر ممالک دیگر کرد و لشکر بخراسان کشید و ابتداء حصول آمال و امانی و ظهور استقلال و جهانبانی او در سنه ثلث و خمسین و مائتین بود که هرات و فوشنج را بگشود و از راه بیابان بکرمان شتافت و حاکم آنجا را که از جانب والی شیراز بود بگرفت و در دویست و پنجاه و شش از کرمان بفارس رفت و حاکم فارس را اسیر کرد و حفظ ظاهر حال و رعایت رسم معمول را ده باز سفید و ده باز ابلق و چند من مشک ناب بضمیمه تحف دیگر بحضرت معتمد خلیفه ارسال داشت و بصوب سیستان رجعت نمود و در دویست و پنجاه و هفت دیگر باره بر سر فارس رفت معتمد خلیفه قاصدی بدو فرستاد و پیغام داد که ما کی مملکت فارس را بتو داده ایم که چنین بی پروا هر سال قصد آنجا میکنی و انواع زحمت بر اهالی میرسانی و اموال بمصادره میستانی پس موفق برادر معتمد منشور ولایت بلخ و طخارستان و سیستان بنام یعقوب بن لیث ارسال داشت که بآنها اکتفا کرده گرد دیگر بلاد نگردد یعقوب خطه بلخ را بدست آورده در دویست و پنجاه و نه محمد بن طاهر را که از تخمه عرب و پسر ذوالیمینین بود مقهور و اسیر ساخت و در دویست و شصت بسمت طبرستان لشکر راند و حسن بن زید را که هم از جنس عرب و علوی نژاد بود ملکش بباد داد معتمد عباسی چون آثار خلع طاعت و امارات استبداد از یعقوب بن لیث مشاهده نمود باهالی خراسان پیغام داد

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره چهل و چهارم

شرف

شهر شوال المکرم ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه بگیران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب مستوفی الممالک

جناب آقا میرزا حسن مستوفی الممالک فرزند مرحوم مبرور آقا میرزا یوسف صدر اعظم دولت علیه که تشریف وزارت را (توارثه عن والد بعد والد) پدر بر پدر از وزرای جلیل الشان و خدام صداقت نشان دولت جاوید ارکان هستند در رمضان سال هزار و دویست و نود و یک متولد شده که اکنون دوازده سال و چند ماه از سنشان گذشته و با این حداثت سن و بدایت شباب

پیکر وجود شان بحلیه عقل و دانش و زیور درایت و فطانت آراسته است حدث یوقره الحجی فکانه اخذالوقار من المشیب الکامل
چون آثار لیاقت و کیاست از ناصیه حال ایشان مشهود و در پیشگاه حضور همایون شهریاری مکشوف افتاد چهار سال قبل منصب
مستوفی الممالکی و مرسومات این شغل نبیل را که موروثی این خانواده است در حق جناب معزی الیه اعطا و مرحمت فرمودند و در ماه
رجب هذه السنه که مرحوم صدر اعظم طاب ثراه برحمت ایزدی پیوستند نیز دستخطی مرحمت آیت از مصدر جلالت مبنی بر ابقا
و تجدید تفویض این منصب و خدمت شرف صدور یافته و پیکر لیاقت جناب ایشان را بیک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع آراسته
و مزین داشتند

جناب وزیر دفتر

جناب میرزا هدایت الله وزیر دفتر که از اجله چاکران دولت روز افزون و از مبادی دولت ابد آیت سلسله علیه
قاجاریه تاکنون پدر بر پدر بثبات قدم و راستی قلم و صدق نیت و حسن طویت در راه دولت قیام بخدمت نموده اند
خاصه شخص ایشان که از بدایت عمر بهدایت عقل و ارائت دانش ملتزم خدمات دولت گردیده در دفترخانه مبارکه استیفا
بخدمت محاسبات اشتغال نمودند تا در اواخر عهد شهریار مبرور ماضی انار الله برهانه که تقریبا چهل و دو سال قبل از این
باشد حسب اللیاقه بمنصب نیابت مستوفی الممالک نایل و سرافراز و همواره بخدمات دفتری و محاسبات کشوری مشغول و از
طرف شاهنشاه مبرور بنشان الماس از درجه اول سرهنگی مفتخر شدند در سال لوی ئیل هزار و دویست و هشتاد و پنج باقتضای
رای جهان آرای شهریاری دام الله ملکه منصب جلیل وزارت لشکر بعهده کفالت جناب ایشان مفوض و مقرر آمد و در
اوایل سنه تخاقوی ئیل هزار و دویست و نود بمنصب نبیل وزارت دفتر استیفا و ریاست کل محاسبات ممالک محروسه سرافرازی
و اختصاص یافته چندین سال بدون انفصال متقلد این خدمت و متشرف بدین منصب بودند و ضمنا بنشان تمثال همایون
و شمسه مرصع که از امتیازات جلیله است سربلندی حاصل نمودند تا در سال نود و نه باستعفا و استدعای خود شان معاف
از این خدمت شده فقط در جزو وزراء و اعضای عظام مجلس شورای دربار اعظم منسلک و دخیل در معظمات مهام ملکی و جزو شورای
خاص بودند در اوایل هذه السنه که مرحوم آقا میرزا یوسف صدر اعظم برحمت ایزدی پیوسته منصب مستوفی الممالکی و ریاست

دفتر چنانکه مسطور شد برحسب حکم سابق بجناب آقا میرزا حسن مستوفی الممالک فرزند آن مرحوم مخصوص آمد نظر باهمیت این
شغل نبیل و حداثت سن آقای مستوفی الممالک و لیاقت و مسبوقیت شخص جناب وزیر دفتر بدین شغل و سایر مناسبات موجوده
مجددا منصب وزارت دفتر و کفالت این شغل خطیر بجناب ایشان مرحمت و یکثوب جبه ترمه شمسه مرصع نیز برسم خلعت اعطا و عنایت گردید

جناب وزیر دفتر

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسه ایران

که ما یعقوب را فقط در سیستان اذن تصرف عنایت کرده بودیم حالیا که علامات طغیان و امارات عصیان از وجنات
احوال و ظاهر شده است حکم میکنیم که پیروی الفت نمایند یعقوب بر فرمان معتمد مطلع گردیده در سال دویست و شصت و یک

هجری بصوب شیراز رفت و بر ابن واصل که از نژاد عرب بود غالب آمده تمامت فارس را بحیطهٔ تصرف در آورد و پادشاهی
سیستان و خراسان و فارس با و اختصاص یافت و حکم خلیفه وقت و ملک الملوک عرب در اینوقت از این ممالک بر افتاد و بعد از
محاربتی عظیم که او را با موفق برادر خلیفه روی داد از خوزستان و آن نواحی لشکری جرار فراهم ساخته بدار الخلافه بغداد روی آورد
معتمد از خوف تزلزل ارکان خلافت بسلطنت او در سیستان و خراسان راضی شد یعقوب پیغام داد که تا خود حضرت خلافت پناه را
مقهور نکردانم از پای ننشینم بعد از یعقوب کار سلطنت برادرش عمرو و نیز بهمین منوال میرفت و او ما وراء النهر را نیز ضمیمه ممالک مفتوحه
یعقوب ساخت معتضد خلیفه منشور امارت خراسان و ماوراء النهر و فارس و کرمان و سیستان را تمام بنام او نوشته با قافله
حاجیان بخراسان فرستاد معذلک عمرو در تحت اختیار و اقتدار معتضد در نیامد و نفاذ خلافت و جریان امر خلیفه عربی را
از ممالک فارس و خراسان و سیستان و کرمان منقرض و زایل ساخت (سامانیان) نسب این سلسله بتصریح جمعی کثیر از علماء
انساب و مصنفین سیر ببهرام چوبین میرسد و از اینجهت مصداق موضوع این مسئله معنونه میباشند و این طبقه هرچند از آغاز
امر مملکت ماوراء النهر را داشتند و خطه بخارا خانه سلطنت و پایه سریر ایشان بود و از اینروی خارج از موضوع این رساله هستند
الا اینکه پس از استقرار دولت و تمادی سنین سلطنت امر جهانبانی و امارتشان بدین سمت جیحون نیز نفوذ و سرایت کرده
نخست مملکت خراسان را و رفته رفته تا حدود ری فرو گرفت و اینفرقه اگرچه بدوا بر حسب اراده پادشاهان عرب بدینمقام
و منصب رسیدند و تا یکدرجه این ید سابقه و نعمت سابغه را مرعی میداشتند اما در سیرت و سلوک مثل سایر ملوک بودند و مستقلا
عزل و نصب میکردند و مستبدا رتق و فتق میفرمودند بلکه القاب جلیله میدادند و ایالات جلیله می بخشیدند مثلا منصور بن
عبد الملک ملک سیستان از حسین بن طاهر گرفته بخلف بن احمد مفوض داشت و خود این خلف نیز که بمعاونت منصور بر سیستان
مسلط گشت نژاد بملوک عجم میبرد و سلسله نسبش موافق صریح عبارت معین الدین محمد اسفزاری در تاریخ هرات بخسرو پرویز میرسد
و شعر مشهور ابو الفتح بستی در حق اوست که گفته خَلَفُ بن اَحمد اَحمدُ الاَخلافِ الی آخره و بدیع الزمان همدانی نیز او را بقصیده
لامیه مدح گفته و در انجا او را بیعقوب بن لیث و عمرو بن لیث منسوب ساخته و سخن بدیع بعید نیست چه بعضی از اهل تاریخ ویرا از
اعقاب لیث صفار دانسته اند و بهر یک از دو تقدیر خود داخل افراد این عنوانست بقیه در نمره آتیه محمد حسن

نمره چهل و پنجم

شرف

شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

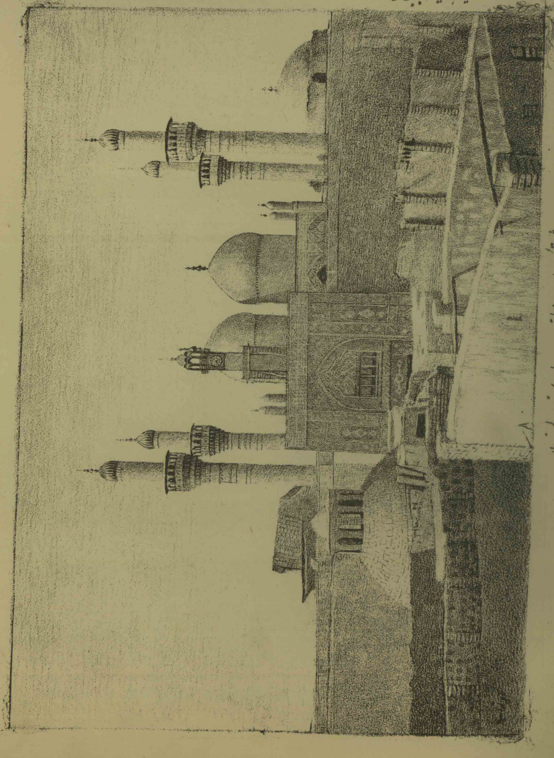

شبیه قبه و بارگاه و صحن مطهر امامین همامین کاظمین علیهما السلام

در سنهٔ یکهزار و دویست و نود و چهار هجری نواب اشرف والا شاهزادهٔ معظم معتمد الدولة العلیه حاجی فرهاد میرزا عم اکرم اعلیحضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه خلدالله تعالی ملکه فرزند حضرت مستطاب غفران مآب ولیعهد دولت علیهٔ ایران عباس میرزا طاب ثراه که جامع فضایل و فواضل و صاحب مآثر و مفاخر و دارای درایتی وافی و همتی صافی و همتی بلند و رتبتی ارجمند هستند باین خیال افتادند که تقدیم خدمتی در حضرت امامین همامین کاظمین علیهما آلاف التحیه والثنا فرمایند و صحن مقدس را که سالها بود از حلیهٔ آبادانی و آرایش و زینت و نمایشی که در خور آنست افتاده و بمرور ایام حائط آن از هر طرف منکسر و منظر خانهای آن مسجواً شده بود عمارت کنند مباشرت این خدمت را بعهدهٔ عالیجاه اشرف الحاج حاجی عبدالهادی تاجر استرابادی که از تجار معتبر این دولت علیهٔ ایران صانها الله تعالی عن الحدثان واگذاشتند و مشارالیه که در کاظمین مجاورت اختیار کرده است و اکنون سی و اند سال است مشغول این عمل شده در کمال دقت و مراقبت ایوانها و حجرات برای زوار و غربا و سردابهای خوب جهت دفن اموات ساخته دیوارها را بکاشیهای خیلی ممتاز مزین کرد و برای شکوه صحن مطهر که مطرح انظار دور و نزدیک بود چهار منارهٔ صحن را از قرب زمین تا غایت ارتفاع آن تذهیب نموده بعضی متعلقات دیگر از قبیل تکیه بکتاشیه و غیره و غیره که ذکر آنها موجب تطویل است بنا کرد تا در سنه یکهزار و سیصد و یک این بنا بانجام رسید چنانکه شیخ محمد صادق اعسم نجفی در قصیدهٔ تاریخیهٔ آنجا میگوید (خذا بیدی فرهاد فی یوم حشره) (فقدتم عن سترٍ تاریخه خذا) و بعد از آن نیز محض آسایش زوار و مجاورین در جلوخان صحن مقدس بنای برکه نموده و از دجله تا جلوخان مجرای آنرا ساخته آب جاری نمود و همچنین در صحن شیخ ابو یوسف برکهٔ دیگر بنا کرد و در صحن مقدس سقاخانها ساخت که همه کس را اسباب راحت و موجب دعاگوئی عمر و دولت ابدآیت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله تعالی ملکه و سلطانه باشد و بالجمله بتوجهات وافیه و مبالغ خطیره که از طرف نواب اشرف معظم از روی خلوص نیت و کمال عقیدت مبذول شد این ابنیهٔ شریفه و آثار عظیمه بپایان آمد

جناب صدیق الملک

جناب میرزا محمد صدیق الملک رئیس کل دفاتر وزارت جلیلهٔ خارجه که آباً عن جدٍ در دولت ابدمدت علیهٔ قاجاریه مشغول خدمتگذاری بوده‌اند بعد از فوت مرحوم میرزا عبدالله والدشان که در حضرت نایب السلطنه مرحوم مغفور طاب ثراه سمت منشی‌گری مخصوص داشته در سال هزار و دویست و سی و نه جناب معزی الیه بخدمت و مواجب دولت روزافزون داخل و نایل شده در اوایل عهد جاوید مهد همایون بشغل تحریرات رسایل داخله دولتی و اضافه مواجب سرافراز و در سنه شصت و هشت بترتیب و تنقیح نوشتجات دولتی در وزارت خارجه و خدمت تحریرات و استخراج رموز دولتی مأمور و در هفتاد و پنج بریاست دفاتر وزارت جلیلهٔ خارجه و لقب رئیسی

جناب صدیق الملک

و اعطای حمایل و نشان درجهٔ اول سرهنگی نایل شده در سال هفتاد و شش که مرحوم میرزا سعید خان وزیر امور خارجه در رکاب همایون بگیلان رفته و بحکمرانی و نظم امور آن ایالت مأمور شدند در ایام غیبت آنمرحوم ادارهٔ وزارت خارجه بعهدهٔ کفایت جناب معزی الیه بود و همچنین در سال دویست و هشتاد و هشت که موکب همایون شاهنشاهی عزیمت عراق عرب و زیارت اعتاب عالیات را فرموده و مرحوم

وزیر خارجه نیز ملتزم رکاب اعلی بود جناب صدیق الملک اداره وزارت خارجه را کفالت مینمود و پس از رجعت موکب همایون با عطای نشان و حمایل میرپنجی نایل و مباهی آمدند در سال نود و پنج بلقب صدیق الملکی ملقب و در نود و هفت بعد از انفصال مرحوم سپهسالار اعظم از وزارت خارجه تا ورود مرحوم میرزا سعید خان وزیر امور خارجه از ارض اقدس بدار الخلافه باز امور وزارت جلیله خارجه را موقتاً اداره نموده بخلعت مهر طلعت همایونی مخلع شدند در سال هزار و سیصد و یک نیز در خلال ناخوشی و فوت وزیر مرحوم تا زمان نصب جناب ناصر الملک (فرمانفرما و والی مملکت خراسان) بوزارت خارجه اداره وزارت خارجه بعهده کفایت جناب صدیق الملک مرجوع بود و بخطاب جلیل جنابی مخاطب گردیده و در موقع تحویل سال سیصد و سه توسط جناب اشرف مشیر الدوله وزیر امور خارجه دولت علیه بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع سرافراز و مخلع شدند و نشانهای ذیشان درجه اول اکثری از دول معظمه خارجه را نیز از قبیل روس و عثمانی و فرانسه و اطریش و اسپانیول و پرتوغال و ایطالیا و بلجیک و ژاپن و یونان و غیره و غیره دارا هستند

بقیّه تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسه ایران

و معلوم است که کار ملک ستانی و تاج بخشی و امثال ذلک از نهایت استبداد و استقلال خواهد بود و حال آنطایفه نیز با آنکه سلسله سند سلطنت ایشان بملک الملوک عرب میرسد با خلفا مثل دیگر پادشاهان عجم و فرمانروایان ایران بوده است و اینکه گفتیم ریشه حکومت نافذه این فرقه از نصب و نص شاهنشاه عرب آب میخورد اشاره است بتفصیل اولیت حال اولاد سامان چنانکه قاضی زاده تتوی در تاریخ الفی آورده که مامون بن الرشید وقتی که در مرو بود حکومت خراسان و ماوراء النهر بغسان بن عباد که عم زاده فضل بن سهل ذو الریاستین است بازگذارد و فرزندان اسد بن سامان را که ملازمت خدمت مامون میداشتند بغسان سپرد و گفت ای غسان این چهار برادر خداوندان نژادند باید که ایشان را بکارهای بزرگ بداری غسان بر حسب سفارش مامون نوح بن اسد را والی سمرقند گردانید و احمد بن اسد را بحکومت فرغانه فرستاد و شاش (چاچ) و حدود آنجا را بیحیی بن اسد داد و مهمات هراة را بعهده کفایت الیاس بن اسد حوالت کرد و چون بعد از چندی مامون غسان را معزول و طاهر ذو الیمینین را بجای او منصوب ساخت او نیز آل سامان را بر سر همان خدمات باقی گذاشته و بغرت جانب و شرف رتبت مخصوص داشت

بقیه در آتیه

محمد حسن

نمره چهل و ششم

شرف

شهر ذیحجه الحرام ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب اشرف ناظم الدوله سفیر کبیر

جناب اشرف پرنس میرزا ملکمخان ناظم الدوله سفیر کبیر دولت علیه ایران مقیم دربار دولت فخیمه انگلیس سال هزار و دویست و چهل و نه هجری در اصفهان متولد شده چون اسباب تحصیل و تربیت ایشان از زمان طفولیت بطور خوب فراهم بود علوم متعدده را

بمراقبت و شوقی تمام دو سه سالی تحصیل نموده در سن ده سالگی بپاریس رفتند و در مدارس آنجا بتحصیل انواع علوم و تعلم ضروب
فنون پرداخته بیمن استعداد و حسن استبداد و وفور ذکاوت و فرط دها در عموم علوم ریاضی و حقوق و فنون ادبیه و روابط و
تنظیمات دول ماهر و ممتحن و مورد تحسین و تمجید علما و اساتید فن گردیده وقتی مراجعت بایران نمودند بشرف مترجمی مخصوص حضور
همایون نایل و در اندک زمانی طرف اعتماد خاص اعلیحضرت اقدس شهریار و صدر اعظم مرحوم و دخیل مسائل مهمه دولتی شدند و در سفارت
کبرای مرحوم فرخ خان (امین الدوله) بسمت مستشاری مأمور فرنگستان گردیده و با عموم دول فرنگ و امریکا از طرف دولت علیه
عهدنامه دوستی و تجارتی بسته وقتی معاودت بدربار ایران نمودند محرم و محل اعتماد اولیای دولت علیه و محرک و مؤسس بعضی
قواعد جدیده و رسوم مفیده شده و اغلب صنایع و بدایع عصر جدید را معزی الیه از فرنگستان بایران جلب نمودند بخصوص تلگراف را ایشان در
این مملکت متداول کردند در قواعد تنظیمات دولت کتابها و کتابچه های متعدد نوشتند در امورات وزارت خارجه رسم تحریر را باسلوبی
تازه در آوردند و از هنرهای عمده ایشان یکی این است که مطالب را مثل استادان فرنگستان خیلی روشن و سلیس و مؤثر و متین مینویسند
پس از چندی اقامت و تقلد خدمات در دربار همایون بسمت سفارت و کارپردازی مأمور مصر شده تا زمان صدارت مرحوم میرزا حسینخان
مشیرالدوله احضار بدربار و بمستشاری صدارت عظمی منصوب و در جلایل امور ملک و معظمات مهام دولت دخیل و مشاور و هنگام
مسافرت بندگان همایون بفرنگستان که مبادی سال هزار و دویست و نود بود بسفارت فوق العاده مأمور دربار دول اروپ گردیدند
که لوازم سفر همایونی را در آن دول مرتب و مهیا نمایند بعد از مراجعت موکب همایون حسب اللیاقه بسمت وزیر مختاری مأمور باقامت
در دربار لندن و وینه و برلن شدند و در سفر ثانی موکب صاحبقرانی باقلیم اروپا جناب ایشان بسمت وکالت مختاری دولت علیه
که اعظم مناصب دولتی است مأمور کنگره برلن گردیده در آنجا محل توقیر کامل و باجرای مقصود دولت علیه بروجه اکمل موفق و نایل شدند و چون از
نتایج علم و دانش و آگاهی و کمال خبرت ایشان از اسرار سیاسی و دقایق دیپلوماسی در راه خدمت دولت روزافزون و بروز نتایج
خوب و فواید مطلوب بروز کرد توجهات خاطر خورشید مآثر ملوکانه بروجه کمال شامل حال ایشان گردیده بپاداش خدمات یوم بیوم بر
مدارج ترقیات و شئونات معزی الیه افزوده ایشان را بمنصب جلیل سفارت کبری و رتبه والای (پرنسی) و خطاب نبیل (جناب اشرف)
که مرادف بالتسی است نایل و مفتخر فرمودند و پیوسته مشمول الطاف کامله دولت و محل وثوق شخص همایون سلطنت و دارای

نشانهای ذیشان متعدد از دولت علیه و سایر دول معظمه هستند و در این ایام که بدربار همایون احضار و پس از شرفیابی رخصت
انصراف بمحل مأموریت خود یافتند بکلیوب داری ترمه شمسه مرصع از خلاع خاصه همایونی نیز مخلع شدند

جناب وزیر نظام

جناب محمد ابراهیمخان وزیر نظام و وزیر دار الخلافه الباهره پسر مرحوم محمد تقیخان که از خانوادهای جلیل ایشان مملکت آذربایجان
و در عهد شاهنشاه مبرور ماضی انار الله برهانه منصب معمارباشیگری دولت و اداره کل تعمیرات عمارات سلطنتی ممالک محروسه
با آن مرحوم بود پس از فوت مرحوم مشارالیه منصب معمارباشیگری و اداره بنائی کل ممالک محروسه حسب الوراثه و اللیاقه بجناب
معزی الیه مفوض و بپاس لیاقت ایشان بخلاع فاخره همایونی از جبه ترمه و سرداری تن پوش مبارک مشرف و مخلع گردیده پس

از قلیل زمانی بپاداش حسن خدمات کار دقبضه مرصع و بعد از چندی حمایل و نشان سرتیپی و همچنین هر روزی از آثار خدمتی ظاهر مرحمتی وافر و خلعتی فاخر از قمه های مرصع و عصای مرصع و کمرهای مرصع و سایر امتیازات مخصوصهٔ دولتی در بارهٔ جناب ایشان مبذول و مرحمت افتاده و از روی استحقاق یوماً فیوماً بر مراتب افتخار و مدارج اعتبار ایشان می افزودند تا در چند سال قبل نظر بانکه مراتب کفایت و کاردانی جناب معزی الیه شایسته و درخور رجوع مهام معظمه و خدمات جلیلهٔ دولتی بود وزارت دار الخلافه باهرهٔ طهران را که از مشاغل خطیره است بعهدهٔ کفالت معزی الیه مفوض و جناب ایشان را بخطاب نبیل جنابی مخاطب و بتجربه ترمه خلعت مهر طلعت همایونی مخلع فرمودند و پس از چندی که مراتب لیاقت و کاردانی ایشان در طی خدمت مزبور اقصی الغایه بظهور رسید حسب الاراده علیه همایونی ادارهٔ جنرانه مبارکه نظام را نیز که از جلایل امور و مهام است مزید مشاغل و مناصب معزی الیه فرموده و ایشان را بلقب جلیل وزیر نظام ملقب داشتند و در این سنوات لاحقه بپاداش خدمات لایقه بتواتر و تدریج جبهٔ ترمه و جبهٔ ترمه بطانه خز شمسهٔ دار مفتول دوز و قلمدان دوات مرصع و انگشتری الماس گرانبها و نشان درجه اول شیر و خورشید با حمایل سبز مخصوص آن و شمسهٔ مرصع و عصای مرصع ممتاز که همه از امتیازات جلیلهٔ دولتی و علائم مراحم مخصوصهٔ ملوکانه است در حق ایشان مبذول گردید و پیوسته خدمات سابقه و لاحقهٔ ایشان منظور نظر و مقبول خاطر همایون خسروانی است

بقیهٔ تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسهٔ ایران

پس همی بر شوکت و حشمت ایشان افزوده میشد تا آنکه امیر اسمعیل بدرجهٔ استقلال نایل گشت هم قاضی زاده تتوی میگوید که نخستین پادشاهان سامانیه امیر اسمعیل است زیرا که قبل از وی اولاد سامان بنیابت طاهریه یا بمنشور خلفاء عباسیه حکومت میکردند. همانا از این کلام قاضی زاده که از اکثر علماء تاریخ نقل کرده است معلوم و محقق میگردد که امیر اسمعیل و اخلاف وی در استبداد و استقلال بمثابه بوده اند که بمنشور خلفاء عباسیه و فرمان پادشاهان عرب احتیاجی نداشته اند پس آنچه از قطعات ممالک ایران بتصرف ایشان درآمده سلطنت عرب از آنجاها منقرض گردیده است (آل بویه) حال این دولت با سلطنت عرب واضحتر از آنست که بشرح و بسط حاجت افتد از ملوک این سلسله همیشه یکنفر خود در خانه خلافت نشسته بود و در نفس بغداد با کمال استقلال و استبداد حکمرانی میکرد و ملک الملوک عرب در حقیقت از دست ایشان راتبه میخورد و وظیفت میگرفت

بقیه در نمره آتیه

محمد حسین

نمرهٔ چهل و هفتم

شرف

شهر محرم الحرام ۱۳۰۴

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسید قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

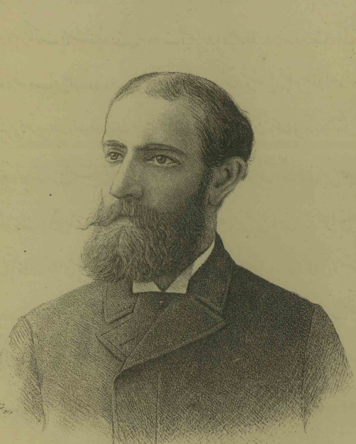

جناب مستر پرات وزیر مقیم جمهوری اتازونی

جناب مستر ادوارد اسپنسر پرات) وزیر مقیم جمهوری اتازونی امریکا در دربار دولت علیهٔ ایران ماه مارس سال هزار و هشتصد و پنجاه و یک در شهر موبل از بلاد مملکت آلاباما که یکی از ممالک معتبرهٔ عظیمه واقعه در خلیج مکسیک میباشد متولد شده (پرات) که

اسم خانواده معزی الیه است یکی از مطالب تاریخی است که در ممالک امریک و فرانسه و انگلیس مشهور است این خانواده از
بدایت زمان وضع جمهوری در ممالک اتازونی تاکنون در دایره دولت بمشاغل و اعمال عمده مشغول بوده و بدینوسیله رفته
رفته برتبتی بلند و مقامی ارجمند نایل شده اند عم جناب معزی الیه در سنوات سابقه والی مملکت جمهوری نگزاز بوده
و پدر ایشان که یکی از مستوفیان عظام آنمملکت بوده بواسطه درست رفتاری و اظهار لیاقت و حسن خدمات بملت خود مورد
تمجید تمام و طرف توقیر و احترام شایان گردیده جناب مستر پرات در سن چهار سالگی بهمراهی والدین خود بمملکت فرانسه آمده
در یک قصری که بر ساحل رود لوار بوده اقامت نموده و تمام روزگار طفولیت را در آنجا بسر برده از آن پس بواسطه شوق و رغبت
تمامی که بتحصیل علوم و سیر ممالک داشته چندین سال بسیاحت اقلیم اروپا و امریکا پرداخته و مدت زمانی بتعلم علم طب اشتغال جسته
امتحانات عدیده در ضروب این علم داده تا در سال هزار و هشتصد و هفتاد و شش از مجلس حافظ الصحه شهر نیویورک (دیپلوم) یعنی
تصدیقنامه طبی معتبری بمعزی الیه داده شد و چندی از این نگذشت که بلندن رفته و یکسالی در آنجا توقف کرده از آن پس
بپاریس مسافرت و در آنجا اقامت اختیار نمود تا زمستان سال هزار و هشتصد و هفتاد و نه از پاریس احضار بامریکا و در آنجا
مشغول بمشاغل و خدمات دولتی شده پس از آنکه چند مرتبه مأموریت مخصوص بخارج یافته و همه را کما یلیق بانجام رسانید از جانب
رئیس جمهوری سابق اتازونی از برای پیشرفت فواید عامه مملکت آلاباما مأمور بانجا گردید و در زمانی که مستر ونستن وزیر مقیم
سابق از اقامت در دربار ایران استعفا کرد وزرای مجلس دربار جمهوری اتازونی و مبعوثان ملت جناب مستر گلیولند رئیس جمهوری
حالیه را دلالت و راهنمائی کردند که معزی الیه را بسفارت دربار دولت علیه ایران اختیار و مأمور نمایند روزنامه جات
امریکا از مساعی مستر پرات در راه علوم و صناعات و سیاسیات و ادبیات پیوسته فصول مشروحه در صحایف خود طبع و نشر
نموده اند معزی الیه در امور مشرق زمین و در انظار مشرق زمینیها همه وقت خود را مؤتمن و معتمد جلوه داده و از قراریکه مشهور است
مشارالیه اول شخصی است که در این سن و سال بمنصب وزارت دول متحده امریکا نایل و برقرار گردیده است

جناب حسام الملک

جناب حسام الملک حسینخان قراگوزلو پسر مرحوم علیخان نصرة الملک که از جانب نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان
بحکومت کرمانشاهان و مضافات منصوب و پدر بر پدر از چاکران اصیل و خانوادهای جلیل میباشند در سن دوازده سالگی نظر
بشوق تمامی که بخدمات نظامی داشته بهمراهی مرحوم نصرة الملک بشهر کرمان رفته تا دو سال در جزو سربازان مشغول مشق بودند
در سنه شصت و شش مأمور بکرمسیرات فارس شده و در هفتاد با مرحوم نصرة الملک بدربار همایون آمده پس از یکسالی که در مدرسه

جناب حسام الملک

دار الفنون مشغول تحصیل فن پیاده نظام بودند با عطای یکقطعه نشان امتیاز مدرسه و منصب یاوری فوج سرافرازی حاصل
نموده در هفتاد و دو حسب المقرر فوج قراگوزلو را که احضار برکاب شده بود حاضر دار الخلافه نموده قراولخانه های شهر طهران
سپرده بمعزی الیه شد و بپاداش حسن محافظت شهر بمنصب سرهنگی نایل گردیدند در هفتاد و پنج فوج مزبور را منظماً روانه بوشهر داشته

در هفتاد و شش که موکب همایون تشریف فرمای سلطانیه شد با فوج خود برکاب اعلی پیوسته از آنجا مامور اصفهان و مشغول جان فشانی و مخلع بخلعت خسروانی گردیده و در مراجعت از اصفهان بدار الخلافه بیک قطعه نشان و یک رشته حمایل سرهنگی سرافراز شدند در دویست و هشتاد مامور خراسان شده و با اردوی ظفر نمون در سمت غوریان و هرات مشغول خدمت و مدت یکسال با فوج خود در حدود سرخس متوقف بوده و چند محاربه سخت با اشرار تراکمه نموده بتصدیقات مرحوم حسام السلطنه از طرف قرین الشرف همایون بمنصب و نشان و حمایل سرتیپی سیم مفتخر شدند بعد از سه سال ماموریت خراسان با اردوی مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار بگرگان رفته و خدمات شایان کرده در مراجعت مخلع بخلعت همایونی گردیدند در هشتاد و شش مامور عربستان شده بپاداش خدمات آن حدود یک قبضه شمشیر طلا و منصب سرتیپی دویم درباره معزی الیه مبذول شد در هشتاد و هفت نیز با فوج مامور کرمان گردیده در ازاء خدمات نمایان در گرمسیرات و حدود بلوچستان بلقب حسام الملکی ملقب و پس از مراجعت از کرمان در هشتاد و نه مجدداً مامور لرستان و عربستان شده بعد از انجام خدمات مرجوعه از دستگیری جهانگیرخان لرستانی و دفع اشرار طایفه فهادی بمنصب سرتیپی اول و عطای یک قبضه شمشیر مرصع نایل و در نود و سه برای دفع اشرار طایفه چلبی مامور کرمانشاهان شده و فوج خود را بموقع حاضر کرده علاوه بر فوج منصور فوج ششم قراگوزلو نیز بمعزی الیه مرحمت گردید پس از احضار بدربار و یکسال ملازمت رکاب اعلی فتنه اکراد در حدود آذربایجان رخ نموده حسب المقرر با فوج ابوالجمعی خود مامور آذربایجان و پس از امنیت و انتظام آن حدود و مراجعت بدار الخلافه نموده با عطای نشان و حمایل امیرتومانی سرافراز شدند در سال دویست و نود و هفت با افواج ثلثه بکردستان و سرحد کرمانشاهان مامور و محض تامین و حفظ طرق و شوارع آن حدود با عطای نشان تمثال بیمثال همایون مفتخر و در سنه هزار و سیصد علاوه بر ریاست افواج ثلثه بتوسط نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان بحکومت کرمانشاهان منصوب و بسرداری شمسه مرصع مخلع گردیدند

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسه ایران

و از اقطاعات و سیورغالی که اینها برای خلفا معین میکردند معاش میگذرانیدند امر خلافت و سلطنت عرب هیچوقت چنان زبون و ضعیف نبود که در عهد ایشان امروز یکی را خلیفتی برمیداشتند و فردا دیگری را

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمره چهل و هشتم

شرف

شهر صفر المظفر ۱۳۰۳

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب امین خلوت

جناب غلامحسینخان امین خلوت رئیس تفنگداران خاصه سرکاری و مدیر خلوت همایونی پسر مرحوم میرزا هاشمخان امین الدوله که از برآوردگان خاص و تربیت یافتگان مخصوص انعهد همایون هستند از مبادی عمر و اوایل شباب بشرف چاکری خاص حضور همایون و منصب خیل

مستخدمی که از مناصب شریفه است نایل و مشرف شده و در ضمن چاکری و التزام خدمت از تحصیل سواد فارسی و مقدمات علوم عربیه و کتب خط خوش و ربط ترسل و آزمایش طبع بانشاد اشعار فصیحه از غزلیات ملیحه و غیره نیز دست باز نداشته تا خود را بکمالات و هنرهای متداوله مکمل و آراسته کردند تا چند سال قبل حسب اللیاقه و الوراثه بلقب نبیل امین خلوتی و ریاست تفنگداران خاصه ملقب و منصوب و در حدود سال هزار و سیصد و یک که هنگام رجعت موکب ظفر کوکب اعلی از خراسان بود بمنصب و نشان و حمایل سرتیپی اول سرافراز و نایل و همواره اوقات سفراً و حضراً مشغول چاکری و خدمت و مشمول مرحمت و نعمت و مورد توجه خاص ملوکانه بوده و دمی از طی مدارج خدمتگذاری و جلب مراحم شهریاری نیاسوده تا در این سال فرخنده فال باقتضای لیاقت و استحقاق و پاداش خدمات مقبوله باعطای یک قطعه نشان تمثال مهرمثال همایون مکلل بالماس نایل و سرافراز و بخطاب جلیل جنابی که از امتیازات بزرگ است مخاطب و ممتاز شدند در اکثر اسفار همایونی در داخله ممالک محروسه از سفر خراسان و غیره نیز جناب معزی الیه حسب الامر شرف التزام رکاب اعلی را داشته

جناب معتمد السلطنه

جناب میرزا ابراهیم معتمد السلطنه مستوفی اول خلف مرحوم میرزا محمد قوام الدوله که آباً عن جد در دولت علیه قاجاریه مشغول خدمتگذاری بوده و خاصه مرحوم معزی الیه که همواره مرجع خدمات معظمه دولتی و اشغال مهمه مملکتی و غالباً در مملکتهای بزرگ مثل آذربایجان و فارس و خراسان مشغول وزارت و پیشکاری بوده و در این اواخر جزو وزرای عظام دربار منسلک و در دفترخانه مبارکه استیفا ریاست داشتند بالجمله جناب معتمد السلطنه در سال هزار و دویست و هشتاد و پنج حسب الوراثه و الاستحقاق بمنصب استیفای دولتی و مواجب دیوانی نایل و در دفتر استیفا مشغول خدمت شده از شرایط درستکاری و مراسم خدمتگذاری دقیقه فروگذار نکردند تا در سال قوی ئیل هشتاد و هشت شغل استیفای مملکت آذربایجان که موروثی این خانواده بود بارعایت استحقاق و کفایت شخصی بجناب معزی الیه مفوض آمد و در سنه بیچی ئیل هشتاد و نه که مراتب خدمات و اهتمامات معزی الیه کاملاً مشهود پیشگاه حضور همایون افتاد بترفیع درجه استیفا و اضافه مواجب فراخور آن مقام از طرف دولت روز افزون نایل گردیده و همواره با جدی موفور بخدمات مقرره اشتغال داشتند تا در سال فرخنده فال ایت ئیل هزار و سیصد و سه بپاداش

خدمات لایقه اراده علیه ملوکانه اقتضای مزید مرحمت و امتیازی جلیل درباره معزی الیه فرموده جناب مشارالیه را بلقب نبیل معتمد السلطنه ملقب و بخطاب جلیل جنابی مخاطب فرمودند

بقیه تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسه ایران

معز الدوله امر فرمود تا بر جوامع و جدران دار السلام لعن خلفای ثلثه بر نگاشتند و در ایام عاشورا تعزیه داری و سوگواری حضرت

جناب معتمد السلطنه

ابی عبدالله الحسین علیه السلام را که از وظایف و شعار خاصه فرقه امامیه است در بجبوحه بغداد شایع و مرسوم ساخت و از پرتو عنایت و سایه حمایت او بود که هر سال شیعه با اهل سنت و جماعت مقاومات صعب و محاربات شدید می افتاد چنانکه دفاتر سوانح روزگار دیالمه از این قبیل امور استبدادیه مشحون است امیر عضد الدوله که خلاصه این خاندان و شمس القلاده

این سلسله بود بر جمیع پادشاهان اسلام غلبهٔ قاهریت داشت و او اول کسی است که در آن دوره و ایام در دولت اسلام
لقب شاهنشاهی یافت چنانکه ابو الطیب متنبی نیز او را در شعر خود باین لقب اعلی یاد کرده گوید (ابا شجاع بفارس عضد الدو
لة فنا خسرو شهنشاها) باری آل بویه از اخص افراد موضوع این مسئله معنونه است چه نسب ایشان بقول ابو علی بن مسکویه در کتاب تجارب الامم
بیزدجرد شهریار که آخرین ملوک اکاسره است میرسد و بقول ابو اسحق صابی در کتاب تاجی ببهرام گور و علی القولین تسلط ایشان بر
پادشاهی عرب از قضایای مسلمه میباشد و بسط دست تصرفشان در اقطار ایران از بدیهیات اولیه علم تاریخ است هندوشاه کبرانی
در ذیل عنوان دولت بویهی از کتاب تجارب السلف میگوید این دولت ناگاه پدید آمد و ممالک را فرو گرفت تا حدیکه بر بغداد مستولی
شد خلفا و وزرا معزول میکردند و ولایت میدادند و این مرتبه بعد از آن یافتند که فقر و ذلت بسیار کشیدند جد ایشان ابو شجاع
بویه و پدر وی و جد ش از آحاد رعایا و بس درویش حال بودند و بویه مردی بود که ماهی گرفتی و فروختی و معز الدوله بعد از
آنکه شهرها بحیطهٔ تصرف در آورده و بپادشاهی رسیده بود گفت یاد دارم روزی را که هیمه میچیدم و بر سر نهاده ببازار و خانه می بردم
غیاث الدین خواندامیر میفرماید معز الدوله بعد از تسخیر کرمان لشکر باهواز کشید و آنجا و در انیر از کماشتگان خلیفه بغداد انتزاع
نمود و در سنه ثلث و ثلثین و ثلثمائه بواسط رفت توزون که امیر الامرای خلیفه و سپهبد لشکر او بود از بغداد بجنگ معز الدوله
شتافت دوازده روز متوالی غبار معرکه هیجا در هیجان بود عاقبت توزون منهزم گردید ولی دیگر باره در همین سال خود مستکفی خلیفه
و توزون با قشونی از حیز حساب بیرون بحرب معز الدوله آمدند معز الدوله صلاح در محاربت ندیده باز باهواز بازگشت و در سال دیگر
که توزون فوت شد معز الدوله عراق و دار السلام را مسخر ساخت و در اول حال با مستکفی بیعت کرد و مستکفی او را بدین لقب معزز
داشت امّا چندی نگذشت که دست تصرف خویش در امور ملک و مال مبسوط نموده زمام کار از قبضه اختیار خلیفه بگرفت و
روزی چهار هزار درم برای اخراجات خلیفه مقرر ساخت و بعد از روزی چند مستکفی را از خلافت خلع نموده المطیع را بجای وی نصب
فرمود و در سنه خمس و اربعین و ثلثمائه حکم داد تا بر ابواب مساجد کنند که لعن الله معویة بن ابی سفیان و لعن من غصب فاطمة فدکا و لعن من
منع ان یدفن الحسن عند قبر جده و من نفی اباذر الغفاری و من اخرج العباس عن الشوری بالجمله ضعف دولت عرب و فتور حال و ظهور
اضمحلال خلفاء در غلبه ملوک آل بویه بدرجه بوده است که بعضی از منجمین همان سنین را تاریخ زوال ملک

بقیه در نمره آتیه

محمد حسن

نمرهٔ چهل و نهم

شرف

شهر ربیع الاول
۱۳۰۴

این روزنامه شریفه ماهی یکمرتبه بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا اعتمادالدوله

نواب والا عماد الدوله بدیع الملک میرزا ولد ارشد مرحوم عماد الدوله طاب ثراه که بصفات حمیده آراسته و در مأموریتهای عدیده بعدالت و درستکاری متصف گشته و از کمالات و هنرها و علوم قدیمه و جدیده بهرهٔ کاملی دارند در سن نوزده سالگی حسب اللیاقه بحکومت نهاوند منصوب و شش سال در آن ولایت حکمرانی کرده در طی این حکومت بپاداش حسن خدمات در سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت باعطای یک قبضه قمه مرصع مورد مراحم ملوکانه گردیدند در سال هزار و دویست و هشتاد و دو بحکومت و ایالت صفحه وسیعه لرستان و نظم عشایر آن حدود مأمور و منصوب شده در کمال خوبی از عهدهٔ خدمات دیوانی بر آمدند در سال هزار و دویست و هشتاد و هشت مجدداً بحکومت خطه لرستان و تنظیم آن ساحات منصوب و مأمور و مراتب کفایت و حسن خدمت را کاملاً بظهور رسانیده بموجب فرمان جهان مطاع همایون ملقب بلقب نایب الایاله شدند در سال هزار و دویست و نود و یک بحکومت و والیگری صفحه کردستان که از حکومتهای جلیله است مأمور و منصوب و بلقب نبیل حشمت السلطنه ملقب و مفتخر و بعد از رحلت مرحوم عماد الدوله که مقارن سال هزار و دویست و نود و دو بود حکومت و ایالت کرمانشاهان و سرحدداری عراقین و سرداری قشون آن صفحه و ریاست اردوی زهاب ضمیمه حکومت کردستان گردیده بنواب معزی الیه مفوض و واگذار آمد و بیک قطعه نشان تمثال مهر مثال مبارک از درجه اول و یک قبضه شمشیر تمام مرصع و مرتبه سرتیپی اول با حمایل و نشان مخصوص آن درجه در ازای خدمات شایان و اقتضای کمال خشنودی و رضای خاطر همایون مفتخر و مباهی آمدند در سنه هزار و دویست و نود و هفت مجدداً بحکومت کرمانشاهان و توابع و سرحدداری عراقین و ریاست قشون آنسامان منصوب و سرافراز و بسرداری شمسه مرصع از ملابس خاصه همایونی مخلع و سرافراز شدند در ابتدای هذه السنه ایت ئیل سعادت دلیل بوزارت شورای کبرای دولت و عضویت مجلس محترم دربار اعظم نایل و قرین مباهات گردیده و در این اوقات نیز ارثاً و استحقاقاً بلقب جلیل عماد الدوله ملقب و سرافراز شدند همواره اوقات کلیه خدمات نواب معزی الیه مقبول پیشگاه حضور همایون بوده و از مبادی عمر تاکنون که قریب پنجاه و چهار سال از عمرشان گذشته پیوسته اوقات بخدمات معظمه و مهمات جلیله و مأموریتهای عمدهٔ دولتی اشتغال و بشمول مراحم و الطاف کامله همایونی سرافرازی داشته و دارند

نواب نصرت الدوله

نواب امیرزاده نصرت الدوله عبدالحسین میرزا سرتیپ اول پسر مرحوم فرمانفرما پس از تحصیل سواد فارسی و مقدمات عربیه و تکمیل فنون نظامی در مدارس دولتی در سنه هزار و دویست و نود و شش که ابتدای مشق افواج قاهره بطرز جدید بود بکسوت سربازی

نواب نصرت الدوله

ملبس و مشغول مشق نظامی شده چندی نگذشت که در قواعد حربیه و فنون مشق جدید گوی سبقت از همگنان بوده در ظرف چند سال از روی سزاواری از رتبت سربازی متدرجاً تا بمنصب نایب سرهنگی نایل و از معلمین فرنگی که در اداره مزبوره مشغول تربیت و تعلیم افواج بودند تصدیق امتیاز گرفتند (و کماندانی) یعنی فرماندهی یکدسته از فوج دویم طرز جدید که تقریباً چهار صد نفر سرباز است بعهده نواب معزی الیه مفوض بود در سال نود و هشت برحسب امر قدر قدر همایون و تصویب نواب مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ

بریاست افواج کرمان و ترتیب آنها بوضع جدید مامور کرمان شده در اندک وقتی فوج هفتم قدیم کرمان را مشق جدید آموخته

بعد از یکسال مراجعت بدار الخلافه نموده مراتب خدمات معزی الیه در خاکپای همایون مشهود و بمنصب سرتیپی نایل و جزو اجزای

مجلس شورای عسکریه شده پس از مدتی بدرجه سرتیپی اول منصوب و برحسب استدعای جناب امیر نظام کارگذار کل مملکت آذربایجان

مامور آذربایجان و در آنجا نیز برحسب لیاقت فطریه مورد التفات مخصوص نواب مستطاب اشرف والا ولیعهد گردون مهد صاحب اختیار

کل مملکت آذربایجان و از جانب جناب امیر نظام مرجع خدمات عمده گردیده خاصه در حفظ انتظام قراولخانهای شهر تبریز

و شوارع برحسب دستور العمل جناب امیر نظام کمال حسن خدمت را ظاهر نموده و الحال سرتیپ فوج ششم و رئیس فوج امیری قراول

مخصوص حضرت ولیعهد و رئیس چهارصد نفر سوارهٔ قراسوران عرض راه آذربایجان هستند

بقیهٔ تاریخ زوال سلطنت اعراب از ممالک محروسهٔ ایران

زوال ملک بنی عباس و انقضاء و انقراض پادشاهی عرب دانسته اند ابوریحان بیرونی میگوید عقیدهٔ منجمین اینست که هیچیک

از خلفاء اسلام زیاده از بیست و چهار سال خلافت نکرده اند اما خلافت المطیع که نزدیک بسی سال کشید وجهش اینست که دولت

و سلطنت در آخر خلافت متقی و اول خلافت مستکفی از آل عباس به بنی بویه انتقال یافت و از آن پس آنچه در آل عباس باقی ماند

امر دین و اعتقاد بود نه سلطنت عباد و بلاد مانند رأس الجالوت نزد یهود که خداوند ریاست دینیه است بدون حکومت و سلطنت

و خلیفه بنی عباس الآن بعقیدت اهل نجوم رئیس دینی مسلمین است نه پادشاه زمین و از قدیم نیز این حاله را خبر داده بودند چنانکه

در کتاب احمد ابن طیب سرخسی در قران نحسین سرطانی اینمطلب مذکور است و کنکهٔ هندی منجم هرون الرشید حکم کرده که سلطنت

از بنی عباس منتقل میشود بمردیکه از اصفهان خروج نماید و از برای این زوال و انتقال وقتی را معین کرده که مطابق است با

زمان خروج علی ابن بویه الملقب بعماد الدوله غزنویان سلاطین این سلسله نیز یا والا از فرس میباشند چه اصل ایشان امیر

سبکتکین است و او غلام البتکین بود و البتکین مملوک سامانیان و سامانیان از تخمهٔ پادشاهان ممالک ایرانند چنانکه مسطور شد و یا اصلا

از ترک میباشند چنانکه بسیاری از تواریخ تصریح بر آن نموده اند شباب این دولت در عهد محمود زابلی بود و او نخستین پادشاهی است

که بسلطان ملقب شد چون از طرف مادر بکبرای زابلستان میرسد او را زابلی میگفتند که اولاد تابع اشرف ابوین است بقیه در نمرهٔ آتیه محمد حسن

نمرهٔ پنجاهم

شرف

شهر ربیع الثانی ۱۳۰۴

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

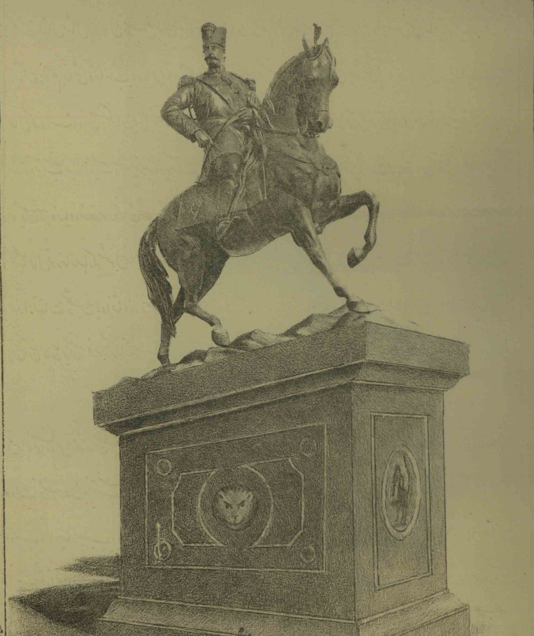

در این عهد جاوید مهد همایون کلیهٔ اعمال و صنایع و فنون از حسن تربیت دولت و توجهات خاطر خطیر همایون شاهنشاهی خلدالله
ملکه و سلطانه در دولت ایران رو بترقی و کمال گذاشته است خاصه قورخانهٔ مبارکه دولتی که امروز دارای کارخانه جات متعدده نجار
و صنایع و عمال مختلف و کارکنان و اساتید ماهر است و انواع اسباب و اشیا و آلات فلزیه و خشبیه و غیره اعم از ادوات و مهمات حربیه و غیر
حربیه بوضعهای خوب از روی کمال قدرت ساخته و پرداخته میشود از جمله در این اوقات بر حسب دستورالعمل جناب اقبال السلطنه وزیر قورخانهٔ مبارکه
مجسمهٔ از تمثال بیمثال بندگان اقدس همایون شاهنشاهی تقریباً باندازه جسم و هیکل مقدس مبارک سواره با لباس رسمی ساخته و ریخته اند که از حیثیت صنعت
ریخته گری و علم نقاشی و تناسب اعضا و دقایق اوستادی این فن مخصوص مجسمه سازی بهتر از آن تصور نمی آید مانند کارهای خوب اساتید اروپ است و
حال آنکه اوستادان و صنعتگران این مجسمه تماماً ایرانی هستند چندی قبل که بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلدالله ملکه تشریف فرمای قورخانه مبارکه
شدند و نواب مستطاب والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و جمعی دیگر از وزرای عظام و امرای نظام و غیرهم ملتزم رکاب اعلی بودند این مجسمه مبارکه بلحاظ نظر آفتاب آثار
همایون رسیده زیاده از حد مورد تحسین و تمجید افتاده موجب حیرت تمام ناظرین گردید تخت نواب مستطاب والا شاهنشاهزاده معظم وزیر جنگ نظر بترقیات
کلیهٔ اعمال قورخانه مبارکه مشمول مراحم خاصه ملوکانه شده بعد جناب اقبال السلطنه وزیر قورخانه و همچنین هر یک از اساتید و صنعتگران این مجسمه
مورد التفات و تحسین زیاد افتادند و مقرر آمد که درباره هر یک از آنها بر حسب رتبت و صنعت از طرف دولت محض تشویق خاطر آنها بذل مراحمی شود
پس از آن بندگان همایون مقرر فرمودند که این مجسمه مبارکه را در جای مناسبی از اماکن دولتی دارالخلافه بمبارکی و میمنت نصب کنند که همه وقت عموم مردم بتوانند بزیارت آن نایل شوند

امیرالامراء العظام سهام الدوله امیر تومان

امیرالامراء العظام یار محمد خان سهام الدوله امیر تومان و ایلخانی شادلو والی و حکمران استراباد و گرگان و بجنورد که پدر بر پدر از چاکران بزرگ و خدام صدیق
دولت روز افزون و بمنصب جلیل ایلخانیگری و حکومت سرحد بجنورد منصوب و سرافراز بوده اند از مبادی عمر اشتغال بخدمت دولت جاوید مدت داشته در سال هزار و
دویست و هفتاد و چهار بمنصب و نشان و حمایل سرهنگی نایل و در هفتاد و پنج با مرحوم حشمت الدوله مامور سرخس و مصدر خدمات نمایان شدند در سال هشتاد و چهار
بپاداش فتح قارتقلعه بمنصب و نشان و حمایل سرتیپی سیم سرافراز و در سال هشتاد و هفت بدرجه سرتیپی دویم نایل و در سال دویست و هشتاد و هشت در سرحدات بجنورد
در محل موسوم بچهل گذر با یکصد و سی سوار هزار و دویست سوار اشرار ترکمان آخالی را شکست داده زیاده از چهارصد نفر از آنها را مقتول و نقاط مزبوره را امن نموده
در ازای این خدمت حکومت بجنورد و ایلخانیگری شادلو بمعزی الیه مرحمت گردید و باز کرات اشرار ترکمان را شکستها داده و خدمات شایان در محافظت

سرحدات نموده در سال نود و هشت بلقب سهام الدوله ملقب و بمنصب و نشان و حمایل سرتیپی اول نایل و در طی خدمات نیز کرارا با امتیازات
جلیله دولت علیه از شمشیر مرصع و قمه مرصع و خلاع مهر شعاع سرافراز گردیده تا در سفر ثانی موکب صاحبقرانی بخراسان بمنصب جلیل امیر تومانی
و نشان و حمایل مخصوص آن ارتقا جستند هم در این سال مامور تنظیم سرحدات استراباد و گرگان شده تمام آن حدود را منظم کردند و در سنه

امیرالامراء العظام سهام الدوله امیر تومان

هزار و سیصد و سه حکومت استراباد نیز بمعزی الیه مفوض و موکول و بسرداری شمسه مرصع خلعت مهر طلعت همایونی مخلع گردیده از
حسن سیاست و کمال مراقبت و اهتمام معزی الیه انتظام تمام در کلیه ثغور و امور این ایالات بهم رسید چنانکه تا کنون چنین آسایش
و نظم و امنیتی در آن حدود دیده و شنیده نشده بود

بندر مصوع

بر همه کس مکشوفست که اهالی ایطالیا در این سنوات اخیره بتحریک دولت انگلیس بندر مصوع و یک قسمت از ساحل نزدیک آنجا را تصرف کرده اند از
دولت حبش چون بندر مصوع را متعلق بخود میدانند همواره در باب این تصرف ایطالیا پروتست و شکایت بدول سائره مینمود تا در این اواخر (راس آلولا)

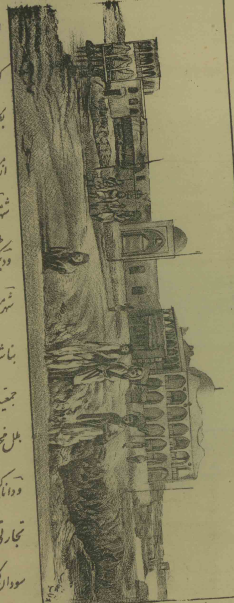

سرکرده حبشه بر اهالی
ایطالیا یورش برده
یکدسته از قشون آنها را
که عبارت از پانصد نفر بود
در محل موسوم به تیاتی
بکلی منهدم نمود نظر باین
وقایع دو صورت دورنما
از مصوع در روزنامجات مصور
اروپ بطبع رسیده یکی
شهر مصوع را از طرفی که
بدریا منظر دارد مینمایاند
و دیگری کل اهالی ایطالیا را طرف اردوی
نشان میدهد
شهر مصوع بر روی صفحه
جزیره کوچک مرجانی
بنا شده و بواسطه سدی
بخاک متصل گردیده است
جمعیت سکنه آن شهر
نفرات که مؤلف از
ملل مختلفه از اعراب و
مردم حبش و یونانی
و داناکیل و نوبی و هندو
هستند این شهر بندر
تجارتی معتبری است
که مال التجاره حبش و
سودان کلیتهً وارد
آنجا گردیده با امتعه تجاریه اروپا و هندوستان مبادله میشود در دورنمای اردوی کل قشون ایطالیا محل و مسکن سرکرده
و صاحبمنصبان با خلوی ایطالیا همه نمایان است وضع ابنیه این شهر بوضع ابنیه عرب است سوراخهای مرتفع و وسیع بعلامت گردشها
مفتوح نموده و دور آن را اعلام گردش از همه طرف احاطه کرده است

محمد حسن

نمره پنجاه و یکم

شرف

شهر شوال المکرم ۱۳۰۴

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

اعلیحضرت ویکتوریا پادشاه انگلستان و امپراطریس هندوستان

روز بیستم ماه ژوئن سال هزار و هشتصد و هشتاد و هفت میلادی مطابق بیست و هفتم شهر رمضان المبارک سنه یکهزار و سیصد و چهار هجری که سال پنجاهم سلطنت اعلیحضرت کوین ویکتوریا پادشاه جزایر انگلیس و امپراطریس هندوستان و شهریار ممالک متعدده مهاجرنشین مثل کانادا و استرالیا و نیوزلند و جنوب افریقا و مملکت بیرما و غیره و غیره در این روز با تمام رسید در اغلب ممالک دنیا موقع را مغتنم و مقتضی جشن شمرده جشن شایان گرفتند

از بدایت تاریخ سلطنت انگلیس تاکنون چنین واقعه مسعوده سه مرتبه تجدید یافته است

اعلیحضرت کوین ویکتوریا پادشاه انگلستان و قیصر هندوستان روز بیست و چهارم ماه مه سال هزار و هشتصد و نوزده میلادی متولد شده پدر ایشان حضرت دوک کنت پسر چهارم ژرژ سوم پادشاه انگلستان است تا روز جلوس اعلیحضرت کوین ویکتوریا بتخت سلطنت انگلیس مملکت هانور نیز در تحت سلطنت سلاطین انگلستان بوده ولی چون برحسب قانون پادشاهی آن مملکت بزن نمیرسید لهذا سلطنت آنجا بدوک کمبرلند عموی پادشاه انگلستان واگذار شد روز شانزدهم ماه ژانویه سنه هزار و هشتصد و چهل در ابتدای افتتاح پارلمنت اعلان فرمودند که اراده دارند در تحت ازدواج عموزاده خود پرنس آلبرت ساکن کوبرگ گوتا درآیند سن پادشاه تقریبا سه ماه بیشتر از عموزاده خودشان بود روز دهم ماه فوریه همانسال عقد مواصلت بینهما بسته شد و رسم مزاوجت بعمل آمد و نتیجه آن ازدواج و پیوند نه فرزند است چهار پسر و پنج دختر که خلاصه احوال و اسامی ایشان از قرار ذیل است

اول ویکتوریا ادلید در روز بیست و یکم ماه نوامبر همان سال متولد شده و اکنون زوجه نواب والا ولیعهد امپراطور المان میباشند و عقد ایشان در بیست و پنجم ژانویه هزار و هشتصد و پنجاه و هشت بسته شد

دویم نواب والا البرت ادوارد پرنس دگال ولیعهد دولت انگلیس که روز نهم نوامبر سال هزار و هشتصد و چهل و یک متولد شده و در روز دهم ماه مارس هزار و هشتصد و شصت و سه دختر پادشاه دانمارک را بحباله نکاح درآوردند

سوم پرنسس الیس که در سنه هزار و هشتصد و چهل و سه متولد و در هزار و هشتصد و هفتاد و هشت فوت شدند

چهارم نواب پرنس الفرد دوک داذین بورغ ششم اگوست در سال هزار و هشتصد و چهل و چهار متولد گردیده و در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و چهار دختر امپراطور روس الکساندر دویم را بعقد ازدواج خود درآوردند

پنجم پرنسس هلند در سنه هزار و هشتصد و چهل و شش متولد و اکنون زوجه پرنس کریسچیان میباشند

ششم پرنسس لویز در سال هزار و هشتصد و چهل و هشت متولد و حال در حباله نکاح مارکویز دلیسان میباشند

نواب والا پرنس دگال ولیعهد دولت بهیه انگلیس

هفتم پرنس آرثر دیوک دکنات در سنه هزار و هشتصد و پنجاه عروسی نمودند

هشتم پرنس لیوپلد دوک دالبنی در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و سه متولد و در سال هزار و هشتصد و هشتاد و چهار فوت شد

نهم پرنسس بطریس در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و هفت متولد و در سال هزار و هشتصد و هشتاد و پنج بنکاح پرنس هانری دباتن بورغ درآمدند

تا بحال هفت مرتبه قصد قتل اعلیحضرت پادشاه معظمه را نموده‌اند ولی هر بار معلوم شده است که اشخاصی که این سوء قصد را کرده همه سفیه و مجنون بوده‌اند و طپانچه‌هایشان گلوله نداشته است

تلگراف در سال جلوس این پادشاه در شهر لندن شروع شد

و دو سال بعد جنگ دولت انگلیس با افغانستان و چین اتفاق افتاد

و در سنه هزار و هشتصد و چهل و دو بعد از مصالحه با دولت چین جزیرهٔ هانگکنگ از چین به دولت انگلیس واگذار شد

در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و سه جنگ اول انگلیس با برما شروع گردید و مملکت پیکو متصرفات انگلیس افزوده شد

در سنه هزار و هشتصد و پنجاه و چهار محاربه قریم که همان جنگ سیوستاپول باشد رخ نمود

در سال هزار و هشتصد و پنجاه و هفت شورش و بلوای عام هندوستان حادث شد و در ظرف همین سال نیز مخاصمتی در میان دولتین علیتین ایران و انگلیس بظهور رسید در سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت عساکر انگلیس با حبشه جنگ نمودند

در سال هزار و هشتصد و هفتاد و سه مابین اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی با اعلیحضرت قوی شوکت کوین ویکتوریا خلدالله ملکهما در دارالملک لندن ملاقات دوستانه دست داد

در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هفت جزیره قبرس از جانب دولت علیه عثمانی مشروطاً بدولت فخیمه انگلیس واگذار گردید

در سال هزار و هشتصد و هفتاد و هشت جنگ انگلیس با افغانستان تجدید شد در سال هزار و هشتصد و هفتاد و نه جنگ با زولوسها در جنوب افریقا بوقوع رسید در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و دو قشون انگلیس وارد مصر شد

در سال هزار و هشتصد و شصت و یک پرنس البرت شوهر اعلیحضرت پادشاه انگلیس بدرود زندگی گفت

اعلان مقرر این بود که روزنامه شریفه شرف ماهی یک نمره از طبع درآید و از پنجسال قبل تا بحال هم بهمین قرار بیرون آمده است الا اینکه در اینمدت بواسطه بعضی موانع خارجیه روزنامه سه چهار ماه رفته رفته عقب افتاد چون حفظ ترتیب شهور منافات با وقایع و حالات جدیده داشت که در ضمن شرف نگارش و مرتسم میشود لهذا تاریخ این روزنامه را از همین ماه شوال گذاشتیم که مورد عیب و ایراد دانشمندان نباشد ولی ترتیب نمره از دست داده نمیشود و بعد ها بحول الله روزنامه پسح ماهی از موقع خود تاخیر نخواهد شد

محمد حسن

نمره پنجاه و دویم

شرف

۱۳۰۴

شهر ذیقعده الحرام

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا مؤید الدوله

نواب والا مؤید الدوله ابوالفتح میرزا امیر تومان والی و حکمران مملکت گیلان مهین فرزند نواب غفران مآب حسام السلطنه

سلطانمراد میرزا عم اکرم اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلدالله دولته که علاوه برین جلالت نسب بشرف مصاهرت بندگان اقدس شاهنشاهی نیز مشرف و مباهی و شخصاً بزیور عقل و درایت و مزایای هنر و کفایت آراسته اند پس از تحصیل فنون ادبیه و کمالات رسمیه و محاسن تربیت و آداب خدمت قریب بیست سال قبل بشرف مصاهرت اعلیحضرت همایون نایل و سرفراز و پس از چندی بحکومت ولایت یزد منصوب و نظر بظهور کفایت و وفور لیاقت نواب معزی الیه بعد از چندی بنیابت از جانب مرحوم حسام السلطنه بحکومت ولایت اصفهان سرافراز و بعد ازین بحکومت ایالت کردستان مامور و برقرار گردیده چندین سال ایالت جلیله مزبوره را بکفایت و کاردانی و حسن سلوک اداره کرده بعد از آن بحکومت ولایت خمسه منصوب شدند و چند سال نیز با شرایط کاردانی در آنسامان حکمرانی نمودند پس از آن احضار بدربار همایون شدند و بعد از یکدو سال اقامت در دربار بتوسط و تصویب نواب مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بحکومت و ولایت گیلان که از ایالات جلیله و در تحت اداره نواب مستطاب شاهنشاهزاده معظم است مامور و منصوب گردیده و تاکنون که قریب دو سال است در آنجا بحسن کفایت و درستکاری حکمرانی مینمایند از مناصب و امتیازات جلیله دولتی منصب و نشان و حمایل امیر تومانی و نشان جلیل الشان تمثال همایون و شمشیر مرصع وغیره را دارا هستند

مسیو دپرتیس

مسیو دپرتیس وزیر اعظم دولت ایطالیا که در این اوقات فوت شده و از فوت او تمام ملت ایطالیا محزون و متاثر هستند از رجال بزرگ این عصر بود و اگرچه در عداد وزرای عظیم الشان مائه نوزدهم میلادی مانند طالیران و نسلیرود و مطرنیخ و کاوور و پیت و پالمرستون و بیزمارک شمرده نمیشد لیکن در علم و خبرت و قابلیت اداره امور داخله اول شخص عصر خود بود و در مدت یازده سال وزارت نظر بوثوق و اطمینان کاملی که اهالی ایطالیا باو داشتند و او را فی الحقیقه دولتخواه و محب وطن میدانستند هرچه میگفت بدون لا و نعم و چون و چرا بسمع قبول اصغا مینمودند برای خانواده ساوا یعنی سلسله سلطنت حالیه ایطالیا بهترین خدمتگذاران بود و ویکتور امانوئل پادشاه سابق ایطالیا و پسرش پادشاه حالیه از کمال وثوق و اعتمادی که باین وزیر صافی ضمیر صائب تدبیر داشتند فی الحقیقه زمام تمام سلطنت خود را باو تفویض نموده بودند دپرتیس روز سیزدهم ژانویه سال هزار و هشتصد و سیزده میلادی در یکی از بلاد ایالت پاوی از مادر متولد شد و چون بحد رشد و تمیز رسید در تحصیل علوم خاصه علم شرایع و فقه بذل جهد نمود و در راه دانش اندوزی رنج برد و در همان وقت روزنامه ایجاد کرده پیوسته عقاید صافیه

مندرج

مقاصد ترقی طلبی خود را در صحایف آن منتشر میساخت و قبل از اتحاد و التحاق ممالک ایطالیا بیکدیگر و تشکیل سلطنت واحده مستقله در تمام آن مملکت او یکی از اشخاصی بود که سعی و کوشش در این امر مینمود مدت چهل سال قبل از وزارت متقلد شغل وکالت ملت بود و همیشه در پارلمنت سخن از آزادی میگفت و حرّیتی را که بعقیده او اصل و اساس یک سلطنت مستقله جامع الشرایط است طلب میکرد در سال هزار و هشتصد و شصت و دو

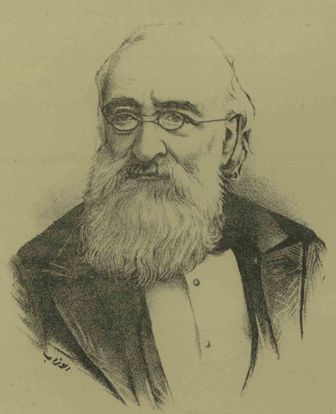

مسیو دپرتیس

بوزارت فواید عامه رسید در هشتصد و شصت و شش بوزارت بحریه نایل آمد از آن پس وزیر مالیه و در هزار و هشتصد و هفتاد و شش رئیس الوزرا و صدر اعظم دولت شد و در ظرف این یازده سال صدارت گاهی وزارت مالیه و گاهی وزارت امور خارجه و گاهی وزارت داخله مزید شغل و منصب صدارت او بود در امورات یا زبردست و ماهر و چستی و چالاکی از خصایص او بود چندان فصاحت بیان و طلاقت لسان

نداشت و عبارات را مسلسل بیان نمیکرد لیکن مطلب را بانهایت وضوح میفهماند از ادای مطالب بهیچوقت خسته نمیشد چنانکه بسا اتفاق می‌افتاد
که سه چهار ساعت متوالی بدون اظهار کسالت سخن میگفت وضع زندگانیش بسیار سهل و ساده و کم خرج بود هنگامی که بصدارت نایل
شد ماهی چهار تومان از بابت کرایه محقر منزلی از دولت خواهش کرد که مختصر اسباب زندگانی شخصی خود را بآنجا حمل نماید چون بصدارت عظمی
رسید دختر فقیر جوانی را بحباله نکاح خود در آورد که اکنون از صلب او و بطن همان دختر یک طفل ده ساله ضعیف البنیه باقیست دیرتیس شخصاً
مردی بلند قامت و قوی بنیه بود و ریش سفیدی داشت وقتی که در روزنامجات هجا و قدح اعمال او را میکردند یا صورت او را بقبح وجهی میساختند
از مشاهده آن هیچ متغیر نمیشد بلکه میخندید و میگفت هجو و قدح من اگر سبب سرور و خنده جمعی شود چه ضرر دارد بالاترین محاسن و منتهای تعریف
این وزیر عالی همت این بود که پس از مدت چهل سال وزارت و صدارت وزیری که بدرود زندگانی کرد زیاده از چهار تومان مخلف نگذاشت و وابسته
از علایق دنیوی درگذشت و حال آنکه ممکن بود بقدر چهار کرور مکنت و مال بعد از خود بگذارد ملت ایطالیا ده هزار تومان فقط صرف تشییع جنازه
او نمود و تمام خلق از ذکور و اناث در عزای او شرکت کرده بلباس سیاه و آیین سوگواری در آمدند و برای زن بیوه و طفل یتیم او متجاوز از صد
هزار تومان وجه نقد در میان خود توجیه و فراهم نموده بیانک سپردند که سالی پنجهزار تومان منافع آن صرف معاش بیوه زن و طفل یتیم او شود
دیرتیس را عقیده این بود که طمع سرمایه فقر است و اسباب رفتن عرض شخص طامع از خودخواهی کارش بتباهی میکشد هر گاه شخص طمع را از
خود سلب کند و قناعت پیشه خویش سازد بغض و حسد و خصومت و عناد از قلب او زدوده میشود و با همه مردم بطور اخوت و شرط مروت رفتار میکند
همه وقت خوشخو و گشاده رو است و از روی مهر و خفاوت باطنی با هر تنی سلوک مینماید ولی برخلاف همینکه پای بست دام طمع شد و حرص را
پیشه خود ساخت همه مردم را با خود معرض میپندارد و بدین سبب با تمام ابنا جنس خود عداوت میورزد تا رفته رفته دستش از کار بسته
میشود و او در دام هوای نفس گرفتار و تیره بخت و تبه روزگار میماند

یکی از ظرفای ایطالیا گفته بود اگر دیرتیس میدانست که بعد از مردنش هموطنان او اسباب معاش و آسایش بازماندگان او را باین خوبی
و وسعت فراهم می‌آورند زودتر میل بمردن میکرد و پیشتر مرگ خود را آرزو مینمود والحق در این عصر در تمام کره ارض در قناعت
و بی‌طمعی و تبری از دخل و اکتفا کردن بمرسوم دیوانی این وزیر بی‌نظیر بود و بلکه این صفات خاصه او شمرده میشد اهالی ایطالیا او را
از معصومین و ائمه دین خود میدانستند

محمد حسن

شرف

نمره پنجاه و سیم — شهر ذیحجة الحرام ۱۳۰۴

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

شبیه تکیه مبارکه دولتی از خارج که بعینها از روی بنا ساخته شده است

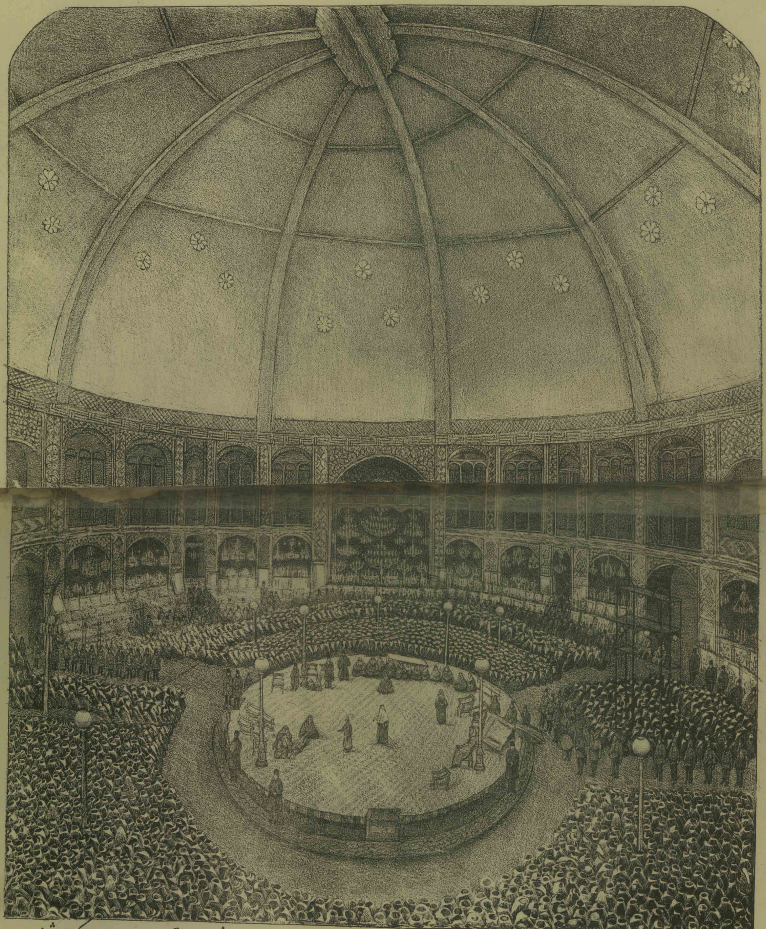

شبیه تکیه مبارکه دولتی از داخل که از روی بنا ساخته شده است و بالاخانهها و تالارهای (مراتب فوقانی که در ایام تعزیه جای حرمخانه جلالت است) پرده زنبوری جلو آنها کشیده شده

تکیه مبارکه دولتی

نظر بقدر و شرافت و شأن و عظمت امر تعزیت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه آلاف التحیة و الثنا، که اکنون از سنن سنیه دینیه و توسلات معنویه ملت حنیف اسلام بذیل رحمت و مغفرت الهی شده و از کمال استحباب تالی تلو فرایض گردیده از سال هزار و دویست و هشتاد و پنج ارادهٔ علیه بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی شید الله تعالی دعائم سلطانه باقتضای کمال ارادت و جمال عقیدت که باهل بیت اطهار سلام الله علیهم اجمعین دارند بر این علاقه یافت که تکیه عالی که درخور مجلس عزاداری دولتی باشد در جنب عمارت و باغ خاصه سلطنتی بنا شود که از آثار عظیمه بلکه از ابنیه عدیم النظیر این عصر همایون شمرده شود جمعی مهندسین قابل و معماران ماهر بامر اولیای دولت قاهره گرد آمده طرح این بنای سعادت انتما را ریختند و در ظرف چهار پنج سال مبالغ خطیره از وجوه خاصه دولت در افزون صرف عمارت این بنا نموده تا بپایان آوردند

این تکیه مبارکه وضعاً مدور و مشتمل بر چهار مرتبه و هر یک از مراتب دارای حجرات و غرفات و طاقها و تالارهای عالیست ظاهر بنا از درون تکیه تماماً بکاشی معرق و غیر معرق ممتاز مزین شده دور سطح حیاط تکیه یکصد و بیست ذرع و قطرش چهل ذرع و ارتفاع آن نیز چهل ذرع است و بقدریکه از سطح زمین ارتفاع یافته قریب بهمان هم از قعر زمین شالوده ریخته و بالا آورده اند تمام این بنای عالی از سنگ و آجر و گچ و صاروج و کاشی اعلی و احجار منبت و منقور ساخته و پرداخته شده چهار هلال که هر هلالی عبارت از نصف دایره باشد با آهن و چوب بوضعی محکم و خوب برفوق این بنا تعبیه شده که سقفی از چوب و تخته و شیشه بر آنها حمل نمایند ولی هنوز کار سقف ناتمام است و تاکنون از بنائی و حجاری و نجاری و کاشی کاری معادل سیصد هزار تومان خرج این بنا شده والحق اساسی رزین و بنائی مشید و آثاری مؤبد از این عهد همایون باقی مانده که در قرون و اعصار آتیه بر جلالت قدر و علو همت و وفور حشمت و کمال عظمت این شاهنشاه جمجاه و همایون سایهٔ الله بهترین شاهد و گواه خواهد بود که گفته اند ان المبانی تحکی همة البانی

امید که روزگاری دراز و سالیانی بسیار بسلامت ذات ملکی صفات همایون شاهنشاه دین پناه در این تکیه مبارکه مانند سنین ماضیه و هذه السنة میمونه اساس تعزیت حضرت سیدالشهدا علیه آلاف التحیة و الثنا بر پا شود و دعای سلامت و بقای وجود همایون اعلی بعرش اعلی رود

محمد حسن

نمره پنجاه و چهارم

شرف

شهر محرم الحرام ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا حسام السلطنه

نواب والا حسام السلطنه حاجی ابوالنصر میرزا امیرتومان دومین فرزند مرحوم مبرور حسام السلطنه که
از اعاظم عظام سلطنت بودند در سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت هجری در خراسان متولد شده و مدت نه سال
در دار الخلافه طهران تحصیل خط و ربط فارسی و مقدمات علوم عربیه اشتغال ورزیده پس از آن مدت دو سال نیز
در خراسان تحصیل زبان فرانسه مشغول بودند و بعد از مراجعت بدار الخلافه در سنه یکهزار و دویست و نود هجری تا
مدت پنجسال در مدرسه مبارکه دار الفنون تحصیل زبان فرانسه و علم فیزیک و شیمی و مشق پیاده نظام پرداخته
و امتحانات علمیه و عملیه داده و کسب امتیازات و طی درجات نموده تا برتبه سرهنگی نایل شدند و در نود و چهار
که ایالت کرمانشاهان و کردستان مفوض بمرحوم حسام السلطنه بود بنیابت حکومت کرمانشاهان و مشق
اردوی نظامی آن سرحد مأمور و برقرار گردیده بعد از ظهور کفایت بسرتیپی سیم سرافراز و بعد از دو سال و نیم خدمت
احضار بدار الخلافه شده فوج ملایر بعلاوه منصب سرتیپی دویم بنواب معزی الیه مرحمت و واگذار گردید و مدتی
در اردوی نظامی خارج شهر طهران با مراقبتی تمام اشتغال بخدمت ورزیده تا برحسب اراده علیه
همایونی یک قسمت از افواج خاصه دار الخلافه باداره شخص معزی الیه واگذار و ضمناً منصب و رتبه سرتیپی
اول نیز باایشان مرحمت شد در سال هزار و سیصد و چهار حسب اللیاقه بمنصب امیر تومانی نایل و یکقطعه
نشان تمثال خورشید مثال همایون از مراحم خاصه ملوکانه نیز سرافراز و بجهة تبریک و تهنیت جشن سال
پنجاهم سلطنت اعلیحضرت ملکه انگلستان و امپراطریس هندوستان از طرف شخص همایون بسلطنت بسمت
سفارت کبرای فوق العاده منتخب و بیک قبضه شمشیر مرصع نیز مفتخر و سرافراز و با اجرای سفارتی

مخصوص مأمور و روانه دار الملک لندن شده و این خدمت را بطور شایسته و از روی کفایت
بانجام رسانده در مراجعت نیز مورد مراحم ملوکانه افتادند و اکنون چندیست بتحصیل زبان انگلیسی اشتغال دارند

وقایع‌نگار

میرزا محمد حسین وقایع نگار مستوفی اول و داروغه دفترخانه مبارکه خلف مرحوم میرزا محمد جعفر وقایع نگار

و نوادهٔ مرحوم میرزا صادق وقایع نگار که از قاجاریهٔ مرو و پدر بر پدر بشرف چاکری و خدمت دولت علیهٔ قاجاریه نایل هستند خاصه مرحوم میرزا صادق که از اجلهٔ چاکران عهد خاقان خلد آشیان و خواص حضرت نایب السلطنه مرحوم بوده و در داخله و خارجه خدمات نمایان نموده است بالجمله میرزا محمد حسین در سنهٔ هزار و دویست و هشتاد و یک مأمور آذربایجان و بمنصب و شغل لشکرنویسی سرافراز گردیده بعد از چندی بدار الخلافه طهران آمد و در دفترخانه مبارکه مشغول خدمت شد در سال نود و یک برحسب استدعای مرحوم وقایعنگار و ظهور لیاقت خود معزی الیه بمنصب استیفای دولتی و داروغگی دفترخانه مبارکه استیفا که شغل موروث و منصب مخصوص آباء و اجداد معزی الیه بود منصوب و سرافراز آمد و بعد از فوت مرحوم وقایع نگار در سنهٔ هزار و دویست و نود و هفت که مراتب لیاقت و قابلیت و حسن خدمت معزی الیه کاملاً مشهود افتاد بمنصب استیفای درجهٔ اول نایل گردید و در این سال فرخنده فال تنگوزئیل یکهزار و سیصد و پنج که میرزا داود وقایع نگار برادر معزی الیه مرحوم شد لقب جلیل وقایع نگاری را برحسب تصویب و استدعای جناب جلالتمآب امین السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم و رعایت حق وراثت و لیاقت خود معزی الیه با او مرحمت فرموده بشمول مراحم و الطاف شهریاری او را سرافرازی کامل داد

میرزا ابوتراب خان سرهنگ نقاشباشی وزارت انطباعات که بکمال خوبی از عهدهٔ تصویر روزنامه جات شریفهٔ شرف برآمده و مورد تحسینات خاصهٔ ملوکانه افتاد برحسب استدعای جناب اعتماد السلطنه وزیر انطباعات و مترجم مخصوص حضور همایونی او را باعطای یک طاقه شال ترمهٔ ایرانی نمرهٔ اول مخلع و سرافراز فرمودند

محمد حسن

نمرهٔ پنجاه و پنجم

شرف

شهر صفر المظفر ۱۳۰۵

این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ یکقرانی سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب ناصر الملک

جناب ابوالقاسمخان ناصرالملک مشیرحضور همایون نبیره مرحوم مبرور فرمانفرما محمود خان ناصرالملک که پدر بر پدر
از خوانین و امرای بزرگ طایفه قراگوزلوی همدان و چاکران جلیل الشأن دولت جاوید ارکان میباشند در سنه
هزار و دویست و هفتاد و دو هجری متولد شده در بدایت سن بتحصیل علوم ادبیه و ریاضی و غیره پرداخته پس از تکمیل فنون
و علوم متداوله مزبوره که خود را شایسته و لایق خدمت دولت روزافزون نموده بدایره خدمت نظام و اعمال عسکریه داخل
و در سنه دویست و هشتاد و هشت بمنصب نیابت اجودان باشی نایل و پس از مدتی بسرهنگی فوج مخبران قراگوزلو منصوب و مفتخر شدند
در سفر اول تشریف فرمائی موکب همایون بفرنگستان با فوج مزبور مأمور دار الخلافه گردیده مدتی در نظام مشغول خدمت بودند
تا پس از فوت مرحوم احمدخان سرتیپ فوج مخبران قراگوزلو والد خود بجای پدر بمنصب سرتیپی فوج مزبور سرافراز شده
در سفر ثانی موکب صاحبقرانی بفرنگستان در سلک پیشخدمتان خاص حضور همایون منسلک و ملتزم رکاب مبارک بودند
و هنگام معاودت موکب اعلی حسب الامر قدر قدر همایونی بجهة تحصیل علوم و تکمیل رسوم جدیده و اطلاع از آداب و اوضاع خارجه
در فرنگستان توقف نموده در اکسفرد بتکمیل السنه و علوم و اطلاعات پرداختند و چندی در لندن بسمت آتاشه (وابسته)
در سفارت دولت علیه اقامت یافته بعد بسمت نیابت سفارت کبرای فوق العاده مأمور دربار دولت هولاند گردیده و نیز
در همان اوقات در جزو سفارت دولت علیه بدربار المان رفتند بعد چندی نیز در پاریس اقامت نموده
در سنه هزار و سیصد و یک بدربار ایران احضار و در وزارت امور خارجه مشغول خدمت گردیدند پس از مدتی برتبه و لقب
مشیر حضور همایون و معاونت وزارت خارجه مفتخر و در سنه هزار و سیصد و سه مأمور خراسان و بریاست قشون آن مملکت
منصوب شدند و در این سال سیصد و پنج که مرحوم فرمانفرما جد معزی الیه برحمت ایزدی پیوستند محض ظهور مراحم ملوکانه

و حفظ شئونات چاکری این خانواده معزی الیه را بالارث و الاستحقاق بخطاب جلیل جنابی و لقب ناصر الملکی و
وزارت دار الشورای کبری و حکومت ولایت همدان و عاشقلو و ریاست طایفه قراگوزلو نایل و منصوب و سرافراز
فرمودند

امیر الامراء العظام بشیر الملک

امیر الامراء العظام فضل الله خان بشیر الملک شاطرباشی در بدایت سن بمعیت مرحوم حاجی مصطفی قلیخان

صارم الملک عموی خود که درآنزمان حکومت سبزوار وغیره داشت در ولایت بام چندی بنیابت حکومت مشغول بود در سنه هزار و دویست و هفتاد و شش بشرف التزام رکاب اعلی پیوسته در هفتاد و نه در سلک خدام آستان سپهر نشان مبارک منسلک و در نود و سه بمنصب شاطرباشی گری و تب سرهنگی و یکقطعه نشان و یک رشته حمایل مخصوص آن سرافراز و در موقع جشن قرن همایون بیک قطعه مدال مسکوک بسکه قرن مبارک نایل شده در سنه نود و شش که حاجی محمد قلیخان شاطرباشی صارم الملک والد معزی الیه برحمت ایزدی پیوست حسب الارث والاستحقاق معزی الیه بمنصب شاطرباشیگری منصوب و سرافراز و لوازم شغل مزبور بمعزی الیه مرجوع شد در نود و هفت یکقطعه نشان و یک رشته حمایل از درجه سیم سرتیپی درباره معزی الیه مبذول و در نود و هشت باقتضای حسن خدمات معزی الیه و شمول الطاف ملوکانه بلقب بشیرالملکی ملقب و در سفر ثانی موکب صاحبقرانی بخراسان که مقارن سال هزار و سیصد بود بپاداش خدمات سفر مزبور باعطای نشان و حمایل از درجه دویم سرتیپی و ششصد تومان اضافه مواجب نایل و در سیصد و یک بیکقطعه کمر مرصع سرافراز و در سیصد و دو برتبت و منصب سرتیپی اول و نشان و حمایل مخصوص اینرتبه مباهی گردیده و در هذه السنه میمونه هزار و سیصد و پنج بعلامت کمال خشنودی خاطر همایون از طرز خدمات معزی الیه از قرار دستخط جهانمطاع مبارک یک قطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون که از امتیازات جلیله است درباره معزی الیه مبذول افتاد و همه وقت در تمام اسفار کوچک و بزرگ موکب همایونی در داخله ممالک محروسه شرف التزام رکاب نصرت انتساب مبارک را داشته اند

محمدحسن

نمره پنجاه و ششم

شرف

شهر ربیع الاول ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب مسیو کارنو رئیس جمهوری فرانسه

جناب مسیو کارنو رئیس حالیه جمهوری فرانسه در یازدهم ماه اوت سنه یکهزار و هشتصد و سی و هفت میلادی در شهر لیموژ متولد شده‌اند چندین سال در مدرسه پلیتکنیک تحصیل پرداخته پس از آنکه بدرجه اول نایل و از تحصیل در مدرسه مزبوره فراغت حاصل کردند بمدرسه مهندسین داخل شده در فنون مهندسی نیز باولین درجه رسیدند

در وقت جنگ فرانسه و المان مسیو سادی کارنو از جانب حکومت موقتی فرانسه که باداره محافظه ملتی موسوم بود بسمت کمیسری محالی چند از مملکت فرانسه منصوب گردیدند

در سنه یکهزار و هشتصد و هفتاد و یک از محال کت در بوکالت ملت یعنی عضویت مجلس مبعوثان مأمور گردیده از آنوقت ببعد پیوسته بهمان منصب و مأموریت باقی بوده و در وقت برقراری مجلس ملتی جناب معزی الیه کاتب اسرار فرقه دست چپ جمهوری طلبان گردیدند و چندی نگذشت که کاتب اسرار مجلس و بعد از آن چهار نوبت بریاست فرقه موسوم باتحاد جمهوری طلبان منصوب شدند در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و هشت مخبر مجلس تحقیق بودجه بودند و در سال هشتصد و هشتاد بنیابت وزارت فواید عامه منصوب و پس از چندی بوزارت فواید عامه و بعد بنیابت ریاست مجلس مبعوثان و از آن پس بوزارت وجوهات منصوب و برقرار شدند

جناب معزی الیه که از اجزاء و افراد فرقه قدیم اتحاد جمهوری طلبان هستند در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج بتصویب و اتفاق آراء پانصد و پنجاه و پنجهزار و نهصد و پانزده نفر بوکالت ملتی منصوب گردیده بود

مسیو سادی کارنو اکنون در سن کهولت است و صورة گندم گون و سیاه مو و گشاده رو و بشاش و بلند پیشانی و عریض اللحیه است

این رئیس معظم مردی است بکثرت کار و تحمل زحمت معروف و بمتانت رای و درستکاری موصوف و بتواضع و اخلاق خوب محبوب القلوب چنانکه هر قدر مردم از حال او بیشتر آگاهی بهم میرسانند بیشتر باو مایل و راغب میگردند

جناب مستشار الملک

جناب میرزا شفیع خان مستشار الملک گرکانی پیشکار مالیه مملکت آذربایجان در سنه هزار و دویست و هفتاد و پنج

که بیست سال از سن معزی الیه گذشته بود هنگامی که حکومت ولایت قم و ساوه بمرحوم میرزا احسنخان والد ایشان
مفوض شد محاسبات دیوانی ولایت مزبوره بجناب معزی الیه رجوع گردیده و تا اوایل سال هشتاد و چهار بمحاسبات
آن ولایت و خدمات مقرره دفتر استیفا اشتغال داشتند در سال مزبور باتفاق مرحوم میرزا احسنخان والد خود مأمور آذربایجان
گردیده بمنصب رشته داری کل محاسبات آن مملکت منصوب و بعد از دو سال احضار برکاب مبارک شده در سنه توی ئیل
هشتاد و هشت مجدداً مأمور بخدمت سابقه خود گردیدند و پیوسته براستی و درستی بخدمات دیوانی مشغول و خدمات معزی الیه
در خاکپای همایون مقبول بود تا اینکه در سال نود و چهار بجهة تفریغ محاسبات آذربایجان بدار الخلافه آمده پس از انجام این خدمت
بمنصب استیفا از درجه سیم و اضافه مواجب نایل و سرافراز شده مراجعت بمحل مأموریت خود نمودند در نود و شش برحسب استدعا و تصویب
حضرت اسعد والا ولیعهد گردون مهد درجه دویم استیفا و اضافه مواجب در حق معزی الیه مرحمت و مبذول و در همین سال نیز چون
میرزا احسنخان والد جناب معزی الیه برحمت ایزدی پیوست معزی الیه بجای آنمرحوم حسب الارث و الاستحقاق بوزارت مالیه
آذربایجان منصوب و بخلعت مهر طلعت همایونی مخلع شدند در سنه پیچی ئیل هزار و سیصد و یک بوزارت و پیشکاری
مملکت خراسان مأمور و در همانسال بلقب منیع مستشار الملکی و خطاب جلیل جنابی ملقب و مخاطب و در سال تخاقوی ئیل
بدرجه استیفای اول نایل گردیدند در سنه ایت ئیل هزار و سیصد و سه احضار بدربار و حسن خدمات معزی الیه در این مأموریت مشهود
پیشگاه نظر انور همایون شهریار گردیده باعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال مبارک سرافراز آمدند در اول هذه السنه میمونه
تنگوز ئیل برحسب لیاقت در جزو وزراء دار الشوری کبری منسلک و در ماه ذی الحجه همین سال بوزارت و پیشکاری
مالیه آذربایجان مأمور و بالفعل مشغول همین خدمت جلیله میباشند

محمد حسن

نمره پنجاه و هفتم

شرف

شهر ربیع الآخر ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب اشرف والا شاهزاده سالارا

نواب اشرف والا شاهنشاهزاده سالار السلطنه

نور حدیقه خلافت و نور حدقه سلطنت نواب اشرف والا شاهنشاهزاده اکرم
نصرت الدین میرزا سالار السلطنه شب سه شنبه چهاردهم شهر جمادی الثانیه سنه یکهزار
و دویست و نود و نه هجری از بطن نواب علیه شاهزاده زینت السلطنه بوجود آمده
و با وجود اینکه هنوز زیاده از شش سال از سنین عمر شریفشان نگذشته با اقتضای
شرافت عرق و کرامت تبار و اصل همایون آثار رشد و جلالت و علائم مجد و نبالت
از ناصیت بیضا ایشان پیداست و با حداثت سن و خردسالی انوار خرد و دانش
از سیمای والا ایشان ساطع و هویداست و حسن نبات الارض من کرم البذر

نواب الله قلی میرزا ایلخانی

نواب الله قلی میرزا ایلخانی پسر مرحوم موسی خان قاجار ابن مرحوم حسینقلی خان ملقب بجهانسوز خان برادر صلبی و بطنی خاقان
خلد آشیان مرحوم مبرور و از طرف مادر دخترزاده خاقان مغفور و با این اصل اصیل و نسب جلیل و شرف
قرابت خانواده سلطنت عظمی شخصاً نیز از تربیت یافتگان با درایت و چاکران با لیاقت دولت روز افزون
هستند در مبادی عمر بشرف چاکری مرحوم مبرور ولیعهد عباس میرزا طاب ثراه نایل شده و در رکاب

فیروزی انتساب ولایت عهد بخراسان رفته دو سال بحکومت سبزوار برقرار بودند در سلطنت شاهنشاه
رضوان جایگاه ماضی محمد شاه انار الله برهانه بمنصب نبیل ایلخانی گری ایل جلیل قاجار سرافراز و مورد مراحم و

نواب الله قلی میرزا ایلخانی

الطاف گوناگون شهریاری گردیده پس از چندی منصب سرداری کلیه قشون مازندران از افواج و سواره نیز

باایشان مفوض و بعد از چند سال علاوه بر منصب جلیل ایلچیگری بحکومت بروجرد و کمره و گلپایگان و خوانسار و لرستان نیز منصوب و مامور شدند دو سال قبل از فوت شاهنشاه مرحوم باذن و رخصت دولت عزیمت عتبات عالیات را نموده بیست و هفت سال تمام در عراق عرب اقامت جستند و در ظرف اینمدت سه سفر بحج و چهار مرتبه باسلامبول و یک سفر بهندوستان و دو مرتبه بتمام اروپا سفر کرده از رسوم جدیده دول متمدنه و معلومات مفیده ممالک خارجه اطلاعی وافی حاصل کرده در اواخر سال هزار و دویست و هشتاد و نه برحسب امر جهان مطاع بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه احضار بدربار مبارک گردیده بشمول الطاف شهریاری و اعطای مواجب و مرسومات و سیورغال عمده نایل و در سلک وزرای عظام دولت و اعضای مجلس شورای کبری منسلک و در مواقع سلام بشرف مخاطبت شخص همایون سلطنت اختصاص یافته و چند نوبت نیز بحکومت ولایت قزوین و همدان و خمسه منصوب و با کمال کفایت و کاردانی ولایت و حکمرانی نموده و اکنون هم بحکومت قزوین منصوب و سرافرازند

و در اوقات اقامت در دربار هم همه وقت سفراً و حضراً شرف ملازمت حضور مهر ظهور همایون و رکاب مستطاب اعلی را داشته

و دارای امتیازات جلیله دولتی از نشان ذیشان تمثال همایون و شمسه مرصع وغیره و نشانهای معتبره دول معظمه خارجه نیز میباشند

محمد حسن

نمره پنجاه و هشتم

شرف

شهر جمادی الاول ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا پرنس گلیوم ولیعهد المان و فرزند ایشان

در هنگامی که خیال و خاطر همه کس متوجه حالت و مزاج اعلیحضرت امپراطور المان است خالی از فایده و مناسبت نیست که شرحی از حالات فرزند ایشان پرنس کلیوم در این روزنامه ثبت و نگارش شود این شاهزاده مانند طایفه و اجداد خود منتهای میل را با مور عسکریه و عمال حربیه دارد بعضی امیدوار بودند که جلوس اعلیحضرت فردریک سیم بر سریر امپراطوری المان حالت رزم طلبی و جنگجوئی این شاهزاده را تغییر داده خیالات او را با خیالات صلح انگیز پدر بزرگوارش که مقتضای پلتیک حالیه است ربط و تلفیق خواهد داد ولی ناخوشی سخت اعلیحضرت امپراطور علی العجاله مانع حصول این منظور شده و اکنون همه در فکر اینند که چه وقت این شاهزاده وارث تاج و تخت موروث و جانشین جد خود خواهد شد و فی الحقیقه اخلاق پرنس کلیوم نهایت شباهت را با اخلاق جدش دارد چنانکه امپراطور کلیوم طبقه سپاهی را نهایت دوست میداشت و دائماً در فکر ترقی آن بود این شاهزاده هم میلی مفرط بقشون و ترقیات عسکریه دارد و خود او نیز در رژیمان قشون هوسار قرمز دارای منصب سرهنگی است و با وجود رتبه بلند ولیعهدی بیشتر از هر سرهنگی در انجام خدمات عسکریه راجعه بخود دقیق و مراقب است درجه میل و محبت و توجه این شاهزاده را با مور عسکریه در وضع زندگی شخصی او نیز میتوان فهمید مثلاً پسر شش ساله خود را از حالا بلباس تفنگچی گارد ملبس کرده و با کمال تفاخر و مسرت بفرزند خود که در این لباس سپاهیست نگاه میکند پرنس کلیوم قلباً خود را بمنزله یک سربازی میداند و همانطور که نسبت بدیگران سختگیر است نسبت بشخص خود نیز سختگیری مینماید با پرنس بیزمارک نیز خیلی دوست و مرتبط است و پرنس بیزمارک نیز کمال میل را باو دارد چرا که می بیند این شاهزاده حافظ و مروج عقاید و خیالات عسکریه خانواده سلطنتی پروس است و پیوسته بنصایح خود او را مستعد مملکت داری و سلطنت می سازد

پرنس کلیوم در بیست و هفتم ژانویه سال هزار و هشتصد و پنجاه و نه میلادی متولد شده و در بیست و هفتم فوریه سال هزار و هشتصد و هشتاد و یک با پرنس اگوستا ویکتوریا دختر دوک دشلیزویک هلستین عقد مزاوجت بسته و فرزند ارشد او پرنس کلیوم کوچک که صورت او نیز در این روزنامه با صورت پدرش مرتسم شده در ششم ماه مه سنه هزار و هشتصد و هشتاد و دو در شهر پتسدام بوجود آمده است

جناب نیّر الملک

جناب جعفر قلیخان نیّر الملک رئیس مدرسه مبارکه دار الفنون ولد مرحوم رضا قلیخان للّه باشی امیر الشعرا که از چاکران

جناب نیّر الملک

قدیم و تربیت یافتگان و برآوردگان این دولت جاوید شوکتست پس از تحصیل علوم رسمیّه عربیه و ادبیه و تکمیل فنون مقدمات استعداد کامل برای تحصیل علوم عالیه بهمرسانیده در سن بیست سالگی که احداث مدرسه مبارکه دار الفنون شد که بزرگترین

مستحدثات این دولت روزافزون است و نظم آن بعهدهٔ کفایت مرحوم لله باشی مفوض گردید جناب معزی الیه تحصیل زبان
فرانسه و حساب و هندسه و نقشه کشی و سایر فنون ریاضی و علوم طبیعی و نظامی پرداخته در مدت ده سال در چندین امتحان بزرگ
گوی سبقت از اقران و همگنان خود ربوده تمام امتیازات علمیه را تحصیل و کتب عدیدهٔ علمیه بجهت تدریس متعلمین ترجمه و تألیف کرده
تا در قوی ئیل سنه هزار و دویست و هفتاد و شش از روی سزاواری بمنصب اجودانی مدرسه سرافراز و بواسطه کمال مواظبت و حسن خدمت در
دویست و هفتاد و هفت بمنصب ناظمی مدرسه مبارکه نایل و رتبه سرهنگی با نشان و حمایل نیز بایشان عطا و مرحمت شد و در سال هفتاد و هشت
که مرحوم لله باشی بخدمت و منصب ریش سفیدی در بخانهٔ حضرت مستطاب والا ولیعهد گردون مهد مأمور آذربایجان گردید و بمراتب دانش و درایت
ولیاقت و کفایت جناب نیر الملک در پیشگاه حضور همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه کاملاً مشهود افتاد ریاست مستقله مدرسه مبارکه را بجناب معزی الیه
مرحمت و واگذار فرموده و رتبه نظامی ایشان را نیز بسرتیپی سیم با حمایل و نشان آن ارتقا دادند در موقع امتحان سال قوی ئیل هزار
و دویست و هشتاد و هشت نظر بکمال انتظام مدرسه مبارکه و خشنودی خاطر مبارک از خدمات جناب معزی الیه منصب سرتیپی اول با حمایل و نشان
مخصوص آن در بارهٔ ایشان مبذول گردید در ایت ئیل نود و یک بیکقبضه شمشیر تمام طلا و خلعت مهر طلعت همایونی از جانهٔ خاصه صاحب
سرافراز و در لوی ئیل دویست و نود و هفت بیکقطعه نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل سبز که از امتیازات خاصهٔ دولت علیه است
نایل و در سنه نود و نه بخطاب جلیل جنابی مخاطب و در سنه سیصد و یک بلقب نبیل نیر الملکی ملقب شده در سنه ماضیه تنکوز ئیل هزار و سیصد
و پنج باعطای یک قطعه نشان تمثال مهر مثال همایونی مکلل بالماس قرین افتخار و اختصاص گردیدند و اکنون قریب چهل سال است که در
مدرسه مبارکه دار الفنون مشغول خدمتگذاری میباشند و از امتیازات دول خارجه صاحب نشان درجه اول علمی مجمع العلوم فرانسه و
نشان ذیشان عثمانی و نشانهای معتبر دولت روسیه و ایطالیا و غیره نیز هستند

محمد حسن

نمرهٔ پنجاه و نهم

شرف

شهر جمادی الآخر ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا ناصر الدوله فرمانفرما

نواب والا فرمانفرما ناصر الدوله سلطان حمید میرزا امیر تومان والی مملکت کرمان و بلوچستان که از شاهزادگان جلیل الشان
و رجال کافی و برآوردگان کامل اللیاقهٔ دولت جاوید ارکان هستند پس از تحصیل علوم متداوله عصر جدید و تکمیل فنون نظامی و اعمال

حربیه در مدرسهٔ مبارکه دار الفنون و غیره داخل دایرهٔ خدمت عسکریه شده در سنه یکهزار و دویست و هفتاد و پنج که موکب همایونی
تشریف فرمای عراق شد با عطای منصب سرهنگی و سیصد تومان مواجب سرافراز گردیدند در سنه هشتاد و چهار بسرتیپی فوج تخته قاپو و سواره حلب سانلو
نایل و با فوج برکاب مبارک احضار شده یکسال در قراولی مخصوص ذات اقدس همایونی مشغول بودند در سال دویست و هشتاد و شش
دو فوج قزوین بنواب معزی الیه واگذار و بخدمت قراولی شهر دار الخلافه مامور گردیده در اواخر همین سال دو فوج طهران و
دماوند نیز ضمیمهٔ ابواجمعی ایشان آمد و بپاداش انتظام شهر دار الخلافه بحمایل و نشان سرتیپی دویم سرافراز گردیدند و در سال هشتاد و هفت
با فوج قزوین در شرف ملازمت رکاب اعلی بسفر عتبات عالیات عراق عرب رفته باقتضای حسن خدمت شمول الطاف ملوکانه
بمنصب سرتیپی اول نایل شدند در سنه هشتاد و هشت بریاست کلیه قشون آذربایجان مامور و بلقب نظام الدوله ملقب و در سال هشتاد و نه
بدربار خلافت احضار و فوج فراهان و کمره با ایشان واگذار و یکقطعه نشان و یکرشته حمایل سرتیپی اول نیز اعطا و مرحمت شد
در سنه نود زمانی که موکب همایونی عزیمت سفر فرنگستان میفرمود نواب معظم بریاست اردوی نظامی استراباد مامور گردیده
یکسال و نیم در آن سرحد مشغول خدمت بودند در نود و یک بلقب جلیل ناصر الدوله ملقب و در موقعی که قشون ظفرنمون بادارات
منقسم بود به پیشکاری قشون عراق که در ادارهٔ مرحوم آقا میرزا یوسف صدر اعظم بود سرافراز گردیدند در نود و دو بحکومت بروجرد
و ریاست فوج سیلاخوری بعلاوه افواج کمره و فراهان سرافراز و در نود و سه مامور بریاست کلیه قشون مرکزی و با عطای شمشیر یکقبضه
مرصع نایل و در نود و هفت با عطای یکقطعه نشان تمثال مبارک مباهی بریاست یکقسمت عمده از قشون مامور آذربایجان منصوب
شدند و در حدود سال نود و هشت که اواخر فتنهٔ اکراد در سرحد ارومی و ساوجبلاغ بود نواب معزی الیه با قشون زیادی از تبریز بسرحدات
ساوجبلاغ و ارومی رفته در قلع ریشهٔ فتنه و فساد متمردین اکراد و تامین آن حدود خدمات نمایان و اقدامات شایان کرده پس از
مراجعت از این سفر بمنصب جلیل امیرتومانی و حمایل و نشان این رتبه مفتخر شدند در سنه نود و نه چون مرحوم فرمانفرما از کرمان استدعای
شرف اندوزی خاکپای همایون را نمودند حسب الامر الاقدس الاعلی حکومت مملکت کرمان و ریاست قشون آنسامان بنواب والا
ناصر الدوله واگذار و در سال اول حکومت نواب معزی الیه حسب الامر همایون مامور روانه بلوچستان گردیده تمام نقاط بلوچستان را
سیاحت کرده و کتابچه مسافرت خود را که مبتنی بر جغرافیای بلوچستان بود بعرض خاکپای مبارک رسانیده و لوازم انتظامات و استحکامات حدود

آن ایالت را نیز معروض داشتند و بامر همایونی قلعهٔ مبارکهٔ ناصریه را با کمال استحکام در فهرج بلوچستان احداث و بنا کرده بپاداش
این خدمات بیکقبضه شمشیر مرصع ممتاز سرافراز گردیدند و از آن سال تا کنون پیوسته باین ایالت جلیله منصوب و برقرار و مصدر
خدمات بزرگ بوده و قلع فتنه و استقرار کمال نظم و امنیت در کلیهٔ آن حدود نموده و قلاع و استحکامات عدیده در سرحد بلوچستان
بنا کرده و کلیه طوایف آن حدود را یا در سلک نوکری و خدمت منسلک و منتظم یا بوظایف رعیتی مشغول و ملتزم داشته و در
هذه السنه هزار و سیصد و پنج بلقب نبیل فرمانفرمائی بالارث و الاستحقاق ملقب گردیدند

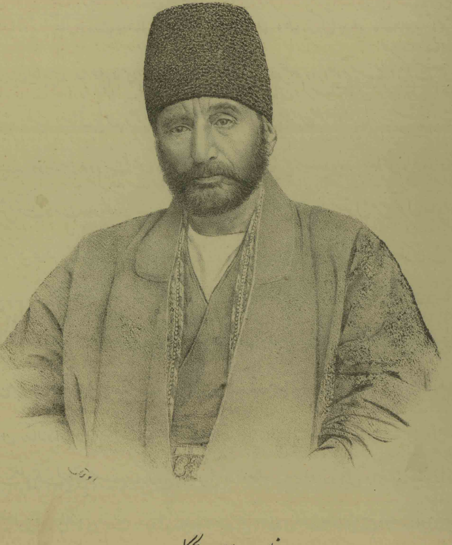

جناب سلطان الحکما

جناب افلاطون الزمان آقا میرزا ابوالقاسم سلطان الحکما طبیب خاص حضور مبارک پسر مرحوم میرزا محمد جعفر که نسبشان از

طرف بعضی از اجهات بمرحوم مجلسی علیه الرحمه و از سمت آباء بواسطه چهارده پشت بسلطان محمد خدابنده میرسد چون مرحوم والدشان تمام تملکات خود را در روزکار حیات بفقرا و مساکین انفاق نموده و درکذشت جناب ایشان در سن صغر هم از سایه پدر مهجور و هم از مایه سیم و زر دور مانده ایشانرا در مدرسه نیم آورد دار السلطنه اصفهان نزد یکی از بنی اعمام که مدرس آن مدرسه بود بتحصیل علم کذاشتند اکرچه بی تشویق ظاهر و تفریغ خاطر تحصیل فنون و کسب فضایل امری دشوار بود ولی یمن فیض صحبت و برکت انفاس مرحوم آخوند ملا محمد حسن نائینی اعلی الله مقامه که در یکی از حجرات آن مدرسه منزوی بود و دیکر تذکر مراتب فضایل و کمالات مرحوم والدشان ایشانرا دلکرم و موفق بتحصیل علوم نموده پس از تحصیل چندی از مقدمات عربیه از آنجا بدار العباده یزد انتقال و مدت ده سال لیلاً و نهاراً در خدمت علما و حکما بزرک آن بلد مانند مرحوم آقا محمد حکمی و مرحوم میرزا زین العابدین و مرحوم حاجی میرزا عبد الوهاب یزدی رحمة الله علیهم دوره علوم رسمیه را از حکمت طبیعی و الهی و منطق و هیئت و طب و معانی بیان و علم فقه و تفسیر تحصیل و طی کرده تا در جمله این علوم و فنون از رتبه استفادت بمقام افادت رسیدند و در سنه هزار و دویست و هفتاد که سنین عمرشان به بیست و پنج رسیده بود با بضاعتی وافر و زادی فاخر از علم و دانش رخت اقامت بدار الخلافه کشیده در مدرسه صدر بکار تدریس و افادت مشغول و مرجع فحول اطبا و طرف قبول ادبا و رکن مجالس مشاورات طبیه دار الخلافه شدند و در همان اوان بتصنیف و تالیف دو جلد کتاب در علم طب یکی عربی موسوم بتحفه ناصری و دیکری فارسی مسمی بناصر الملوک اشتغال جسته و در سنه یکهزار و دویست و هشتاد هجری از لحاظ نظر انور اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلد الله تعالی ملکه کذرانده بشرف قبول مقرون آمد و جناب ایشانرا ببذل مرحمت و اعطای مواجب و سمت حکیمباشی کری وزارت جلیله خارجه سربلند و مفتخر فرمودند دیکر از تالیفات ایشان رساله وبائیه موسوم بیوسفیه و رساله طاعونیه و رساله حمائیه است در مطاوی سنه یکهزار و دویست و نود و چهار بمنصب معلمی طب ایرانی مدرسه مبارکه دار الفنون و اضافه مواجب نیز سرافراز و نایل و در سنه سیصد و دو از روی اراده سنیه بلقب نبیل سلطان الحکمائی ملقب شده و در هذه السنه سیصد و پنج با عطای یکقبضه عصای مرصع از امتیازات جلیله دولتی اختصاص یافتند و پیوسته اوقات مشمول عنایات ملوکانه و مشغول افادات علمیه میباشند

محمد حسن

نمره شصتم

شرف

شهر رجب المرجب ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب حاجی حسینقلی خان وزیر مختار

جناب حاجی حسینقلیخان وزیر مختار دولت علیه در صفر سنه یکهزار و دویست و شصت و پنج متولد شده و تا سن شانزده سالکی در حجر تربیت مرحوم میرزا آقاخان صدر اعظم پدر خود مشغول تحصیل خط و ربط بودند تا خود را بفنون ادبیه و کمالات متداوله آراسته در سالی که بندکان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه از عتبات عالیات عراق عرب مراجعت فرمودند جناب معزی الیه از قرار دستخط همایون مرحوم میرزا سعید خان

مؤتمن الملک وزیر امور خارجه سپردند و در آن اداره مشغول خدمت بودند تا در سنه یکهزار و دویست و نود و دو بمنصب استیفا نایل و بریاست
مجلس تنظیمات حسنه اصفهان مأمور گردیده قرائت و ابلاغ فرمان جهانمطاع و اجرای احکام لازم الاتباع همایون شاهنشاهی را در آن ولایت
بهترین وجهی که منظور نظر انور همایون بود نموده پس از چندی مراجعت بدربار دولت کرده چند سال متوالی در دفتر استیفا مشغول
خدمت بودند و ضمناً در سال نود و پنج بزیارت بیت الله الحرام مشرف گشته مراجعت نمودند تا زمانی که مرحوم میرزا سعید خان از مشهد
مقدس احضار و مجدداً بوزارت امور خارجه منصوب شد جناب معزی الیه برتبه نیابت اول وزارت خارجه نایل و حسب اللیاقه در همان اوان
بیک قطعه نشان از درجه دویم خارجه سرافراز شده و در طی خدمات دولتی پیوسته اوقات بتحصیل السنه خارجه و اکتساب معلومات عصر جدید
و تکمیل فنون دیپلوماسی اشتغال ورزیده تا بمیمن دانش و تربیت از طرف وزارت جلیله خارجه بملاقات و مراودات رسمیه با سفرای خارجه
اختصاص و برتبه معاونی وزارت خارجه امتیاز یافتند در سیصد و دو بلقب معتمد الوزاره ملقب و به نشان و حمایل سرتیپی اول نایل
و بسمت جنرال قونسولی مأمور هندوستان گردیدند و در طی این مأموریت مراتب لیاقت و حسن خدمت خود را بروز داده بمنصب سرتیپی
اول ارتقا جستند و در هزده سنه یکهزار و سیصد و پنج بدار الخلافه احضار و بمنصب جلیل وزیر مختاری و خطاب نبیل جنابی و حمایل
و نشان درجه اول خارجه و مأموریت بدربار دولت جمهوری اتازونی ینگی دنیا سرافراز و قرین اختصاص گردیده بشمول مراحم و الطاف
خاص پادشاهانه شرف و مباهاتی کامل حاصل نمودند

جناب مسیو کلمان تیزا

این شخص پلیتیک دان مجار که در این اواخر شهرت زیادی بهم رسانید و جمیع خطوط تلگرافی فرنگ اسم او را بیکدیگر اعلام نمودند پیرمرد سست
مهزول با حالت حزن و تحسر که شباهت صورتش بیک معلم المانی بیشتر است تا برئیس بزرگ ملت مجار یعنی مردم مترقب بودند که صورت و شکوه
ظاهر رئیس ملت مجار ازین خوشتر و بیشتر باشد فی الحقیقه مسیو تیزا در نیت اعجوبه ایست و استدامت در کار و استقامت افکار و میل او
بنظم و انتظام و صرفه جوئی و خیالات صحیحه و صحت سبک و سلامت اطوار و متانت رای و صحابت تدبیر و کمال اعتنای او برعایت اوضاع
مقرره از عجائب است و عدم اعتیاد او بعادات مستقله و حالات خاصه ملت مجار فی الواقع از خوارق عادات است و بنظر
که از زرق و برق البسه مجار اکراه دارد و بهمان درجه از بعضی اقدامات جوانمردان و عبارات فصیح و بلیغ خطبا و پیروی خیالات واهیه
و اسراف در اسباب جلالت و افراط در اظهار قوت که مخصوص هموطنان اوست اجتناب مینماید سوابق ایام مسیو تیزا نیز مانند حالات
و خیالات حالیه او جلوه و نمایش چندانی نداشته است نسباً از نژاد و یکی از خانواده های معدود و پروتستانهای مجارستان است در

محارباتی که مجارها برای تحصیل استقلال خود با اطریشیها نموده و بواسطه اتفاق روس با اطریش فایده نبرده اند مشارکت نداشت همچنین در
مذاکرات پلیتیکی که بعد از جنگ سادوا یعنی در سنه یکهزار و هشتصد و شصت و شش مسیحی منتهی بتقسیم ممالک اطریش بدو قسمت شد هیچ مداخله نکرد
و این امور بدستیاری کنت دو بایست و وطن پرست معروف فرانسوا دیک انجام پذیرفت تیم مسیو تیزا مصروف حفظ بنیانی
که آنها نهاده بودند گردیده و فقط بفکر تحصیل فایده از آن بوده است

جناب مسیو کلمان تیزا

در سنه یکهزار و هشتصد و شصت و نه مسیو تیزا بعضویت پارلمنت مجارستان منتخب شد و ریاست وکلای دست چپ را برعهده گرفت این فرقه
میخواستند مجارستان بکلی از اطریش جدا باشد حتی اتحاد اسمی هم نداشته باشد مسیو تیزا بواسطه اشتداد در دعاوی جالب انظار گردید و طرف توجه
دولت شد از طرف دیگر قابلیت فوق العاده خود را در امور ادارات و وجوهات ظاهر ساخت و طولی نکشید که عده هواخواهان او زیاد شد

مختصر اینکه دولت مجبور گردید که با این پیر جوان و وکلای دست چپ سازش و اتفاق کند و بعضی از دعاوی او را باجابت و قبول مقرون دارد
مسیو تیسرا هم سختگیری نکرد و در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و پنج ترک بعضی از دعاوی خود را راضی شد مشروط باینکه سمت وزارتی باو
داده شود و چون مقرر گردید که حکومت داخله مملکت مجارستان بکلی مستقل و در دست او باشد مسیو تیسرا سوگند یاد کرد که در خدمات امپراطور فرانسوا ژوزف
حق صداقت را بجا آورد و از آنوقت ببعد امپراطور مشارالیه نوکری صادق‌تر از او نداشته است پس برای مجارستان مسیو تیسرا مقرر کردند
نه با شکوه ظاهری و خیالات واهی مانند کنت اندراسی نه سردار قابلی مانند کشوت و نه خطیب فصیحی مثل ایرانزی بلکه شخص صرفه‌جوی قابل دقیقی که طرز
وضع ساده دارد امّا در اداره امور و رفتار با مردم و جذب قلوب اهالی بطرف دولت و ریاست عنان‌گیری مجلس پارلمنت بینظیر است و فی الواقع
بقدری مهارت بکار برده است که در زمان وزارت او وکلای ضد دولت نهایت معدود شده‌اند و بقدری مدبر میباشد که بدون اشکال
و آفت از اختلافات با مخالف اهالی ترانزلیتانی و سیزلیتانی خلاصی یافته و مسائل مشکله مزبوره را که راجع بشرافت طرفین بود بطور صلح
حل کرده است درست است که اهالی سیزلیتانی چندان سختگیری ننمودند و چون مسیو تیسرا امیدوار است که مملکت تقسیم شده مانند اطریش در مقابل او
چندان ضدیت نخواهد کرد تدبیری بکار برد که سر دولت اطریش را به پلتیک خارجه گرم دارد چه منفعت مملکت مجارستان در همین بود و وقایعی که در این
اواخر روی داد ناشی از همین پلتیک و بیانات مسیو تیسرا را محض تهدید نباید دانست مجارها هنوز در آن کینه که با روسها داشته باقی هستند
و هرگز فراموش نمیکنند که مانع از استقلال مجارستان در سنه هزار و هشتصد و چهل و هشت خود روسها بودند و اکنون حکومت مجارستان
خیلی مشعوف است از اینکه دولت المان اطریش را از ممالک ژرمانیک اخراج و تمام آن دولت را بممالک شرقیه مصروف داشته است
وجه این مسرت این است که صلاح کار مجارستان در اغتشاش مسئله مشرق زمین است و بواسطه همین اغتشاش است که مجارستان بر سلطنت
اطریش نفوذ زیادی یافته و مداخله تامّی در امور آن دولت دارد گویند که مسیو تیسرا بدرستی ملتفت این دقایق شده و خیلی مایل است که دولتین
اطریش و المان با یکدیگر متفق گردیده برضد روس ساز جنگ کنند میل چندانی بفرانسه نیز ندارد و از مسئله کنسولتسیون سنه هزار و هشتصد
و هشتاد و نه موقعی بدست او افتاد که تا بتواند آرای اهالی را بمحک امتحان زند و فی الحقیقه بدون هیچ ملاحظه در این مسئله اصرار کرد که
بداند تا چه اندازه در خصومت و ضدیت با فرانسه ماذون و مختار خواهد گردید امّا این نیت او پیشرفتی حاصل نکرد و فرقه بضدیت مسیو تیسرا
برخاستند و حال آنکه مسیو تیسرا هیچ مترقب و متوقع این امر نبود امّا از آنجا که این وزیر شخصی است با ثبات عزم دوباره عود باین مسئله
خواهد کرد و با حتمالات جنگ آینده سعی خواهد نمود که مجارها را نسبت بفرانسه بی‌میل سازد بهمان درجه که نسبت بروسها بیمیل هستند میل
پرنس بیزمارک هم این است و فریضه و تکلیف ذمه خود میداند که در جمیع امور مطابق میل و اراده آن صدر اعظم رفتار نماید

محمد حسن

نمره شصت و یکم

شرف

شهر شعبان المعظم ۱۳۰۵

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

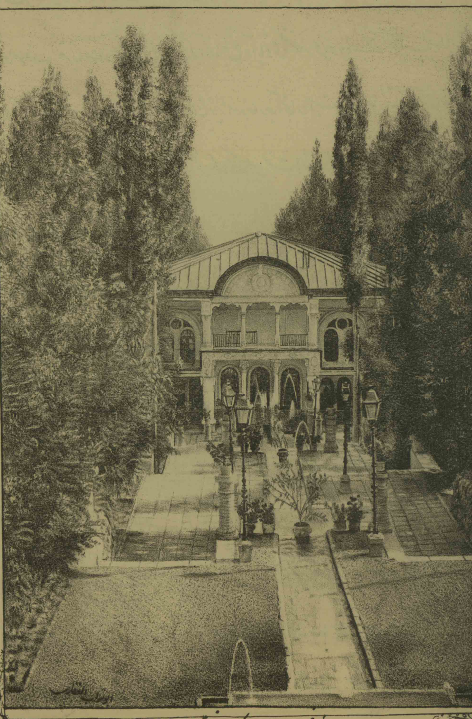

باغ و عمارت کامرانیه

کامرانیه

عمارت و باغی است ییلاقی واقع در صفحهٔ شمیران متعلق بنواب مستطاب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ و بنام نامی ایشان منسوب و موسوم بطراوت و صفا و لطافت هوا معروف و موصوف تقریباً در ده سال قبل از این که آنجا باغ و آبادی مختصری بوده است نواب مستطاب والا شاهنشاهزاده معظم از مرحوم میرزا سعید خان وزیر امور خارجه آنجا را ابتیاع فرموده و توجهی خاص در آبادی و عمارت آنجا مبذول داشته دو سه سالی نگذشت که بیمن همت ایشان از ابنیه و روضات بی‌نظیر شد انواع عمارات عالیه از اندرونی و بیرونی و سردر و بیوتات حرم و منازل خدم در آنجا بنا کردند که از جمله همین قصر و عمارت کلاه فرنگیست که در این روزنامهٔ شریفه مرتسم شده و الحق از ابنیه و قصور ممتازهٔ بدیع الوضع است انواع اشجار بارور و بی‌بار و مرکبات بسیار و ریاحین و گلهای مختلف و نباتات و فواکه غریبه از قبیل اناناس و غیره از ممالک و بلاد خارجه تحصیل و در قطعات مختلفهٔ بدیع الوضع طبیعی نما و گرمخانهای متعدد متفاوت الهوا که با هواهای خریفی و ربیعی و اراضی اصلی و طبیعی آن نباتات و ریاحین موافق است کاشته و عمل آورده و باغبانهای فرنگی که در فن فلاحت و گل‌کاری کمال مهارت را دارند اجیر و مستخدم فرموده که همیشه با عمله جات بسیار در این باغ مشغول باغبانی و گل‌کاری هستند بالجمله باغیست در کمال نزهت و طراوت که میتوان گفت بلطف صناعت دارای فصول چهارگانه و جامع ریاحین اقالیم خمسه و خاص جنات اربعه و از اماکن متنزهه دار الخلافه طهران و توالی باغات مبارکه خاصه اعلیحضرت اقدس همایون صاحبقرانیست

که گوئی در وصف آن گفته‌اند

بساتینها للمسک فیها روائح　　و اشجارها للریح فیها ملاعب

و من تحتها الانهار تجری میاهها　　ففائضة منها و منها سواکب

کأن مجاریها سبائک فضة　　تذاب و اسیاف تهز قواضب

جناب لشکرنویس باشی

جناب میرزا عبدالوهاب خان لشکرنویس باشی نایب و همین فرزند جناب نظام الملک وزیر لشکر که این منصب نبیل را علاوه بر لیاقت شخصیه از اسلاف کرام بوراثت دارند از بدایت عمر پس از کسب فنون فضایل و هنرهائیکه ارباب قلم را در اعتاب سلطنت سنیه شایسته و درخور است خود را مستعد خدمت دولت نموده بشرف چاکری آستان سلطنت نایل و در سنه هزار و دویست و نود که ولایت یزد بجناب نظام الملک وزیر لشکر مفوض بود معزی الیه بسمت نیابت حکومت برقرار و در طی این خدمت و حسن محافظت تنظیمات بلدیه در اوقات غیاب جناب نظام الملک و ایصال اقساط مالیه دیوانی بوقت و موقع کفایت خود را کاملا بروز داده بیکثوب جبه ترمه کشمیری مخلع شدند در سال هزار و دویست و نود و دو بمنصب استیفا از درجه دویم و هشتصد تومان مواجب نایل و در نود و نه نیز حسب الاستحقاق باعطای پانصد تومان اضافه مواجب سرافراز و در یونت ییل سنه هزار و سیصد بمنصب نیابت وزارت جلیله لشکر و لقب لشکرنویس باشی منصوب و ملقب و مباهی گردید و در قوی ییل سنه هزار و سیصد هنگام عزیمت موکب همایون بمسافرت خراسان یکقطعه نشان از درجه اول سرتیپی با یکرشته حمایل مخصوص آن درباره جناب معزی الیه مبذول گردید و در سال تخاقوی ییل سنه هزار و سیصد و دو چون مراتب خدمات سابقه ولاحقه و مدارج لیاقت و استحقاق موروثی و کسبی معزی الیه منظور نظر انور همایون بود بخطاب نبیل جنابی معزی الیه را مخاطب و مفتخر و سرافراز فرمودند و در همین ایام نیز برحسب استدعای نواب مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ باعطای نشان و حمایل امیرتومانی نایل و سربلند شدند

محمدحسن

نمره شصت و دویم
شرف
سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب مستطاب اشرف والا ولیعهد دولت علیه

نواب مستطاب اشرف والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه

ولادهٔ قرین السعادهٔ ایشان در سنهٔ یکهزار و دویست و شصت و نه هجریست که اکنون قریب سی و هفت سال از سن مبارکشان میگذرد در ماه ذی الحجة الحرام سال دویست و هفتاد و هشت حالی که بحکمرانی مملکت آذربایجان منصوب و برقرار بودند بمنصب والای ولایت عهد دولت علیهٔ ایران نایل و بیک قطعه نشان تمثال بمثال اقدس نشانهٔ مقام با احتشام ولیعهدی و یکثوب جبهٔ ترمهٔ کشمیری دور مروارید موشح بلآلی و جواهر گرانبها خلعت خاص شهریاری سرافرازی حاصل فرمودند و وزارت مخصوصهٔ ایشان بمرحوم عزیزخان سردار کل مفوض گردید در جمله سجایای کریمه و فضایل نفسانیه و ملکات حمیده و مزایای بشریهٔ وجود مبارکشان مستودع مواهب الهیت و مقتبس انوار وجود اقدس شاهنشاهی در فنون فضایل و آداب مهتری و رسوم سیاست و رعیتداری نیز بغایت ماهرند و بندگان اقدس همایون را مقبول خاطر مهر مظاهر چنانکه اکنون قریب سی سال است که با مقام بلند شاهنشاهزادگی و رتبهٔ ارجمند ولایت عهد و ریعان شباب و عنفوان عمر روز و شب در خدمات دولتی و مهمات ملکی و تنظیم حوزهٔ حکومت و ترتیب اسباب رفاهیت و آسایش رعیت بنفس نفیس تجشم میفرمایند و از تحمل مصاعب و مشاق ساعتی خود را معاف نمیدارند

اگرچه سابقاً در ذیل روزنامهٔ نمرهٔ اول شرف مجملی از ترجمهٔ احوال نواب مستطاب اشرف والا شاهنشاهزادهٔ معظم نگارش یافته ولی بمناسبت اینکه در این ایام موقتاً بدار الخلافه تشریف آورده و شرفیاب آستان همایون شده اند تمثال مبارکشان مجدداً در این روزنامه مرتسم و این مختصر شرح احوالشان نیز نگارش و منطبع شد

باغ و عمارت مرحوم سپهسالار اعظم

چون یکی از شرایط شکر این عهد معدلت مهد همایون اینست که گاهی از اوقات از ترقیات حاصله و آثار مستحدثهٔ این

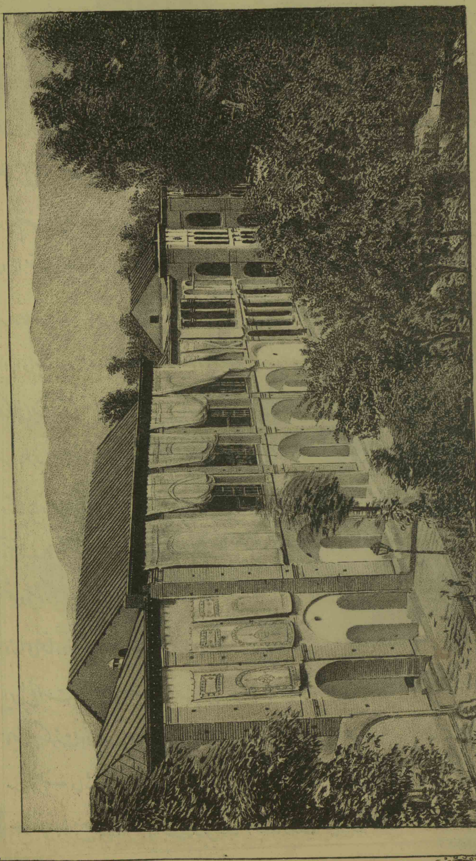

باغ و عمارت مرحوم سپهسالار اعظم

عهد میمون اعم از آثار و ابنیهٔ خاصه دولتی یا بعضی بناها و آثاری که در ظلّ توجه و عنایت دولت روز افزون
بتوسط چاکران و خدّام بزرگ دولت احداث شده است که آن نیز فی الحقیقه متعلق بدولت و شوکت میباشد ذکر و
حدیثی بشود لهذا بمناسبت اینکه در این ایام که نوّاب مستطاب اشرف والا شاهنشاهزادهٔ اعظم ولیعهد گردون مهد صاحب اختیار
مملکت آذربایجان بدار الخلافهٔ باهرهٔ طهران تشریف آورده‌اند حسب المقرر در باغ و عمارت رفیع البنای مرحوم سپهسالار
اعظم منزل فرموده مختصری از بنای این باغ و عمارت آن نگارش و صورت یکقطعه از عمارات عالیهٔ آن نیز در این روزنامهٔ شریفه مرتسم میشود
مرحوم مغفور حاجی میرزا حسینخان مشیر الدوله سپهسالار اعظم تقریباً در ده سال قبل شروع و اقدام به بنای عمارت در این باغ وسیع
که ابتدا از متجاوز از یکصد هزار ذرع مضروبی مساحت آن میشد نموده بعضی عمارات و ابنیه که از قدیم در آنجا بود خراب و منهدم
کرده عمارتی بسیار عالی و مفصل بوضع عمارات خوب فرنگستان مشتمل بر فوقانی و تحتانی و تالارها و یورتهای متعدد و حوضخانهٔ
دوروی بسیار وسیع و تالار سفره خانهٔ خیلی فسیح و باشکوه که قریب چهارصد و پنجاه ذرع مضروبی سطح و فرش انداز آن تالار میشود
در کمال زینت و آراستگی در وسط این باغ بنا کردند که یکروی این عمارات و بنای مفصل بطرف جنوب و روی دیگر بشمال و از
هر دو طرف منظرش بباغ بسیار وسیع مشجر است که مزیّن بانواع گلهای بدیع و ریاحین معطر است و تمام این عمارات
و تالارها و اطاقها از فوقانی و تحتانی مزیّن و آراسته به بساطهای نفیس گرانبها و پرده‌های ممتاز و مبلهای مرغوب
و آئینه‌های عظیم و چهلچراغها و سایر اسباب چراغ قیمتی است که اکنون فی الواقع یکی از مهمانخانهای معتبر دولتی
شمرده میشود که لایق ورود و نزول مهمانهای بسیار محترم خارجه و داخله از شاهنشاهزادگان عظام و امرای کبار داخله و
وزرای مختار و خانواده‌های سلاطین معظم خارجه است این باغ قناتی مخصوص نیز از خود دارد که زیاده از کفایت شرب تمام
این باغ است و دارای حمام بسیار خوب و عمارات و بیوتات متعدد اندرونی و بیرونی و اصطبل و کالسکه خانه و تمام
مایحتاج سکونت و اقامت و اکنون این باغ و عمارات عالیه بالمناسبه در دست جناب اشرف یحیی خان مشیر الدوله برادر مرحوم
سپهسالار اعظم میباشد مسجد رفیع البنای مرحوم سپهسالار اعظم هم که سابقاً شرح علو بنای آن در ذیل روزنامجات نگارش
و طبع یافته در طرف جنوبی این باغ واقعست که یکی از مناظر بسیار خوب همین عمارات عالیه است

محمد حسن

نمرهٔ شصت و سیم — **شرف** — سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب معاون الملک

جناب میرزا محمد علیخان معاون الملک مستوفی اول دیوان اعلی پسر جناب قوام الدوله وزیر امور خارجه دولت
علیه که از برآوردگان مخصوص اینعهد همایون و بزیور تربیت و کفایت و مزایای دانش و هنر آراسته هستند از مبادی
این عهد معدلت مهد بشرف خدمت دولت نایل و مشرف شده تقریباً در بیست و سه چهار سال قبل از این بمنصب استیفای
دولت منصوب و سرفراز گردیدند و در یونت ئیل سنه هزار و دویست و نود و نه بمنصب استیفا از درجه اول نایل و مباهی
و بمراقبت در خدمت و حفظ دقایق کاردانی و راست قلمی و کفایت مشمول الطاف خاصه شاهنشاهی گردیده در
سال هزار و سیصد بلقب نبیل معاون الملکی ملقب و چهار سال قبل باقتضای محاسن خدمات باعطای یکقطعه نشان
ذیشان تمثال مبارک مکلل بالماس و خطاب نبیل جنابی که از امتیازات جلیله دولت روزافزون است مفتخر
و مخاطب گردیدند در سال تنگوزئیل گذشته پس از تحصیل اجازت از خاکپای مبارک بمسافرت فرنگستان رفته
و اگرچه مسافرت معزی الیه سمت رسمیت نداشت ولی در همه جا خاصه در دربار دولت علیه عثمانی بشایستگی و احترام
پذیرفته شده و نشان درجه اول مجیدی از طرف آن دولت نیز بمعزی الیه مبذول گردیده مراجعت بدربار ایران نمودند
دو سال قبل نیز از طرف قرین الشرف همایون بیکقطعه نشان از درجه اول شیر و خورشید و یکرشته حمایل سبز مخصوص آن
سرافرازی حاصل و در این سال همایون فال پیچان ئیل که مزید اعتبار و افتخار جناب معزی الیه منظور نظر تربیت و
عنایت دولت روزافزون بود معزی الیه را بیک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع که از امتیازات مخصوصه وزرا و
امرای بزرگ دولت علیه است مفتخر و مباهی نمودند

امیرالامراء العظام حسنخان آجودان باشی کل

امیرالامراء العظام حسنخان آجودان باشی کل عساکر منصوره نظام پسر مرحوم اللهیارخان آجودان باشی کل و نواده
مرحوم حسینقلی خان بیکلربیکی که از خانوادهای قدیم و از اجلاء ایل قشار ارومیه هستند از بدایت نوکری و خدمت در آذربایجان

امیرالامراء العظام حسنخان آجودان باشی کل

در فوج دویم خاصه که ترکیبی آنفوج با اللهیارخان والد معزی الیه بود بخدمت سربازی اشتغال جسته بعد از سه سال
بمنصب سلطانی نایل شده در سنه هزار و دویست و هشتاد و چهار از آذربایجان بدار الخلافه آمده در فوج خرقان بمنصب یاوری
برقرار و در مدرسه اتامازوری مشغول مشق و تحصیل فنون نظامی گردیدند در سنه هزار و دویست و نود و دو فراغت از تحصیل حاصل

کرده بمنصب نیابت اجودان باشی از درجهٔ دویم نایل و بمعلمی دو فوج افشار و خرقان سرافراز شده بعد از دو سال خدمت
مامور بمعلمی و اجودان باشیگری اردوی کرمانشاهان گردیده بعد از یکسال خدمت احضار برکاب مبارک و بمنصب نیابت
اجودان باشی از درجهٔ اول مفتخر و منصوب و مامور فارس شده بعد از مراجعت از فارس در سنه هزار و دویست و نود و چهار
که تشکیل ادارهٔ سوارهٔ قزاقیه شد معزی الیه بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل این درجه و ریاست یکفوج قزاق منصوب
و سرافراز و بعد از یکسال خدمت بمنصب و نشان و حمایل سرتیپی دویم نایل و در هزار و دویست و نود و هشت
با دو فوج پیاده و پانصد نفر سوارهٔ قزاق و غیره مامور استراباد و گرگان شده پس از ششماه که خدمت تنظیم
آن صفحات بانجام رسید مراجعت بدربار نموده بمنصب و حمایل و نشان سرتیپی اول سرافراز گردید و پس از یکسال
مجدداً مامور استراباد و جمع آوری اردوی شاهرود و بجنورد و قوچان و تنبیه بعضی اشرار یموت و گوکلان شده
بعد از هشت ماه مراجعت بدار الخلافه کرده بپاداش خدمات یکقبضه شمشیر مرصع در بارهٔ معزی الیه مبذول شد در
سنه هزار و سیصد و چهار که اللهیار خان اجودان باشی مرحوم شدند منصب و شغل اجودان باشیگری کل نظام و ریاست
دو فوج خرقان و سیصد نفر سوارهٔ خرقان و افشار و حکومت خرقانات ثلثه ارثاً و استحقاقاً علاوه بر ریاست
یک فوج قزاق که از سابق با معزی الیه بود بمعزی الیه مرحمت و واگذار گردید و بعد از دو سال اشتغال باین خدمت بزرگ
نظامی که کلیه خدمات معزی الیه از سابق و لاحق مقبول و منظور نظر انور همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه بود بر حسب
استدعای نواب مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ معزی الیه را برتبهٔ جلیل امیر تومانی و
نشان و حمایل این درجه مفتخر و مباهی ساختند

محمد حسن

سنه هزار و سیصد و شش

شرف

نمرهٔ شصت و چهارم

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ طهران سالیانه یک تومان و در ولایات دو هزار دینار

جناب ظهیر الاسلام آقای امام جمعه سلمه الله تعالی

جناب ظهیر الاسلام آقای امام جمعه میرزا زین العابدین حسنی حسینی که سلسله نسب شریفشان از قراریکه در کتب معتبرهٔ رجال و انساب

مسطور است بچند واسطه معینه آبا بحضرت سید الساجدین و آبا بحضرت امام حسن مجتبی علیهما السلام منتهی میشود جد اعلای
ایشان در چهارصد سال قبل برحسب دعوت سلاطین صفویه انار الله برهانهم از مدینه منوره باکمال تجلیل مهاجرت بایران و در دار السلطنه
اصفهان توطن اختیار نموده بامر امامت جمعه و جماعت و تدریس و تدرس و قضا و حوایج قیام فرمود و قبور اجداد ایشان الحال
در خاتون آباد اصفهان مزار کافه مسلمین است مرحوم مبرور ملا محمد باقر علامه مجلسی اعلی الله مقامه محض شرف انتساب باین سلسله جلیله
و خاندان علم و سیادت مواصلتی با جد دیگر ایشان نموده که آن مرحوم جد امی دیگر این خانواده شریفه محسوب میشود و در حمل سال هزار و
دویست و سی و شش هجری خاقان خلد آشیان مبرور مغفور انار الله برهانه پس از بنای مسجد اعظم سلطانی دار الخلافه برای امامت جمعه
و انعقاد جماعت در جامع سلطانی مرحوم مبرور آقا میر محمد مهدی جد جناب ایشان را که دارای مراتب عالیه و صاحب تصانیف
عدیده فارسیه و عربیه و از اجلاء علماء عصر بود از اصفهان خواسته بعد از ورود بدار الخلافه باین امر شریف قیام نمود و تمام عمر و ایام
سعید خود را مقتدراً بنشر احکام و انجاح مرام شرعیه کافه انام بسر برد پس از ارتحال ایشان بجوار رحمت الهی مرحوم مبرور
سید المجتهدین حجة الاسلام و المسلمین جناب آقا میرزا ابو القاسم برادرزاده آن مرحوم اعلی الله مقامهما که عمری در خدمت اساتید علمای عتبات
عالیات بتحصیل علوم دینیه سر برده و مراتب فقاهت و اجتهادشان مسلم عراقین و الحق در طیب انفاس محبوب النفس و در حسن اخلاق
مشهور آفاق بودند قیام بامر جمعه و جماعت نمودند و آن مرحوم را اکنون در قرب دروازه حضرت عبد العظیم علیه السلام مقبره متبرک
و گنبد و بارگاهی عالیست که مزار و مطاف اعالی و ادانی بلکه مورد نذورات و مظهر کرامات است بعد از انتقال و اتصال
آن مرحوم برحمت ابدی و سرای سرمدی از قرار فرمان مهر لمعان مبارک لقب جلیل امامت جمعه و منصب نبیل تولیت مسجد اعظم
سلطانی با جمیع شئونات و تیولات و مرسومات و احتراماتی که آن جنت مکان را بود بایشان تفویض و مزیداً للتکریم خلعتی نیز که

درخورشان ایشان بود از طرف قرین الشرف عطا فرمودند و نظر بحداثت سن جناب ایشان چندی مرحوم مبرور آقای
میرزا مرتضی صدر العلماء عم معظم ایشان طاب ثراه که بمحاسن اخلاق و مکارم صفات و حلیه حلم و زیور علم آراسته بودند
در مسجد سلطانی بنیابت امامت و امر جماعت اشتغال نمودند و در خلال این مدت که جناب آقای امام جمعه فراغت از امر جمعه
و جماعت داشتند بکسب مراتب علمیه و طی مدارج عملیه و تهذیب اخلاق و عادت و تکمیل آداب سیادت پرداخته بتاییدات
الهی و توجهات خاطر خطیر همایون شاهنشاهی چند سالی نگذشت که در فنون فقهیه و قوانین اصولیه از مقام استفادت
برتبه افادت رسیده و در کلیه علوم دینیه و مزایای صلاحیت و ورع و تقوی منزلتی اعلی و حیازتی بسزا یافتند و
باجماع علماء اعلام درخور این منصب و مقام گردیده بازهدی محقق و علمی مصدق در سال یکهزار و دویست و هشتاد و دو بر حسب امر
و اجازت بندگان اعلیحضرت قوی شوکت همایون شاهنشاهی لازال ظله ممدوداً علی رؤس المسلمین الی یوم الدین کافه
علماء عظام دار الخلافه و امنای فخام دربار دولت روزافزون در مسجد مبارکه سلطانی حاضر شده نماز جمعه را اقتدا
بجناب ایشان نمودند و در اینموقع نیز محض اعزاز جانب ایشان خلعتی شایان بانضمام یکقبضه عصای مرصع ممتاز از جانب
سنی الجوانب همایون درباره ایشان مبذول و اظهار شکرگذاری عموم علماء از آئین دین پروری و حقگذاری ذات مقدس
همایون خسروانه معروض و مشهود خاطر مبارک شاهنشاهی افتاد و در سنه نود و یک بندگان اقدس همایون محض مزید تکریم
شریعت جناب ایشان را بمصاهرت سلطنت که از علایم اتصال دین و دولت و دلایل اتحاد سلطنت و سیادت بود
پذیرفتند و در شهر صفر المظفر هذه السنه سیچقان ئیل هزار و سیصد و شش که مرحوم مبرور حاجی ملا علی اعلی الله مقامه
برحمت حق پیوست امر تولیت مدرسه شریفه مرحوم فخر الدوله حاجی محمد حسین خان مروی و موقوفات آن که بر حسب

و قضا به بایستی در دست عالم مقتدر مبسوط الید و شخص اول علماء دار الخلافه طهران باشد و شرایط مزبوره امروز منحصرا
در ایشان موجود بود از قرار دستخط جهان مطاع همایون بجناب ایشان مفوض گردید بالجمله اکنون چهل و شش سال از عمر
ایشان گذشته و بیست و شش سال است که با مراهامت جمعه و جماعت و ترویج شریعت و نشر اعمال خیریه و مراقبت
در انتظام و رونق مسجد اعظم سلطانی و دعاگوئی وجود مسعود همایون صاحبقرانی اشتغال دارند

جامع اعظم سلطانی دار الخلافه

جامع اعظم سلطانی دار الخلافة الباهره که از جمله آثار خیریه و ابنیهٔ شهیرهٔ مبارکهٔ خاقان مغفور مبرور فتحعلی شاه قاجار
انار الله مضجعه جد امجد اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاه صاحبقران خلد الله سلطانه میباشد که در سال
اول جلوس خاقانی شروع بنای آن شد بنائیست بسیار رفیع با حیاط وسیع مقصوره و ایوان بزرگ آن که
در طرف جنوبست چندان عالی و ممتاز و خوبست که هنوز در محروسهٔ ایران نظیر آن بنا نشده است الحق قطعات
سنگ مرمر عظیم که ازارهٔ مقصوره است و سکیات نماز بر دور آنها بخط ملک الکتاب آقا مهدی خوشنویس کاتب
حضرت خاقانی کتیبه شده و حسن وضع مقصوره و گنبد مذهب و کاشیهای معرق و بنیان مشید آن مطرح انظار
و حاکی از علو همت و رفعت مقام و رزانت رای و صفای نیت بانی یعنی شخص معظم خاقانی است

همم الملوک اذا ارادوا ذکرها　　من بعدهم فبألسن البنیان
ان البناء اذا تعاظم قدره　　اضحی یدل علی عظیم الشان

اسم خاقان مغفور که در ایوان مزبور بقلم بسیار جلی مسطور است در ذیل آن سنه هزار و دویست و بیست و نه تاریخ نگاشته اند

و در آخر کتیبه های مقصوره و ایوان که همه سور و آیات مبارکات قرآنی و بخط ثلث بسیار خوش و غیره است تاریخ
را سنه هزار و دویست و بیست و چهار مرقوم داشته اند که در هر حال از ایام اتمام این جامع عالی تا امروز هشتاد و اند

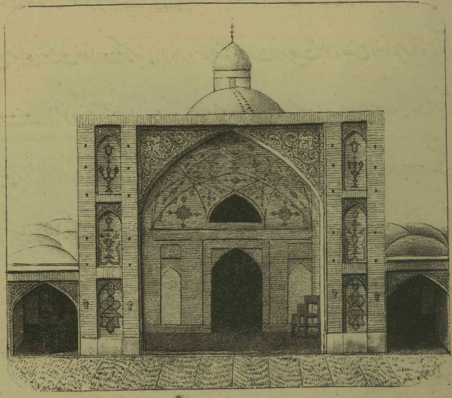

عمارت جامع اعظم سلطانی از طرف جنوب

سال هجریست صفه های جنبین مقصوره و ایوان هر یک بر روی دوازده ستون معتبر بنا شده در طرف مشرق

و مغرب هم صفه های خوب بوضع و اسلوب خوش ساخته اند و در جانب شمال شبستانیست که برروی دوازده ستون بنا شده است این مسجد مشتمل بر سه در است بابی بسیار عالی و باشکوه که جلوخان وسیعی هم باحیطان و حجرات و طاقنماهای عالی در جلو دارد بسمت شمال مفتوح است با حوض وسیع ممتاز و دو باب دیگر یکی در سمت شرقی و دیگری در جهت غربی با جلوخانی متوسط دارد حوضی بسیار بزرگ در وسط حیاط مسجد است که سنگهای ممتاز دور آن از مرتبهای جدید این عهد همایونست از لوازم مسجد نیز حوضخانه باستونهای سنگ معتبر است و از وصلات نفیسه این جامع منبری از سنگ مرمر است که سیزده پله دارد خلاصه جامعیت از هر جهت ممتاز و جامع و سرآمد جمله جوامع و در این عهد معدلت مهد روز افزون که مآثر جلیله و آثار مبارکه شخص اقدس همایون از حد احصا بیرونست چندین نوبت در این مسجد مبارک نیز از وجوه دولت مرمت کلی شده و مبالغ کثیره صرف تعمیرات و تزئینات آن گردیده از جمله در چند سال قبل دو مناره بسیار عظیم مرتفع در جنبین ایوان طرف شمالی مسجد بنا شده که بر شکوه مسجد مبلغی افزوده است در هر شب چراغهای زیاد ممتاز در صحن و مقصوره و رواق این مسجد افروخته میشود و امر تولیت و امامت آن چنانکه اشاره شد از بدایت امر تاکنون با اجداد کبار و پدران عالی تبار جناب مستطاب آقای امام جمعه بوده و از بیست و شش سال قبل تاکنون این منصب و شغل شریف بالارث والاستحقاق تعلق بشخص ایشان گرفته و الحق مراقبت و توجه خاص ایشان از امر امامت و جماعت و اعمال خیریه و اداره تولیت موقوفات و مصارف مقرره و عمله جات و خدام این مسجد در کمال انتظام و رونق است لیلاً و نهاراً در هر صبح و شام مجالس موعظه و ذکر مسائل و فتاوی و مصیبت در این مسجد منعقد و عموم اهالی این بلد برای امر جماعت و استفاضه حاضر و بدعای ذات اقدس همایونی ختم میشود

محمد حسن

نمره شصت و پنجم

شرف

سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

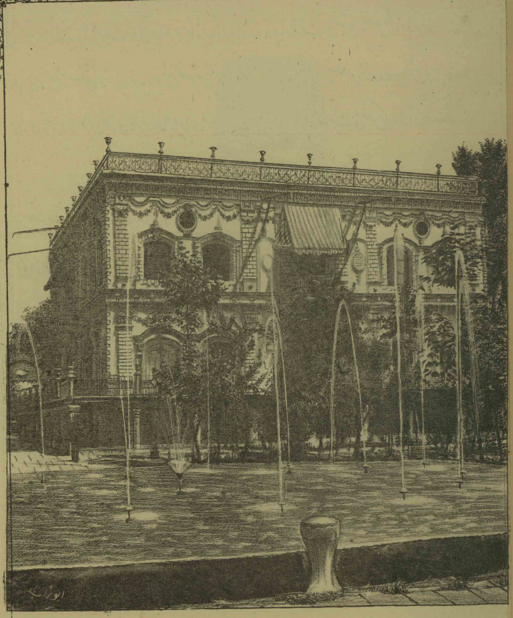

عمارت مبارکه خوابگاه

عمارت مبارکه خوابگاه

این عمارت مبارکه که بوضع وطرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است دو سال قبل بتوسط جناب جلالتمآب امین السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم در عمارت و حیاط فسیح الفضای حرمخانه جلالت که شش هفت سال قبل صورت و شرح بنای آن در روزنامه شرف مرتسم و مسطور شد بنا شده است این عمارت بدیع الوضع خوابگاه که عمارت مجرد منفرد دیست مایل بطرف شمالی حیاط حرمخانه مبارکه بنا شده و چهار طرف آن مفتوح و منفصل از ابنیه دیگر است مشتمل بر سه مرتبه و دارای وضع و هیئتی خوش که هنوز بدینوضع مخصوص بنای قصری در عمارات مبارکه سلطنتی نشده بود بانواع زینتهای بنائی و حجاری و مجرهای مزین فلزی کارقورخانه ایران مزین است و باقسام بساطها و مبلهای نفیس گرانبها آراسته

جناب حکیم الممالک

جناب حکیم الممالک پیشخدمتباشی سلام که بسمت وزارت و عضویت خاص مجلس شورای کبرای دولتی نیز اختصاص دارند از برازندگان باعقل و کفایت و رجال صاحب علم و درایت هستند که از بدایت عمر و اوان صغر که در حجر تربیت پدر بوده باقتضای گوهر ستوده و اصل برومند میل بتحصیل علوم و کسب معارف و فضایل کرده لحظه خود را از اندوختن فرهنگ و دانش و استفاده از حوزه ارباب علم و بینش معاف نداشتند خاصه بعلم طب رغبتی تمام جسته و بفیض تدریس و افادت علمای بزرگ این فن مثل مرحوم میرزا ابوالحسن سلطان الاطبا اصفهانی که از مشاهیر عصر خود بوده استفاضت و استفادت تمام مینمودند در سن شانزده سالگی بمنصب شریف پیشخدمتی حضور نایل شده و باز همچنان بکسب فنون و علوم از ادبیات و طب و ریاضیات مشغول و مایل بودند تا اینکه مدرسه مبارکه دار الفنون احداث شد و بفرمان قضا مثال همایون جناب معزی الیه در سلک محصلین مدرسه مبارکه منسلک و بتحصیل فنون حکمت و ریاضیات و کسب السنه خارجه مشغول و پس از سالی چند از کمال فطانت و ذکا فارغ التحصیل شده با تصدیقات اساتید از مدرسه خارج و چون در خور خدمات جلیله آمدند و نوبت اختبارات از دانش و کفایت ایشان در رسید در معیت مرحوم فرخ خان امین الدوله که بسمت سفارت کبری مأمور ما مقامات در دربار دولت علیه عثمانی و سفارت فوق العاده دربار دولت بهیه فرانسه و دربار دولت فخیمه انگلیس بودند جناب معزی الیه بسمت نیابت دویم سفارت کبری مأمور دربار دول معظمه اروپ شدند و پس از انقضاء زمان سفارت مرحوم فرخ خان امین الدوله جناب معزی الیه

بیکچندی محض تکمیل علوم متنوعه و اقتباس آداب و رسوم عصر جدید بسمت عضویت سفارت در مملکت فرانسه اقامت نموده پس از دو سال که جناب حسنعلیخان وزیر مختار (امیر نظام کارگذار کل مملکت آذربایجان) بسمت وزیر مختاری و ایلچیگری مخصوص مأمور اقامت در دربار دولت فخیمه فرانسه شدند جناب حکیم الممالک بمنصب نیابت سفارت عظمی مفتخر آمدند بعد از دو سال بدربار همایون رجعت نموده پس از شرف اندوزی از حضور همایون بنیل شرف الطاف خسروانه

جناب حکیم الممالک

دوباره مراجعت بپاریس کرده چندی نیز واحد الهم بتحصیل و تکمیل علم طب و متفرعات آن پرداختند تا از این مهم خطیر فراغت یافته و مراتب علمیه را بپایان بردند و با دیپلوم و اجازه نامه مخصوص که دلیل بر تکمیل ایشان در مراتب علمیه بود مراجعت بدربار ایران نموده از روی کمال سزاواری حکیم خاص حضور همایون شهریاری شدند و علاوه براین مقام بحکم دانش و درایت و آگاهی از دقایق فنون سیاسی و خبرت باداب تربیت مقرب حضرت

گردون رفعت و محرم خاص آستان سلطنت و مرجع بسیاری از خدمات خاصه سلطنتی از کتابت اسرار و نگارش اخبار و واسطه عرض
عرایض ملهوفین و اصدار جواب از مصدر سلطنت گردیدند و در طی این خدمات لایقه بیکهزار تومان اضافه مواجب و عطای حمایل و نشان سرتیپی نایل
شده در سنه هزار و دویست و هشتاد و چهار که موکب همایون تشریف فرمای ساحت خراسان شد جناب معزی الیه از روی شایستگی بلقب حکیم
الممالک ملقب گردیدند و چندزمانی که ریاست و امارت قشون دولت علیه با مرحوم شاهزاده حشمت الدوله بود وکالت اداره عسکریه نیز
بشخص معزی الیه مفوض بود و بعد از مراجعت موکب همایون از سفر عتبات عالیات عراق عرب که جناب معزی الیه ملتزم رکاب اعلی بودند مقارن
سنه هزار و دویست و هشتاد و هشت نظم دفترخانه مبارکه استیفا و محصلی محاسبات دولت علیه بعهده کفایت معزی الیه مفوض آمد و در سال هزار
و دویست و نود که رایات عالیه سلطنت بصوب فرنگستان و اقلیم اروپ اهتزاز فرمود معزی الیه بشرف التزام رکاب اعلی نایل و بهمه جا بسمت
ایشیک آقاسی گری و معرف السفرائی در پیشگاه آسمان جاه سلطنت شناخته و سربلند بودند و به بسیاری از نشانهای ذیشان دول
معظمه خارجه نایل گردیدند در سنه هزار و دویست و نود و سه بحکومت بروجرد و بختیاری منصوب و در سال نود و پنج که مجدداً موکب همایون
عزیمت سفر فرنگستان فرمود معزی الیه نیز بشرف ملازمت رکاب مستطاب و اعطای نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل
سبز از طرف دولت روزافزون سربلند گردیدند بعد از مراجعت از آن سفر بتوسط نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان
بحکومت عراق و ریاست افواج خمسه آن حدود منصوب و در همان سال به نشان و حمایل سرتیپی اول و رتبه نبیل میرپنجگی نایل و
بعد از انقضای سه سال از این تاریخ بخطاب جلیل جنابی مخاطب و بوزارت معادن دولت علیه و عضویت مجلس شورای کبری
سربلند گردیدند و در سال هزار و دویست و نود و نه که وزارت عدلیه اعظم بشاهزاده مرحوم مبرور معتمد الدوله مرجوع افتاد
وکالت و معاونت وزارت جلیله عدلیه بجناب معزی الیه مفوض گردید و در سال هزار و سیصد و یک که مجدداً موکب پیروزی
کوکب سلطنت نهضت فرمای مملکت خراسان شد جناب معزی الیه بشرف التزام رکاب مبارک تشرف یافته و پس از مراجعت از این
سفر بیک قطعه نشان تمثال مهر مثال همایون سربلندی حاصل کردند و همه وقت بحسن خدمت و یمن دانش و درایت در آستان
آسمان جاه سلطنت قربی خاص و منزلتی ممتاز داشته و دارند و الطاف کامله ملوکانه پیوسته شامل احوال ایشان بوده و میباشد
و در این ایام حکومت گلپایگان و خوانسار و کمره بجناب معزی الیه مرحمت و مفوض گردید

محمد حسن

نمره شصت و ششم

شرف

سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

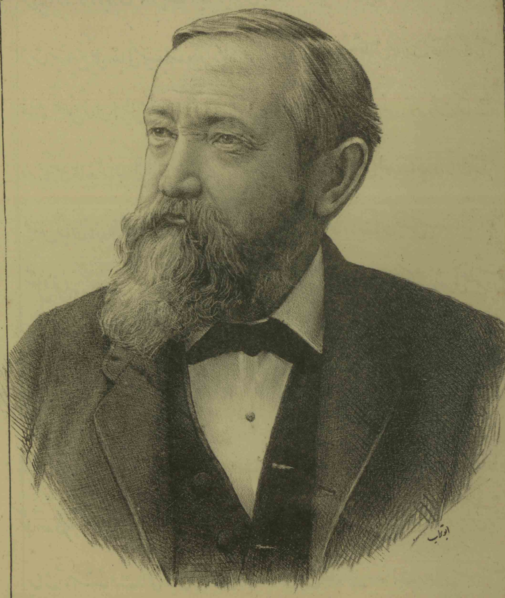

جناب ژنرال هاریسن رئیس جمهوری دولت اتازونی ینگی دنیا

گردون رفعت و محرم خاص آستان سلطنت و مرجع بسیاری از خدمات خاصهٔ سلطنتی از کتابت اسرار و نگارش اخبار و واسطهٔ عرض عرایض ملهوفین و اصدار جواب از مصدر سلطنت گردیدند و در طی این خدمات لایقه یکهزار تومان اضافه مواجب و اعطای حمایل و نشان سرتیپی نایل شده در سنه هزار و دویست و هشتاد و چهار که موکب همایون تشریف فرمای ساحت خراسان شد جناب معزی الیه از روی شایستگی بلقب حکیم الممالک ملقب گردیدند و چندز مانی که ریاست و امارت قشون دولت علیه با مرحوم شاهزاده حشمت الدوله بود وکالت ادارهٔ عسکریه نیز بشخص معزی الیه مفوض بود و بعد از مراجعت موکب همایون از سفر عتبات عالیات عراق عرب که جناب معزی الیه ملتزم رکاب اعلی بودند مقارن سنه هزار و دویست و هشتاد و هشت نظم دفترخانهٔ مبارکه استیفا و محصلی محاسبات دولت علیه بعهدهٔ کفایت معزی الیه مفوض آمد و در سال هزار و دویست و نود که رایات عالیهٔ سلطنت بصوب فرنگستان و اقلیم اروپ اهتزاز فرمود معزی الیه بشرف التزام رکاب اعلی نایل و بهمه جا سمت ایشیک آقاسی گری و معرف السفرائی در پیشگاه آسمان جاه سلطنت شناخته و سربلند بودند و به بسیاری از نشانهای ذیشان دول معظمهٔ خارجه نایل گردیدند در سنه هزار و دویست و نود و سه بحکومت بروجرد و بختیاری منصوب و در سال نود و پنج که مجدداً موکب همایون عزیمت سفر فرنگستان فرمود معزی الیه نیز بشرف ملازمت رکاب مستطاب و اعطای نشان درجهٔ اول شیر و خورشید و حمایل سبز از طرف دولت روز افزون سربلند گردید بعد از مراجعت از آن سفر بتوسط نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان بحکومت عراق و ریاست افواج خمسهٔ آن حدود منصوب و در همان سال به نشان و حمایل سرتیپی اول و رتبهٔ میر پنجگی نایل و بعد از انقضای سه سال از این تاریخ بخطاب جلیل جنابی مخاطب و بوزارت معادن دولت علیه و عضویت مجلس شورای کبری سربلند گردیدند و در سال هزار و دویست و نود و نه که وزارت عدلیهٔ اعظم بشاهزاده مرحوم مبرور معتمد الدوله مرجوع افتاد وکالت و معاونت وزارت جلیلهٔ عدلیه بجناب معزی الیه مفوض گردید و در سال هزار و سیصد و یک که مجدداً موکب پیروزی کوکب سلطنت نهضت فرمای مملکت خراسان شد جناب معزی الیه بشرف التزام رکاب مبارک تشرف یافته و پس از مراجعت از این سفر بیک قطعه نشان تمثال مهر مثال همایون سربلندی حاصل کردند و همه وقت بحسن خدمت و یمن دانش و درایت در آستان آسمان جاه سلطنت قربی خاص و منزلتی ممتاز داشته و دارند و الطاف کاملهٔ ملوکانه پیوسته شامل احوال ایشان بوده و میباشد و در این ایام حکومت گلپایگان و خوانسار و کمره بجناب معزی الیه مرحمت و مفوض گردید

محمد حسن

عین مطلبی که در نمرهٔ شصت و پنجم روزنامهٔ شرف سنهٔ هزار و سیصد و شش در بارهٔ حکیم الممالک درج شده است در زیر از نظر خوانندگان میگذرد

در عکس ده سانت اندازه گرفته شود

جناب ژنرال هاریسن رئیس جمهوری دولت اتازونی ینگی دنیا

جناب ژنرال هاریسن رئیس جمهوری دولت اتازونی ینگی دنیا

جناب ژنرال هاریسن که در این اواخر بجای مسیو گلیولاند بریاست جمهوری ممالک متحدهٔ امریکا منصوب گردید از خانوادهٔ بزرگ مشهوریست و جدّ او نیز باین رتبت و مقام با افتخار نایل گشته است و جدّ اعلای او نیز از مشاهیر تاریخ ینگی دنیائی میباشد و او از جملهٔ اشخاصی بود که اعلان استقلال ممالک متحدهٔ امریکا را امضا نمودند شخص ژنرال هاریسن رئیس جدید نیز مدّتی مدید در دایرهٔ نظام خدمات بزرگ نموده و در وقت جنگ داخله امریکا یعنی محاربهٔ شمالیان با جنوبیان مهارتی تمام در فنون حربیه و آداب لشکرکشی بظهور رسانید و از آن پس بعضویت مجلس اعیان اتازونی منصوب گردیده مداخلت تامّی در مذاکرات و محاورات آن مجلس بهم رسانید و چون شغل و فنّ او وکالت در دیوانخانه و قانوندانی میباشد بدینوسیلت پیوسته مشغلهٔ کثیر و شهرتی عظیم داشت که در این اثنا او را بعالیترین رتبت و مقامی دعوت کرده ریاست ملّت بزرگی را مثل ملّت ممالک متحده امریکا باو مفوض نمودند صفات ذاتیه و فضایل نفسانیهٔ این رئیس مخصوصاً طرف تمجید و ستایش خاص و عام و جاذب قلوب تمام مردم شده شخصی است متدیّن و در اعتقاد خود ثابت و محکم اخلاق وی چنان مهذّب است که احدی تاکنون بر او عیب و ایراد نگرفته از آنجا که این شخص مردی جلیل النسب و کریم الحسب و مشهور بوطن پرستی میباشد و استقامت رای و خیال و ثبات عزم او در حفظ آئین حقگذاری و عدالت بر همه کس معلوم است مردم را امیدواری کلّی است که برای مملکت خود بیشتر از آنچه هست اسباب ترقّی و افتخار و سعادت فراهم آورد

جناب مسیو هامر رئیس جمهوری سویس

جناب مسیو هامر رئیس جدید جمهوری سویس که معروف باتحاد سویس است قبل از این یعنی در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و نه باز باین سمت منصوب بوده و نیز در این اواخر بسمت نیابت ریاست همان مملکت برقرار بوده است

جناب مسیو هامر رئیس جمهوری سویس

چون رئیس جمهوری آن مملکت درگذشت مسیو هامر بجای او منتخب گردید چه در مملکت سویس رسم مقرر این است که نایب رئیس را بعد از انقضای مدت ریاست رئیس بجای او برقرار مینمایند مسیو هامر سال هزار و هشتصد و

بیست و دو دریم ماه مارس متولد شده است و خانوادهٔ او که خیلی متمول بوده اند منتهای مواظبت را در تکمیل
تعلیم و تربیت او نموده اند بطوریکه مُسیو هامر از هر حیثیت بدرجهٔ کمال رسیده در دایرهٔ عسکریه مشغول خدمت شده
و بطور تاتی ترقی حاصل کرده آخر الامر ببلندترین مقام و رتبهٔ قشون سویس که سرهنگی باشد نایل گردید
در سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت از جانب دولت سویس بسمت وزیر مختاری مامور برلن شد و در آنجا
قابلیت و هنرهای دیپلوماتیکی خود را آشکار ساخته مشغول تحقیق و غور رسی امور پلتیکی گردید این تحقیقات
و تحصیلات بعدها برای او مفید فوایدکثیره شد و در اوان وزارت او آن جمله بکار وی آمد
در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و شش از برلن عزیمت نموده در مجلس شورای وزرای سویس جای یافت و از آنوقت
تا بحال در همان ماموریت باقی بود اوّل وزارت جنگ را بر عهده گرفت بعد بوزارت وجوهات اشتغال
جُست اگرچه مُسیو هامر خطیب بزرگی نیست ولی بیانات او بحلیهٔ سادگی و استحکام منطقی محلّی و مزیّنست
اخلاق او مهذّب و در رفتار نهایت مؤدّب است در فصل امور سیفی قاطعست و طوری درستکار است که
رقبای پلتیکی او نیز باین صفت او اعتراف دارند

اعلان ادارهٔ شرف

چند نمره از روزنامهٔ شریفهٔ شرف که بواسطهٔ بعضی عوایق و موانع خارجیه از موقع خود عقب افتاده است از این
تاریخ ببعد انشاءالله از طرف ادارهٔ انطباعات اهتمام مخصوص خواهد شد که چند نمره زودتر و زیادتر از قرار
معمول ماهی یکنمره بطبع رسد تا تلافی کسر و تاخیر گذشته بشود
محمد حسن

نمرهٔ شصت و هفتم
شرف
سنه هزار و سیصد و شش
این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب اقبال الملک

جناب میرزا محمد اقبال الملک والی ولایت یزد که از وزرای عظام دار الشورای دولتی هستند چنانکه شرح

احوال ایشان در نمره سی و هفتم روزنامه شریفه شرف نگارش یافت پس از کسب فضایل و کمالات و اتصاف بمزایای تربیت و لیاقت در سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت بمنصب استیفا نایل و در دویست و هشتاد و نه بسمت نیابت اول سفارت کبرای دولت علیه مأمور دربار دول فرنگ شده در سال دویست و نود که هنگام مسافرت اول بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه بفرنگستان بود بشارژدافری دربار انگلیس برقرار گردید در سال دویست و نود و یک منصب استیفای نظام بجناب معزی الیه مفوض و در نود و هشت حسب الاجازه علیه ملوکانه بشرف خدمت نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان نایل و از طرف شاهنشاهزاده معظم بحکومت بوشهر مأمور و در سال سیصد بلقب نبیل اقبال الملکی و خطاب جلیل خانی ملقب و مخاطب و از جانب نواب معظم والا بحکومت کردستان منصوب و در سیصد و دو جزو وزرای مجلس دربار اعظم منسلک و در اوان حکمرانی کردستان که دو سفر و هر سفری دو سال در آنجا حکومت و اقامت داشتند سفر اول را بیک قطعه کل کمر مرصع ممتاز و در سفر دویم بیک قطعه نشان تمثال مهر مثال همایون مکلل بالماس سرافراز شده بعد از مراجعت از کردستان چون مراتب کفایت و درستکاری و دقایق حسن خدمات جناب معزی الیه در مدت حکومت آن سامان کاملاً مشهود آستان همایون افتاد در رمضان سنه هزار و سیصد و پنج باعطای یک ثوب جبه ترمه شمسه مرصع که از امتیازات جلیله دولتی است مفتخر و ممتاز و در ابتدای هذه السنه میمونه اودئیل هزار و سیصد و شش بحکومت ولایت یزد و توابع منصوب و بیکثوب جبه ترمه شمسه مرصع از خلاع خاصه همایونی مخلع شدند کلیه خدمات جناب معزی الیه همواره مقبول خاطر مهر مظاهر همایون است و بسیاری از امتیازات جلیله دولتی و اغلبی از نشانهای دول خارجه را دارا میباشند

معتمد السلطان حاجی آقا حسن وکیل الدوله انگلیس

معتمد السلطان حاجی آقا حسن وکیل سفارت سنیه دولت فخیمه انگلیس پسر مرحوم حاجی آقا خلیل عرب که اصلاً از نجباء طوایف و اجلاء قبایل عرب و سالهاست باقتضای عمل تجارت در دارالدوله کرمانشاهان متوطن و مقیم هستند

معتمد السلطان حاجی آقا حسن وکیل الدوله انگلیس

مرحوم حاجی آقا خلیل چنانکه عادت جبلی اکابر عشایر عرب است چون بسجایای حسنه خاصه سخای طبع و آداب میهمان پذیری و شیمه غریب نوازی و دستگیری و رعایت ابناء سبیل که از خصایص انسانیت و لوازم

مدنیت است معروف آفاق بوده و هر کس از اقاصی و ادانی و غریب و بومی از اهل هر ملت و مملکت
عبورش بکرمانشاهان می افتاد آن مرحوم در ادای مراسم تعارف و پذیرفتاری و خودداری بمداومت
لهذا بر حسب میل و اراده خود امنای دولت بهیه انگلیس بوکالت سفارت آن دولت برقرار شد و بعد از فوت
آن مرحوم که تاکنون بیست و یکسال است این شغل و منصب از طرف آن دولت فخیمه بجاجی آقا حسن تعلق یافته و معزی الیه
تمام محاسن جبلی و اخلاق حمیده موروثی را با مزایای مکتسبی و آداب تربیت عصر جدید جمع نموده و پیوسته با مشاغل
مهمه تجارت و مهمات عمده وکالت سفارت دولت فخیمه انگلیس و بذل اهتمام در قضای حوایج و مرام
قاطبه مردم بتقدیم خدمات و فصل رجوعات دولت علیه ایران و مهمات حکومت جلیله کرمانشاهان نیز که لازمه
سپاس نعمت رعایت و عنایت خاصه این دولت ابدآیت بوده قیام نموده است چنانکه در سنوات
و اوقات مجاعه همه وقت بامر دولت علیه غله بسیار با مخارج گزاف چه باردهای نظامی دولت قاهره
رسانیده و چه از کرمانشاهان بسایر بلاد محروسه حمل و نقل داده است که بدین وسیله جمعی کثیر از اهالی
بلاد از بلای قحط و غلا محفوظ مانده اند و معزی الیه از اوایل عهد همایون تاکنون در تقدیم این خدمات نمایان کرارا
مورد التفات مخصوص شهریاری و طرف صدور دستخطهای مرحمت آمیز ملوکانه گردیده و ببذل
نشان و امتیاز دولتی نیز امتیاز و افتخاری کامل حاصل نموده است بالجمله امروز معزی الیه از
وجوه و اعیان محترم ایران بلکه در خصال حمیده سرآمد همه اقران و در اعتبار قول و عمل همه جای
عالم ضرب المثل میباشد
محمد حسن

نمره شصت و هشتم

شرف

سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه تکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

سردر مبارک شمس العماره

عمارت مبارکه رفیع البنای شمس العماره که در نمرهٔ بیست و هفتم روزنامهٔ شریفه شرف صورت و شرح بنای آن
ارتسام و نگارش یافت دیگر در اینجا مستغنی از ذکر و وصف است خیابان مشجر طولانی با صفائی که در پای این
عمارت واقع و موسوم بخیابان ناصریست که از جنوب بشمال ممتد و منتهی بدروازهٔ میدان توپخانه مبارکه است
و متجاوز از بیست سال میشود که بامر دولت روزافزون احداث و بنا شده و اکنون از خیابانهای ممتاز و بلکه از
تفرجگاههای عمومی شهر دار الخلافه است نیز بی نیاز از توصیف و تعریف میباشد دری که در پای شمس العماره
واقع و از باغ و عمارت خاصه سلطنتی مفتوح باین خیابان است اگرچه سابقاً هم از ابواب معتبرهٔ عالیهٔ عمارات
مبارکه سلطنتی شمرده میشد ولی سردری که درخور جلوس شاهانه باشد نداشت سه چهار سال قبل برحسب اراده و
اشارهٔ علیه بندگان اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و اهتمام و توجه
مخصوص جناب مستطاب امین السلطان وزیر اعظم دولت علیه سردری بسیار عالی و تالاری مزین بلطایف آئینه
کاری و ظرایف مقرنس و گچ بری رو بمشرق بنا کردند که همه روزه هنگام طلوع آفتاب از تابش لمعات نور تالار مزبور
چنان مشعشع و درخشان میشود که دیدهٔ بیننده را خیره میسازد و همه وقت بانواع مبل و اسباب گرانبها آراسته
و مرتب است که گاهگاه در اوقات اقامت بندگان اقدس همایون در شهر و مقر خلافت عظمی لختی از روز را ذات
مقدس شاهانه متفرجاً باینجا تشریف آورده ساعتی جلوس میفرمایند و سال قبل را نیز حسب الامر قدر قدر جهان مطاع
همایون میدان بسیار وسیعی در جلو این سر در طرح انداخته و بنا کردند که اطراف آن حجرات بسیار خوب برای ارباب
حرف و صنایع منتظر فاست و وسط میدان حوض مستدیر بزرگی دارد که همه وقت بقدر یک ربع سنگ و بلکه
نیم سنگ آب از فوارهٔ آن میجهد و نظر بحسن منظر و شایستگی موقع و فسحت فضای این میدان و خیابان چراغان
و آتشبازی دولتی و جشنهای لیالی اعیاد چندیست که در این میدان مهیا و برپا میشود

شرح حال دوک دِناسو

تاکنون حکومت ولایت لوکسامبورگ در تحت سلطنت پادشاه هلاند بود بعد از فوت پرنس داورانژ و پرنس الکساندر

این ولایت بی حکمران ماند زیرا که مشار الیهما فرزند ذکور نداشتند و در آن ولایت نسوان از سلطنت ممنوع هستند
بنابراین مجبور شدند که حکمرانی آنجا را بعهدهٔ شعبهٔ دیگر از خانوادهٔ ناسو واگذار کنند و حکومت بعهدهٔ دوک
ادلف دناسو مقرر و مفوض گردید اما بعد از بیست و هفت سال حکمرانی دولت پروس اورا در سال هزار و

دوک دِناسو

هشتصد و شصت و شش مسیحی از حکومت آنجا خلع کرد و حکمرانی ولایت مزبوره بعهدهٔ پادشاه هلاند که وارث شعبهٔ
صغیر این خانواده میباشد قرار گرفت چون در این اوان مزاج پادشاه هلاند نهایت سقیم و علیل است گفتگوی

وارث او بمیان آمده و گویا دوک دناسو بعد از بیست و سه سال معزولی و انفصال از سلطنت دوباره بر سریر سلطنت و حکمرانی لوکسامبورک برقرار شود

دوک دناسو از آن وقت ببعد با دولت پروس آشتی کرد یعنی دختر خود شس (پرنسس هیلدا) را در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج میلادی بعقد مزاوجت گراند دوک ولیعهد باد که نواده دختری امپراطور گلیوم متوفی میباشد داد و بوسیلت این وصلت رشته نسبت خویش را نجانواده سلطنت پروس پیوسته همین را اسباب آشتی قرار داد اکنون المانها همه مایل بجلوس او بر سریر سلطنت لوکسامبورک میباشند و کمال تاسف را دارند از اینکه در سنه هزار و هشتصد و شصت و شش میلادی این دولت کوچک از ممالک المان منتزع گردید و از بیست سال قبل تاکنون دولت المان منتهای سعی را نموده است که دوباره آن مملکت را بحیطهٔ تصرف و حوزه سلطنت خود درآورد راههای آهن آنجا از المان است وزرار لوکسامبورک نیز هواخواه المان هستند و گویا حکمران آنجا هم عنقریب خود را در تحت ریاست و ظل حمایت امپراطور المان قرار دهد بالجمله بواسطهٔ قانونی که درباب وراثت حکمرانی در این اواخر مقرر کردند تمام این مقاصد حاصل میگشت اما پادشاه هلاند مانع از اجرای این امر شد و سلطنت هلاند را بعهدهٔ کفالت کفیلی قرار داده مملکت لوکسامبورک را نیز در تحت اقتدار او درآورد و بنابراین تا وقتی که پادشاه هلاند زنده است دوک دناسو نمیتواند بسلطنت و حکمرانی مملکت لوکسامبورک نایل شود

محمد حسن

نمره شصت و نهم

شرف

سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

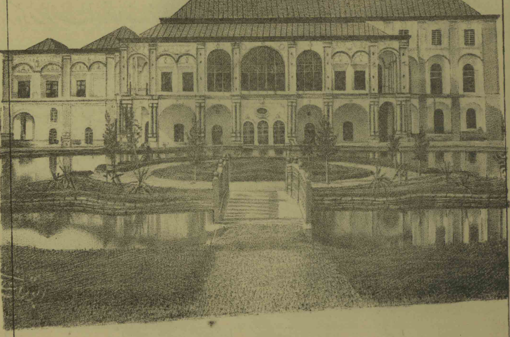

قصر امیریه

باغ وسیع الفضا و قصر رفیع البنای امیریه که چند سالیست نواب مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دولت علیه برحسب سلیقهٔ انیقه و توجهات دقیقهٔ خودشان در طرف غربی شهر دار الخلافه بنا فرموده‌اند باغیست در کمال عظمت و فسحت مشجر بانواع اشجار بارور و مزین باقسام گلها و ریاحین معطر که بدستیاری مهندسین قابل و گشتکاری باغبانان ماهر از فرنگی و ایرانی انواع خیابانها و قطعات مختلف الشکل از مستطیل و مستدیر و قوسی و لوزی و بیضی ساخته و طرح انداخته و دریاچه و جزیره و تپه‌های طبیعی نما و گرمخانه و جداول انهار و فواره و آبشار بطرزهای موزون و وضعهای گوناگون احداث نموده و گلهای رنگارنگ از اقطار ممالک ایران و فرنگ آورده و کاشته‌اند و عمارت آن عبارت از قصریست بغایت عالی و مزین که در وسط باغ بنا شده مشتمل بر دو مرتبه که مرتبهٔ فوقانی تالارها و اطاقهای وسیع بوضعهای بدیع از چهار سمت دارد که همه بظرایف بنائی و لطایف نجاری و نفاست سنگهای نجاری و ازارهٔ کاشی و بدایع نقاشی آراسته و ممتاز است خاصه تالاری عظیم در وسط دارد که منقش و مصور باشکال و صور سلاطین و شهریاران عظیم الشان عجم از عهد کیومرث پیشدادی تا کنونست و دارای دیگر نقوش و دورنماهای گوناگون که هر کس بتحقیق گوید ارژنگ ثانی است و کارنامهٔ مانی یا تخت طاقدیس است و نشیمنگاه پرویز و در تحت این عمارت حوضخانهٔ بی‌نظیر است که فوق همه ابنیهٔ دلپذیر است و مصداق (انه صرح ممرد من قواریر) یا (ارم ذات العماد) است و متصف بصفت (التی لم یخلق مثلها فی البلاد) گوئی ابو عیسی بن المنجم

در وصف این بنا سروده است

فما حملت عین الزمان بمثلها   وحاشا لها من ان تحس نظیرها

معظمة الا اذا قیس سمکها   بهجة بانیها فلک نظیرها

چندان بدایع آئینه کاری و صنعت مقرنس و حجاری و ازارهٔ مرمر در این حوضخانه بکار رفته که چشم بیننده از مشاهدهٔ آن خیره میماند و هر افسانه از سدیر و خورنق بهرام گور مشهور و مذکور است فراموش میکند بالجمله پس از ابنیهٔ عالیهٔ سلطنتی و آثار منیعهٔ ناصری که غرفات قصور همایونش با شرفات بروج گردون همسری یافته و صفحهٔ دار الخلافه را رشک فردوس برین ساخته است میتوانیم گفت که نظیر این قصر و حوضخانه تا کنون در اقالیم ربع مسکون بنا نشده است

امیر الامراء العظام سهام السلطنه

امیر الامراء العظام میرزا حسینخان سهام السلطنه فرزند مرحوم مصطفی قلیخان سهام السلطنه عرب از بدایت عمر اقتفاءً لاسلافه بکسب آداب حربیه و فنون فروسیت پرداخته چندی زمانی نگذشت که برحسب استعداد جبلی و فراست

امیر الامراء العظام سهام السلطنه

فطری فنون فروسیت را بخوبی فرا گرفت چنانکه هر وقت والد معززٌ الیه سهام السلطنهٔ مرحوم از طرف دولت

قوشوکت بدفع فتنه و تنبیه طایفه متمردی مأمور میشد معزی الیه با حداثت سن همه جا بسمراه بود و در هر موقع هنرها
و دلیریها مینمود و در اوقات فراغت نیز چندانکه فرصت می‌یافت باکتساب فضل و هنر میپرداخت تا از فنون
ادبیه و علوم عربیه و غیره نیز بهرهٔ وافی یافت و ببذل مجهود پیکر وجود خویش را بحلیت دانش زیب و آرایش داد
در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت که تنظیم و تأمین طرق و شوارع بعهدهٔ مرحوم سهام السلطنه مقرر شد معزی الیه
نیز بمنصب سرکردگی غلامان عرب منصوب گردید و در سال نود و شش حسب اللیاقه بمنصب سرهنگی و نشان و حمایل آن نایل
و در هزار و سیصد باعطای منصب و حمایل و نشان سرتیپی سیم سرافراز و بحسن کفایت در کلیهٔ امور راجعه بمرحوم
سهام السلطنه از خدمات دیوانی و مهمات شخصیهٔ آن مرحوم را ظهیر و معین و بمنزلهٔ دست یمین شد و در حکومت یزد
نیز بنیابت آن مرحوم کلیهٔ مهمات ولایتی و رجوعات ملکی را بدانائی کفالت نمود تا در اواخر سنهٔ ماضیه
سیچقان ئیل هزار و سیصد و شش که سهام السلطنه مرحوم بجوار رحمت الهی پیوست برحسب اراده و عنایت خاص
خسروانه و بمقتضای لیاقت و کفایت شخصی میرزا حسنخان تمام شئونات و امتیازات و مواجب و مرسومات
و مناصب و مرجوعات آن مرحوم را بلا استثنا از سرکردگی غلامان عرب و ریاست قراسوران و نظم شوارع و سرحدات
و ایل عرب و منصب سرتیپی اول با حمایل و نشان مخصوص آن و لقب سهام السلطنه بانضمام امارت تومان بمعزی الیه
مرحمت و مقرر فرمودند و از آن زمان تاکنون کلیهٔ خدمات و مشاغل مرجوعه را معزی الیه بنوعی اداره کرده و
منظم نموده که خاطر خطیر بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه را قرین کمال خشنودی
و رضا داشته است

محمد حسن

نمره هفتادم

شرف

سنه هزار و سیصد و شش

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکمرتبه بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب والا حشمة السلطنه

نواب والا میرزاده حشمت السلطنه محمد حسن میرزا نایب الایاله کرمان فرزند مرحوم مبرور مهدیقلی میرزا ابن المرحوم المغفور
نایب السلطنه عباس میرزا طاب ثراه که از بنی اعمام کرام سلطنت عظمی و شخصاً بزیور تربیت و درایت و دانش و کفایت و

حصافت عقل و ثبات عزم آراسته هستند در اوایل عمر که از بعضی تحصیلات لازمه فراغت حاصل نمودند سه چهار سالی مشغول تحصیل علم پیاده نظام شده پس از آن سه چهار سالی بحکومت بختیاری و جاپلق منصوب کردید و در زمانیکه ریاست قشون مرکزی بنواب اشرف والا ناصر الدوله فرمانفرما مفوض کردید معزی الیه بتوسط شاهزاده فرمانفرما مورد مراحم ملوکانه افتاده بمنصب و حمایل و نشان سرهنگی نایل و بریاست و سرهنگی فوج بروجرد منصوب و سه چهار سالی بدین خدمت مشغول بودند و در اوان همین مأموریت دو سالی مأمور عربستان و در خدمت مرحوم حشمة الدوله عم بزرگوار خود بخدمات مقرره نظامیه اشتغال جسته از آنجا با فوج سیلاخوری مراجعت بدار الخلافه طهران نمودند و یکسال با فوج مزبور حسب المقرر مشغول مشق اطریشی شده آنگاه فوج را با انتظامی تمام باصفهان برده باداره نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان تحویل نمودند و مراجعت بدربار همایون کرده بمنصب سرتیپی سیم با حمایل و نشان آن نایل شدند و از آنجا که همه وقت ارتباطی خاص با نواب والا شاهزاده فرمانفرما داشته پس از چندی برحسب استیذان شاهزاده معظم از آستان همایون بکرمان رفته و اکنون قریب پنجسال است که در دایره ایالت شاهزاده فرمانفرما بکفایت و کاردانی مشغول خدمات دولتی میباشند متجاوز از دو سال قبل برحسب استدعای نواب اشرف والا فرمانفرما بلقب نبیل حشمة السلطنه ملقب و مکرر نیز بخلاع همایونی مخلع شده چندی بحکومت اربعه بم و نرماشیر و نظم آنحدود منصوب و بعد بنیابت کلیه ایالت کرمان برقرار و در چند ماه قبل مأمور بلوچستان شده آنحدود را چنانکه باید و شاید منتظم نمودند و بعضی اشرار که در آنحدود وجود یافته بودند لدی الورود بدون سیاست و تنبیه همه را منقاد و مطیع کردانیدند

جناب ملک الشعراء

جناب محمود خان ملک الشعراء فرزند مرحوم محمد حسینخان ملک الشعراء ابن فتحعلیخان ملک الشعراء متخلص بصبا که از بدایت عهد خاقان خلد آشیان مغفور تا کنون پدر بر پدر بدین منصب نبیل مخصوص هستند از بدو شباب با کمال قربت در حضرت خاقان صاحبقران بمنصب خاص پیشخدمتی حضور توجهی باین عوالم صوریه نفرموده عمر گرانمایه را باکتساب فنون فضایل و تحصیل علوم و تهذیب اخلاق مصروف داشته باقتضای گوهر پاک دامن عفت را ملوث شهوات نفسانی نیالوده و آحاد ایام وقت عزیز را بمعاشرت ارباب حال و مصاحبت اصحاب کمال سر برده تا بغایت قصوای معالی و فضایل نایل شدند و الحق امروز در فنون ادب و احاطه بقواعد لسان عرب و علم حدیث و معرفت تفسیر و حکمیات و ریاضیات و صناعت عروض و قافیه و نظم شعر و انشاء رسایل و فن تاریخ و سیر و محاضرات و آداب صحبت و منادمت و مواد محاوره سلاطین نادره روزکارند و در

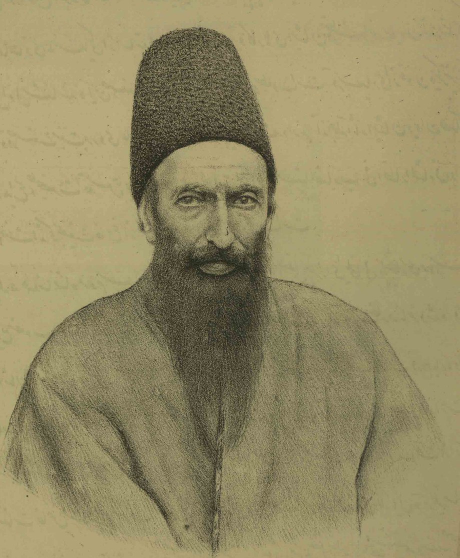

جناب ملک الشعراء

حصافت عقل و متانت فکر و غزارت طبع و حسن خلق و تواضع نفس و صفای طینت و اتقان عقیدت و حسن محاورت و لطف معاشرت و وفور ذکا و کثرت دها و جودت خاطر و حدت ذهن یکانه و طاق و در جمله خصال ملکیه مجبول النفس

ومشهور آفاق هستند سبحان من جعل الفضایل کلها مجموعة فی فطرة الانسان وعجب اینکه با این فضایل تاکنون غبار غرور ودعوی بر دامن خصایلشان ننشسته وهرگز در محاورت بمراء وجدل برنخاسته در هر بحث قولشان برهان قاطع است ودلیل ساطع صرّاف نقد وزیف هر سخن مسلّم دانشوران هر انجمن در انواع خطوط خاصه خط شکسته بغایت استاد وبپایه اساتید سلف ودر صنعت نقاشی خاصه شعبه دورنماسازی مانند یکی از اساتید معروف اروپ وکارهای ایشان در نظر انور همایون شاهنشاهی که شخص اول شناسنده این صنعت هستند زیاده مطبوع ومطلوب است در بسیاری از فنون دیگر نیز بغایت ماهر ودر صنعت منبت برروی عاج وچوب بر اساتید چین مزیت دارند از جمله آثار ایشان دیوان قصایدیست که در مدایح اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی لازالت اسیافه ماضیة المضارب فی اقطار المشارق والمغارب پرداخته اند که بحقیقت فارغ از تعریف وبیرون از حدّ توصیف است

بالجمله در عهد شاهنشاه مرحوم مبرور چندی بوزارت نوّاب والا اللهقلی میرزای ایلخانی وپیشکاری بروجرد و توابع منصوب بوده ودر بدایت عهد همایون برای سفارت وایلچیگری بدربار ممالک خارجه نامزد شده ولی خودشان نظر بفور شوق بتکمیل فنون فضایل استعفا از این خدمت جسته وبعدها غالب اوقات در دربار دولت مرجع مهمات وخدمات بوده چنانکه چندی در جزو اعضای مصلحت خانه دولتی وچندی از اعضای وزارت جلیله عدلیه عظمی وچندی بریاست اداره روزنامجات ومنطبعات دولتی منصوب بوده اند وهمه وقت از اوقات مورد التفات خاص خسروانی وبشرف اصطناع شخص همایون صاحبقرانی خلد الله تعالی ملکه نایل ودر کلیه مسایل علمیه ومشاورات فنیه وصناعیه وهر امری که ابداع واختراع آن منوط بعقل سلیم وسلیقه مستقیم وهندسه صحیح وعلم وافی بوده حسب الاشارهٔ علیه ملوکانه وجود ایشان دخیل وبلکه همه وقت صاحب رای مختار وطرف تصدیق وقبول شخص اقدس همایون شهریار بوده اند

محمد حسن

نمرهٔ هفتاد ویکم

شرف

سنه هزار وسیصد وهفت

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه طهران سالیانه یک تومان ودو هزار دینار

شرح حال مسیو ایفل

مسیو گوستاو ایفل در سال هزار وهشتصد وسی ودوی میلادی مطابق سنه هزار ودویست وچهل وهشت هجری در شهر دیژن متولد شده است ودر مدرسه مرکزی صنایع پاریس تکمیل فنون نموده تا فارغ التحصیل گردیده در سنه هزار وهشتصد و

هفتاد و هشت مدرجهٔ شوالیه نشان لژیون دُنُر نایل شده است در شهر بُردُو هنگام بنای پل آهنین رئیس عمله جات بوده و
در اینعمل امتیاز و شهرتی تحصیل نموده بخصوص از این جهت که برای تسهیل امر این بنا بعضی اختراعات کرد پس از چندی زمانی
در بایون نیز پلی بنا نمود در سنه هزار و هشتصد و شصت و هشت در خط راه گانُری پلها برای مجرای آب بر روی پایه های
آهنین تعبیه کرد و در سال دیگر مجرای آب فوقانی سیول را بهمان وضع احداث نمود در ویانا از بلاد مملکت پرتوغال
صفحهٔ آهنی یک وصل برای پل ساخت که پانصد و شصت و سه متر طول داشت در تارب هم چنین صفحهٔ آهنی ساخته
و بر روی پلی انداخته که ارتفاع آن یکصد متر و فاصلهٔ ستونهای پل از یکدیگر یکصد و چهار متر است در کوب زاک پلی بنا
کرده است که هفتاد و دو متر ارتفاع دارد در کشنشین (خاک ماچین) پلی احداث نموده که هشتاد متر دهنه دارد در شهر
پرتو از مملکت پرتوغال بر روی رودخانه دورو پلی آهنین ساخته که یکصد و شصت متر دهنه طاق آنست و خود پل از سطح
رودخانه شصت و دو متر ارتفاع دارد و هیچ پایه هم درمیان رودخانه ندارد و نیز نظیر آن پُل پل مشهور گارابیت
(در کانتال) است که هم از مصنوعات اوست ولی این پل عظیم گارابیت از سطح رودخانه یکصد و بیست و دو متر ارتفاع
و طاق آن یکصد و شصت و پنج متر دهنه دارد نیز از مصنوعات و معمولات مسیو ایفل استخوان بندی مجسمهٔ آزادی است
که فرانسویان برای امریکا ساختند و اقامتگاه راه آهن پست ویل ژرکدین و جلوخان بزرگ اکسپوزیسیون سال هزار و هشتصد
و هفتاد و هشت میلادی و گنبد متحرک رصدخانه نیس است که این گنبد با اینکه صد هزار کیلوگرام وزن دارد چنان تعبیه
کرده است که طفلی میتواند آنرا حرکت دهد و نیز مسیو ایفل برای کانال (بغاز) پاناما سدهائی ساخته است که
یازده متر ارتفاع دارد و بالاتر و غریب تر از همهٔ این صنایع و اعمال عظیمه برج سیصد ذرعیت که در چند
گاه قبل برای اکسپوزیسیون پاریس ساخته و باسم او موسوم و منسوب شده است

برج ایفل

شرح برج ایفل مشروحاً در روزنامهٔ گرامی اطلاع بنگارش و طبع رسیده است و مطالعه کنندگان گرام را حاجت بتکرار
آن شرح در این جریدهٔ فریده نیست فقط صورت آن برج رفیع در اینجا مرتسم و منطبع میشود که ناظرین از هیئت و وضع
صورت آن نیز اطلاع یابند و بالضروره مجملی از چگونگی بنای آن نیز چنانکه در روزنامجات مصور فرنگ نگاشته اند
ذیلاً نگارش میشود

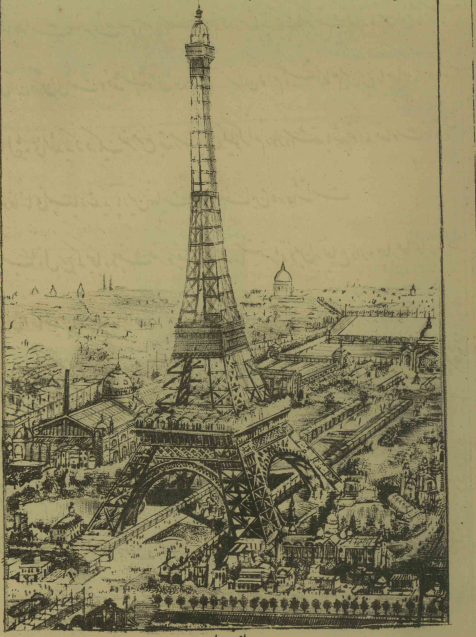

برج ایفل

این برج کلیةً از آهن بنا شده و وضعاً عبارت است از چهار پایهٔ مورب که این پایه ها در قرب زمین بقدر یکصد و چهار
متر از یکدیگر مسافت دارند و هرچه بالا میروند بیکدیگر نزدیک شده تا در صد و هشتاد متر ارتفاع بواسطهٔ یک طاق
بهمدیگر وصل و پیوسته میشوند وزن کلیهٔ برج تخمیناً سیزده کرور کیلوگرام است چهار ماشین برای صعود باین برج تعبیه

شده است که تماشائیان را بمرتبهٔ اول و دویم برساند لیکن از مرتبهٔ دویم ببالا دو ماشین برای صعود

مهیا و موجود است سرعت صعود این ماشینها از قرار هر ثانیه یک متر است که از پائین برج تا مرتبهٔ

اعلای آن در شش الی هفت دقیقه میتوان بالا رفت میزان قوام و استحکام این برج را چنان گرفته‌اند که

در مقابل بادی شدید که در یک متر مربع بقدر سیصد کیلوگرام زور داشته باشد بتواند مقاومت نماید و حال

آنکه طوفانهای بسیار شدید پاریس نهایت بقدر نصف این زور داشته است

در مرتبهٔ اول برج که پنجاه و هفت متر و شصت و سه سانتیمتر از زمین ارتفاع دارد چهار مهمانخانه برای

خوردن و آشامیدن ترتیب داده‌اند

و در مرتبهٔ دویم که یکصد و پانزده متر و هفتاد و سه سانتیمتر ارتفاع دارد ادارهٔ روزنامهٔ فیگارو و قرخانه

ترتیب داده و روزنامه از آنجا منتشر میشود موسوم به فیگارو ی برج ایفل

در مرتبهٔ سیم افق از همه جهت مرئی میشود و اگر هوا صاف و خوش باشد افق منتهای امتداد را بهم میرساند

و ممکنست شخص تا نود کیلومتر اطراف را ببیند بنابراین شخص میتواند با دوربین خوبی از بالای آن برج

دایره‌ئی را که چهل و پنج لیو قطر داشته باشد مشاهده و سیاحت کند

این برج بمبلغ شش ملیون و پانصد هزار فرانک که تقریباً متجاوز از یک کرور و سیصد هزار تومان

پول حالیهٔ ایران میباشد تمام شده است

محمد حسن

نمره هفتاد و دویم

شرف

سنه هزار و سیصد و هفت

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره طبع میشود

قیمت نسخه طهران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب نظام السلطنه

جناب حسینقلیخان نظام السلطنه والی عربستان و بختیاری موطن ایشان دار السلطنه قزوین و اسلاف
معزی الیه اگرچه همه در سلک اهل سیف انتظام داشته و ریاست تمام طوایف ایلات و سرتیپی سواره قزوین
و غلامان رکابی با ایشان بوده است ولی خود جناب معزی الیه از بدایت عمر باقتضای علو همت بتحصیل علوم عربیه
و فنون ادبیه و انواع فضایل خاصه انشاء رسایل و تکمیل انواع خطوط پرداخته تا در مراتب کمالات و علوم مقامی معلوم
حاصل نمود نواب غفران مآب شاهزاده حسام السلطنه طاب ثراه معزی الیه را پس از اختبار برای تحریرات مخصوصه
خود اختیار نموده و درین ضمن چون بمراتب کاردانی و کفایت معزی الیه خبرت و وثوقی تمام داشت معزی الیه را
هم در امور ایالتی مداخلت میداد و هم گاهی بحکومت بعضی از ولایات حوزه ایالت خود مأمور میفرمود تا در سنه هزار و
دویست و هشتاد و پنج پیشکاری و وکالت کلیه امور شاهزاده مبرور بمعزی الیه مرجوع افتاد در هشتاد و هشت حسب الاراده
علیه ملوکانه خلد الله سلطانه مستقیماً بوزارت اصفهان که در آنسال مجاعت امری خطیر بود منصوب گردیده چون مراتب کفایت
ایشان درین مأموریت کاملاً مکشوف افتاد باعطای نشان و حمایل درجه دویم سرتیپی سرافراز و در هشتاد و نه بعلامت مزید مرحمت
ملوکانه بیک قطعه کمر مرصع نایل شدند در سنه هزار و دویست و نود و دو بحکومت ولایت یزد و لقب سعد الملکی منصوب و ملقب و در
نود و سه بحکمرانی بندر بوشهر و دشتی و دشتستان مأمور و در نود و پنج باداره مرحوم مبرور امین السلطان داخل و بریاست و تحویلداری
کل غلات دیوانی ممالک محروسه نایل شده در سنه نود و نه بتصویب امین السلطان حکومت بندر عباس و بندر لنگه و اداره
گمرک مملکت فارس بمعزی الیه راجع گردید و در آنسال اسکله بندر عباس را ایجاد و اساس حکومت آنجا را در ابروجی خوش و رسمی منظم
تأسیس و بعضی طوایف اعراب وحشی را بدون تهدید مطیع و رام نمودند در سنه هزار و سیصد برکاب مبارک احضار و در سال هزار و سیصد و دو

بحکومت خمسه و ایلات شاهسون و بیرون و افشار منصوب و برقرار شده سه سال متوالی با خدمات حسنه در آنجا حکمرانی کرده
سال اول بخطاب جلیل جنابی نایل و سال دویم بخلعت جبه شمسه مرصع مخلع و سال سیم بیک قبضه عصای مرصع مباهی آمدند

جناب میرزا محمود مستوفی اول

در سال اول حکومت خمسه خدمت فروش بعضی از خالصه جات دیوانی را که موجب صرفه دولت و انتفاع رعیت و مزید آبادی
املاک و مزارع بود متکفل گردیده در پیشگاه دولت مقبول و در سایر بلاد محروسه نیز حسب الامر معمول افتاد در سنه هزار و سیصد و پنج

بحکومت عربستان و بختیاری منصوب و بلقب جمیل نظام السلطنه ملقب و بحمایل و تمثال مرصع مخلع و پس از مرخصی از رکاب مبارک حدود بختیاری را کاملاً منظم نموده باعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون سرافراز شدند و پس از ظهور خدمات شایان ایشان در ایالت عربستان از مرمت قلعه سلاسل شوشتر و کوشک دزفول و اصلاح امور و تنظیم ثغور عربستان و تأمین فلاحیه برتبه جلیل امیر تومانی و نشان و حمایل این درجه مفتخر و سربلند گردیدند

جناب میرزا محمود مستوفی اول

جناب میرزا محمود مستوفی ولد مرحوم میرزا شفیع صاحبدیوان آشتیانی که آن مرحوم پسرزاده مرحوم میرزا کاظم مستوفی الممالک کریمخان زند بود و عموزاده بلافصل مرحوم آقا میرزا یوسف صدراعظم و در عهد شاهنشاه مبرور ماضی و اوایل این عصر معدلت حصر همایون از رجال معظم و مقدمین و رؤسا ارباب قلم دولت بشمار می آمد بالجمله میرزا محمود در ذی الحجه الحرام سال هزار و دویست و پنجاه و سه هجری متولد شده پس از تحصیل دانش و کسب فنون ادب و تدرب در آداب خدمت دولت در سال هزار و دویست و هفتاد و دو که مرحوم صاحبدیوان برحمت یزدانی پیوست معزی الیه بمنصب استیفا سرافراز شده داخل دایره چاکری و خدمت دیوان گردیدند در سال هفتاد و هشت عمل استیفا و محاسبه نطنز و دماوند و فیروزکوه بمعزی الیه مرحمت شد در توی ئیل هشتاد و هفت با حسام السلطنه مرحوم بخراسان رفته مدت سه سال هم در آن مملکت بخدمت محاسبات و پیشکاری مالیه دیوان اشتغال داشت پس از مراجعت از خراسان در سال هزار و دویست و نود و یک محاسبه ولایت همدان بمعزی الیه واگذار و در هزار و سیصد محاسبه مملکت خراسان باین مرجوع و مرحمت گردیده و در اینمدت سی و پنج سال خدمت همه وقت مراتب راست قلمی و دولتخواهی و حسن خدمات معزی الیه در پیشگاه حضور همایون معلوم و مکشوف و طرف مرحمت و تلفتات عمادات خاص خسروانه بوده و هستند

محمد حسن

نمره هفتاد و سیم

شرف

سنه هزار و سیصد و هفت

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

مرحوم لسان الملک

مرحوم میرزا محمد تقی لسان الملک سپهر کاشانی طاب ثراه از بزرگان و بزرگزادگان کاشان و مولدش نیز در همان بلد است از طرف پدر نسب بمیرزا مهدیخان وزیر نادرشاه افشار میرسد و از جانب مادر بسلاطین صفویه منتهی میشود چون چندی کسب

علوم از نحو و صرف و منطق و نجوم و رمل و اسطرلاب و هندسه و حساب و حکمت و کلام و فقه و اصول بپرداخت رغبتش
بشعر فارسی افتاد و در وزن کاری در فن عروض و قافیه و استیعاب بر اشعار عجم و ضبط و حفظ لغات فرس عمر گرانمایه را
مصروف داشت و در علم قوافی که تقریباً ششصد سال بود در ایران منسوخ گشته بود مقنن قوانین شد و کتابی موسوم ببراهین العجم
تصنیف کرد تا رفته رفته صیت علم و فضلش بهمه جا رسید و نواب غفران مآب شاهزاده محمود میرزا ابن خاقان مغفور که در آن زمان
حاکم نهاوند و مضافات بود آن مرحوم را از کاشان بمنادمت خویش طلب فرمود و چون در مراتب فضیلت و سخنوری رفعت مقام
و پایه کلامش را شناخت بسپهرش ملقب ساخت و وزارت خویش بدو سپرد و چون مراتب هنر و کفایتش بعرض آستان خاقان خلد
آشیان مبرور رسید سپهر را بمرکز خلافت احضار و در سلک چاکران دربارش منسلک فرمود و در عهد شاهنشاه مبرور
مغفور محمد شاه انار الله برهانه مغزی الیه بمنصب نبیل استیفا و خدمت قرائت شعر سلام اعیاد منصوب و مخصوص گردید و از طرف
قرین الشرف شهریاری بنگارش و تالیف کتاب مستطاب ناسخ التواریخ که مستغنی از توصیف است بر ذمت همت او مقرر
افتاد تا گاهی که گاه کیانی بفر جلوس ابد مانوس همایون اعلیحضرت اقدس صاحبقرانی خلد الله تعالی ملکه و دولته زیب و آرایش
گرفت بر علو درجات آن مرحوم افزوده بلقب لسان الملکش ملقب و قرائت دستخطهای آفتاب نمط و فرامین قضا آیین را ضمیمه
سایر خدمات مغزی الیه ساختند و پس از چندی جنرو اعضاء و وزراء مصلحتخانه مبارکه برقرار آمد و هنگام ترتیب مجالس
تنظیمات حسنه در ولایات ممالک محروسه که ریاست آن با مرحوم شاهزاده اعتضاد السلطنه بود مغزی الیه بنیابت کلیه برقرار
و بمنصب استیفا از درجه اول و خطاب جلیل جنابی منصوب و مخاطب گردید و با این مشاغل دولتی قریب بپانصد هزار بیت
بقلم خود تصنیف و تالیف فرمود و معادل بیست هزار بیت انشاد قصاید و اشعار نمود که مانند ناسخ التواریخش ناسخ دیوان
بالجمله چون سنین عمرش بهشتاد و اند رسید در هفدهم ربیع الثانی سنه هزار و دویست و نود و هفت هجری داعی حق را لبیک گفته
جسدش در نجف اشرف مدفون گشت رحمت الله علیه

کتب مؤلفه آن مرحوم

مجلدات ناسخ التواریخ از هبوط حضرت آدم علیه السلام تا پایان شرح حالات حضرت سید الشهداء علیه آلاف التحیة و الثناء
با وقایع اقالیم ربع مسکون بعلاوه کتاب تاریخ دولت علیه قاجاریه نه جلد کتاب براهین العجم فی قوافی معجم جلد
جنگ التواریخ جلد دیوان اشعار جلد آیینه جهان نما که فهرست اسامی جهانیان پس از هجرت تا این عهد جاوید
مهد است

جناب لسان الملک میرزا هدایت الله

جناب میرزا هدایت الله مستوفی اول لسان الملک ثانی مهین فرزند مرحوم میرزا محمد تقی لسان الملک کاشانی است
و بطناً دخترزاده مرحوم فتحعلیخان ملک الشعراء خاقان مغفور در سن دوازده سالگی چون بر مراتب خط و ربطش آگاهی حاصل بود
بمنصب انشاء سرافراز شد و چون مجلس مصلحت خانه دولتی در دربار همایون منعقد گشت تحریرات مجلس مزبور بعهده مغزی الیه مفوض

شد و پس از چندی از روی سزاواری بمنصب استیفا از درجهٔ سیم نایل آمد و در مجلس تنظیمات حسنهٔ دار الخلافه اوّل شخص بود و سرخط مالیات دار الخلافه بعهدهٔ جناب معزی الیه حوالت رفت و چون لسان الملک مرحوم بدرود زندگانی گفت نظر باینکه معزی الیه بهنگام حیات آن مرحوم در نگارش کتب ناسخ التواریخ و تصحیح اراجیز و اشعار و امثله و اخبار عرب معاونت و شرکت داشت خدمت تاریخ نگاری دولت و اتمام تقیهٔ مجلدات ناسخ التواریخ بعهدهٔ درایت معزی الیه مقرّر و بلقب لسان الملکی ملقب شد و محض امانت و کفایت ایشان تولیت موقوفات عراق از جانب آستانهٔ مقدسهٔ رضویه علیه السلام و شخص اقدس همایون سلطنت خلد الله ملکه بمعزی الیه مرجوع گشت و در سنه هزار و سیصد و پنج بخطاب جلیل جنابی و منصب استیفا از درجه اوّل نایل شدند امّا مراتب فضل و هنر معزی الیه در سن شباب قصاید عربیه مانند شعرای عرب میسروده و در انواع علوم از نحو و صرف و منطق و معانی و بیان و بدیع و هندسه و حساب و هیئت و رجال و درایه و قرائت و حکمت الهی و طبیعی و تفسیر و فقه و اصول و ادبیات و غیره خبرتی وافی یافته و در بسیاری از این علوم تعالیق و تصانیف پرداخته در صنعت نقاشی و خط شکسته و نستعلیق رنجها برده تا مقبول اساتید افتاده و در شعر فارسی بقصاید با استادان سلف همسری نموده و در فن رمل بتائید الهی توسل جسته و از مصنفات ایشان آنچه مدوّن است کتاب مرآت العقول فی تهذیب العقول مشتمل بر هشتاد هزار بیت کتاب شرح حالات حضرت سید الساجدین علیه السلام نیز بمیزان هشتاد هزار بیت کتاب حلال المعضلات فی حل المشکلات در علوم ادبیه که تقریبا دویست هزار بیت است کتاب تذکرهٔ خوشنویسان معادل پنج هزار بیت دیباچة الکتاب حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام سه هزار بیت رساله در جواب نامهٔ هند قریب بهزار بیت دیوان اشعار از عربیه و فارسیه و بعضی منشآت ده الی پانزده هزار بیت بعضی رسایل و جاز دیگر از قبیل شرح التعاریف و رسالة الدیناریه و رسالة الجوکیه و برخی رسایل در علم صنعت) ذکا و حافظهٔ جناب معزی علیه چنان است که هرچه را یکبار استماع نمایند بالتمام محفوظ میدارند و عجب اینست که در شاعری چنان قادر که مکرر اتفاق افتاده سلام دولتی منعقد گشته و شاعر سلام حاضر نبوده معزی الیه حسب المقرر چند بیتی مرتجلا سروده و در پیشگاه همایون اعلی عرض و انشاد نموده اند

معتمد السلطان میرزا عباسقلیخان سپهر

مؤتمن السلطان میرزا عباسقلیخان سپهر مستشار الوزاره مستوفی دیوان اعلی دویمین فرزند مرحوم مبرور لسان الملک که از برآوردگان انعهد همایون است نسب معزی الیه صلبا و بطنا همان است که در ضمن احوال جناب لسان الملک نگارش یافت در سنه هزار و دویست و شصت و هشت متولد شده و از مبادی عمر و اوایل شباب باقتضای جبلت هنردوستی

مؤتمن السلطان میرزا عباسقلیخان سپهر

و تشویقات مربی و پدر والاگهر خود بکسب فضایل و فنون ادب و مزاولت در لسان عرب و صنعت رمل و انشاء اشتغال جسته تا در اکثر فنون ادبیه و علوم مرقومه صاحب معلومات و میانهٔ اقران مشار الیه بالبنان شد و در خور خدمت دولت و دیوان آمد تا در سنه هزار و دویست و هشتاد و هفت بسمت منشی گری مخصوص وزارت جلیلهٔ خارجه و در نود و سه بمنصب دارالحکومه

دفتر وزارت خارجه نایل و پس از چندی بریاست مجلس اجرا احکام آن وزارت جلیله منصوب و در نود و نه برتبت منشی گری

اول مفتخر و در هزار و سیصد بمقام نیابت دویم وزارت خارجه نایل شد و در ضمن بحسب امر و اجازت از طرف دولت بترجمه

وفیات الاعیان ابن خلکان که موسوم بمشکوة الادب ناصریست اشتغال نموده میزان دانش و تتبع و درجه عبارت سازی

و نامه پردازی و حسن بلاغت و لطف براعت خویش را بظهور رسانید چنانکه امروز از مشاهیر نگارندگان و اهل قلم است

(و من یشابه ابه فما ظلم) و نیز کتابی مبارک که بصفت بلاغت موصوف است و بتذکرهٔ ناصری معروف با تلیف

و جزو اول آنرا که موسوم باوصاف ناصریست طبع نموده با ربع اول کتاب مشکوة الادب ناصری تقدیم آستان

مبارک داشته مورد تحسین افتاد و در سنه هزار و سیصد و چهار بلقب سپهر و رتبهٔ نیابت اول وزارت خارجه نایل

گردید و پس از چند ماه بخدمات مخصوصهٔ ادارهٔ وزارت عدلیه عظمی مأمور و بتوسط جناب مستطاب عضد الملک وزیر

حضور همایون که در آنوقت وزارت عدلیه اعظم مفوض بجناب معظم ایشان بود بلقب مستشاری وزارت عدلیه

عظمی و منصب استیفاء از درجه دویم نایل شد تا کنون قریب چهارصد هزار بیت تحریر و تالیف کرده و مؤلفات معزی الیه

از اینقرار است (کتاب مشکوة الادب ناصری که تا کنون چند مجلد از آن پرداخته شده و جلدی که مخصوص

بشرح حالات بابرکات حضرت امام زین العابدین علیه السلام است جناب حاجی علاء الملک برسبیل وقف بطبع

میرسانند رسالهٔ برهان البشوه که بطبع رسیده کتاب تذکرهٔ ناصری که تا کنون سی هزار بیت تحریر شده جزو اول

از کتاب تذکرهٔ مبارکه که موسوم باوصاف ناصریست و بطبع رسیده است شبستان اندرز ناصری در حکایات عجیبه

کتاب مستجمع الاجوبة الحاضره چند رساله دیگر در مطالب متفرقه

محمد حسن

شرف

نمرهٔ هفتاد و چهارم — سنه هزار و سیصد و هفت

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد قیمت نسخه ملقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب شیخ الاطبا

جناب میرزا حسینعلی شیخ الاطبا که از اطباء مخصوص حضور همایون است پدران و اسلاف معزی الیه همه از اهل علم و دانش

بوده و در بسیاری از علوم شریفه از فقه و اصول و حکمت الهی و طبیعی و ریاضیات در هر دورهٔ تدریس و تدرس منموده اند

خود جناب معزی الیه درمیانه علوم و فنون طب را اختیار کرده و سالها در محضر مرحوم حاجی میرزا موسی تحصیل طب ایرانی
نموده تا در این فن مجاز و بین الامثال ممتاز شد از آن پس در مدرسه مبارکه دار الفنون روزگاری نیز بتحصیل طب و تشریح
فرنگی پرداخته سه نوبت امتحان داد و هر بار به نشان امتیاز علمی و اظهار الطاف دولتی سرافراز شده که سومین نشان
مبذول درباره ایشان طلا بود و پس از فراغت از تحصیل و تکمیل فنون طبیه و ظهور مراتب علم و دانش و ثبوت مدارج
حذق و بینش معزی الیه تقریباً بیست و یکسال قبل از این از روی سزاواری بمنصب و لقب حکیمباشی گری آستان بوّاب
غفران مآب حضرت مهد علیا طابت تربتها اختصاص یافته در آن آستانه مشغول خدمتگذاری بود تا روح پاک
آن معظمه بسرای جاودانی و جوار رحمت یزدانی ارتحال فرمود جناب معزی الیه نظر بسابقه خدمت و وفور دانش
ولیاقت بشرف خدمت خاص و قربت آستان سپهر اساس سلطنت نائل آمده در سلک اطبای خاصه حضور
همایون منسلک گردیدند و پس از چندی بلقب نبیل شیخ الاطبا ملقب و کراراً بخلاع مهر شعاع ملوکانه مخلع و نیز
بیک قبضه عصای مرصع از امتیازات نبیله نایل آمده و تقریباً از هفده هیجده سال قبل تاکنون سفراً و حضراً
ملتزم خدمات حضور مبارک و مصدر معالجات عمده و مورد اعتماد و التفات خاص همایون ملوکانه بوده و میباشند

جناب حاجی میرزا محمد حکیمباشی

جناب حاجی میرزا محمد حکیمباشی شیرازی از صنادید اطبای این عهد میمون و از رجال محترم عصر همایون است خاندان
جناب معزی الیه در فارس بعزت و اعتبار و قدمت اشتهار معروف و بفضل و علم و دانش موصوفند علی الخصوص
جناب معزی الیه در فن طب از تاثیر وراثت و تکثیر ممارست بمقامی بلند ارتقا جسته تا مسلم اقران افتاده است
و تحصیل و تکمیل این صناعت را در خدمت والد ماجد خود مرحوم خلد آشیان حاجی میرزا علی اکبر حکیمباشی نموده که آن مرحوم
در فنون فلسفه و حکمیات مسلم عصر خود بوده و قرب دو کرور بیت از کتب معقول و منقول بخط خویش نگاشته و بیادگار
گذاشته است سایر اولاد آن مرحوم نیز اکنون در شیراز با شرط حذاقت بمعالجات اشتغال دارند بالجمله جناب
حاجی میرزا محمد حکیمباشی که امسال بعد از مراجعت از زیارت اعتاب عالیات عراق عرب و مشهد مقدس خراسان

دار الخلافه آمد مشمول مراحم و الطاف ملوکانه افتاده فرزند اکبر ارشدش میرزا حسام الدین حافظ الصحه را که
در ذیل احوال خود معزی الیه نگارش می یابد بلقب مسیح الملک ملقب و ولد اوسطش میرزا احمد علی که فعلاً در

جناب حاجی میرزا محمد حکیمباشی

جناب معتمد السلطان میرزا موسی مسیح الملک

فارس است بمنصب استیفا از درجه سیم منصوب و پسر کهترش میرزا ابراهیم را که نیز در شیراز بکسب فنون شرعیه اشتغال دارد نیابة

غایبانه مشمول تفقدات فرموده و خود جناب حکیمباشی را مقرر داشتند که تا عید نوروز در دار الخلافه اقامت نماید

معتمد السلطان مسیح الملک

معتمد السلطان مسیح الملک میرزا عبد الوهاب الشهیر بمیرزا حسام الدین حافظ الصحه از افاضل اطبای حضور باهر النور همایون است و در فنون طبیه و شعب معالجات خبرتی لایق و حذاقتی فایق دارد در عنفوان عمر باکتساب ادبیات و تحصیل طب ایرانی پرداخته پس حکمت الهی و طبیعی را از محضر مرحومین حاجی ملا محمد رضای حکیم الهی و میرزا عباس دارابی بیاموخت و فنون ریاضی را در خدمت حاجی شیخ محمد مهدی طبرسی بجوری فرا گرفت و طب را در خدمت والد معظمش جناب حاجی میرزا محمد حکیمباشی تحصیل نموده چون در مراتب این علوم و فنون بدرجه کمال نایل و فارغ التحصیل شد از شیراز بدار الخلافه آمده مدتی مدید نیز در مدرسه مبارکه دار الفنون تحصیل لغت فرانسه و طب جدید و ریاضیات اروپائی اشتغال ورزید تا در سنه هزار و دویست و نود و چهار بتوسط جناب دکتر طولوزان حکیمباشی بخاکپای همایون مشرف و بخدمت حفظ صحت مملکت فارس مامور گردید و در شهر شیراز مجلسی حافل برای حفظ صحت تشکیل داد در سال نود و هشت بنشان و حمایل سرهنگی نایل شد و در هزار و سیصد بیکقطعه نشان از درجه چهارم شیر و خورشید سرافراز آمد در سیصد و یک بدار الخلافه عودت نموده حسب اللیاقه در عداد اطبای حضور ساطع النور مبارک انتظام یافت و از آن تاریخ تاکنون پیوسته سفراً و حضراً ملتزم رکاب همایون و مورد توجهات و الطاف ملوکانه است و در این اوقات از روی سزاواری باتصویب جناب مستطاب امین السلطان وزیر اعظم بلقب مسیح الملکی ملقب و مفتخر آمد

محمد حسن

نمرهٔ هفتاد و پنجم

شرف

هزار و سیصد و هفت

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

عمدة الامراء العظام میرزا ابوتراب خان سرتیپ

عمدة الامراء العظام میرزا ابوتراب خان سرتیپ اول ولد میرزا حبیب الله خان نوری نوادهٔ مرحوم میرزا فتح الله وزیر لشکر

که پدر بر پدر از چاکران مخصوص این دولت روز افزون و همیشه مصدر خدمات بزرگ بوده‌اند در سنه هزار و دویست و هفتاد و هفت متولد شده و در دویست و نود با والد خود به تبریز رفته در آنجا بتحصیل فنون ادبیه و کسب کمالات متداوله و انشاء رسائل پرداخته پس از فراغت بتعلم علوم خارجه و السنهٔ اروپائی اشتغال جسته تا در زبان فرانسه و مقدمات ریاضی و جغرافیا و فیزیک و شیمی مهارتی تام حاصل نمود و در امتحانات عدیدهٔ مدارس دولتی تبریز و دار الخلافه طهران بتصدیقات و نشانهای امتیاز علمی از مس و نقره و طلا نایل و مفتخر شد در سنه هزار و دویست و نود و شش که ادارهٔ پولیس در دار الخلافه طهران برحسب ارادهٔ دولت قوی شوکت روز افزون ایجاد و برقرار شد معزی الیه برحسب لیاقت بسمت نیابت و معاونت ریاست پولیس داخل ادارهٔ نظمیه گردیده در طی خدمات ادارهٔ مزبوره هر روز باظهار کفایتی در خور عنایتی از طرف دولت افتاده در نود و شش بیکقطعه مدال نقره و در نود و هفت بیک قطعه مدال طلا و در نود و هشت بمنصب و نشان و حمایل سرهنگی نایل و سرافراز شد در سنه سیصد باعطای نشان درجه سیم شیر و خورشید و در سیصد و یک بمنصب سرتیپی سیم و نشان و حمایل این رتبه سربلند و در سیصد و سه بمنصب و حمایل و نشان سرتیپی دویم و نیابت کل ادارهٔ نظمیه و ششصد تومان مواجب از محل ادارهٔ مزبوره مفتخر گردیده در سیصد و پنج بیک قبضه شمشیر از درجه چهارم ممتاز شد و در سنه هزار و سیصد و شش حسب الاستحقاق بمنصب و حمایل و نشان سرتیپی اول اختصاص یافته و در این سال هزار و سیصد و هفت پس از مراجعت موکب ظفر کوکب همایون از سفر فرنگستان بپاداش خدمات معزی الیه در غیاب موکب مبارک در معاونت نظم و محافظت

امنیت شهر دار الخلافه باعطای یک قبضه شمشیر مرصع از درجه سیم سرافرازی و مفاخرت کامل حاصل نمود و پیوسته اوقات مراقب خدمات مقرره اداره نظمیه و پلیس میباشد

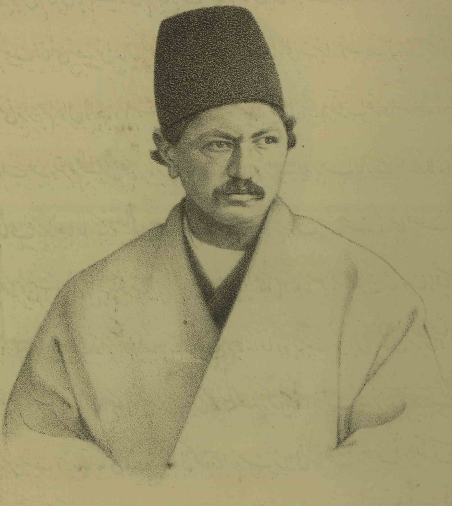

میرزا ابوتراب خان سرهنگ نقاش مخصوص

مرحوم میرزا ابوتراب خان غفاری کاشانی برادر زاده مرحوم میرزا ابوالحسنخان صنیع الملک نقاشباشی قدیم

برادر میرزا محمد خان پیشخدمت و نقاشباشی حالیه حضور همایون از اوایل عمر بر حسب استعداد فطری و اقتضای
وراثت بتحصیل صنعت نقاشی پرداخته در چهارده سال قبل از کاشان بدار الخلافه آمد و در مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون
بتکمیل صنعت نقاشی و تحصیل زبان فرانسه و غیره پرداخته یوماً فیوماً آثار رشد و ترقی او در مراتب صنعت و هنر مشهود
و در هر موقع امتحان بامتیازی از امتیازات علیه از نشان مس و نقره و طلا ممتاز و مخصوص گردیده تا
در صنعت نقاشی بتصدیق اساتید تکمیل و فارغ التحصیل شد و در مبادی سنه هزار و سیصد که روزنامهٔ شریفهٔ شرف
مبتنی بر تراجم احوال و تصاویر و اشکال طبقات اشراف و رجال بتوسط جناب اعتماد السلطنه وزیر انطباعات
دولت علیه و مترجم مخصوص حضور همایونی ایجاد شد میرزا ابوتراب خان بر حسب اجازت علیه ملوکانه و انتخاب
جناب وزیر انطباعات اشتغال برسم و تصویر اشکال روزنامهٔ شرف و غیره جسته تدریجاً صنعت نقاشی
باسمه و فن لیتگرافی را چندانکه مقدور بود ترقی داده بدرجهٔ کمال آورد تا مسلم اقران شد و مشار الیه با بیان
و در طی این خدمت گذاری مورد عنایات خاصهٔ ملوکانه افتاده برتبت و حمایل و نشان سرهنگی و نشان درجهٔ
سیم شیر و خورشید و خلاع متعدده خسروانه نایل و سرافراز گردیده تا در شب سه شنبه نوزدهم شهر رجب المرجب
در سن سی و هشت سالگی بدرود زندگانی گفته بجوار رحمت یزدانی شتافت و از طرف قرین الشرف پادشاهانه
دربارهٔ اعقاب آنمرحوم بذل کمال مرحمت شد و خدمت نقاشی و صنعت تصویر روزنامهٔ شرف از طرف
وزارت انطباعات بر حسب تصدیق میرزا محمد خان نقاشباشی بمیرزا موسی که از تربیت یافتگان مخصوص مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون
و مخصوصاً در این شعبه از صنعت نقاشی ماهر و مجرب است آولی و ثانی مرحوم میرزا ابوتراب خان مرجوع شد

محمد حسن

نمرهٔ هفتاد و شش

شرف

هزار و سیصد و هفت

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

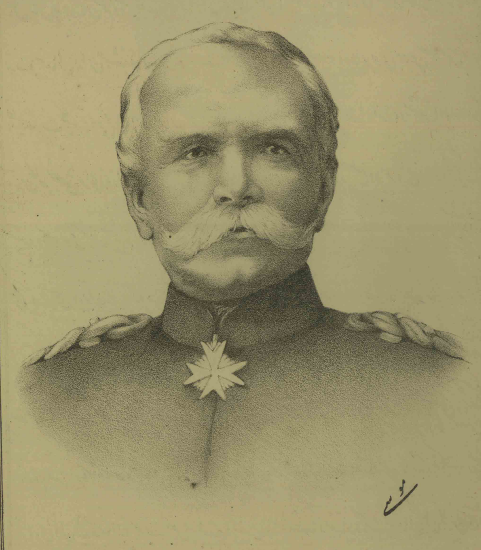

جناب مسیو دوکاپریوی صدر اعظم دولت المان

از قرار مسطورات روزنامجات مصور فرنگ جانشین پرنس بیزمارک (مسیو دوکاپریوی) از اهل دیپلومات

نیست اوقات عمر خود را در خدمت عسکریه و دایرهٔ نظام بسر برده است جنرال کاپریوی نخست صاحب منصب بزرگ اتاماژر و رئیس یک دیویزین (دیویزین عبارت از تومان است) قشون و بعد امیر البحر دولت المان و تا این اواخر رئیس کل یک اردوی قشون بوده است در فن و عملی که تدرب و مهارت دارد یکی فنون عسکریه است که مدت چهل سال چه در زمان سلم و امنیت و چه در اوان جنگ شغل و صنعت او بوده و دیگری اعمال بحریه است که مدت پنجسال بدان اشتغال داشته است بنابراین از انتخاب مسیو دو کاپریوی چنین معلوم میشود که اعلیحضرت گلیوم دویم امپراطور المان میخواهند بعد از این پلتیک دولت را شخصاً اداره نمایند و بدین لحاظ شخصی را برای وزارت خود اصطناع و اختیار فرموده اند که در کلیه امور مطیع اوامر و تابع ارادهٔ خود ایشان خواهد بود

مسیو دو کاپریوی که از بستم ماه مارس صدر اعظم دولت فخیمه المان میباشد در بیست و چهارم ماه فوریه سال هزار و هشتصد و سی و یک مسیحی در برلن متولد شده پدرش در مجلس بزرگ محاکمات مستشار بوده است این مرد جوان پس از تحصیلات خود در اول ماه آوریل سنه هزار و هشتصد و چهل و نه داخل رژیمان فرانسوا ژزف که سربازان مستحفظ بودند شد و در جنگ سنه هزار و هشتصد و شصت و شش سر کرده بود و با تاماژر سردار کل قشون اول که در بوهم حرکت میکرد بستگی داشت و همچنین در جنگ سنه هزار و هشتصد و هفتاد مسیحی (یعنی جنگ المان و فرانسه) در گرفت مشارالیه نایب هنگ و رئیس اتاماژر اردوی اول شد که متوالیاً بطرف متس میرفت در سنه هزار و هشتصد و هفتاد و یک لیوتنان کلنل کاپریوی در دایرهٔ وزارت جنگ بریاست یکتومان قشون برقرار و در سال هزار و هشتصد و هفتاد و شش رئیس مامورین نظامی المان در مشقهای بزرگ روس شد در سال هزار و هشتصد و هشتاد و دو بمنصب لیوتنان جنرالی نایل و بریاست دیویزین سی ام قشون پیاده در متس برقرار شد در این بین امپراطور گلیوم اول او را بریاست دایرهٔ امارت بحریه طلبیده و رتبهٔ وزارت و لقب ویس امیرالی بوی عطا فرمود

دکتر هدین

اسون هدین در استکهلم پای تخت دولت سود بتاریخ نوزدهم ماه فوریه سال هزار و هشتصد و شصت و پنج مسیحی متولد شده پدرش لود ویک هدین در این شهر معمار مخصوص دولتست چون مشارالیه بمبادی شباب رسید در یکی از مدارس شهر استکهلم تحصیل علوم کرده در سنه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج بباد کوبه مسافرت نمود و مدت هفتماه در آنجا نزد نابل که از اهل سود و مالک چاههای نفت است مستخدم شد در ماه آوریل سنه هزار و هشتصد و هشتاد و شش مسافرت بایران نموده

از راه رشت بدار الخلافه طهران آمد و مسیو هینبت خان دندان ساز مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دام ملکه او را در منزل خود پذیرفت پس از دار الخلافه طهران باصفهان و شیراز و بوشهر مسافرت کرد و از آنجا ببغداد و از بغداد با کاروان تجارتی بکرمانشاهان آمده در آنجا حاجی آقا حسنخان وکیل الدوله انگلیس او را بمهربانی پذیرائی کرد و از آنجا با پست ایرانی از راه همدان مجدداً بطهران آمد و بعد از بیست روز اقامت در منزل مسیو هینبت خان عازم مراجعت بسوئد شده از راه مشهدسر و بادکوبه و تفلیس و اسلامبول و وینه و برلن بوطن خود رفت و شرحی از مسافرت خود نوشته نسخهٔ از آنرا محض تشرف بحضور مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارسال و تقدیم داشت و ثانیاً در مدارس عظیمهٔ اوپسال و استکهلم و برلن بتحصیل و تکمیل علوم پرداخته فن جغرافیا و علم طبقات الارض را بخوبی فرا گرفت و در سال هزار و هشتصد و نود مسیحی مطابق با پارس‌ئیل سنه هزار و سیصد و هفت هجری بسمت مترجمی اول سفارت مخصوص که از طرف اعلیحضرت پادشاه سوئد و نروژ مامور دربار ایران گردید که بزرگترین نشان آن دولت را که موسوم به سارافن است بحضور همایون شاهنشاهی اهدا و تقدیم نماید مشارالیه دیگربار بدار الخلافه آمد هیئت سفارت مزبوره پس از انجام ماموریت از راه بوگارست بسوئد مراجعت نمود ولی دکتر هدین که میلی تمام بتحصیل اطلاعات کامله از وضع ایران داشت از طرف اعلیحضرت پادشاه سوئد اجازت حاصل نمود که باز چندی در طهران بماند و بعد از راه مشهد مقدس و سرخس و مرو و بخارا و سمرقند و اوزون ادا و حاجی ترخان و مسکو و سنت پطرزبورغ بشهر استکهلم مراجعت نماید دکتر هدین از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بنشان درجه سیم شیر و خورشید و از طرف قرین الشرف اعلیحضرت سلطان عثمانی نشان مجیدیه از درجه سیم مرحمت و اعطا شده است

محمد حسن

نمرهٔ هفتاد و هفتم

هزار و سیصد و هفت

شرف

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکمرتبه طبع میشود

قیمت نسخه در طهران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب امیرالامراء العظام سلیمان خان صاحب اختیار

جناب امیرالامراء العظام سلیمانخان افشار صاحب اختیار امیرتومان که از مبادی دولت قوی شوکت قاجاریه تاکنون پدر بر پدر از امراء

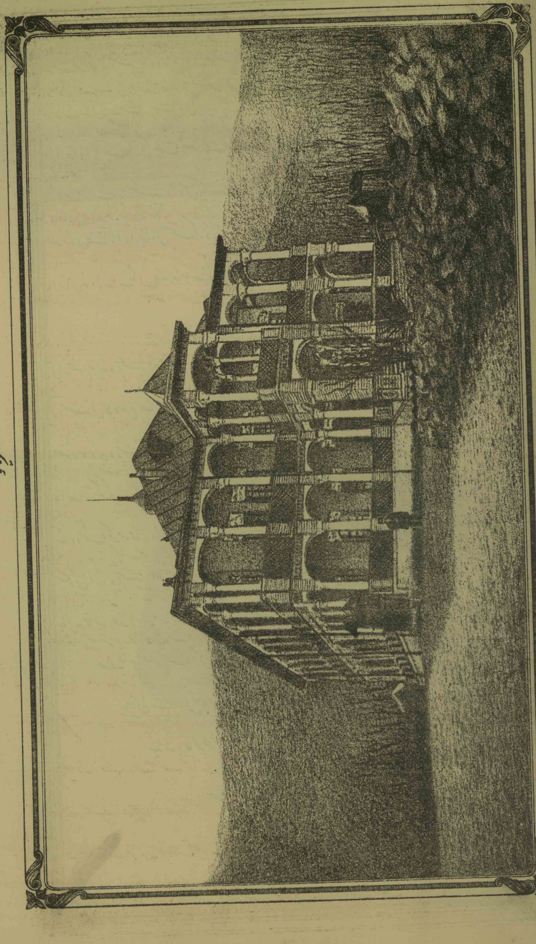

تبریز

بزرگ دربار و چاکران صدیق خدمتگذار دولت جاوید آیت بوده اند از سنهٔ ۱۲۴۵ هجری مقارن اواخر عهد خاقان مغفور البسه الله حلل النور
جناب معززی الیه از روی لیاقت و سزاواری بشرف خدمتگذاری دولت نایل شده همواره مدارج چاکری را بقدم صداقت و روش اطاعت
می پیمودند تا در سنهٔ ۱۲۵۱ مقارن سال ثانی سلطنت و جهانبانی شاهنشاه مبرور ماضی انار الله برهانه در سفر قلاری قلعه که با مرحوم فرمانفرما مشغول خدمت
بوده بیک طاقه شال ترمه و یکطوب قبای زری از طرف دولت روز افزون مخلع و در مراجعت مطابق سنهٔ ۱۲۵۳ بیکقطعه نشان الماس از درجه سرهنگی
و هزار تومان اضافه مواجب بر هزار تومان سابق نایل گردیدند در سفر هرات مطابق سنهٔ ۱۲۵۵ بپاداش خدمات لایقهٔ حربیه بمنصب سرتیپی
و بذل مراحم و انعامات خسروانه منصوب و سربلند و در مراجعت بریاست و سرکردگی هزار نفر سواره خواجه وند عبدالملکی برقرار شدند در بدایت
سلطنت روز افزون از قرار دستخط همایون مطابق سنهٔ ۱۲۶۴ بخدمت تنظیم طرق و تأمین شوارع دورهٔ دار الخلافه و حمل نمودن غلات دیوانی
بانبار دولتی مأمور گردیده خدمات مرجوعه را بشایستگی قرین انجام داشتند در سال ۱۲ مأمور خراسان شده در دفع فتنهٔ حسن خان سالار و تأمین
حدود خراسان و آوردن جعفرقلیخان ایلخانی بدار الخلافه خدمات لایقهٔ معززی الیه بظهور رسید و پس از مراجعت حکومت اسدآباد و بجبان
معززی الیه مفوض گردید پس مأمور تأمین و دفع فتنهٔ مازندران و گرفتن قلعه شیخ طبرسی شده بپاداش انجام اینخدمت بعد از مراجعت بیک
قبضه شمشیر مرصع سرافراز و در سنهٔ ۱۲۶۷ مأمور دار السلطنهٔ تبریز و نظم امور بلدیهٔ آنجا شده بعد از مراجعت ریاست ایل چهاردولی عراق بمعززی
الیه مفوض گردید و حسب المقرر سیصد نفر سوار از ایل مزبور برقرار و ایلرا منظم و اشرار آن طایفه را تنبیه نمودند در سنهٔ ۱۲۷۱ منصب میرپنجگی با انضمام
افواج لرستان بجناب معززی الیه مرحمت و مأمور کوچانیدن طایفهٔ عبدالملکی از مازندران شدند در اواسط سنهٔ ۱۲۷۸ مأموریت نظم صفحات
عربستان و لرستان و ریاست کلیهٔ قشون عربستان و لرستان از امور متوقف مفوض بایشان گردید در زمان حکمرانی مرحوم ظهیر الدوله
در خراسان نیز مأمور خراسان شده پس از انجام خدمات مرجوعه مراجعت بریاست بعضی ادارات قشونی بمعززی الیه مرحمت شد در سنهٔ ۱۲۸۱
اولین بار با مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار قاجار مأمور استراباد و تنبیه اشرار طایفه ترکمان یموت و تنظیم حدود استراباد شده و نوبت ثانی
در سنهٔ ۱۲۸۳ نیز با مرحوم انوشیروان خان اعتضاد الدوله مأمور استراباد و مصدر خدمات شده و از رؤسای قشون مأمور آنجا بوده اند در آخر همین
سنه حکومت استراباد و لقب صاحب اختیاری بایشان مرحمت شده هفت سال بحکومت آنجا برقرار و در ظرف اینمدت مصدر خدمات عمده و مورد
مراحم و امتیازات جلیلهٔ دولت روز افزون از سرداری شمسه مرصع و قمه مرصع و گل کمر مرصع و منصب و حمایل و نشان امیر تومانی گردیدند
در مسافرت موکب همایون بعتبات عالیات مقارن سنهٔ ۱۲۸۹ نیز ملتزم رکاب مبارک بودند سپس در سنهٔ ۱۲۹۲ دفعه ثانی مأمور حکومت استراباد
و مصدر جلایل خدمات شده در نود و شش دیگر بار بسمت ریاست کلیهٔ قشون خراسان و سیستان و سرحدداری الملکت مأمور و در سنهٔ ۱۳۰۰

بخدمت مهمه تحدید و تعیین حدود ما بین خاک خراسان و گرگان و استراباد با خاک ترکمان متعلق بدولت بهیه روسیه شده
در مدت سه سال این خدمت را بپایان آوردند قبل از سفر مزبور بیک قطعه نشان تمثال خورشید مثال مبارک مکلل بالماس
از درجه اول و بعد از مراجعت از سفر بیک قبضه شمشیر تمام مرصع از درجه اول سرافراز و نایل شدند
از طرف دولت بهیه روسیه نیز در اول بیک قطعه نشان استانیسلاس از درجه دویم و در مراجعت از تحدید حدود بیک
قطعه نشان سنت آنا از درجه اول مفتخر گردیدند   بالجمله غالبا ریاست و سرداری یک قسمت از قشون ظفر نمون دولت علیه
با ایشان بوده و خدمات شایان در هر مورد خصوصا در خراسان و استراباد و سرحد گرگان نموده اند که همه در تواریخ عصر مسطور و مضبوط نشت

قصر یاقوت

یکی از قصور بدیعه و ابنیهٔ رفیعه سلطنتی که درین سنین اخیره در حدود دار الخلافه الباهره بنا شده این قصر متین است با روضه چون خلد برین
که در منزل کاه سرخ حصار بسرکاری و مباشرت خاصه عمدة الامراء العظام میرزا محمد خان سرتیب اول و پیشخدمت خاصهٔ
حضور همایون و رئیس سوارهٔ ایلات قزوین در تحت ریاست جناب مستطاب اجل امین السلطان وزیر اعظم دولت علیه انشا
و احداث گردیده و این قصر مرکب از دو قسمت است قسمتی مشهور بکوشک بیرونی که بطرز عمارات ییلاقی فرنگستان در نهایت امتیاز ساخته
شده و قسمت دیگر حرمخانه و اندرونی است که بمسافت یکصد ذرع از سمت مشرق آن کوشک بنا گردیده و متجاوز از دویست نوع
سکون دارد و با ابنیه سلاطین صفویه شبیه افتاده و باغ آنجا بوضع پارک و زیاده با صفا و بدیع الوضع است و از مضافات کاروانسرای
عالی و حمامها و قلعهٔ رعیتی و غیره که اسباب آسایش و جای اقامت خلقی میتواند بود نیز دارد و تا کنون متجاوز از هشتاد هزار تومان
صرف بنای این قصور مبارکه شده و تمام این بنای خسروانی به اثاثهای نفیس و بساطهای گرانبها و مبلهای بدیع آراسته
و مزین است و سالی چند نوبت در فصل پائیز و زمستان بندگان اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت اقدس همایون صاحبقرانی
شید الله ارکان دولته بعزم تفرج و شکار تشریف فرمای سرخ حصار شده در قصر یاقوت روزی و شبی
چند اقامت خسروانی میفرمایند

محمد حسن

شرف

این روزنامهٔ شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

امیر الامراء العظام عزیز السلطان

امیر الامراء العظام غلامعلی خان عزیز السلطان امیر تومان که از برآوردگان خاص حضرت سلطنت و

از منتسبین مخصوص حریم خلافت است در سنه هزار و دویست و نود و شش هجری در دار الخلافه طهران

متولد شده و از آنجا که از عهد صبی و سن صغر آثار رشد و برومندی از ناصیت حالش ظاهر بود

اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه اورا در خور تربیت و عنایت خاص خسروانی شناخته

چنانکه اقتضای رأفت و مرحمت بیکران ذات کامل الصفات پادشاهانه است در پرورش

و تربیتش بذل عنایت فرمودند و ازین تربیت خسروانه با صغر سن فنون نظامی و آداب سواری

و شکار را بیاموخت تا تقریبا در چهار سال قبل بلقب عزیز السلطانی ملقب و مفتخر گشت و متدرجاً

از محض عنایت ملوکانه و تشویق در تربیت معزی الیه را بمناصب عالیه نظامی نایل ساخته تا در سنه هزار و

سیصد و پنج بمنصب جلیل شرافت امیر تومانی و حمایل مخصوص اینه رجه مفتخر گردید

و در سنه هزار و سیصد و شش هجری در موقع تشریف فرمائی موکب مسعود همایون بسفر فرنگستان بیک قبضه

شمشیر مرصع سرافراز و در اینسفر میمنت اثر بشرف ملازمت رکاب مبارک نایل و مشرف بودند

عمدهٔ الامراء العظام فخر الملک

عمدهٔ الأمراء العظام ابوالحسن خان فخر الملک سرتیپ اول و پیشخدمت خاصه حضور همایون خلف

مرحوم رضاقلیخان والی کردستان که از خانوادهای قدیم ایران و سالها این طایفه بنی

عمدهٔ الامراء العظام فخر الملک

اردلان ولات مملکت کردستان و غالباً بشرف مصاهرت خانواده سلطنت نایل بوده اند و

از طرف مادر نبیرهٔ نایب السلطنه مرحوم است در سنه هزار و دویست و هفتاد و نه در طهران متولد شده

در سن شش سالگی بسمت غلامبچگی آستان همایون افتخار حاصل کرد و در ضمن خدمت بتحصیل زبان
فرانسه و فارسی و عربی پرداخته بدوا در دار الترجمهٔ دولتی مشغول بود و در موقع امتحان بیک قطعهٔ
مدال مس نایل گردیده بعد در مدرسهٔ مبارکهٔ دار الفنون مشغول تحصیل شد و در آنجا امتحانات عدیده
داده با عطای نشان علمی نقره و مطلا سرافراز گردید در سن دوازده سالگی بمنصب پیشخدمتی حضور همایون
منصوب و سفرا و حضرا همواره بوظایف خدمتگذاری مشغول شده در سنهٔ هزار و سیصد و سه با عطای یکقبضه
قمهٔ مرصع مفتخر و مباهی شدند و در سال هزار و سیصد و چهار بمنصب سرتیپی اول منصوب و در سنهٔ هزار
و سیصد و پنج بیک قبضه شمشیر مرصع از امتیازات جلیلهٔ دولتی سرافراز و ممتاز گردیدند
و در سنهٔ هزار و سیصد و شش در ملازمت رکاب مبارک بسفر فرنگستان رفته و بسیاری از نشانهای دول معظمهٔ
فرنگ نایل آمده پس از مراجعت از این سفر فرخنده اثر بلقب فخر الملکی ملقب و مفتخر شدند و در سنهٔ هزار و سیصد
و هفت سواره و ایلات قورت بیگلو معزی الیه مفوض گردیده همواره خاطر همایون از خدمات معزی الیه قرین
کمال خشنودی است

محمد حسن

نمرهٔ هفتاد و هشتم

شرف

هزار و سیصد و هشت

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ طهران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب امیر الامراء العظام حسام الملک

جناب امیر الامراء العظام زین العابدین خان حسام الملک امیر تومان والی کرمانشاهان و لرستان و بروجرد و سرحدات

تصویب جناب مستطاب اجل امین السلطان وزیر اعظم ضمیمه حکومت کرمانشاهان و بجناب معزی الیه مرحمت و مفوض گردید و پیوسته

خدمات شایسته جناب معزی الیه منظور نظر و مقبول خاطر همایون خسروانیست

عمدة الامراء العظام ادیب الملک

عمدة الامراء العظام محمد باقرخان ادیب الملک پیشخدمت خاصه حضور همایون و سرتیپ اول خلف مرحوم عبدالعلی

عرقین پسر مرحوم محمد حسینخان حسام الملک و نواده مرحوم علیخان نصرت الملک و جد اعلای جناب معزی الیه مرحوم محمد حسینخان

قراگزلو است که این خانواده از بدایت عمر در دولت علیه قاجاریه بدایه ایام مهم همواره مشغول چاکری و خدمتگذاری بوده اند و جناب

معزی الیه از مبادی عمر بکسب فنون عسکریه و غیره اشتغال جسته تا از میامن تربیت دولت و شوکت شایسته ارجاع خدمات

جلیله شده در سن بیست و سه سالگی بخدمات عسکریه شرف مأموریت یافت و افواج ثلاث عاشقلو را از همدان حرکت داده در کروس

بمرحوم حسام الملک رسانید و بتوسط آنمرحوم بسر و منصب سرهنگی نایل گردید بعد که سواره منصور برقرار و باداره مرحوم

علاء الدوله امیر نظام مفوض و واگذار شد جناب معزی الیه یکصد و بیست نفر سوار ممتاز حاضر و در جزو سواره منصور منسلک کرده منصب

سرکردگی سواره مزبور را یافت در مسافرت ثانوی موکب منصور همایون بخراسان بشرف التزام رکاب همایون نایل شد پس از مراجعت

بدار الخلافه برتبت سرتیپی مفتخر و بعد از چندی بمنصب سرتیپی فوج منصور منصوب و مأمور شد و فوج ششم ابواجمعی مرحوم حسام

الملک نیز در تحت ادارت و ریاست جناب معزی الیه میبود و در چهار سال قبل که حسب المقرر دو فوج از افواج عاشقلو را

با کمال آراستگی و انتظام بدار الخلافه آورد باقتضای حسن کفایت و لیاقت معزی الیه و تصویب نواب مستطاب اشرف

والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ بدرجه سرتیپی اول ارتقا جست و در زمانیکه ایالت کردستان علاوه بر حکومت

کرمانشاهان از طرف نواب مستطاب اشرف والا ظل السلطان بعهده مرحوم حسام الملک واگذار بود جناب معزی

الیه چند ماهی در کرمانشاهان به نیابت حکومت اشتغال داشت تا در سنه ماضیه که مرحوم حسام الملک داعی حق را

اجابت نموده بجوار رحمت ایزدی پیوست جناب معزی الیه بحکم لیاقت و وراثت بلقب نبیل حسام الملکی و منصب جلیل امیر تومانی

و حکومت کرمانشاهان ملقب و منصوب و مأمور گردیده و باقتضای حسن خدمت در اوایل هذه السنه بارس ئیل بخطاب جلیل

جنابی و اعطای یکقطعه نشان تمثال بمثال همایون نایل آمدند و در دو سه ماه قبل ایالت لرستان و ولایت بروجرد بر حسب

خان ادیب الملک و نوه جنت مکان حاجی علیخان اعتماد السلطنه که خانواده ایشان از اوایل دولت جاوید آیت
قاجاریه پدر بر پدر در چاکری آستان سپهر نشان سلطنت همواره دارای مقام و مرجع مهام بوده اند معزی الیه در سال
هزار و دویست و هفتاد و چهار هجری متولد و در سن شش سالگی با قتضای لیاقت و استعداد فطری بسمت غلامبچگی آستان
همایون نایل و در سنه هزار و دویست و هشتاد و سه بمنصب پیشخدمتی حضور مبارک منصوب شده همواره سفراً و حضراً
مشغول خدمت و ملتزم رکاب نصرت انتساب و واقف پیشگاه گردون قباب سلطنت بوده پس از مراجعت از عتبات
عالیات در رکاب همایون بیکقبضه قمه مرصع سرافراز و بعد از رجعت موکب همایون از مشهد مقدس خراسان باعطای
یک قطعه گل کمر مرصع نایل شده و در ضمن خدمت بتحصیل فنون ادبیه و کمالات متداوله و علم جغرافیا پرداخته تا بمدارج
عالیه دانش و هنر نایل شد در سنه هزار و دویست و نود و چهار خدمت عرض عرایض سواری بمعزی الیه مرحمت و در سنه هزار
و سیصد و سه بلقب ادیب الملکی ملقب شد در سنه هزار و سیصد و چهار بیکقطعه نشان و یک رشته حمایل سرتیپی اول نایل و بخدمت
کتابخوانی حضور همایون مخصوص گشت در سنه هزار و سیصد و شش در شرف ملازمت رکاب مستطاب همایون بسفر فرنگستان
رفته و به بسیاری از نشانهای دول معظمه فرنگ نایل آمده در این سال خجسته فال هزار و سیصد و هشت یار سنیل باقتضای
کمال خشنودی و رضای خاطر بیضا مظاهر همایون از حسن خدمات معزی الیه پیکر لیاقت او را باعطای خلعت مهر طلعت
سرداری شمسه مرصع آراسته و بین الاقران قرین سرافرازیش داشتند و در این اوقات نیز نیابت کل اداره باغات
و عمارات دولتی که سپرده بجناب اعتماد السلطنه وزیر انطباعات است برحسب استدعای جناب معزی الیه و تصویب جناب مستطاب اشرف
امین السلطان وزیر اعظم از طرف قرین الشرف همایون ملوکانه بادیب الملک مرجوع و محول گردید و پیوسته خدمات لایقه معزی الیه در پیشگاه
آسمان جاه همایونی بشرف قبول نایل و خاطر معدلت مظاهر ملوکانه را از مراسم چاکری او کمال خشنودی حاصل است

محمد حسن

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

اعلیحضرت ویلهلمین پادشاه هلاند

چون اعلیحضرت پادشاه دولت هلاند گلیوم سوم که با کبر سن مدتها علیل و مریض و از کار سلطنت عاری و عاطل و زمام مهام و

مشاغل بست علیا حضرت (اما) ملکه هلاند زوجه ایشان بود در دهم ماه ربیع الثانی همین سال مطابق بیست و سوم نوامبر ماه فرانسه بدرود زندگانی فرمود و برحسب قانونی که در مملکت هلاند مرسوم و مقرر است تاج و تخت آن دولت بدختر جوان بخت پادشاه متوفی که یگانه وارث مملکت و هنوز سنین عمرش از ده تجاوز ننموده تعلق گرفت و نیابت مطلقه سلطنت و عنان امور و اعمال دولت چنانکه بود یکباره بعهده کفالت و ذمه وکالت علیحضرت (اما) ملکه هلاند که والده معظمه پادشاه حالیه علیحضرت (ویلهلمین) است مفوض و مخصوص گشت مناسب آمد که صورت علیحضرتین (ویلهلمین) پادشاه و (اما) ملکه و نایب السلطنه دولت هلاند را در این جریده شریفه مصور و منطبع و مختصر ترجمه حال گلیوم سوم را با شرحیکه از وضع و قانون سلطنت هلاند در برخی از روزنامجات مصور فرنگ نگارش نموده اند ذیلا مندرج سازیم

در اوان سال یکهزار و هشتصد و هشتاد و نه مسیحی که گلیوم سوم پادشاه هلاند مبتلا بناخوشی و علت مزاج شد چون از اشتغال بامور و اعمال سلطنت معذور بود (اما) ملکه هلاند برتق و فتق امور دولت و حل و عقد مهام جمهور رعیت اشتغال میورزید ولی حکمرانی معزی الیها رسمانه و آشکارا نبود و تا آخر زمان هم اهتمام مینمودند که حقیقت احوال و وضع امور را مخفی و مستور بدارند ولی عاقبت الامر گزیری از افشای آن ندیده واجب دانستند که عموم اتباع مملکت را بر کاهی امر آگاهی دهند و ملکه معزی الیها رسما بنیابت سلطنت برقرار گردید کاریکه ناتمام مانده بود فقط امر ایالت (لوکسامبورغ) بود و این ایالت جلیله که بدولت هلاند ضمیمه شده است اساس سلطنت و قانون حکومتش برخلاف خود دولت هلاند بر اینست که حق سلطنت بجنس انثی نمیرسد (چنانکه سابقا در یکی از نمره های شرف در ذیل صورت (دوک دناسو) اشاره باین مطلب کردیم) و پس از وفات پادشاه گلیوم که تاج و تخت سلطنت هلاند بدختر او میرسید مملکت لوکسامبورغ هم لابد بایستی به (دوک آدلف دناسو) که رئیس سلسله وارث شده خانواده (ارانژناسو) میباشد تفویض گردد دوک مشارالیه خود قبل از وقت مبادرت و تعجیل

کرده نیابت سلطنت لوکسامبورغ را ادعا نمود و در بیستم ماه آوریل سنه ۱۸۸۹ هزار و هشتصد و هشتاد و نه رسمانه داخل شهر

علیحضرت اما نایب السلطنه دولت هلاند

لوکسامبورغ گردید ولی در آن وقت تقدیر با اراده او موافقت نکرده پادشاه هلاند شفا یافت و اسباب عجب تمام

مردم شد پادشاه دوباره شخصاً بامور ملک پرداخت و عمل نیابت سلطنت چه در مملکت هلاند و چه در لوکسامبورغ کلیةً موقوف گردید تا دفعهٔ ثانی که در این سال مرض بر پادشاه مستولی شد و دانستند که علاج پذیر نیست بشرایط حزم و احتیاط پرداخته پس از مشاورت با اطبّاء و مذاکرت فیمابین دایرهٔ سلطنت و مجلس شورای دولت و وکلای دولت و ملت هلاند دعوت براین شد که چنین رای دهند که پادشاه را دیگر حالتی نیست که بتواند بامور و مهام دولتی اشتغال جوید و برحسب اقداماتی که در سنهٔ ۱۸۸۹ هزار و هشتصد و هشتاد و نه که اولین بار موقع مرگ پادشاه بود بعمل آمد چنین مقرر گردید که مجلس شورای دولتی باید تا مدتی که با اقتدار سلطنتی بتنظیم امور و فیصل اعمال دولت اشتغال نماید و هرگاه پس از انقضای این مدت وضع احوال تغییری نکرده پادشاه بهمین حالت ناخوشی باقی بماند (اما) ملکهٔ هلاند بنیابت سلطنت برقرار گردد

پس از این تدبیرات و ترتیبات گلیوم پادشاه روز بیست و سوم ماه نوامبر در ساعت شش صباحی فوت کرد و بعد از فوت او ایالت (لوکسامبورغ) چون خارج از این قانون بود که زن حق سلطنت داشته باشد از مملکت هلاند منتزع گردیده فرمانگذاری و حکومت مستقلهٔ آن بعهدهٔ (دوک آدلف دناسو) که شایسته و در خور آن بود مقرر افتاد

گلیوم سوم پادشاه هلاند در سنهٔ ۱۸۱۷ هزار و هشتصد و هفده میلادی متولد شده و در هفتم ژانویهٔ سال هزار و هشتصد و هفتاد و نه شاهزاده خانم (والدک پیرمون) را که ضجیعهٔ ثانوی ایشان بود تزویج فرمود و از بطن معزی الیها دختری در سال هزار و هشتصد و هشتاد بوجود آمد که مسماة بشاهزاده خانم (ویلهلمین) و اکنون جانشین پدر و پادشاه مملکت هلاند میباشند و نیابت سلطنت بر عهدهٔ علیحضرت (اما) والدهٔ معظمهٔ ایشان است

پادشاه متوفی (گلیوم سوم) چهاردهم پادشاه از اولاد (اوتون دناسو) بودند

محمد حسن

نمرهٔ هشتاد و یکم

شرف

هزار و سیصد و هشت

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب جلالتمآب اعتماد السلطنه

[illegible]

سواد حکم نظامی که بمهر مرحوم عزیزخان سردار

کل و تصدیق کلنل فرانسوا ماترازو معلم باشی کل پیاده نظام است

بتاریخ روز یکشنبه بیست و هشتم شهر ذی القعدة الحرام من شهور سال مبارک فال سیچقان ئیل سنه هزار و دویست و شصت و هشت
مرقوم میشود که چون اصالت ذاتی همواره موجب تقدیم خدمت و تحمل زحمت مقتضی ظهور لیاقت بوده و خانه زادان دولت قاهره که باقتضای
فدویت فطری بقدر استعداد در طریق چاکری قدم ثابت داشته بمرحمتی سرافراز و مخصوص آمده اند لهذا در حق عالیجاه رفیع
جایگاه مجدت و نجدت همراه محمد حسن خان پسر مقرب الخاقان حاجب الدوله نیز که مدتی است در مدرسهٔ دار الفنون بتعلم آداب
جنگ مشغول است و با وجود صغر سن و سال در تقدیم خدمت و تحصیل و تعلم قواعد مشق تفوق بر اقران و امثال جسته و کمال
لیاقت و شایستگی ظاهر داشته است التفاتی لازم آمد علیهذا محض تشویق و ترغیب و حصول امیدواری مشار الیه از قرار
این حکم نظامی مشار الیه را در منصب وکیلی برقرار داشت تا مایهٔ دل گرمی او شده بکمال دقت و اهتمام مشغول خدمت گردد
و بظهور مزید لیاقت مشمول عاطفت و عنایت دیگر آید و انشاء الله تعالی بمراتب اعتبار و مدارج خود روز بروز بیفزاید عالیجاهان
مجدت و نجدت همراهان لشکرنویسان نظام عالیجاه مشار الیه را حسب الامر در منصب وکیلی برقرار دانسته فی تاریخ فوق

در این اوقات که بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه صاحبقران خلد الله ملکه و سلطانه این حکم نظامی دولت را
که در چهل سال قبل بافتخار این بیمقدار صادر و مرحمت شده است ملاحظه فرموده و صدر آنرا بدین دستخط آفتاب نقط موشح داشتند
اجزاء ادارهٔ انطباعات برین شدند که شرح این مرحمت را با سایر امتیازاتی که در ظرف این چهل سال از طرف دولت قوی شوکت
باین بیمقدار مبذول شده است در روزنامه شرف مندرج نمایند این بنده چون خود را در عداد معاریف رجال و اکابر نمیشمارد
از این معنی با موافقان ابرام کردند و آخر ملاحظه اینکه حدیث نعمت و اخفاء موهبت یکی از شرایط شکر است و کتمان آن نوعی
از کفران ساکت شده زمام مقصود را با فرامین و اسناد خویش بدست آنها سپردم و مقدمةً اظهار میکنم امتیازاتی که در این دولت
جاوید آیت باین بیمقدار مبذول شده نه بر حسب قدر و لیاقت خدمت است بلکه فقط باقتضای پرورش و تفضل و عنایت شخص همایون
سلطنت و آنچه از دول خارجه رسیده نیز محض توجهات ذات ملکوتی صفات مقدس خسروانه بوده خداوند تعالی همواره آفتاب

اقبالش را تابنده و وجود آفتاب مثالش را پاینده بدارد (جهان تا جهان باشد او شاه باد) (بلند اخترش افسر ماه باد)

(مناصب و امتیازاتیکه از دولت جاوید شوکت علیه بافتخار بیمقدار مبذول گردیده از اینقرار است)

در سال هزار و دویست و شصت و هشت که چهل سال قبل باشد بمنصب وکیلی سرافراز شده و در مدرسه مبارکهٔ دار الفنون با مرجان
مطاع مشغول تحصیل گردیدم و در چهار امتحان بچهار قطعه نشان سرافراز شدم (نشان مس در سنه ۱۲۷۰) (نشان نقره در سنه ۱۲۷۱)
(نشان مطلا در سنه ۱۲۷۲) (نشان طلا در سنه ۱۲۷۴) نیز در سال هزار و دویست و هفتاد جزو دانش مخصوص حضور همایون و مامور بخدمت
مرحوم امیر محمد قاسم خان ولیعهد دولت علیه گردیدم در سنه ۱۲۷۵ در سفر سلطانیه ملتزم رکاب اعلی بودم و با مرحوم پدرم حاجی علیخان
اعتماد السلطنه که مامور بحکومت عربستان و لرستان و بختیاری بود بآن دو ایالت رفتم قشون ساخلوی عربستان را مشاق و رئیس
گشتم نایب الایالهٔ آن دو ایالت شدم و در مراجعت در سنه ۱۲۷۸ بمنصب ژنرال اجودانی حضور همایون مفتخر گردیدم در سنه ۱۲۸۰ بسمت نیابت دویم
سفارت ایران مامور پاریس شدم و در مدرسهٔ (وردو) و (لوی لوگراند) پاریس بتحصیل پرداختم بعد از معاودت از فرنگ بمنصب پیشخدمتی و مترجمی
حضور همایون سرافراز آمدم و این در سال هزار و دویست و هشتاد و چهار هجری بود از آن وقت تا کنون سفراً حضراً لیلاً نهاراً ملتزم رکاب اقدس
و خدمت آستان مقدس میباشم آنی غفلت نکرده و امیدوار است که بعد ها وظیفهٔ چاکری و خانه زادی را بهتر تقدیم دارد

(و باقی مناصب و امتیازات داخله از این قرار است)

(وکیل باشی در سنه ۱۲۶۹) (منصب سرهنگی در سنه ۱۲۷۵) (نیابت حکومت عربستان سنه ۱۲۷۶) (ریاست قشون مامور عربستان سنه ۱۲۷۷)
(نیابت حکومت لرستان سنه ۱۲۷۷) (وابستهٔ نظامی سفارت ایران در پاریس سنه ۱۲۸۰) (سرهنگی فوج مراغه که بواسطه ماموریت فرنگ
سرگرفت سنه ۱۲۸۰) (نشان و حمایل سرهنگی سنه ۱۲۸۰) (نیابت دویم سفارت پاریس سنه ۱۲۸۲) (ادارهٔ روزنامجات دولتی سنه ۱۲۸۷)
(ریاست دار الترجمهٔ دولتی سنه ۱۲۸۸) (لقب صنیع الدوله سنه ۱۲۸۸) (ترتیب و تنظیف اسباب قلمدان و تحریر حضور همایون سنه ۱۲۸۹) (گل کمر
مرصع سنه ۱۲۸۹) (معاونی وزارت عدلیهٔ اعظم و ایصال عرایض مردم بحضور مبارک سنه ۱۲۹۰) (مقدم السفرائی سنه ۱۲۹۰) (ادارهٔ باغات
و قنوات دولتی و معابر و خیابانهای شهر و خارج شهر سنه ۱۲۹۰) (قمهٔ مرصع سنه ۱۲۹۱) (نشان و حمایل سرتیپی دویم سنه ۱۲۹۳) (مدال نقرهٔ قرن
همایون) (نشان درجهٔ اول شیر و خورشید و حمایل سبز سنه ۱۲۹۶) (عمل احتسابیهٔ شهر دار الخلافه سنه ۱۲۹۷) (خطاب جنابی سنه ۱۲۹۸)
(عضویت مجلس شورای دولتی سنه ۱۲۹۹) (وزارت انطباعات و دار الترجمهٔ دولتی سنه ۱۳۰۰) (شمسهٔ مرصع سنه ۱۳۰۱) (نشان تمثال
همایون سنه ۱۳۰۲) (عصای مرصع اواخر سنه ۱۳۰۲) (انگشتری الماس سنه ۱۳۰۳) (لقب اعتماد السلطنه سنه ۱۳۰۴) (شمشیر مرصع سنه ۱۳۰۵)
(قلمدان مرصع در همین سنه ۱۳۰۵) (نشان طلای سینه از حضرت عرش مرتبت امام ثامن علی ابن موسی الرضا سلام الله علیه و منصب

خادمی آن آستانه در سنه ۱۳۰۳ بعد از تقدیم سه جلد مطلع الشمس باستان مقدس رضوی)

امتیازات دول خارجه نیز از قرار ذیل است بترتیب حروف تهجی

از دولت آستریه (اطریش) (نشان فرانسوا ژزف با حمایل از درجهٔ اول) سنهٔ ۱۳۰۶ هجری (نشان کورن دفر از درجهٔ دویم) سنهٔ ۱۲۹۰

از اسپانیا (نشان ایزابل کاتولیک اسپانیا از درجهٔ سوم) سنهٔ ۱۲۹۰

از المان (نشان کورن بروس از درجهٔ اول با حمایل) سنهٔ ۱۳۰۲

باد (نشان زارتیک با حمایل از درجهٔ اول) سنهٔ ۱۳۰۶

باویر (نشان سنت میشل با حمایل درجهٔ اول) سنهٔ ۱۳۰۶

وورتمبرغ (نشان اول با حمایل موسوم بفردریک از درجهٔ اول) سنهٔ ۱۳۰۶

از انگلیس (نشان سنت ژرژ و سنت میشل از درجهٔ دویم با ستاره) سنهٔ ۱۳۰۶

از ایطالیا (نشان سنت مریس لازار از درجهٔ دویم) سنهٔ ۱۲۹۰

از بلژیک (نشان لئوپلد از درجهٔ دویم) سنهٔ ۱۳۰۶

از تونس (نشان تونس با حمایل از درجهٔ اول) سنهٔ ۱۲۸۳

از روس (نشان سنت آنا با حمایل از درجهٔ اول) سنهٔ ۱۳۰۶

(نشان استانیسلاس روس از درجهٔ اول با حمایل) سنهٔ ۱۲۹۰

از ژاپن (نشان آفتاب طالع از درجهٔ اول با حمایل)

از دولت عثمانی (نشان عثمانی از درجهٔ دویم) سنهٔ ۱۳۰۰ (نشان اول مجیدیه با حمایل) سنهٔ ۱۳۰۳

از فرانسه (نشان لژیون دنر از درجهٔ سوم) سنهٔ ۱۳۰۶ (نشان علمی افیسهٔ وزارت علوم فرانسه) سنهٔ ۱۲۹۵

از جمهوری ونزوئلا (نشان بلیوار درجهٔ اول با حمایل) سنهٔ ۱۳۰۱

(عضویت مجلس آزیاتیک لندن سنهٔ ۱۳۰۶) (عضویت مجلس جغرافیای روس سنهٔ ۱۳۰۳) (عضویت مجلس آزیاتیک پاریس سنهٔ ۱۳۰۳)

(عضویت مجلس جغرافیای پاریس سنهٔ ۱۲۹۵) در سفر سیم فرنگ همایونی موقتاً بسمت ایشیک آقاسی باشی معرفی گردید

صورت مختصر تالیفات این ذرهٔ بمقدار هم از این قرار است

(خلاصهٔ تاریخ ایران و غیره جلد) (مرآت البلدان ناصری دو جلد) (مآثر السلطان دو جلد) (منتظم ناصری سه جلد)

(مطلع الشمس سه جلد) (خیرات حسان سه جلد) (دیالکت فرانسه بفارسی جلد) (لغت فرانسه بفارسی جلد) (لغات متشابهٔ فرانسه با ترجمهٔ فارسی جلد) (منطق الوحش جلد)

امیر الامراء العظام حسینقلی خان بیگلربیگی

(کاشف الکرب فی تاریخ العرب یکجلد آن تمام شده) (کتاب المآثر و الآثار جلد) (گرامر فرانسه بفارسی جلد)

(طبیب اجباری جلد) (تاریخ اکتشاف ینگی دنیا جلد) (حجة السعادة فی حجة الشهادة جلد) (لغت عربی

بفارسی جلد) (لغت فارسی بفارسی جلد) (تاریخ انگانیان موسوم به (درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان) که امسال انشاالله بطبع میرسد جلد) (مسافرت نامهٔ کابیستان اطراس بقطب شمال جلد) (داستان روبنسون سویستی جلد) (سرگذشت مسترس هورتنت خانم انگلیسی در بلوای هندوستان جلد) (رسائل مختلفه) (در قانون انحصار دخانیات) (در کاداستر) (در راه سازی) (در ترتیبات ادارات دولتی) (در قشون) وغیره وغیره که بعضی طبع شده و برخی نشده است

امیر الامراء العظام حسینقلی خان بیگلربیگی

امیر الامراء العظام حسینقلی خان بیگلربیگی آذربایجان خلف مرحوم حاجی فتحعلیخان بیگلربیگی که از ایل بزرگ دنبلی و چندین پشت آباء و اسلاف معزی الیه بیگلربیگی دار السلطنه تبریز و از خوانین محترم و خدام معتبر دولت قوی شوکت بوده اند معزی الیه در اوان حیات والد خود باقتضای لیاقت و قابلیت ذاتی بریاست امور تجارت دار السلطنه تبریز منصوب و برقرار بود تا در سنه ۱۲۹۲ بحکومت مرند و نظم آن حدود منصوب و در همان اوان که مرحوم حاجی فتحعلی خان بیگلربیگی احضار بدربار همایون شد معزی الیه بنیابت بیگلربیگی گری اختصاص و بمراسم این خدمت اشتغال جست و باظهار کفایت و لیاقت و اقتضای حسن خدمت بتوسط حضرت مستطاب اشرف والا ولیعهد گردون مهد مورد التفات دولت قوی شوکت افتاده بیکثوب جبهٔ ترمه خلعت خسروانی مخلع گردید و چون والد معزی الیه در سنه ۱۲۹۱ وفات یافت ارثاً و استحقاقاً منصب بیگلربیگی گری بمعزی الیه مفوض آمد و در سنه ۱۲۹۵ که موکب فیروزی کوکب همایون خسروانی بعزم مسافرت فرنگستان تشریف فرمای ساحت آذربایجان شد معزی الیه باعطای یکقطعه نشان و حمایل درجه سرهنگی مفتخر و در سنه ۱۲۹۷ بپاداش صداقت و لیاقت بنشان و حمایل سرتیپی دویم سربلند آمد و در سنه ۱۳۰۰ بر حسب استدعای نواب مستطاب اشرف اکرم والا ولیعهد جاوید مهد از آستان همایون برتبه سرتیپی اول و حمایل و نشان مخصوص آن ارتقا جست و در سنه ۱۳۰۳ که مراقبات وافیه و مجاهدات بلیغه در تنظیمات بلدیه مبذول داشته و مراتب حسن خدمات معزی الیه بتوسط جناب جلالتماب امیر نظام کارگذار کل مملکت آذربایجان معروض پیشگاه آسمان جاه همایون سلطنت افتاد باتصویب حضرت مستطاب اشرف والا ولیعهد یکقطعه نشان تمثال بیمثال مبارک درباره معزی الیه مبذول و در سنه ۱۳۰۰ هنگام عزیمت موکب همایون بفرنگستان یکقبضه شمشیر مرصع از درجه اول بافتخار معزی الیه اعطا و مرحمت گردید و در هذه السنه هزار و سیصد و هشت که خدمات جلیله در تنظیمات شهر و کشف سارقین و استرداد اموال مسروقه مردم از معزی الیه بظهور رسید بتوسط و صوابدید حضرت اشرف ولایتعهد و جناب جلالتماب امیر نظام معزی الیه را باعطای یکقطعه نشان امیر تومانی و حمایل مخصوص آن سرافراز و نایل داشتند

محمد حسن

نمره هشتاد و دویم هزار و سیصد و هشت

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد قیمت نسخه طهران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

نواب اشرف والا معتمد الدوله

نواب اشرف والا معتمد الدوله سلطان اویس میرزا امیر تومان فرمانفرمای مملکت فارس در محرم الحرام سنه ۱۲۵۵ متولد شده

باقتضای شهامت فطری و کثرت ذکا و وفور استعداد تا سن سیزده چهارده سالگی از کسب علوم عربیه و فنون ادبیه فراغت یافته پس از آن بتحصیل علوم ریاضی و تکمیل هندسه و زبان فرانسه اشتغال و بعد از فراغت از این فنون درس و مشق فنون عسکریه و قوانین نظامیرا در نزد اساتید فرنگی بر وجه کمال آموخته آنگاه از روی سزاواری بتعلیم فوج کرمان و منصب سرهنگی و پانصد تومان مواجب امتیاز یافتند در سنه ۱۲۷۸ که نواب غفرانمآب شاهزاده معتمدالدوله حاجی فرهاد میرزا طاب ثراه با یالت عربستان و لرستان مأمور شدند حکومت لرستان و بختیاری بنیابت آنمرحوم مبرور بنواب ایشان مفوض و بر حسب وفور کفایت و کاردانی ایشان ریاست کلیه فوجین این دو ایالت نیز بنواب ایشان واگذار و پانصد تومان اضافه مواجب و حمایل و نشان سرتیپی سوم درباره ایشان مبذول گردید در سنه ۱۲۷۹ احضار بدربار معدلت مدار و بحکومت بهبهان و کوهکیلویه فارس مأمور شدند و شش سال تمام در آنجا مشغول خدمت دولت و آبادی ولایت و اجراء قنوات بودند و انواع ابنیه و اسباب آبادانی و آسایش رعیت احداث و فراهم نمودند پس از مراجعت از این سفر بحکمرانی ولایت همدان منصوب و هنگام نهضت موکب همایونی بساحات عراق عرب و زیارت عتبات عرش درجات حسن خدمات و وفور مراقبات معزی الیه در تنظیم امور آن ولایت مشهود پیشگاه حضور همایون افتاده بلقب جلیل احتشام الدوله و اعطای نشان و حمایل سرتیپی اول ملقب و منصوب و نایل و بعد از دو سال احضار بآستان مبارک شده در رکاب نصرت انتساب همایون بفرنگستان رفتند و در آنسفر از تمام دول معظمه اروپ بنشانهای جلیل الشان نایل شدند در سنه ۱۲۹۱ ثانیا بحکومت بهبهان و کوهکیلویه منصوب و باقتضای تقدیم شرایط کاردانی در طی حکمرانی باعطای یکقطعه گل کمر مرصع مفتخر گردیدند تا در سنه ۱۲۹۳ که مرحوم شاهزاده حاجی معتمدالدوله بفرمانفرمائی مملکت فارس مأمور شدند نواب ایشان بنیابت ایالت آنمرحوم از بهبهان بشیراز آمده و بعد از ورود آنمرحوم مبرور بر کرسی ایالت بنظم حدود دیگر مسیر فارس و تنبیه بعضی اشرار مأمور شده بپاداش انجام این خدمت باعطای یکقطعه نشان تمثال بیمثال همایون سرافراز آمدند در سنه ۱۲۹۴ ثانیا باردوی نظامی مسافرت بگرمسیرات و حدود داهالی گله دار نموده چنانکه باید و شاید امور آنحدود را منظم و آراسته نموده از طرف قرین الشرف یکقبضه قمه مرصع نایل شدند و باز کرارا مأمور حدود مملکت فارس شده و خدمات مقرره دولترا از تنظیمات و تأمینات لازمه بانجام رسانیده دیگر بار از جانب سنی الجوانب همایون یکقبضه شمشیر مرصع درباره نواب ایشان مبذول گردید تا در سنه ۱۲۹۸ با مرحوم شاهزاده حاجی معتمدالدوله احضار بدربار

معدلت مدار و از آستان همایون مرخص شده برای معالجه عارضه چشم خودشان بفرنگستان رفته پس از یکسال معاودت نمودند و مجدداً برای اتمام علاج مسافرت بفرنگ نموده بعد از هشت ماه رجعت نمودند و کرت دیگر در سنه ۱۳۰۲ حامل نامه مودت علامه بندگان اعلیحضرت همایون برای اعلیحضرت امپراطور اطریش و پادشاه مجارستان گردیده بدربار اطریش مسافرت نمودند و بنشان درجه اول آندولت فخیمه نایل گردیدند در سنه ۱۳۰۴ از روی لیاقت بمنصب امیر تومانی

نواب والا احتشام الدوله امیر تومان

و نشان و حمایل مخصوص آن مفتخر و در اوایل سال ۱۳۰۵ بفرمانفرمائی مملکت فارس منصوب و سرافراز و بعد از فوت مرحوم شاهزاده معتمدالدوله طاب ثراه ارثا و استحقاقا بلقب جلیل معتمدالدوله ملقب شدند و تاکنون بفرمانفرمائی آنمملکت برقرار و کلیه خدماتشان مقبول پیشگاه حضور همایون شهریاری است

و بکمر بخلاع فاخره از خرقه شمسه مرصع و انگشتری الماس و غیره سرافراز شده اند

نواب والا احتشام الدوله امیر تومان

نواب والا احتشام الدوله عبدالعلی میرزا امیر تومان در سنه ۱۲۷۲ تولد یافته و در سنه ۱۲۸۴ که والد معظمشان مرحوم مبرور شاهزاده معتمد الدوله طاب ثراه بایالت کردستان منصوب بودند نواب ایشان نیز در کنف تربیت و توجه مخصوص آنمرحوم مبرور در کردستان بتحصیل مقدمات و تعلم علوم ادبیه و اغتنام فنون فضایل اشتغال داشتند در سنه ۱۲۸۷ که موکب همایون اعلی نهضت فرمای عراق عرب و عازم زیارت عتبات عالیات گردید و شاهزاده معتمد الدوله مرحوم از مرکز ایالت برای استقبال موکب اعلی و شرف اندوزی خاکپای همایون بکرمانشاهان رفتند نواب ایشان در غیاب شاهزاده مرحوم مبرور بلقب نایب الایاله و خدمت نیابت حکومت و عطای کمر مرصع از طرف قرین الشرف همایون ملقب و منصوب و نایل شدند و با اشتغال بخدمات دولت و تقدیم وظایف نیابت ایالت دمی از تحصیل علوم و تکمیل رسوم و تمرین در فنون ادب و مزاولت در لسان عرب نمی آسودند و در سنه ۱۲۹۰ که موکب ظفر کوکب همایون خسروانی عزیمت سفر فرنگستان فرمود مرحوم شاهزاده معتمد الدوله بنیابت کلیه امور معظمه دولت احضار بدربار و متوقف دار الخلافه الباهره شدند ایالت و حکمرانی کردستان مستقلا مفوض بنواب ایشان گردید و در تنظیم حوزه آن ایالت و تمهید اسباب آسایش رعیت و طرد و نفی بعضی اشرار که در صقاع و حدود آن ایالت وجود یافته بودند شرط خدمت و رسم کفایت را چنانکه باید و شاید بجا آوردند و پس از رجعت موکب اعلی نواب معزی الیه در پاداش خدمات بخلعت سرداری شمسه مرصع و منصب سرتیپی سوم و حمایل و نشان مخصوص آن سرفرازی یافتند و بعد از احضار و مراجعت مرحوم معتمد الدوله از ایالت کردستان بدار الخلافه نواب ایشان در مدرسه مبارکه دار الفنون بتحصیل علوم و السنه خارجه و فن هیئت و جغرافیا و حساب پرداخته در علوم مرقومه مهارتی کامل یافتند و در سنه ۱۲۹۴ که مرحوم مبرور معتمد الدوله بفرمانفرمائی مملکت فارس منصوب بودند نواب معزی الیه بمنصب سرتیپی دویم و نیابت کلیه امور حکومت فارس سرافراز گردیدند در سنه ۹۹ که بدار الخلافه احضار شدند بمنصب سرتیپی اول و لقب احتشام الملکی منصوب و ملقب و در خلال این احوال در خدمت مرحومین آقا محمد رضای قمشه و آقا میرزا محمد علی قاینی بتحصیل ریاضیات و حکمت متعالیه غایت اهتمام مبذول داشتند و از جمله تلامیذ آن دو استاد جلیل قصب السبق ربوده در سنه ۱۳۰۱ بشرف ملازمت خلوت و جلوت و خدمات خاصه آستان مبارک سلطنت و تحریر مشاغل حضور همایون فایز و مشرف و در سال ۱۳۰۳ بحمایل نشان تمثال خورشید مثال مبارک سرافراز و در سنه ۱۳۰۵ از روی کمال سزاواری بلقب جلیل احتشام الدوله و عضویت مخصوص دار الشورای کبری ممتاز گردیده و در سنه ۱۳۰۶ حسب الاراده علیه ملوکانه برتبت و منصب جلیل امیر تومانی و حمایل و نشان مخصوص آن منصوب و سربلند آمدند بالجمله در فضل و دانش سرآمد اقران بلکه از اعاجیب زمان و در علوم ادبیه و حکمت متعالیه و کتب بزرگان و علمای متصوفه صاحب تصنیفات و تالیفات و حواشی و تعلیقات کثیره هستند که از آنجمله است (حواشی بر مغنی اللبیب ابن هشام در نحو) (حواشی بر شرح منظومه مرحوم حاجی ملا هادی سبزواری اعلی الله مقامه) (تعلیقات بر شرح اشارات و تنبیهات شیخ الرئیس قریب ده هزار بیت) (فهرس الکتب المولفة از زمان بعثت الی یومنا هذا که تا آخر حرف عین مهمله نگارش یافته و این نسخه حسب فرمان قضا نفاذ اعلی تالیف شده و موسوم بفهرست ناصریست) (رساله در تجوید موسوم بالتقصید فی تجوید کلام المجید) (دیوان اشعار از قصاید و غزلیات قریب چهار هزار بیت که عنقریب بطبع خواهد رسید) (رساله در شرح حیات ارض که حسب الامر قدر قدر همایون تصنیف شده و

نمره هشتاد و سیم — هزار و سیصد و هشت

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب جلالتمآب صاحبدیوان

جناب جلالتمآب صاحبدیوان

جناب جلالتمآب میرزا فتحعلی خان صاحبدیوان فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان و متولی باشی آستانهٔ مقدسهٔ رضویه ولد مرحوم حاجی قوام الملک و نوادهٔ مرحمت و غفران مآب حاجی محمد ابراهیمخان اعتماد الدوله صدر اعظم عهد دولت و شهریاری آقا محمد شاه و اوایل دولت خاقان مغفور مبرور السیما الله جل النور که سلسلهٔ نسب جناب ایشان بمرحوم حاجی قوام الدین شیرازی ممدوح و معاصر خواجه حافظ و شاه شجاع از آل مظفر منتهی میشود تولد جناب معظم در شهر شوال سنهٔ ۱۲۳۱ هجری در شهر شیراز بوده و در اواخر سلطنت خاقان خلد آشیان مقارن سنهٔ ۱۲۴۷ از روی استعداد و لیاقت بمنصب سرهنگی فوج شیراز و تحصیل فنون حربیه منصوب و مامور گردیده و باقتضای مرحمت خاصهٔ خاقانی یکی از بنات سلطنت در همان وقت نامزد جناب ایشان شد در سنهٔ ۱۲۵۵ برحسب امر شاهنشاه مبرور ماضی محمد شاه طاب ثراه جناب ایشان از شیراز بدار الخلافه آمده در سنهٔ ۱۲۵۶ از روی استحقاق و سزاواری در خور خدمات جلیلهٔ درباری آمده بمنصب استیفاء خاصه نایل گردیدند در سال هزار و دویست و هفتاد و دو لقب جلیل صاحبدیوانی که از القاب بزرگ دولت قوی شوکت است بجناب معظم مبذول و محاسبات اکثر ولایات و خدمت توجیه بروات دیوانی بایشان مخصوص گردید در سنهٔ ۱۲۷۵ بحکومت ولایت یزد منصوب و در سال هفتاد و هفت بیکقطعه نشان و یکرشته حمایل از درجهٔ سرتیپی اول نایل و در همان سنه بوزارت خاصهٔ حضرت مستطاب اشرف والا ولیعهد کردونمهد و پیشکاری مالیهٔ مملکت آذربایجان برقرار گردیدند در سنهٔ ۱۲۷۸ بعطای نشان جلیل الشان تمثال مهر مثال همایون نایل و مفتخر و پس از سه سال اقامت در آذربایجان و تقدیم خدمات خطیره و ترتیب مهمات کثیره در سنهٔ ۱۲۸۱ احضار بدربار گردون مدار شده بحکومت عربستان منصوب گردیدند پس از یکسال و نیم مراجعت بدار الخلافه نموده در سنهٔ ۱۲۸۲ بعطای نشان و حمایل امیرتومانی و شرابهٔ مرصع نایل و در سنهٔ ۱۲۸۵ بوزارت نواب مستطاب اشرف والا امین الدوله (ظل السلطان) و پیشکاری دار السلطنهٔ اصفهان و اعطای یکقبضه عصای مرصع منصوب و سرافراز آمده سال اول را در وزارت حضرت شاهنشاهزادهٔ معظم و دو سال بعد را بحکومت مستقله برقرار بودند و بخلعت جبهٔ شمسهٔ مرصع سرافرازی حاصل نمودند در سنهٔ ۱۲۸۸ از اصفهان احضار و بلافاصله بوزارت کلیهٔ امور مملکت آذربایجان منصوب و مامور شده مدت هشت سال بلا انفصال به پیشکاری حضرت مستطاب اشرف والا ولیعهد کردونمهد و حل و عقد کلیهٔ امور آنمملکت از اعمال مالیه و کشور و مهام نظام و لشکر قیام نموده خدمات جلیله و اهتمامات وافیه بمنصهٔ شهود رسانیدند و در پاداش بعطای نشان جلیل الشان امیر نویانی مکلل بالماس و حمایل آبی تشرف جستند در نود و دو بیک حلقه انگشتری الماس و در نود و سه بقلمدان مرصع از امتیازات جلیله نایل و در نود و پنج بیک قبضه شمشیر مرصع ممتاز و سرافراز شده در سنهٔ ۱۲۹۷ به پیشکاری مملکت فارس برقرار و مدت

هفت سال در آنجا مصدر خدمات عمده گردیده مشمول الطاف خاصهٔ پادشاهانه آمدند و در شعبان هذه السنهٔ ۱۳۰۸ بمنصب جلیل و شغل نبیل متولی باشیگری آستانهٔ مقدسهٔ رضویه و فرمان فرمائی مملکت خراسان و سیستان منصوب و بخلعت مهر طلعت جبهٔ شمسهٔ مرصع مخلع گردیدند

جناب جلالتمآب کامل پاشا صدر اعظم دولت علیهٔ عثمانی

جناب کامل پاشا صدر اعظم دولت علیهٔ عثمانی که از رجال کافی و سیاسیون کامل اینعصر بشمار میآید در سنهٔ ۱۲۴۸ هجری در جزیرهٔ قبرس متولد شده و تا سال هزار و دویست و شصت و دو در جزیرهٔ مزبوره ساکن و بتحصیل السنهٔ انگلیسی و عربی و فارسی و یونانی و فرانسه مشغول

بود چنانکه اکنون السنهٔ مسطوره را صحیحاً تکلم مینماید از آن پس در مدرسهٔ نظامی مصر تکمیل فنون محصّله و علوم ادبیه پرداخته در سنهٔ ۱۲۶۵ منصب منشی گری عباس پاشای حکمران آنجا برقرار و بعد از آن بسمت مترجمی اول و منصب سرهنگی نایل گردید درجهٔ ثانی زندگانی جناب معزی الیه در جزیرهٔ قبرس بود که از سنهٔ هزار و دویست و هفتاد و هفت تا سنهٔ ۱۲۸۰ در جزیرهٔ مزبوره مقامات مختلفه طی نمود در سنهٔ ۱۲۸۱ از قبرس بشامات رفته برتبهٔ میرمیرانی و درجهٔ متصرفی نایل شد پس از آن به بیروت و دمشق و بعد بحلب رفته در حلب منصب بیگلربیگی گری رومایلی منصوب و در فلسطین بریاست امور پلیتیکی برقرار گردید بعد در سنه هزار و دویست و هشتاد و نه مامور بیت المقدس شد که نزاعی را که درباب کلیسای بیت اللحم فیمابین یونانیها و لاتینها رخ داده بود رفع نموده قراری مصلحانه درباب آن بدهد و بطوری اینمهم را فیصل داد که موجب رضای طرفین شد پس از آن برتبهٔ وزارت نایل و بعد در قونیه و حلب بحکومت برقرار گردید پس بمستشاری وزارت داخله رسید و بعد بوزارت علوم منصوب شد و در مدت چهار سال بعضی مراتب و درجاتی که در تلو وزارت عظمی بود طی نمود پس از آن مامور بدفع بعضی از شرور که در مغنیسا ظهور یافته بود گردید و بعد وزارت عدلیه باو تفویض شد و در تقدیم هر خدمت مراتب حذاقت و لیاقت خود را مشهود داشت و از آنجا که اعلیحضرت سلطان (عبد الحمید خان) در مردم شناسی و حسن اصطناع بصیرتی کامل و فراستی خاص دارند جناب کامل پاشا را لایق و قابل صدارت یافته در سنهٔ ۱۳۰۱ منصب جلیل صدارت عظمی را بعهدهٔ کفایت او مفوض داشتند و از آن تاریخ تا بحال بدون انفصال بوظایف این شغل خطیر و منصب بزرگ قیام دارد و از دقایق دولتخواهی و کارآگاهی نکته فرو نمیگذارد و یوماً فیوماً مراتب اعتماد و التفات اعلیحضرت سلطانی نسبت بجناب معزی الیه فزایش یافته و معزی الیه فقط بدستیاری درایت و کفایت شخصیه با قدم صدق و ثبات مقامات و درجات صعب الحصول خدمت را بوجهی سهل پیموده تا بدین مقام عالی نایل شده است گذشته از امتیازات خاصهٔ دولت علیهٔ عثمانی نشانهای جلیل الشان دول معظمه خارجه را نیز از قبیل نشان عقاب قرمز دولت المان و نشان درجهٔ اول سنت استانیسلاس دولت روس و نشان اول نکلامبورگ و نشانهای امتیاز دیگر و مدالهای طلا و نقرهٔ متعدد را دارا میباشد اصلاً از ملت عثمانی است و طبعاً دارای اخلاق حمیده است با همه کس مهربانی و نیکوئی رفتار میکند و نظر باینکه السنهٔ مختلفه میداند با سفرای دول و اتباع خارجه عموماً سلوکی بقاعده و روشی مستحسن دارد و چون از اوضاع و احوال سایر دول و ملل متمدنه و حوایج و خیالات و وسایل مراودات و مناسبات مشرقیه و مغربیه باخبر است همه وقت حفظ صرفه و صلاح دولت عثمانی را نموده و نگذاشته است دولت مزبوره دوچار شدائد و اشکالات و گرفتار دسائس و احتیالات شود

محمد حسن

نمرهٔ هشتاد و چهارم

شرافت

هزار و سیصد و هشت

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب آقای حاجی میرزا حسن

جناب قطب السالکین عارف حقایق ربانی کاشف دقایق معانی الحاج میرزا محمد حسن الاصفهانی ملقب بصفی علی شاه نعمة اللهی که سالیان چند است

بامقامی ارجمند در دار الخلافه باهره مقیم و حضرتش پیوسته مجمع ارباب معرفه و مرجع فقراء و متصوفه است بر حسب مسئلت بعضی از دوستان ترجمتی از احوال سعادت اشتمال خود نگاشته اند که خلاصهٔ آن بفراخور مجال کلام و اندازهٔ مقال و مقام در ذیل این جریدهٔ شریفه مندرج میشود جناب ایشان در سوم شعبان سال ۱۲۵۱ هجری متولد و از اوایل شباب و مبادی احوال بصحبت ارباب حال مایل و مشتاق شده اگرچه مربیان صوریشان چون تجارت پیشه و فارغ از اندیشهٔ درویشی بودهٔ ایشانرا از صحبت اهل معنی ممانعت مینموده اندولی جناب ایشان باعزیمتی ثابت و عقیدتی صادق در گاه و بیگاه بشرف ملاقات و فیض مقالات گوشه گیران روشن ضمیر نایل و از جواهر مواعظ و فراید کلمات حقایق آیات ایشان ذخیره بر گرفته در تهذیب خلق و تصفیهٔ ضمیر و مجاهدت نفس بکار می بستند در بیست سالگی جذبهٔ شوق زیارت قطب العرفاء والاطباب جناب غفران مآب حاجی میرزا کوچک ایشانرا از اصفهان بشیراز کشیده از آنجناب شرف قبول ارادت یافتند و در خدمتش بکرمان رفته روزگاری در صحبت آن مرحوم بسر بردند پس از رحلت آنجناب در سنهٔ ۱۲۸۰ از راه هندوستان زیارت بیت الله را تصمیم عزیمت فرموده در بحر محیط از شکستن کشتی مهالک افتاده عاقبت بهر قضا و قدر بساحل نجاتشان رسانده و از مفاوز پرخطر و تعرض اشرار بشر و انواع سباع و هوام جان بدر برده تا بمقصد رسیدند و پس از طواف حرم و زیارت مزار رسول محترم ص باز بهندوستان رجعت کرده بصحبت بسیاری از گوشه نشینان و مرتاضان آنمملکت نایل شدند و در آن اسفار کتاب زبدة الاسرار را که در اسرار شهادت و مطابق با دقایق سلوک که باشارت مرحوم مغفور حاجی میرزا کوچک در کرمان شروع فرموده بودند بنظم آورده و در بمبئی بطبع رسید بعد از چهار سال از هندوستان بعتبات عرش درجات رفته اربعینی در کربلای معلی نشسته پس از ادراک فیوضات و کسب سعادات عزیمت ایران نموده بشهر یزد رفتند از اهل حال و قال مغایرتها دیده اقامت در آن بلد را نپسندیده باز رهسپار هندوستان شدند که بقیة العمر را در دکن سر کنند بجهاتی چند توقف هندوستان ایشانرا سخت افتاده بعد از دو سال مراجعت بایران کردند و باشتیاق زیارت مشهد مقدس رخت بدار الخلافه آوردند سال مجاعت بود اسباب مسافرت از ظریف و تلید بتلف رفت ناگزیر از توقف شدند چنانکه تا امروز متوقفند از معارف بلد و رجال دولت قوی شوکت و ارباب مدارک تدارک خستگیها و جبر شکستگیهای خاطر ایشان شد و بوظیفهٔ دعاگوئی وجود همایون سلطنت و شکر نعمت دولت جاوید آیت با فراغ خاطر و جمعیت حواس قیام فرموده در ظرف اینچند سال بتالیف و نگارش بعضی کتب پرداختند که از آنجمله است کتاب عرفان الحق (و بحر الحقایق) (و میزان المعرفه) و نیز سالها بود در خاطر داشتند که ترجمه و تفسیر کلام الله مجید را بنظم آورند که موجب تشویق مردم فارسی زبان بفهم معانی و نکات عرفانی اینکتاب مبارک آسمانی شود ولی توفیق رفیق نمیشد تا در این سنین اخیر موفق بدین امر خطیر شده در ظرف دو سال تمام تفسیر قرآن را بسبک مثنوی مولوی بافصاحتی تمام منظوم ساختند که فی الحقیقه اینکار را از بدایع آثار و نوادر آثار اینعصر همایون توان شمرد و پس از اتمام بحسن اقدام و اهتمام عمدة الامراء العظام میرزا ابوتراب خان سرتیپ اول نایب کل وزارت پلیس دار الخلافه باصورتی مرغوب و وضعی مطلوب بطبع رسیده نسخهٔ از اینکتاب کریم تقدیم حضور بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله دولته داشتند

بندگان همایون این هدیت اقدری بنظر اکرام گذاشته تمجید و تحسین فراوان فرمودند و بر مراتب دعاگوئی و شکرگذاری ایشان افزودند الحق فضایل عدیده و خصایل حمیده و محاسن اخلاق و تواضع نفس و مشرب صافی و بیانات وافی جناب ایشان بسیاری از قلوب را مجذوب ساخته است (و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء)

عمدة الامراء العظام معین الوزاره جنرال قونسول مقیم تفلیس

عمدة الامراء العظام میرزا رضا خان معین الوزاره جنرال اجودان حضور همایون و جنرال قونسول دولت علیه مقیم قفقاز ولد حاجی شیخ حسن مهاجر کاز خانوادهای قدیمست در سنهٔ ۱۲۷۰ در تبریز متولد و در مبادی عمر با کمال شوق بکسب کمال پرداخته در ظرف چند سال زبان فارسی و ترکی و مقدمات عربیه را بخوبی فرا گرفت و در علوم

ادبیه و فقه و اصول و کلام و ریاضیات نیز مهارتی یافت در سنه ۱۲۹۰ بجهة تحصیل السنه خارجه از تبریز عزیمت اسلامبول نموده پس از دو سال تعلم زبان فرانسه و یونان و انگلیس و المان از اسلامبول بتفلیس آمده شروع بتحصیل زبان روسی نموده در مدت سه سال خود را تکمیل کرد در سنه ۱۲۹۵ که موقع سفر ثانی موکب همایون صاحبقرانی بفرنگستان بود در معیت میرزا محمود خان جنرال قونسول مقیم تفلیس (جناب علاء الملک وزیر مختار مقیم پطرزبورغ) در سرحد جلفا بسمت مترجمی قونسولگری در خاکپای همایون معرفی و هنگام ورود موکب مسعود بتفلیس بمنصب نیابت و مترجمی اول جنرال قونسولگری منصوب و در نود و شش از دولت علیه ایران بنشان درجه پنجم شیر و خورشید و از دولت بهیه روس به نشان درجه سوم ستانسلاو نایل شد در نود و هفت پس از انقضای محاربه دولتین علیتین عثمانی و روس از طرف دولت عثمانی بنشان درجه چهارم مجیدی امتیاز یافت و هم در آن سال بمنصب آجودانی خاصه حضرت مستطاب اشرف والا ولیعهد دولت علیه منصوب گردید و رساله در اصطلاحات های فارسی و ترکی و عربی در تفلیس تالیف و در اسلامبول بطبع و انتشار رسانید در نود و هشت میان ایرانیهای متوقف تفلیس بتشکیل انجمن معارف اقدام و ترجمه رساله الف بای رشدیه را در زبان فرانسه از واردات انجمن منطبع و منتشر کرد و نیز با آهنگ سلامتی پادشاه (مارش سلام) در زبان فرانسه دعا و مدیحه نوشت و باسم اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله دولته مختوم و منطبع نمود در سال ۱۳۰۱ بمنصب نیابت اول آجودان باشی حضرت ولایت عهد و لقب خانی نایل و در موقع تاجگذاری اعلیحضرت امپراطور روس در جزو اجزاء سفارت فوق العاده ایران در تحت ریاست نواب مستطاب اشرف والا عز الدوله بسمت مترجمی بمسکو رفته و از طرف دولت روس بیک قطعه نشان از درجه سوم (انا) سرافراز شد و پس از مراجعت بتفلیس احضار بدار الخلافه گردیده در جزو اجزای کمیسیون در تحت ریاست جناب سلیمان خان امیر تومان صاحب اختیار مامور خراسان گردیده قریب سه سال در سرحدات خراسان و استرآباد مشغول این خدمت بود پس از انجام و اتمام خدمات مهمه مقرره مراجعت بدربار همایون نموده بمنصب جنرال آجودانی حضور مبارک منصوب و سرافراز شد و هم در آنسال از طرف دولت بهیه روس بنشان درجه دویم (انا) فایز آمد در سنه ۱۳۰۴ بمهمانداری سفارت دولت ایطالیا که بدربار همایون می‌آمد مامور و از طرف دولت ایطالیا بکوماندر نشان (کورون دیتالی) معزی الیه مرحمت شد و در حدود همین سال بسمت مستشاری سفارت سنیه پطرزبورغ مامور دربار دولت بهیه روس و در سیصد و شش هنگام تشریف فرمائی موکب همایون بفرنگستان در جلفای ارس شرفیاب حضور همایون و بنشان و حمایل سرتیپی اول مفتخر و نایل و همه جا ملتزم رکاب همایون گردیده در رشت بعطای یک قبضه شمشیر مرصع سربلند آمد و در آن سفر خیر اثر بشرف و یمن ملازمت رکاب مبارک از طرف هر یک از دول معظمه اروپ نیز به نشانهای ذیشان نایل گردیده در سنه ۱۳۰۷ حسب الامر قبله عالم بلقب معین الوزاره و بمنصب سرتیپی اول منصوب و بسمت جنرال قونسولی دولت علیه مامور باقامت قفقازیه شد در سال ۱۳۰۸ مجلس اعانه در تفلیس بجهت تعلیم فقرا و ضعفای ایران و رعایت احوال متعلمین ایرانی تشکیل داد

میرزا رضا خان معین الوزاره که دانش لقب علمی معزی الیه است اشعار زیادی نیز بزبان فارسی و فرانسه انشاء کرده و کتاب منتخب دانش در زبان فارسی که حاوی حکایات نغز و شیرین است از آثار قلم معزی الیه است

محمد حسن

نمره هشتاد و پنجم

شرف

هزار و سیصد و نه

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد

قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

مرحوم مغفور حاجی میرزا صفا

قدوة العرفاء و قطب الاصفیاء مرحوم حاجی میرزا صفا طیب الله رمسه پسر مرحوم محمد حسنخان بن محمد خان داد و از اهل سوادکوه من اعمال طبرستان است و والده آنمرحوم از اهل سمنان در مبادی حال برای تحصیل علوم عزیمت عتبات عالیات نموده مدتی در آن اماکن فیض مواطن ساکن و در خدمت مرحوم سید رشتی

محمد حسن صاحب جواهر الکلام اعلی الله مقامه و بعض علماء دیگر بتحصیل علوم ادبیه و دینیه و الهیه مشغول بودند و ضمناً بصحبت و خدمت مردمان بزرک
و اهل حال نایل شده از فیض ملاقات و مقالات ایشان تهذیب اخلاق و تصفیه ضمیر منیر فرمودند پس از چند سال از آنجا بطور درویشی عزیمت
زیارت بیت الله الحرام فرموده سالهای سال در خطه حجاز گاهی در مکه معظمه و گاه در مدینه منوره و گاه در طائف توقف داشتند و در گاه و بی گاه
با حضور قلب و فراغت خاطر درک فیوضات زیارت آن مشاهد مقدسه را مینمودند و همواره در آن اماکن مشرفه بریاضات نفسانی و اربعینها بقطع لذایذ و
ترک حیوانی مشغول بودند مدتی نیز در بلاد مصر و سودان و سایر نقاط افریقیه و از آن پس چندی نیز در شامات و شهر دمشق و بیت المقدس
ساکن و در کار سیاحت و ارشاد طالبان راه حق بودند چنانکه چندین هزار نفس را در آنحدود از مذاهب مختلفه بمذهب و طریقت حقه دلالت و هدایت
نمودند روزگاری دراز نیز در دار السعاده اسلامبول مقیم و باشاعه مکارم اخلاق و ترویج طریقه حقه دینیه روزمی پرداختند چنانکه خلقی
کثیر ببرکت صحبت ایشان از غیاهب ضلالت بمواهب هدایت نایل و از تیه گمراهی بشاهراه شرع الهی واصل شدند و صیت صفای نیت و خلوص طویت
و مناعت مقام و متانت کلام و طیب انفاس و حسن اخلاق ایشان بتمام آفاق رسید خلقی حلقه ارادت ایشان در گوش کشیده از دور
و نزدیک از پرتو وجود سعادت نمود ایشان استفاضت مینمودند ولی ایشان همواره از پیرایه خود بینی و خود پسندی و حب جاه و مقام عاری
بودند و جوهر وجود را از اعراض علایق مجرد مینمودند بهیچ جا هیچکس شان دلبستگی نبود و در کمال وارستگی روزی چند در هر کجا اقامتی
فرموده زود بدرود میکردند تا پای بست الفت خلایق و کلفت علایق نگردند و هرگز سوای سرمایه تقوی و توکل زادی و جز بعنایت حق اعتمادی
نداشتند حقا در جمله صفات یگانه دوران و دقوقی زمان خود بودند گوئی جناب مولوی رومی علیه الرحمه در وصف ایشان سروده است

در زمین می شد چو مه بر آسمان　　شبروان را گشته زو روشن روان
در مقامی مسکنی کم ساختی　　کم دو روز اندر دهی انداختی
گفت در یک خانه گر باشم دو روز　　عشق آن مسکن کند در من فروز
غره المسکن احاذرها انا　　انقلی یا نفس سافر للغنا
لم اعود خلق قلبی بالمکان　　کی یکون خالص الصافی الامتحان

عجب آنکه در تمام عمر تاهل نفرموده مجرد راه رفته و هفتاد و نه سال عمر گرانمایه را
در طلب مرضات حق و ارشاد سالکین طریقت صرف نموده پایان حال بدار الخلافه طهران آمده مقارن اوان صدارت مرحوم حاجی میرزا
حسینخان مشیر الدوله سپهسالار اعظم بود بنابسوابق ارادت و الفت مرحوم سپهسالار اعظم آنجناب را در منزل خود نزول داده تا در سال
هزار و دویست و نود و یک هجری بروز هفتم شهر رمضان المبارک بدرود زندگانی نموده بسرای سرمدی و جوار رحمت ایزدی ارتحال فرمود
و بر حسب استدعای مرحوم سپهسالار اعظم و اجازت مخصوص بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلد الله سلطانه در قرب چشمه علی ری

جنب مقبره امامزاده هادی آنمرحوم را دفن نمودند و مقبره عالی و صحن وسیعی محکم ملوکانه بر سر قبر او بنا کرده موسوم بصفائیه داشتند که بالفعل خانقاه
دراویش و مزار زمره عرفا و جمله متصوفه است　　مرحوم حاجی میرزا صفا در مراتب فضل و فقاهت و حکمت متعالی و فنون ادب مقامی عالی داشت و گاهی
از اوقات نیز انشاد شعر مینمود که اشعار فارسی و عربی خوب از غزلیات و غیره از ایشان یادگار مانده است در اکثر ممالک سیاحت فرموده سی و پنج نوبت بسفر

جناب فخامت نصاب حاجی سید حسین نایب التولیه

حج بیت الله رفته اما غالب اوقاتشان در بلاد عثمانی و دار الملک اسلامبول بود سفری نیز بعزم سیاحت با قلیل قوت درویشی که از اسلامبول برداشته بودند
بفرنگستان رفتند اعلی الله مقامه　　این شرح حالی است که جناب قطب العرفاء حاجی پیرزاده که سالیان دراز با آنمرحوم مصاحب و در سفر و حضر رفیق

وهمدم و انیس و محرم بوده شفاهاً تقریر نموده‌اند و نگارش یافته است

جناب فخامت نصاب حاجی سید حسین نایب التولیه

جناب حاجی سید حسین نایب التولیهٔ سرکار فیض آثار رضویه ولد مرحوم حاجی سید سعید نقیب الاشراف متولی باشی آستانهٔ مبارکهٔ حضرت سید الشهداء و حضرت ابوالفضل العباس علیهما السلام از آل ثابت و والدهٔ ماجدهٔ ایشان از بنات معظمهٔ خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه قاجار انار الله برهانه سلطان سلیمانخان اول از سلاطین جنت مکین آل عثمان برای امر تولیت اماکن مشرفه و روضات مقدسهٔ کربلای معلی جد اعلای ایشانرا که از اولاد امجاد حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و دارای نفوذ کلمه در قبایل عرب بود از مدینهٔ منوره باکمال توقیر بهجرت بکربلا داده اسباب آسایش و رفاهیت و احترام ایشان را از هر جهت مهیا فرمود و از آن پس ابداً بعد نسل این سلسلهٔ شریفه بهمان نهج در کربلای معلی سمت ریاست داشتند تا والد ماجد جناب ایشان مرحوم حاجی سید سعید در سن چهل و پنجسالگی داعی حق را اجابت نموده چون در آنوقت جناب ایشان هشت ساله بودند و سنشان اقتضای کفالت امر جلیل تولیت را نداشت لهذا منصب موروث از ایشان منتزع و بدیگری منتقل شد پس از آنکه ایشان بحد رشد رسیدند و شرایط سیادت و آثار شهامت و لیاقت از هر جهة در ایشان موجود و مشهود افتاد نظر باینکه بیکار و منفصل از شغل و خدمت شریفهٔ اسلاف خود بودند حسب الامر قدر قدر همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی ملکه احضار بدار الخلافهٔ طهران شده و برحسب مناسبت و لیاقت شخصیه بمنصب جلیل نیابت تولیت آستانهٔ مبارکهٔ رضویه منصوب و بمواجب و مرسوم وراتبهٔ کافی از طرف دولت و کیسوت وادارهٔ تولیت موظف و بخلعت مهر طلعت خاص خسروانی مخلع و محترماً روانهٔ ارض اقدس شدند در سنهٔ ماضیه نیز باعطای یکقبضه عصای مرصع از طرف قرین الشرف ملوکانه مفتخر و بیک ثوب لباده بطانه خز از جانب آستانهٔ مقدسهٔ رضویه مشرف شده در موقع عید نوروز هذه السنهٔ میمونه نیز که حامل خلاع مبارکهٔ تولیت عظمای حضرت رضویه برای شخص اقدس همایون خسروانی گردیده بدار الخلافه آمدند شرف اندوز حضور همایون شاهنشاهی شده مشمول تفقد و مرحمت خاص گردیدند و هنگام مرخصی و معاودت باعطای یکثوب لباده ترمهٔ شمسهٔ مرصع از خلاع خسروانی مشرف و مخلع گردیده بر وظیفهٔ ایشان نیز مبلغی افزودند و با شکر گذاری وافر معاودت نمودند الحق جناب ایشان در اخلاق حمیده و آداب سیادت و وفور سعادت و شرافت تبار شایان کمال افتخارند

فان علا ما بین کسری و هاشم لاکرم من نیطت علیه التمائم

(تصحیح و اعتذار)

در نمرهٔ هشتاد و سه شرف در ذیل ترجمهٔ احوال جناب کامل پاشا صدر اعظم سابق دولت علیهٔ عثمانی سهواً نگارش یافته بود که معزی الیه دارای نشان عقاب قرمز از دولت المان هستند و حال آنکه نشان معزی الیه از دولت مشار الیها عقاب سیاه است نه قرمز

محمد حسن

نمرهٔ هشتاد و ششم هزار و سیصد و هشت

شرف

این روزنامهٔ شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخهٔ یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

جناب امیرالامراء العظام صمصام السلطنه امیر تومان

جناب امیرالامراء العظام صمصام السلطنه امیرتومان

جناب امیرالامراء العظام میرزا کریمخان صمصام السلطنه امیرتومان رئیس مدرسهٔ مبارکهٔ نظامی ناصری در مبادی حال دو سال در آستان مبارک شاهنشاه مبرور ماضی محمدشاه انارالله برهانه بسمت غلام‌بچگی مشغول خدمت بوده و در بدو جلوس ابد مأنوس بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله تعالی سلطانه که مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون برقرار شد بمدرسه رفته مشغول تحصیل علوم ریاضی و فنون نظامی و غیره شده در سنهٔ ۱۲۶۸ بمنصب تاماروری منصوب گردیدند پس از فراغت از تحصیل بمعلمی افواج قشون نصرت نمون منصوب و در اردوهای نظامی همه جا مشق و تعلیم افواج قاهره مشغول و در وزارت جنگ مرحوم میرزا محمدخان قاجار سپهسالار چندی در اطاق نظام بتدریس صاحب منصبان مأمور گردیده چند جلد کتاب در قوانین عسکریه و غیره ضمناً ترجمه نمودند و بمنصب یاوری فوج مخصوص سرفراز گردیدند در سنهٔ ۱۲۸۱ با مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار مأمور سفر گرگان گردیده در آنجا بمنصب سرهنگی فوج فیروزکوه و حمایل و نشان مخصوص آن نایل شدند در سنهٔ ۱۲۸۴ با مرحوم انوشیروانخان اعتضادالدوله مجدداً مأمور استرآباد و ساخلوی آق قلعه گردیده بمنصب و حمایل و نشان سرتیپی سوم سرافراز آمدند پس از آن نیز دو سفر دیگر مأمور استرآباد و یک سفر مأمور سرخس و در سنهٔ ۱۲۸۷ با فوج مأمور سیستان شده بمنصب سرتیپی دویم و حمایل و نشان آن مفتخر گردیدند بعد از آن مأمور بساخلوی شهر دارالخلافه شده ضمناً کتابچهٔ قانونی در انتظام قشون و نظام تصنیف و بوسیلهٔ طبع منتشر نموده باعطای یک قبضه شمشیر غلاف طلا نایل شدند در سفر دویم موکب همایون صاحبقرانی بفرنگستان برحسب اجازت دولت قوی‌شوکت بسمت آتشه ملیتری سفارت سنیهٔ ایران در پاریس مأمور و مقیم گشته و ضمناً در مدرسهٔ (سن سیر) تکمیل علوم و فنون نظامی نموده دارای نشان علمی فرانسه و (کماندر لژیان دونر) و بسیاری از نشانهای دول معظمهٔ اروپ و ینگی دنیا شدند و پس از هفت سال اقامت در فرنگ احضار بدربار همایون گردیده بمنصب سرتیپی اول و نشان و حمایل مخصوص آن و حکومت فیروزکوه و اعطای یک ثوب سرداری شمسهٔ مرصع منصوب و مخلع و در سنهٔ ۱۳۰۱ بریاست مدرسهٔ مبارکهٔ نظامی ناصری و عضویت مجلس محاکمات عسکریه برقرار گردیدند در سنهٔ ۱۳۰۴ باعطای یک قطعه نشان درجهٔ اول شیر و خورشید و یک رشته حمایل سبز مخصوص آن سرافراز و در سال هزار و سیصد و شش بلقب جلیل صمصام السلطنه ملقب گردیدند و زمانی که جهانگیرخان وزیر صنایع برخصت دولت و از فرون بجهت معالجهٔ خود بفرنگستان رفت در غیاب آن مرحوم برحسب

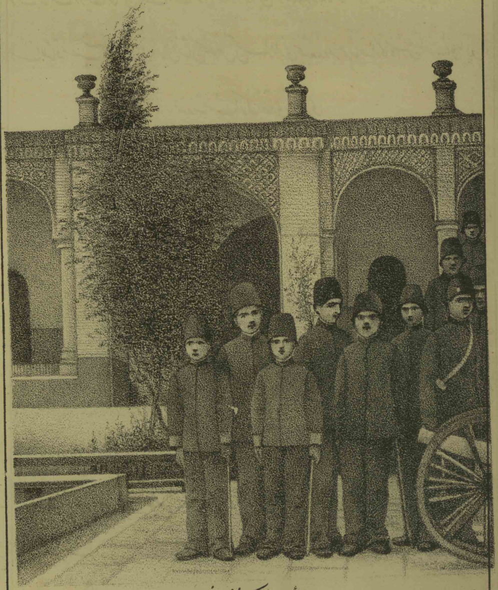

مدرسهٔ مبارکهٔ نظامی ناصری

انتخاب نواب مستطاب اشرف اکرم والا نایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ موقتاً ریاست و ادارهٔ امور قورخانهٔ مبارکهٔ دولت علیه بعهدهٔ صمصام السلطنه مرجوع و نظر بخشنودی و رضای خاطر مهر مظاهر اقدس همایون از مراسم درستکاری و حسن خدمات

معزی الیه یک قطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون درباره معزی الیه مبذول افتاد و در بیست و هشتم شوال المکرم سال ۱۳۰۸ که موقع سلام امتحان مدرسه مبارکه نظامی ناصری و هنگام بذل پاداش خدمات و زحمات و ترقیات اجزاء این مدرسه بود چون مراتب کفایت و درایت و محاسن مراقبت جناب معزی الیه در اداره این مدرسه مبارکه کاملاً مشهود پیشگاه حضور همایون گردید معزی الیه را حسب اللیاقه بمنصب جلیل امیرتومانی و حمایل و نشان مخصوص آن سرافرازی بخشیدند و بمراحم خاصه ملوکانه اش مفاخرت بی پایان دادند

مدرسهٔ مبارکه نظامی ناصری

برحسب امر قدر قدر بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله تعالی سلطانه و بذل توجهات و اهتمامات مخصوصهٔ نواب مستطاب اشرف اکرم والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ در سنه هزار و سیصد و یک هجری مدرسه مبارکه نظامی معروف بناصری با کمال رفعت و شکوه بنا شده و ریاست آن بموجب انتخاب نواب مستطاب اشرف اکرم والا شاهنشاهزادهٔ معظم با میر الامراء العظام میرزا کریمخان صمصام السلطنه امیرتومان که از تربیت یافتگان و دانشمندان مخصوص عهد همایون و بفنون و قواعد عسکریه دول متمدنه اروپ واقف و داناست مفوض و مرجوع گردید و معزی الیه کتابچهٔ مبنی بر دستور العمل و قانون افتتاح اینمدرسه و وضع تعلیم و تعلم و تحصیل در آن نوشته بتوسط نواب مستطاب اشرف معظم بلحاظ نظر انور اقدس همایون خسروانی رسیده صدر آن بدستخط تمجید آمیز ملوکانه موشح گردید و از مبادی سال سیصد و دو مدرسه دایر و برقرار شد و اکنون ده نفر معلم ایرانی و سه نفر معلم فرنگی و قریب دویست نفر متعلم و خلیفه در اینمدرسه مبارکه مشغول تعلیم و تعلم عموم السنه و علوم و خصوصاً فنون عسکریه و آداب و قوانین حربیه هستند و در سلام امتحانی که در ماه شوال هذه السنه توشقان ئیل شرف انعقاد یافت همگی اجزاء مدرسه از رئیس و ناظم و اجودان و معلمین و متعلمین هر یک بفراخور خدمات یا ترقیات علمیهٔ خود مورد امتیازات و مناصب و عطیات و مواجب ملوکانه آمدند

محمد حسن

شرف

این روزنامه شریفه ماهی یکنمره بطبع میرسد
قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دو هزار دینار

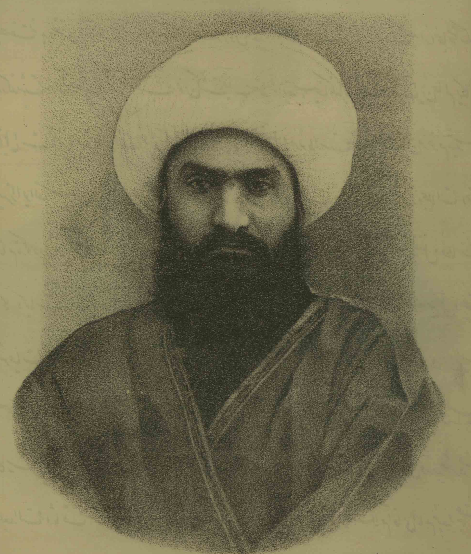

جناب معتمد الشریعه

جناب میرزا محمد حسین معتمد الشریعه از افاضل اسباط عالم ربانی مرحوم حاجی میرزا ابوطالب اصفهانی علی الله مقامات

صاحب الحاشیة المشهورة علی البهجة المرضیة شرح جلال السیوطی علی الالفیه که معاصر دولت پادشاه شهید سعید آقا محمد شاه و
خاقان خلد آشیان فتحعلی شاه انار الله برهانهما بوده و بدار السلطنه اصفهان در اقسام علوم رسمیه بتدریس میپرداخت و در حکمت و طی
ید طولی داشته در اطلاع بر علوم غریبه و آثار ادعیه و آیات و خواص اعداد و طلسمات نوادری شگفت از آنمرحوم مذکور است
و در حل معضلات احادیث و اخبار و کشف متشابهات آیات بدقت نظر و اصابت فکر مشهور بالجمله در مراتب فضل و فقاهت و اتصاف
بصفت زهد و تقوی و قناعت و انزوا در عصر خود از طراز اول معدود بوده و در سنه ۱۲۳۰ که بتانیا بحج رفت بعد از انجام مناسک
در گذشت و در جوار حضرت عبد المطلب ع مدفون گشت جناب معتمد الشریعه همچنانکه اباً بشرف انتساب این عالم یگانه
نائل است اماً نیز بابیت رسالت و شجره نبوت بوسایط صحیحه معلومه متصل و مربوط است جد امی ایشان مرحوم سید سند
میرزا ابو القاسم حسینی است که از فحول رجال و مشاهیر اهل فضل و کمال است در صحت نسب مشهور و بجلالت و احترام
تمام مذکور و از خواص مرحوم خلد مقام حاجی کلباسی اعلی الله مقامه بوده که جناب معزی الیه فضل و فطانت و
ذکاء و کیاست را از دو جد جلیل خویش بالوراثه حیازت نموده و مزایای مکتسب نیز بر آن افزوده فعلاً مرجع حل و عقد
شرعیات امور و موثق در مهمات دینیه جمهور است فیصل مقاصد و مهام و قضاء حوائج و مرام اغلب بحسن آگاهی و درایت
و صحت قول و قلم و سعی و قدم معزی الیه منوط است و چنانکه در کتاب المآثر و الآثار در ترجمت حال معزی الیه
نگارش یافته اسلاف آنجناب که هریک از محترمین اعیان اصفهان و در مراتب فضل و کمال باعلی درجه معروف
و بعدالت و وثاقت مسلمه موصوف بوده اند در معیت اسلاف جناب مستطاب ظهیر الاسلام آقای امام جمعه و جماعت
دار الخلافه از اصفهان بطهران آمده اند و در آن خاندان شرافت بنیان همواره آنچنان بوده و هستند که با اهل بیت
رسالت و نبوت حضرت سلمان ع و در فن صکوک و سجلات که علماء از فروع علوم شرعیه شمرده اند جامع معزی الیه را

مهارتی بکمال است کتب شروط و معاملات و عقود و ایقاعاتی که در بساط ریاست مناط جناب آقای امام معظم میگذرد
جمله به تعبیر و تحبیر اوست و فعلاً متجاوز از شش سال است که بر حسب امر قدر قدر و فرمان جهانمطاع ملوکانه بلقب معتمد الشریعه

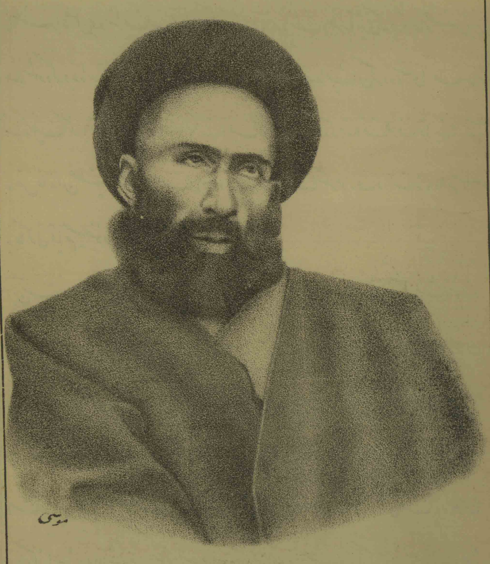

مرحوم آقا سید علی دربندی طاب ثراه

ملقب و بخلعت مهر طلعت خسروانه مخلع و پیوسته مشمول عنایات و انعامات همیون و طرف التفات و تکریمات خاص
اولیای دولت روز افزون و باحترامات در مجالس و محافل مقرون است

مرحوم آقا سید علی دربندی طاب ثراه

سید جلیل القدر عظیم الشأن مستجاب الدعوه میمون النقیبه حسن السمت صادق اللهجه دائم الذکر کریم الطبع طاهر الاصل بود و شرافت نسب و مزایای مکتسب را باهم داشت و نظر بتأثیری که در دعا و نفس این سلسله مشهود گردیده است بسا افتاده که معتقدین از راههای دور قصد ایشان کرده و مقضی الحاجه باز گشته اند چنانکه باقتضای همین قدس ذات و طیب انفاس بوده که همه وقت طرف عنایت و رعایت خاص خاندان عظیم الشأن سلطنت می بود و بپاس عواطف و شکر عوارف دولت را مادام العمر بدعاگوئی قیام مینمود

این سید صافی ضمیر در اوایل امر ریاضات شاقه و مجاهدات مشروعه حقه بسی متحمل شده بود و در اواخر عمر تکمیل مجاهدات را رابطه متین و واسطه امین میانه امنای دولت و ارکان دین کردیده و در مهام ملیه که بمراجعه امناء دولت علیه احتیاج می افتاد غالبا بحضور آن مرحوم منوط و بحسن کفایت او مربوط بود و بدین عمل که مستقلا نیز از عبادات عظیمه و مجاهدات حقه است غالبا اشتغال می جست بالجمله بعد از هفتاد و سه سال که این ستوده خصال در زی عبا و عنوان زهاد گذرانید در شهر رجب هزار و سیصد و نه بدار الخلافه باهره درگذشت و حسب الوصیه در قریه دربند شمیران من اعمال دار الخلافه طهران مدفون گشت

فکأنما برق تألق بالحمی ثم انطوی فکأنه لم یلمع

محمد حسن

جناب مستطاب اجل اکرم آقای نیر الملک وزیر علوم دام اقباله العالی

از اداره وزارت انطباعات

شرف

جریدهٔ شریفهٔ ~~شرافت~~